

آتش‌بس موقت؛

فرصت طلایی حکومت

برای گسترش اعدام و سرکوب

خرید سالنامه مهسا



قیمت: ۵۰ (پنجاه) پوند

تعداد صفحات: ۱۴۳۶

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۵۳۰ مگابایت
نحوه دریافت سالنامه پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید

خرید کتاب سقوط بهشت



قیمت: ۱۵ (پانزده) پوند

تعداد صفحات: ۷۵۲

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۱۳ مگابایت
نحوه دریافت کتاب پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید



بنیانگذار:

دکتر مصطفی مصباح‌زاده

KAYHANLIFE

SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

@KayhanLife

@kayhanlife

@KayhanLife

https://kayhanlife.com/
newsletters-subscription

کیهان شما، کیهان لندن

@KayhanLondon

@kayhanlondon

@kayhanlondon

https://t.me/kayhan_london

10 New Square-Lincoln's Inn
London WC2A 3QG

Tel: 0044 (0)20 3633 3684

e-mail:

info@kayhan.london

ads@kayhan.london

editorial@kayhan.london

www.kayhan.london

www.kayhanlife.com

سال چهل و سوم

کیهان شماره ۲۰۴۰ (۵۷۴)

۱۶ تا ۲۲ مرداد ۱۴۰۵

۷ تا ۱۳ اوت ۲۰۲۶

آگهی در کیهان آگاهی می‌آورد

نشانی سایت:

www.kayhan.london

روابط عمومی:

info@kayhan.london

آگهی و تبلیغات:

ads@kayhan.london

سردبیری:

editorial@kayhan.london

کیهان
KAYHANLONDON
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY
وبسایت کیهان لندن به زبان انگلیسی
KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY
www.kayhanlife.com

کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: جاله عنکبوت به قلم حامد محمدی (افسر خلبان)»

برای نخستین بار ایده‌آه گسترده حضور نظامی و ناگفته‌های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد. عالمان می‌توانند این کتاب را مستقلاً از طریق فایس با کیهان لندن ads@kayhan.london و یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشی‌های معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی‌های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

Satrap Publishing: Email: satrap@bconnect.com www.satrap.co.uk
Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD
Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA
Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN
UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris, FRANCE
Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY



نامه‌ها و عاشقانه‌ها

حکایتی شیرین از عشق و دلدادگی

نوشته: داریوش پیرنیا

به کوشش منصوره پیرنیا

لطفاً جهت تهیه کتاب "نامه‌ها و عاشقانه‌ها" با انتشارات مهر ایران

شماره تلفن: ۳۰۱۲۷۹۶۷۷۸ و یا ۲۴۰۶۰۲۷۲۳ در شرق آمریکا تماس حاصل نمایید.

Web: www.pirnia.com



Email: pirnia@pirnia.com



کیمهان

* فهرست مطالب *

۴	 سرمقاله - امید به تغییر همیشه زنده و پویاست / روشنک آسترکی
۴-۵	 تیر هفته - آتش پس موقت: فرصت طلایی حکومت برای گسترش اعدام و سرکوب ... /
۶	 پیام شاهزاده رضا پهلوی به مناسبت ۱۱۴ امرداد سالروز امضای فرمان مشروطیت ... /
۶	 حملات موشکی و پهبادی جمهوری اسلامی به کویت و دو نفتکش در دریای عمان ... /
۷	 بررسی طرح محاصره‌ی زمینی ایران برای تسلیم بقایای جمهوری اسلامی ... /
۸	 روترز: وضعیت مبهم مذاکرات میان آمریکا و جمهوری اسلامی ... /
۹	 «تسلیم» یا «قطع سر»: ساعت شنی عمر جمهوری اسلامی روی میز ترامپ ... /
۱۰-۱۱	 معمای یک استراتژی دشوار: عربستان در مرکز جنگ جمهوری اسلامی و آمریکا ... /
۱۱	 نامه وارده! ... / خیر اندیش (احمد/حرار)
۱۲-۱۴	 گذار از طوفان - خاطرات مرتضی زربخت در گفتگو با حمید احمدی / بخش (۵) ... /
۱۴-۱۵	 تأیید اسرائیل: تنگه‌هرمز و استراتژی آمریکا: از مهار چین تا افزایش فشار بر جمهوری اسلامی ... /
۱۶-۱۷	 پایان دادن به همکاری «علی جوانمردی» با بخش فارسی صدای آمریکا ... /
۱۸	 جبهه‌ی جنگ جمهوری اسلامی در عراق ... / عبدالرحمن الراشد (الشرق الاوسط)
۱۹	 میدان جنگ واشنگتن و تهران برای «تفاهیم» ... / مصطفی فحس (الشرق الاوسط)
۲۰	 نتایج: تصمیم نهایی جنگ با ترامپ است: تنگه‌هرمز دیگر اهرم قدرت تمدنی علیه بازار جهانی نفت ... /
۲۱	 منابع اسرائیلی: حماس در حال انتقال بخشی از فعالیت‌های خود از قطر به ترکیه است ... /
۲۱	 پنجره - آمریکا از ایران آزاد چقدر سود می‌برد؟ ... / فرید خلیفی
۲۱	 داستان - جنگ و صلح ترامپ: کی پایان می‌یابد؟! ... / بهنام محمدی
۲۲	 نیویورک پست: انقلاب در ایران ممکن است هر لحظه رخ دهد ... /
۲۳	 کاهش اهمیت استراتژی یک تنگه‌هرمز با گسترش مسیرهای جایگزین ... /
۲۴	 دونالد ترامپ: مشروط به دستیابی فوری به توافق، حملات علیه جمهوری اسلامی را لغو کردم ... /
۲۵	 ادامه صدور سرپالی احکام اعدام علیه بازداشت‌شدگان دی ۴۰۴ ... /
۲۶-۲۸	 آریامهر، نفت و منافع ملی ایران: از ملی شدن مالکیت تأملی کردن منافع (بخش ۲) ... / نامدار بقایی
۲۸-۲۹	 حسادت: آینه‌ای که ناگهانی‌های پنهان گروه‌های ایدئولوژیک ... / دکتر محمد طاباطبایی و دکتر عباس جباریان
۳۰	 سالگرد اشغال کویت: شباهت جمهوری اسلامی با رژیم صدام در ... / عبدالرحمن الراشد (الشرق الاوسط)
۳۱	 «تائیک بیدون استراتژی»: ترامپ و «تائیک وقت کشی» جمهوری اسلامی ... / احمد محمود دعاج (الشرق الاوسط)
۳۲	 ادعای «آکسوس»: جمهوری اسلامی، آمریکا و عمان در آستانه توافق بر سر تنگه‌هرمز ... /
۳۲-۳۳	 تردید درباره کمک روسیه و چین به جمهوری اسلامی در شرایط جنگی ... /
۳۳	 سی‌بی‌اس: آمریکا و اسرائیل در حال آماده‌سازی طرحی برای بمباران زیرساخت‌های انرژی ایران ... /
۳۴-۳۵	 روح‌الله خمینی، نخستین زمین‌خوار پس از انقلاب اسلامی ... / فیروزه نوردستروم
۳۵	 پنجره - تله‌ی تازه جاسوسی افلاکین از مردم ... / فرید خلیفی
۳۶-۴۰	 گزارش ویژه روترز از شبکه مالی پنهان جمهوری اسلامی: قمار، پولشویی و عملیات ۴ میلیارد دلاری ... /
۴۰-۴۱	 نوع دیگری از سرکوب و آزار عاب: کالنامه‌های ایرانیان خارج کشور مشروط به اعلام ازدادستانی و ... /
۴۱	 خبرگزاری سپاه پاسداران: توافق جمهوری اسلامی با آمریکا بر سر «تنگه‌هرمز» کذب است ... /
۴۲	 دونالد ترامپ: برای «خلع سلاح کامل حماس» توافق حاصل شده است ... /
۴۲-۴۳	 جی.دی. ونس: دست‌انداز «استراتژی ترامپ» در مقابل جمهوری اسلامی ... /
۴۴	 هشدار درباره رهاکارهای تورم‌زای دولت برای جبران کسری بودجه ... /
۴۵	 فقر و گرانی: افزایش تقاضای پرداخت اقساطی هزینه دارو و درمان ... /
۴۶	 معیشت و درآمدیش از نیمی از کاربران در ایران به اینترنت وابسته است ... /
۴۷	 سر نوشت مبهم محموله‌های دارویی اهداشده به ایران در جنگ ۴۰ روزه ... /
۴۸-۴۹	 وضعیت بازار مسکن بحرانی می‌شود: قیمت مصالح ساختمانی طی چند ماه بیش از دو برابر شد ... /
۴۹-۵۰	 خسارت هفتگت صنایع و کسب و کارها به علت قطع برق: وعده سرخرمن وزیر نیرو ... /
۵۰-۵۱	 آروین خیرخواه، از بازداشت‌شدگان اعتراضات دی ۴۰۴، در شاهرود اعدام شد ... /
۵۱	 جمهوری اسلامی امید به آزادپور باصفت را به اتهام «جاسوسی با اسرائیل» اعدام کرد ... /
۵۲	 ثبت رکورد بی‌سابقه «شاخص فلاکت» در بهار امسال ... /
۵۳	 فرارسیدن موج جدید تورم در اقتصاد ایران طی دو ماه آینده ... /
۵۴	 بلبشود مرزهای زمینی ایران و معطل ماندن هزاران کامیون ... /
۵۵	 نخستین گام دولت برای افزایش قیمت بنزین: سهمیه دوم بنزین کاهش یافت ... /
۵۶-۵۷	 تورم بالای صدور در صدمه‌های خوراک: در سراسر ایران: چشم‌انداز نگران‌کننده از شرایط اقتصادی کشور ... /
۵۷	 معاون پزشکیان کمبود گاز در پاییز و زمستان امسال را تأیید کرد: جیره‌بندی گاز در راه است ... /
۵۸	 تنش آبی ۵۸ شهر و ۳۴ میلیون نفر در ایران را تهدید می‌کند ... /
۵۹	 علت آلودگی تابستانی هوای تهران مشخص شد ... /
۶۰	 سرکوب سازمان یافته آموزشگران: دست کم ۶۰ آموزشگار پس از اعتراضات دی ماه بازداشت یا ... /
۶۱	 تداوم بحران کم‌آبی در ایران: خشکسالی شدید در ۹۸ درصد از پهنه شهرستان مشهد ... /
۶۲	 تأیید خبر سخته علی‌رضا سپاهی، بازداشت‌شده اعتراضات دی ۴۰۴، پیش از اجرای حکم اعدام ... /
۶۲-۶۳	 تاب آوری در سایه جنگ و بحران: سخنرانی دکتر نهضت‌فرمودی در دانشگاه «سواس» ... /
۶۴	 آتش دوباره بر جان‌هور العظیم افتاد ... /
۶۴-۶۵	 روش جدید سرکوب در جمهوری اسلامی: اعلام جرم علیه شهروندان به بهانه حمایت از ... /
۶۵-۶۶	 حذف دار و از سید مصر فی خانوارها به علت گرانی ... /
۶۶-۶۷	 آمارهای تکانه‌دهنده از گسترش فرونشست در ایران ... /
۶۸	 از پابلو اسکوبار تا جمهوری اسلامی: تاریخ، امپراتوری‌های ترس را یک جور به پایان می‌رساند! ... / مهدی نوذر
۶۸-۶۹	 تصویر تکانه‌دهنده بازار کار ایران ... /
۷۰-۷۱	 خبرهای کوتاه ... /
۷۲	 پشت جلد - عکس هفته / سیل مهاجران



بازنشر
بازنشر

آتش بس موقت؛ فرصت طلایی حکومت برای گسترش اعدام و سرکوب



● توافق احتمالی بر سر تنگه هرمز نه تنها مسئله‌ای میان تهران و واشنگتن از جمله مشکل برنامه هسته‌ای را حل نمی‌کند، بلکه بخشی از یک نبرد بزرگتر بر سر آینده جمهوری اسلامی است؛ نبردی که همزمان در سه عرصه نظامی، دیپلماتیک و خیابان‌های ایران جریان دارد.

اسلامی و عمان به تهران اجازه خواهد داد بر کشتی‌هایی که از طریق تنگه هرمز وارد خلیج فارس می‌شوند، کنترل داشته باشد؛ امتیازی که یکی از بزرگترین امتیازات به رژیم ایران محسوب می‌شود اما مشخص نیست آیا آمریکا و سایر کشورهای منطقه دادن چنین امتیازی را به جمهوری اسلامی بپذیرند یا نه.

«شبهه ۱۲» اسرائیل گزارش داده است که بر اساس این توافق، تنگه هرمز برای ۶۰ روز باز خواهد شد. کشتی‌هایی که وارد خلیج فارس می‌شوند از بخش ایرانی تنگه عبور خواهند کرد و کشتی‌هایی که به سمت دریای عمان و دریای عرب خارج می‌شوند، از مسیر جنوبی در عمان استفاده خواهند کرد. در این دوره ۶۰ روزه هیچیک از طرفین عوارضی از کشتی‌ها دریافت نخواهد کرد.

طبق مفاد این توافق که هنوز نهایی نشده، در ۳۰ روز نخست، طرفین تلاش خواهند کرد مین‌های دریایی موجود در تنگه را پاکسازی کنند؛ اقدامی که ممکن است زمان بیشتری ببرد، زیرا بر اساس این گزارش حدود ۷۰ تا ۱۰۰ مین در آب‌های منطقه کار گذاشته شده است.

پس از پاکسازی مسیر اصلی، این مسیر برای رفت و آمد کشتی‌ها در هر دو جهت مورد استفاده قرار خواهد گرفت. بر اساس این گزارش، زمامداران ایران و عمان در طول این دوره ۶۰ روزه درباره یک توافق دائمی برای تردد کشتی‌ها در تنگه هرمز مذاکره خواهند کرد.

جمهوری اسلامی ایران و دولت عمان ادعا می‌کنند در آستانه رسیدن به یک توافق موقت بر سر «تنگه هرمز» هستند. محتوای دقیق این توافق مشخص نیست اما برخی منابع گزارش داده‌اند که با این توافق، کنترل بخشی از تنگه هرمز در اختیار جمهوری اسلامی قرار می‌گیرد. این توافق ۶۰ روزه به منزله تهدید آتش‌بس میان آمریکا و رژیم ایران خواهد بود اما آمریکا اعلام کرده است که «محاصره دریایی» همچنان ادامه خواهد داشت.

در ایران منابع نزدیک به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اعلام کردند، بازگشایی تنگه هرمز منوط به اجرای تعهدات آمریکا است، از جمله آزادسازی پول‌های بلوکه شده ایران.

منابع بین‌المللی عنوان می‌کنند یکی از موانع احتمالی توافق، وضعیت نامشخص مجتبی خامنه‌ای «رهبر جمهوری اسلامی» است. مسعود پزشکیان رئیس‌جمهوری اسلامی در مصاحبه‌ای گفت که ارتباط با مجتبی خامنه‌ای در شرایط کنونی «بسیار دشوار» است.

در این میان، دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا ادعا می‌کند مذاکرات خوب پیش رفته است اما همزمان هشدار داد اگر توافقی حاصل نشود، جمهوری اسلامی را «به شدت» مورد حمله قرار خواهد داد.

یک مقام ارشد جمهوری اسلامی و دو مقام منطقه‌ای به خبرگزاری رویترز گفته‌اند، توافق پیشنهادی میان جمهوری

امید به تغییر همیشه زنده و پویاست

با گذشت پنج ماه از آغاز دوباره جنگ آمریکا و اسرائیل علیه جمهوری اسلامی، و با وجود امضای «یادداشت تفاهم اسلام‌آباد» که ناکام و ناپایدار بود، شرایط توأمان حمله و مذاکره میان طرفین همچنان پابرجاست. در این میان مردم ایران بیش از پیش زیر بار فشار ناشی از هزینه‌های جنگ و بحران‌های اقتصادی و سرکوب‌های تشدیدشده حکومت قرار گرفته‌اند. با اینهمه «امید به تغییر» همچنان در مردم ایران زنده است.

جامعه‌شناسان تأکید دارند «امید به تغییر» در کنار ظرفیت سازماندهی و اقدام آگاهانه جمعی یکی از مهمترین عوامل پیشبرد جنبش‌های سیاسی- اجتماعی است. در این میان مفهومی تحت عنوان «امید پایدار» مطرح می‌شود که امیدواری جامعه را وارد مرحله‌ی کنش عملی با تکیه بر عاملیت جامعه می‌کند. عاملیت (Agency) در برابر انفعال (Passivity) دو واژه مهم در تحلیل جنبش‌های اجتماعی و سیاسی، به ویژه در جوامع تحت کنترل حکومت‌های تمامیت‌خواه هستند؛ نمونه‌های تاریخی نشان می‌دهند چگونه ملت‌ها با تکیه بر ظرفیت‌ها و توان و همبستگی خودشان، توانسته‌اند سرنوشت خویش را تغییر دهند. در ایران معاصر نیز بار تحولات سیاسی همواره بر دوش مردم بوده است. در جنبش‌های موفق ضدحکومتی در دیگر کشورها، از جمله در «جنبش همبستگی» لهستان و جنبش ضد آپارتاید آفریقای جنوبی- در نهایت مبارزات مستمر و آگاهانه ملت با تکیه بر توان و اراده‌ی خودشان آنها را به پیروزی رساند؛ اگرچه عوامل بیرونی در آنها نیز نقش تضعیف‌کننده‌ی حاکمان و حمایت از آزادی جامعه را داشته‌اند اما تعیین سرنوشت در نهایت به دست مردم بود.

در کنار «امید پایدار» اما مفهوم «درماندگی آموخته‌شده» (Learned Helplessness) در روانشناسی اجتماعی نیز خودنمایی می‌کند؛ یعنی زمانی که به دلیل فشار و عدم توازن قوا، شهروندان احساس کنند که توان تغییر یا اثرگذاری بر رویدادها را ندارند، و در نتیجه توان کنشگری آنها کاهش یافته و به سمت انفعال بروند. از همین رو، پیوند زدن سرنوشت مبارزات مردم ایران که پس از بهمن ۵۷ همواره در جریان بوده، به «جنگ» یا «مذاکره» بین طرفین داخلی و خارجی که هر کدام منافع خود را دنبال می‌کنند، می‌تواند این فرصت را به دستگاه تبلیغاتی رژیم بدهد که «امید پایدار» در مردم ایران را به سوی احساس «درماندگی» سوق دهد. به همین دلیل نیز جمهوری اسلامی بلافاصله پس از آغاز جنگ اخیر که تنها چند هفته پس از سرکوب خونبار اعتراضات دی ۴۰۴ آغاز شد، فضای سرکوب را تشدید کرده است. هدف حکومت تعمیق احساس «درماندگی آموخته‌شده» در جامعه با تزریق زهر دوگانگی «ناامیدی و هراس» است. در این میان فشارهای اقتصادی، تورم و بیکاری و تحمیل هدفمند احساس «فلاکت» به مردم نیز در تثبیت احساس «درماندگی» مؤثرند.

جمهوری اسلامی که مدت‌هاست در ذهن مردم فرو پاشیده، می‌داند که یکی از مهمترین میدان‌های نبرد همین «ذهن جامعه» است. پس، با ایجاد چشم‌اندازی از فلاکت و سرکوب و ناتوانی به عنوان «سهام مردم»، و مذاکره و توافق و گشایش و بقاء به عنوان «سهام نظام» تلاش دارد ذهن مردم را مأیوس و تسلیم کند!

در چنین شرایطی، تأکید بر واقعیات و «امید پایدار» به عنوان یک حقیقت انکارناپذیر، بدون آنکه در دام خیال‌پروری‌ها افتاد، می‌تواند بهترین کمک برای جامعه‌ای باشد که با وجود زخم‌های عمیق، حاضر به کوتاه آمدن از مسیر خود به سوی آزادی و راهی از شر جمهوری اسلامی نیست. این را به روشنی می‌توان در تداوم مقاومت و اعتراضات مدنی، پویایی جنبش دادخواهی، افشای روایت‌سازی‌های رژیم، تسلیم نشدن در برابر سرکوب‌ها و مقابله با جنگ روانی حکومت دید، که همگی بیانگر پویایی جنبش آزادیخواهی ایرانیان علیه جمهوری اسلامی و امید پایدار به تغییر هستند.

مسائل حل‌نشده باقی مانده است

مقامات جمهوری اسلامی می‌خواهند آمریکا و کشورهای منطقه «کنترل جمهوری اسلامی بر تنگه هرمز» را بپذیرند؛ اگرچه ترامپ گفته توافق برای بازگشایی تنگه بسیار نزدیک است، اما مقام‌های آمریکایی بارها تأکید کرده‌اند که هرگز با کنترل حکومت ایران بر مهم‌ترین مسیر انتقال انرژی جهان

بازگشایی تنگه هرمز را نمی‌توان الزاماً نشانه پایان تقابل میان تهران و واشنگتن دانست. این توافق، حتی در صورت نهایی شدن، بیشتر شبیه یک مکث کوتاه برای مدیریت یکی از بحرانی‌ترین نقاط رویارویی است؛ نقطه‌ای که در آن منافع اقتصادی جهانی، قدرت نظامی آمریکا و استراتژی بازدارندگی جمهوری اسلامی به یکدیگر گره خورده‌اند.

این مخالفان معتقدند تجربه سال‌های گذشته نشان داده است که جمهوری اسلامی در مقاطع کاهش تهدید خارجی، بجای کاهش فشار امنیتی علیه شهروندان، همواره از این فرصت برای برخورد شدیدتر استفاده کرده است. افزایش اجرای احکام اعدام علیه زندانیان سیاسی و عقیدتی، تشدید حضور نیروهای امنیتی در شهرها و گسترش ایست‌های



موافقت نخواهند کرد. منابع ایرانی و منطقه‌ای که با رویترز صحبت کرده‌اند، هشدار داده‌اند مسائل مهمی همچنان حل‌نشده باقی مانده و با ادعای ترامپ درباره نزدیک بودن توافق نیز مخالفت کرده‌اند.

از سوی دیگر، کشورهای عربی خلیج فارس خواهان آن هستند که بازرسی کشتی‌ها تحت نظارت کشورهای منطقه انجام شود و هرگونه پرداخت هزینه عبور، داوطلبانه باشد. بر اساس گفته یک مقام ارشد ایرانی، تهران خواهان دریافت ۵ تا ۷ درصد ارزش محموله‌ها از کشتی‌هایی است که از تنگه عبور می‌کنند. عمان پیشنهاد هزینه‌ای حدود ۳ درصد را مطرح کرده و واشنگتن خواهان عدم دریافت هرگونه هزینه است.

کارشناسان می‌گویند، داوطلبانه اعلام کردن این هزینه‌ها ممکن است راهی برای حل اختلاف باشد، هرچند تهدید ضمنی حملات رژیم ایران می‌تواند باعث شود شرکت‌های کشتیرانی بدون پرداخت هزینه، ریسک عبور را نپذیرند اما در تجارت، آنهم در محیط خطرناکی مثل تنگه هرمز، «پرداخت داوطلبانه هرچیزی به اسم عوارض یا حق عبور» بی‌معناست.

روزنامه «والاستریت ژورنال» در مقاله‌ای با عنوان «قمار حکومت ایران روی تنگه هرمز» می‌نویسد، رهبران جمهوری اسلامی در رویارویی با دونالد ترامپ دست به محاسبه‌ای پرخطر زده‌اند: آنها حفظ کنترل بر تنگه هرمز را به خط قرمزی غیرقابل مذاکره تبدیل کرده‌اند.

آتش‌بس یا مکث پیش از مرحله بعدی جنگ؟

توافق احتمالی میان جمهوری اسلامی ایران و عمان درباره

در حالی که مذاکرات درباره وضعیت تنگه هرمز ادامه دارد، نشانه‌های میدانی حاکی از آن است که گزینه نظامی همچنان از میز ترامپ حذف نشده است. ادامه حضور و جابجایی نیروها و تجهیزات آمریکایی در منطقه نشان می‌دهد واشنگتن همزمان با مسیر دیپلماتیک، برای اجرای گزینه نظامی نیز آماده است.

در میان زمامداران جمهوری اسلامی نیز بخشی از جریان‌های بانفوذ در ساختار قدرت همچنان بر این باورند که اختلاف بنیادین تهران و واشنگتن از طریق توافق حل نخواهد شد و تعیین تکلیف نهایی میان دو طرف، دیر یا زود از مسیر یک رویارویی نظامی خواهد گذشت. این نگاه، به ویژه در میان بخش‌هایی از نیروهای نزدیک به سپاه پاسداران، باعث می‌شود هر توافقی پیشاپیش به عنوان صرفاً فرصتی برای بازسازی توان و تأثیر بر شرایط ارزیابی شود و نه پایان درگیری و جنگ!

از سوی دیگر، گزارش‌هایی درباره فعال‌تر شدن برخی گروه‌های مسلح مخالف جمهوری اسلامی در پیرامون مرزهای ایران و همچنین انتقال احتمالی تجهیزات نظامی به داخل کشور، نشان می‌دهد آتش‌بس در هر حال بسیار شکننده است.

افزایش سرکوب و اعدام همزمان با آتش‌بس

در این میان، بخشی از مخالفان جمهوری اسلامی نسبت به هرگونه وقفه در تقابل نظامی با آمریکا نگرانی دیگری را مطرح می‌کنند: استفاده حکومت از دوره‌های کاهش فشار خارجی برای بازسازی ساختارهای امنیتی و افزایش سرکوب داخلی.

بازرسی از جمله مواردی است که در روزهای اخیر مورد توجه فعالان مخالف حکومت قرار گرفته است.

همزمان گزارش‌هایی درباره مسلح شدن نیروهای بسیجی و تشکل‌های موسوم به «مردم‌پایه» منتشر شده است. حکومت این اقدامات را بخشی از آمادگی برای مقابله با تهدید خارجی و احتمال عملیات زمینی آمریکا معرفی می‌کند، اما مخالفان جمهوری اسلامی آن را اقدامی برای کنترل اجتماعی، ایجاد فضای وحشت و آمادگی در برابر اعتراضات داخلی ارزیابی می‌کنند.

در چنین شرایطی، بخشی از جامعه ایران نگران است که هرگونه توافق موقت میان دولت دونالد ترامپ و جمهوری اسلامی، به تهران فرصت دهد تا ساختارهای امنیتی آسیب‌دیده خود را بازسازی کند و توان سرکوب داخلی را افزایش دهد.

در مقابل، گروهی دیگر معتقدند همین وقفه‌های دیپلماتیک ممکن است ناشی از محدودیت‌ها و محاسبات دولت آمریکا باشد. از نگاه این جریان، دونالد ترامپ نیز با وجود تهدیدهای نظامی علیه جمهوری اسلامی، با ملاحظاتمانند هزینه‌های یک جنگ گسترده، تبعات منطقه‌ای و فشارهای سیاسی داخلی مواجه است و به همین دلیل ممکن است مسیر مذاکره را به عنوان یک گزینه موقت دنبال کند.

به این ترتیب، توافق احتمالی بر سر تنگه هرمز نه تنها مسئله‌ای میان تهران و واشنگتن از جمله مشکل برنامه هسته‌ای را حل نمی‌کند، بلکه بخشی از یک نبرد بزرگتر بر سر آینده جمهوری اسلامی است؛ نبردی که همزمان در سه عرصه نظامی، دیپلماتیک و خیابان‌های ایران جریان دارد.

حملات موشکی و پهپادی جمهوری اسلامی به کویت و دو نفتکش در دریای عمان

● با وجود توقف حملات آمریکا به مراکز نظامی و استراتژیک در ایران، نیروهای مسلح جمهوری اسلامی شنبه دهم مرداد ۱۴۰۵ دو نفتکش در آب‌های عمان را هدف قرار دادند. موتورخانه یکی از این کشتی‌ها آسیب دیده و از مسیر منحرف شده است. ارتش کویت نیز اعلام کرد چند پهپاد و موشک جمهوری اسلامی را رهگیری کرده است.

● از سوی دیگر، محمدباقر ذوالقدر دبیر شورای عالی امنیت جمهوری اسلامی تهدید کرد: «ادامه محاصره دریایی و آتشافروزی رژیم آمریکا، هم قفل تنگه هرمز را محکم‌تر می‌کند و هم تنگه‌ها و گلوگاه‌های دیگر را می‌بندد.»

با وجود توقف حملات آمریکا به مراکز نظامی و استراتژیک در ایران، نیروهای مسلح جمهوری اسلامی شنبه دهم مرداد ۱۴۰۵ دو نفتکش در آب‌های عمان را هدف قرار دادند. ارتش کویت نیز اعلام کرد چند پهپاد و موشک جمهوری اسلامی را رهگیری کرده است.

سازمان عملیات تجارت دریایی بریتانیا خبر داد حمله‌ای به نزدیکی یک نفتکش حوالی بندر «خصب» در سواحل عمان رخ داده است. این محل در نزدیکی ورودی تنگه هرمز از سمت عمان قرار دارد. حمله دیگری نیز نزدیک «لیما»، گزارش شده بود. در حمله قبلی، موتورخانه کشتی آسیب دید و کشتی از کنترل خارج شد.

همزمان ارتش کویت از رهگیری پهپادها و موشک‌های جمهوری اسلامی خبر داد. ارتش کویت اعلام کرد سامانه‌های پدافند هوایی این کشور در حال رهگیری پهپادها و موشک‌های «متخاصم» جمهوری اسلامی هستند.

با افزایش احتمال تشدید اقدام نظامی علیه جمهوری اسلامی، سفارت آمریکا در امان، پایتخت اردن، از شهروندانش خواست با توجه به افزایش تنش‌ها در خاورمیانه، منطقه را ترک کنند. سفارت آمریکا در امان هشدار داد که جمهوری اسلامی اخیراً بدون هشدار قبلی به اهدافی در منطقه حمله کرده و دامنه حملات خود را به مناطقی از جمله مصر گسترش داده است. در این میان، محمد اکرمی‌نیا سخنگوی ارتش جمهوری اسلامی ایران اعلام کرد که پایگاه‌های آمریکا با پهپادهای جدید ارتش هدف قرار گرفته است.

از سوی دیگر، محمدباقر ذوالقدر دبیر شورای عالی امنیت جمهوری اسلامی تهدید کرد: «ادامه محاصره دریایی و آتشافروزی رژیم آمریکا، هم قفل تنگه هرمز را محکم‌تر می‌کند و هم تنگه‌ها و گلوگاه‌های دیگر را می‌بندد.»

شبکه سی‌بی‌اس در گزارشی که نهم مرداد ۱۴۰۵ منتشر شد، به نقل از منابع آمریکایی نوشت، ایالات متحده و اسرائیل در حال برنامه‌ریزی برای اجرای یکی از شدیدترین کارزارهای همپارن تا به امروز علیه اهداف مرتبط با زیرساخت‌های انرژی در ایران هستند و این حملات ممکن است در طول تعطیلات آخر هفته انجام شود.

پیام شاهزاده رضا پهلوی به مناسبت ۱۴ مرداد سالروز امضای فرمان مشروطیت



خانه ملت، محل تجلی رأی و اراده‌ی مردم انقلاب مشروطه و مجلس شورای ملی

هم‌میهنانم،

حاکمیت شرع و فقها را بر قانون و حاکمیت ملی برتری می‌دادند. آن جریان فکری، دهه‌ها بعد در قالب جمهوری اسلامی و ولایت فقیه بر ایران حاکم شد. تأسف‌بار آنکه امروز نیز برخی جریان‌های سیاسی، هرچند با ظاهری متفاوت، همچنان با اصل حاکمیت ملت و پذیرش رأی مردم به عنوان مرجع نهایی تعیین نظام سیاسی آینده ایران مخالفت می‌کنند.

اگرچه آشفته‌گی‌های سال‌های پایانی حکومت قاجار، و کارشکنی مخالفان مشروطه مانع از تحقق کامل آرمان‌های این نهضت شد، اما بخش مهمی از آن آرمان‌ها در دوره حکومت دو پادشاه پهلوی تحقق یافت و به اجرا درآمد، از جمله با تأسیس دادگستری مدرن، احداث راه‌آهن سراسری، نوسازی ارتش، تأمین امنیت کشور، بنیانگذاری بانک ملی، ساماندهی امور اقتصادی و مالی و ایجاد دیگر نهادهای بنیادین توسعه.

امروز پاسداشت انقلاب مشروطه یعنی تأکید بر حاکمیت قانون، رأی و اراده ملت، جدایی کامل دین از حکومت، و بازگرداندن ایران به ریل ترقی و تمدن.

بر همین اساس، برنامه من برای هدایت ایران در دوران گذار بر برگزاری انتخابات آزاد، حاکمیت رأی ملت، تشکیل مجلس مؤسسان برای تعیین مسیر آینده کشور و فراهم آوردن زمینه شکوفایی و رفاه برای همه ایرانیان تأکید دارد. سالروز صدور فرمان مشروطیت گرامی باد و یاد همه تلاشگران راه آزادی، قانون و پیشرفت ایران جاودان.

امروز، سالروز امضای فرمان مشروطیت در ۱۴ مرداد ۱۲۸۵، برای ما یادآور یکی از بزرگ‌ترین جنبش‌های تاریخ معاصر ایران است، جنبشی که از دل اندیشه و تلاش ده‌ها ساله‌ی ایران‌دوستانی برخاست که از عقب‌ماندگی و نابسامانی ایران در دوران قاجار رنج می‌بردند.

آرمان مشروطیت بر سه اصل بنیادین استوار بود: حاکمیت قانون،

حاکمیت ملی و اراده ملت، و پیشرفت و ترقی ایران.

مشروطه‌خواهان به خوبی دریافته بودند که بدون قانون، دادگستری مدرن و سامان اقتصادی، استقلال و پیشرفت کشور امکان‌پذیر نخواهد بود. شاید بتوان سخن ابوالحسن‌خان پیرنیا، نماینده تهران در جلسه ۱۵ شهریور ۱۲۸۶ نخستین مجلس شورای ملی، را چکیده و تجلی خواست آنان دانست:

«ایرانیان را دیگر جان به لب رسیده است؛ دو چیز لازم داریم، یکی مالیه و یکی عدلیه.»

کتاب «یک کلمه» اثر میرزا یوسف‌خان مستشارالدوله نیز همین حقیقت را یادآور می‌شد: راز پیشرفت کشور در یک کلمه خلاصه می‌شود، قانون.

اما این مبارزه با مقاومت مشروطه‌خواهانی روبرو شد که

بررسی طرح محاصره‌ی زمینی ایران برای تسلیم بقایای جمهوری اسلامی



دونالد ترامپ و بنیامین نتانیاهو/ کاخ سفید/ واشنگتن / ۲۸ ژوئیه ۲۰۲۶ / رویترز

برای منحرف کردن توجه رژیم تهران باشد. در دیدار ترامپ-نتانیاهو سه گزینه‌ی توافق، ادامه‌ی محاصره‌ی دریایی یا از سر گرفتن حملات مطرح شدند که نخست‌وزیر اسرائیل، به گفته‌ی خودش، برای تحمیل هیچ گزینه‌ای تلاش نکرده است.

برخی تحلیلگران به طرح محاصره‌ی زمینی به دلیل پیچیدگی‌های دیپلماتیک و نظامی با دیدی تردید می‌نگرند. با این حال جنگ همچنان در جریان است و گزینه‌های نظامی و اقتصادی هر دو روی میز قرار دارند. با بالاگرفتن تنش میان ایالات متحده‌ی آمریکا و جمهوری اسلامی، در جلسه‌ی کابینه در کمپ دیوید که با حضور دونالد ترامپ، پیت هگست وزیر جنگ و مارکو روبریو وزیر امور خارجه برگزار شد، رئیس‌جمهور آمریکا طرح حملات گسترده علیه جمهوری اسلامی را تا در آخر همین هفته (۱ و ۲ اوت ۲۰۲۶) صادر کرد. دونالد ترامپ در این جلسه با دروغگو نامیدن مذاکره‌کنندگان جمهوری اسلامی افزود که ضربه بسیار سختی به آنها خواهد زد.

پس از اعلام برنامه‌ریزی برای موج تازه‌ای از حملات از سوی دونالد ترامپ همچنین اسکات بسنت وزیر خزانه‌داری آمریکا تحریم‌هایی را علیه شرکت‌های وابسته به جمهوری اسلامی مرتبط با حفاظت در تنگه هرمز اعلام کرد و سفارتخانه‌های آمریکا در اسرائیل، عراق و اردن با انتشار هشدارهای امنیتی، از شهروندان آمریکایی خواسته‌اند برای ترک خاورمیانه آماده باشند.

در تازه‌ترین رویداد، گزارش‌هایی از حملات پهنای جمهوری اسلامی به کویت و همچنین هدف قرار گرفتن یک نفتکش در نزدیک عمان منتشر شده است.

ابزارهای غیردینامیک یا درواقع حمله بدون شلیک مستقیم هستند.

ترکیب این دو روش معمولاً برای افزایش فشار حداکثری به کار می‌رود و گزارش روزنامه تلگراف بر طرح محاصره‌ی زمینی ایران و تشدید فشارهای اقتصادی و به کار گرفتن ابزارهای غیردینامیک است.

ژنرال بازنشسته‌ی آمریکایی شان مک‌فارلند اجرای این طرح را تقریباً سخت و دشوار خوانده، زیرا عراق و دیگر کشورهای همسایه با خطر عواقب اقتصادی و حملات تلافی‌جویانه مواجه می‌شوند. گذرگاه‌هایی مانند اینچه‌برون و سرخس در مرز ترکمنستان از اهداف احتمالی این روش هستند.

به گزارش تلگراف، هدف محاصره‌ی زمینی در دست بررسی آمریکا و اسرائیل، جلوگیری از صادرات و واردات و مختل کردن توانایی جمهوری اسلامی در باسازی نظامی است. رژیم تهران در انتظار دریافت صدها پرتابگر و سامانه‌های موشکی پدافند هوایی قابل حمل (دوش‌پرتاب) از چین در قراردادی به ارزش هفتاد میلیون دلار است.

دونالد ترامپ معتقد است که استراتژی فعلی برای بازگشایی تنگه هرمز به پایان رسیده و به دنبال گزینه‌های تشدید فشار برای وادار کردن جمهوری اسلامی به مذاکره است. محاصره‌ی دریایی قبلی و کنونی ایالات متحده آمریکا، بخشی از استراتژی فشار حداکثری بوده است. ایران با کمبود شدید گاز و صف‌های طولانی در پمپ‌بنزین‌ها روبروست و رهبری آن بین نگرانی از فروپاشی اقتصادی و ادامه‌ی جنگ تقسیم شده است.

برخی ناظران می‌گویند این طرح ممکن است یک فریب

● بر اساس گزارش روزنامه‌ی تلگراف، دونالد ترامپ و بنیامین نتانیاهو در دیدار سه‌شنبه ۲۸ ژوئیه در کاخ سفید، افزایش فشار اقتصادی از طریق «ابزارهای دینامیک و غیردینامیک» را بررسی کردند. یکی از گزینه‌ها، محاصره‌ی زمینی است که مستلزم متقاعد کردن همسایگان ایران (ترکیه، عراق، پاکستان، افغانستان، ترکمنستان، آذربایجان و ارمنستان) برای بستن یا محدود کردن گذرگاه‌های مرزی است.

● به گزارش تلگراف، هدف محاصره‌ی زمینی در دست بررسی آمریکا و اسرائیل، جلوگیری از صادرات و واردات و مختل کردن توانایی جمهوری اسلامی در باسازی نظامی است. رژیم تهران در انتظار دریافت صدها پرتابگر و سامانه‌های موشکی پدافند هوایی قابل حمل (دوش‌پرتاب) از چین در قراردادی به ارزش هفتاد میلیون دلار است.

● برخی ناظران می‌گویند این طرح ممکن است یک فریب برای منحرف کردن توجه رژیم تهران باشد. در دیدار ترامپ-نتانیاهو سه گزینه‌ی توافق، ادامه‌ی محاصره‌ی دریایی یا از سر گرفتن حملات مطرح شدند که نخست‌وزیر اسرائیل، به گفته‌ی خودش، برای تحمیل هیچ گزینه‌ای تلاش نکرده است.

ایالات متحده‌ی آمریکا و اسرائیل در حال بررسی گزینه‌ی محاصره‌ی زمینی ایران برای افزایش فشار اقتصادی بر جمهوری اسلامی هستند.

این طرح در حالی مطرح شده است که کارزار حملات هوایی اگرچه به انهدام و تضعیف توان نظامی جمهوری اسلامی منجر شده، اما هنوز نتوانسته خواست دونالد ترامپ را بر مبنای تسلیم بدون قید و شرط (unconditional surrender) برآورده نماید.

بر اساس گزارش روزنامه‌ی تلگراف، دونالد ترامپ و بنیامین نتانیاهو در دیدار سه‌شنبه ۲۸ ژوئیه در کاخ سفید، افزایش فشار اقتصادی از طریق «ابزارهای دینامیک و غیردینامیک» را بررسی کردند. یکی از گزینه‌ها، محاصره‌ی زمینی است که مستلزم متقاعد کردن همسایگان ایران (ترکیه، عراق، پاکستان، افغانستان، ترکمنستان، آذربایجان و ارمنستان) برای بستن یا محدود کردن گذرگاه‌های مرزی است.

یک مقام ارشد اسرائیلی به تلگراف گفته است: «اگر فقط زمین را مسدود کنیم و جمهوری اسلامی نتواند چیزی وارد یا خارج کند، هر اتفاقی ممکن است رخ دهد.»

ابزارهای دینامیک Kinetic روش‌هایی هستند که در آن بطور مستقیم از نیروی فیزیکی نظامی استفاده می‌شود و باعث نابودی اهداف ساختاری می‌شود. عملیات زمینی-دریایی با انواع تسلیحات، مپاران اهداف و حملات هوایی، موشکی و پهنای یا هر اقدامی که حرکت و انرژی فیزیکی و دینامیک و پویا مانند انفجار ایجاد کند، نمونه‌هایی از ابزارهای دینامیک یا ضربتی محسوب می‌شوند.

ابزارهای غیردینامیک Non-kinetic روش‌هایی هستند که برخلاف تلاش برای ایجاد نیروی فیزیکی مانند انفجار، تمرکز بیشتر بر فشارهای اقتصادی، اطلاعاتی، روانی یا سایبری دارند. محاصره‌ی دریایی یا زمینی با هدف بستن مرزها و قطع جریان کالا و پول، حملات سایبری، جنگ اطلاعاتی و تبلیغاتی و فشار دیپلماتیک در راستای انزوای سیاسی،

رویترز: وضعیت مبهم مذاکرات میان آمریکا و جمهوری اسلامی؛ اهداف اصلی ترامپ تحقق نیافته است



تهران / عکس: رویترز

می‌رسد که از زمان آغاز عملیات «خشم حماسی» (Opera-tion Epic Fury) توسط ترامپ و اسرائیل، بیش از پنج ماه پیش، مشاهده شده است. ترامپ چندین بار رژیم ایران را به اقدام نظامی تهدید کرده، اما سپس با استناد به تماس‌های دیپلماتیک از اجرای حملات عقب‌نشینی کرده است. از سوی دیگر، جمهوری اسلامی از زمان شکست «تفاهم‌نامه اسلام‌آباد» بطور علنی هرگونه مذاکره با واشنگتن را رد کرده است.

اهدافی که هنوز تحقق نیافته‌اند

به نوشته رویترز، ترامپ تاکنون نتوانسته به اهداف اصلی خود از آغاز جنگ دست یابد؛ اهدافی که شامل موارد زیر هستند: برچیدن برنامه هسته‌ای در ایران؛ کاهش توانایی جمهوری اسلامی برای حمله به رقبای منطقه‌ای و فراهم کردن شرایط برای سرنگونی حکومت جمهوری اسلامی توسط مردم ایران.

در مقابل، هر اقدام آمریکا با واکنش شدیدتر جمهوری اسلامی علیه نیروهای آمریکایی در منطقه، متحدان عرب واشنگتن در خلیج فارس و همچنین حملات به کشتیرانی همراه شده و در نهایت، ترامپ هر بار از تشدید بیشتر درگیری عقب‌نشینی کرده است.

تنگه هرمز همچنان محور اصلی اختلاف

به نوشته رویترز، تنگه هرمز همچنان مهم‌ترین محور اختلاف میان دو کشور است. واشنگتن می‌گوید تفاهم‌نامه ماه ژوئن جمهوری اسلامی ایران را ملزم می‌کرد این آبراه استراتژیک را باز نگه دارد. اما تهران تأکید می‌کند متن این توافق صراحتاً اختیار رژیم ایران بر مدیریت عبور و مرور کشتی‌ها در تنگه هرمز را حفظ کرده است.

چنین حملاتی قرار گرفته‌اند. بر اساس داده‌های شرکت تحلیلی «کیپر»، تردد کشتی‌ها از تنگه هرمز همچنان کند است. روز دوشنبه ۳ اوت تنها شش کشتی، شامل سه نفتکش و سه کشتی کانتینری، از این مسیر عبور کردند؛ در حالی که این تعداد روز قبل هفت مورد بود. رویترز در ادامه این گزارش می‌نویسد، مقام‌های کشورهای خلیج فارس و تحلیلگران معتقدند رژیم ایران بر این باور است که می‌تواند با تبدیل مسیرهای تجاری و خطوط کشتیرانی و زیرساخت‌های انرژی خاورمیانه به نقاط فشار، هزینه ادامه رویارویی را برای آمریکا افزایش دهد.

به اعتقاد این تحلیلگران، هدف تهران این است که واشنگتن و متحدانش به این نتیجه برسند که مهار بحران، هزینه بیشتری نسبت به پذیرش خواسته‌های حکومت ایران درباره تنگه هرمز دارد.

مایکل نایتس پژوهشگر مؤسسه واشنگتن می‌گوید: «بزرگترین مزیت [حکومت] ایران این است که می‌تواند به کشورهای منطقه و اقتصاد جهانی آسیب وارد کند.»

ترامپ بعد از اعلام خبر مذاکره با جمهوری اسلامی، در شبکه اجتماعی «تروث سوشیال» نوشت که رهبران جمهوری اسلامی «به شکلی باورنکردنی فریبکار هستند». وی نوشت که آنها درخواست برگزاری نشست داده‌اند و مذاکرات بیشتری نیز در آینده نزدیک انجام خواهد شد.

او همچنین بار دیگر ادعا کرد که نیروی دریایی آمریکا کنترل کامل تنگه هرمز را در اختیار دارد و نوشت: «دیوار فولادین ایالات متحده! هیچ چیز به ایران نمی‌رسد مگر اینکه ما بخواهیم و هیچ چیز عبور نخواهد کرد، مگر اینکه توافقی حاصل شود یا ایران تسلیم کامل شود.»

الگویی که بارها تکرار شده است

رویدادهای روز دوشنبه تکرار همان الگویی به نظر

● خبرگزاری رویترز در گزارشی که چهارم اوت (۱۳) امرداد) منتشر شد، با اشاره به ادامه حملات جمهوری اسلامی به کشتی‌های تجاری در تنگه هرمز می‌نویسد، اظهارات متناقض آمریکا و حکومت ایران درباره مذاکرات ابهامات را بیشتر کرده است.

● دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا تأکید کرد که در حال مذاکره با جمهوری اسلامی است و هشدار داد که این «آخرین فرصت» آنها برای امضای یک توافق است. در مقابل اما مقامات جمهوری اسلامی با رد این ادعا اعلام کردند که نه مذاکره‌ای در حال انجام است و نه برنامه‌ای برای برگزاری آن وجود دارد و فقط در حال گفتگو با عمان بر سر تنگه هرمز هستند.

● به اعتقاد تحلیلگران، هدف تهران این است که واشنگتن و متحدانش به این نتیجه برسند که مهار بحران هزینه بیشتری نسبت به پذیرش خواسته‌های جمهوری اسلامی درباره تنگه هرمز دارد.

● به نوشته رویترز، ترامپ تاکنون نتوانسته به اهداف اصلی خود از آغاز جنگ دست پیدا کند؛ اهدافی که شامل موارد زیر است: برچیدن برنامه هسته‌ای در ایران؛ کاهش توانایی جمهوری اسلامی برای حمله به رقبای منطقه‌ای و فراهم کردن شرایط برای سرنگونی حکومت جمهوری اسلامی توسط مردم ایران.

خبرگزاری رویترز در گزارشی که چهارم اوت (۱۳) امرداد) منتشر شد، با اشاره به ادامه حملات جمهوری اسلامی به کشتی‌های تجاری در تنگه هرمز می‌نویسد، اظهارات متناقض آمریکا و جمهوری اسلامی ایران درباره مذاکرات ابهامات را بیشتر کرده است.

دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا تأکید کرد که در حال مذاکره با جمهوری اسلامی است و هشدار داد که این «آخرین فرصت» آنها برای امضای یک توافق است. در مقابل اما مقامات جمهوری اسلامی با رد این ادعا اعلام کردند که نه مذاکره‌ای در حال انجام است و نه برنامه‌ای برای برگزاری آن وجود دارد و فقط با عمان بر سر تنگه هرمز در حال گفتگو هستند.

اظهارات ترامپ پس از آن مطرح شد که او «حملات گسترده» علیه رژیم ایران را لغو کرد؛ حملاتی که به گفته خودش مجوز آنها را صادر کرده بود، اما به دلیل برگزاری مذاکرات به خواست عربستان و قطر موقتاً از اجرای آن صرف نظر کرد. این اقدام، تکرار الگویی است که ترامپ بارها در آن ابتدا از حملات بزرگ سخن گفته و سپس آنها را لغو کرده است.

اگرچه آمریکا ادعا می‌کند مذاکرات در جریان است، اما تحولات در خلیج فارس نشان می‌دهد که بن‌بست میان دو طرف همچنان ادامه دارد؛ به ویژه پس از آنکه جمهوری اسلامی پیش از اعمال محاصره دریایی در جریان جنگ، عملاً عبور و مرور از تنگه هرمز را برای بخش عمده‌ای از نفت و گاز جهان متوقف کرده بود.

سازمان عملیات تجارت دریایی بریتانیا (UKMTO) اعلام کرد که یک کشتی باری در نزدیکی سواحل عمان و در حوالی تنگه هرمز خبر داده که هدف یک پرتابه ناشناس قرار گرفته است. چندین کشتی طی روزهای اخیر هدف

«تسلیم» یا «قطع سر»؛ ساعت شنی عمر جمهوری اسلامی روی میز ترامپ

بازگشایی تنگه کافی نیست.

این ادعاها در حالی از سوی بقایای مطرح شده که جمهوری اسلامی پیشتر، پیشنهاد اولیه‌ی عمان برای مدیریت مشترک تردد کشتی‌ها در تنگه‌ی هرمز را رد کرده بود.

دونالد ترامپ پس از اظهارات اسماعیل بقایی، زمامداران جمهوری اسلامی را یاهوگو و «فریکار» خطاب کرد و گفت: «تا ما نخواهیم هیچ چیزی به سمت ایران نخواهد رفت، مگر اینکه، توافق یا تسلیم کامل حاصل شود».

رئیس جمهور ایالات متحده روز دوشنبه در پستی در شبکه اجتماعی «تروث سوشیال» نوشت: «رهبری جمهوری اسلامی به گونه‌ای ناباورانه، فریکار است. آنها درخواست ملاقات می‌کنند و با التماس می‌خواهند گفتگو کنند؛ مذاکرات شروع می‌شود و قرار است ادامه یابد، اما بعد صریح و با افتخار می‌گویند هیچ مذاکره‌ای در کار نیست و فقط با عمان ارتباط دارند!»

ترامپ در ادامه افزوده است که آنها «سپس طبق معمول به یاهوگویی خود ادامه می‌دهند و می‌گویند تنگه هرمز توسط آنها با قدرت اداره می‌شود، در حالی که از قبل کاملاً در کنترل نیروی دریایی ایالات متحده و در «محاصره» ی ما، یا به قول برخی، «دیوار فولادی» ایالات متحده است.»

اینهمه در حالیست که به نظر می‌رسد ایالات متحده آمریکا با اعمال محاصره‌ی دریایی بنادر جنوبی ایران، کنترل کامل کشتیرانی خلیج فارس و تنگه هرمز را در دست گرفته و بنابر گفته‌های دونالد ترامپ هیچ هزینه‌ای نیز برای عبور کشتی‌ها دریافت نمی‌شود.

در همین ارتباط، فرماندهی مرکزی ارتش آمریکا (سنتکام) با ارسال یک پیام هشدار اعلام کرده، در اجرای محاصره‌ی سختگیرانه‌ی بنادر و کشتیرانی جمهوری اسلامی، تا روز دوشنبه دوازدهم مرداد، مسیر چهل و چهار کشتی را تغییر داده و علاوه بر توقیف دو کشتی، دو کشتی دیگر را از کار انداخته است.

برخی تحلیلگران اگرچه درباره جدیت تهدیدهای نظامی دونالد ترامپ با توجه به سابقه‌ی مکرر عقب‌نشینی‌های وی تردید دارند، اما فشار متحدان ایالات متحده در خلیج فارس برای پرهیز از تشدید درگیری‌ها و نگرانی از پیامدهای اقتصادی جهانی ناشی از اختلال در تأمین انرژی را از عوامل اصلی لغو برخی تصمیم‌های وی در حمله به جمهوری اسلامی می‌دانند.

در مجموع، اظهارات ترامپ ترکیبی از تهدید نظامی هدفمند علیه زمامداران جمهوری اسلامی، پیشنهاد دیپلماتیک دو مرحله‌ای و اتکاء به فشار از سوی متحدان منطقه‌ای است، در حالی که مقامات جمهوری اسلامی با رد آشکار مذاکره‌ی مستقیم و تأکید بر مذاکرات محدود با عمان، بر بهانه‌های خود با عنوان «محاصره دریایی و تجاوز» از سوی آمریکا تکیه می‌کنند بدون آنکه به روی خودشان بیاورند که این اقدامات چیزی جز پیامدهای بحرانی نیست که خودشان با بستن تنگه هرمز به وجود آورده‌اند!

این وضعیت نشان می‌دهد که با بن‌بست مداوم و مکرر دیپلماسی، انجام عملیات شدید و سنگین نظامی در یکی از حساس‌ترین نقاط استراتژیک جهان، چندان دور از ذهن نیست.



دونالد ترامپ رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا

داشته باشد و من هیچگاه در این موضع خود تغییری نداده‌ام.»

ترامپ در همین ارتباط افزود: «ما همین حالا در حال صحبت هستیم و این صحبت‌ها به درخواست جمهوری اسلامی، با حمایت عربستان، امارات و به ویژه قطر در حال انجام است.» وی پیش‌بینی کرد: «نتیجه به زودی مشخص می‌شود: امروز یا فردا متوجه خواهید شد. یکی از دو طرف سریع پیش می‌رود و موضوع پیچیده نیست.» رئیس جمهور آمریکا با دفاع از الگوی رفتاری خود در طول جنگ گفت که به دادن فرصت به طرف مقابل افتخار می‌کند، هرچند انجام حمله‌ی بزرگ نیز برایش دشوار است.

اسماعیل بقایی سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی در واکنش به مهلت ترامپ برای رژیم ایران و نیز انجام مذاکرات، در نشست خبری روز دوشنبه ۱۲ مرداد با صراحت هرگونه مذاکره مستقیم با ایالات متحده را رد کرد. در این نشست بقایی اظهار داشت: «برای جلوگیری از هرگونه سوء تفاهم، مهم است روشن شود مذاکرات جاری درباره چیست و با چه کسی انجام می‌شود.» او افزود: «ما در حال حاضر با آمریکا مذاکره نمی‌کنیم. مذاکرات ما با عمان و بر سر دستیابی به تفاهمی در اسرع وقت برای مسیری متمرکز است که عبور امن کشتیرانی از تنگه‌ی هرمز تضمین شود.»

بقایی در ادامه تأکید کرد: «تا زمانی که اقدامات شیطانی فعلی، محاصره‌ی دریایی، تجاوز نظامی علیه جمهوری اسلامی و منافع آن همراه با نقض تعهدات توسط ایالات متحده ادامه داشته باشد، تغییر معناداری در وضعیت تنگه هرمز رخ نخواهد داد.» او مذاکرات با عمان را که حدود هشت روز ادامه داشته و از قرار معلوم تا کنون به نتیجه‌ای نرسیده، جدا از مسئله‌ی بازگشایی کامل تنگه هرمز دانست و خاطرنشان کرد: «حتی توافق با عمان نیز به تنهایی برای

● به گزارش نیویورک پست، دونالد ترامپ روز دوشنبه دوازدهم مردادماه (۳ اوت) در دفتر بیضی کاخ سفید با تأکید بر «آخرین فرصت» برای جمهوری اسلامی، بیان کرد که تا پیش از اجرای حملات «قطع سر» که رهبری کنونی جمهوری اسلامی را هدف قرار می‌دهد، آنها باید توافق را امضاء کنند.

● وی پیش‌بینی کرد: «نتیجه به زودی مشخص می‌شود: امروز یا فردا متوجه خواهید شد. یکی از دو طرف سریع پیش می‌رود و موضوع پیچیده نیست.»

- اظهارات ترامپ ترکیبی از تهدید نظامی هدفمند علیه زمامداران جمهوری اسلامی، پیشنهاد دیپلماتیک دو مرحله‌ای و اتکاء به فشار از سوی متحدان منطقه‌ای است، در حالی که مقامات جمهوری اسلامی با رد آشکار مذاکره‌ی مستقیم و تأکید بر مذاکرات محدود با عمان، بر بهانه‌های خود با عنوان «محاصره دریایی و تجاوز» از سوی آمریکا تکیه می‌کنند بدون آنکه به روی خودشان بیاورند که این اقدامات چیزی جز پیامدهای بحرانی نیست که خودشان با بستن تنگه هرمز به وجود آورده‌اند!

● به این ترتیب، با بن‌بست مداوم و مکرر دیپلماسی، انجام عملیات شدید و سنگین نظامی در یکی از حساس‌ترین نقاط استراتژیک جهان، چندان دور از ذهن نیست.

رئیس جمهور آمریکا می‌گوید مذاکرات با جمهوری اسلامی تا روز سه‌شنبه ادامه خواهد داشت. زمامداران ایران اما می‌گویند هیچ مذاکره‌ای در کار نیست.

دونالد ترامپ رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا پس از لغو عملیات نظامی گسترده که قرار بود آخر هفته (۱ و ۲ اوت) انجام شود، اعلام کرد که مذاکرات برای بازگشایی تنگه هرمز تا روز سه‌شنبه (۴ اوت) ادامه خواهد داشت و در مرحله‌ی بعد خلع سلاح کامل هسته‌ای جمهوری اسلامی در دستور کار است. مقامات رژیم ایران اما هرگونه مذاکره مستقیم را رد کرده‌اند.

به گزارش نیویورک پست، دونالد ترامپ روز دوشنبه دوازدهم مردادماه (۳ اوت) در دفتر بیضی کاخ سفید با تأکید بر «آخرین فرصت» برای جمهوری اسلامی، بیان کرد که تا پیش از اجرای حملات «قطع سر» که رهبری کنونی جمهوری اسلامی را هدف قرار می‌دهد، آنها باید توافق را امضاء کنند.

رئیس جمهور آمریکا اضافه کرد: «این آخرین فرصت برای آنهاست تا یک سند خوب امضاء کنند.» او افزود: «می‌خواهم به آنها آخرین فرصت را پیش از قطع سر بدهم.» به‌گفته‌ی وی، مذاکرات در جریان است و هدف آن بازگشایی فوری و کامل تنگه هرمز تا روز سه‌شنبه (۴ اوت) است که به عنوان فاز اول یک طرح دو مرحله‌ای مطرح شده است. این در حالیست که وزارت خارجه آمریکا پیشتر اعلام کرده بود که تنگه هرمز باز است و روزانه کشتی‌های بسیاری در آن رفت و آمد می‌کنند و جمهوری اسلامی درباره بسته بودن آن دروغ می‌گوید.

فاز دوم طرح ترامپ شامل مذاکرات درباره‌ی برنامه‌ی هسته‌ای و تحقق «خلع سلاح هسته‌ای» خواهد بود. وی تأکید کرد: «جمهوری اسلامی هرگز نمی‌تواند سلاح هسته‌ای

معمای یک استراتژی دشوار؛ عربستان در مرکز جنگ جمهوری اسلامی و آمریکا



تصویر دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا و محمد بن سلمان ولیعهد عربستان سعودی بر بیلبوردی در یمن که روی آن با اشاره به حاضران و همکاری آمریکا و عربستان در جنگ، آنان را «شاهدان وضعیت» خوانده است

محاصره دریایی علیه کشتی‌های سعودی در باب‌المندب واقع در جنوب دریای سرخ اقدام کردند. آنها دو نفتکش عربستان را هدف قرار داده و به پالایشگاه «آرامکو» در جازان نیز حمله نمودند. بیش از سی حمله پهبادی در حدود هفتاد ساعت گزارش شد که به گفته فرماندهی مرکزی آمریکا (سنتکام) همه این حملات تحت هدایت سپاه پاسداران انجام گرفت.

این زنجیره رویدادها خط قرمز ریاض را شکست. کارشناسان می‌گویند صبر استراتژیک سعودی‌ها به پایان رسیده است. عربستان که سال‌ها در جنگ یمن (۲۰۱۵) به (بعد) با حوثی‌ها درگیر بود و پس از آتش‌بس پنج سال پیش (۲۰۲۲) یک آرامش نسبی داشت، اکنون دوباره با تهدید مستقیم روبرو شده است. حمله به زیرساخت‌های انرژی از خاک عراق و تهدید مسیرهای دریایی، برای کشوری که اقتصادش به شدت وابسته به نفت است، قابل تحمل نیست.

اقتصاد نفتی و چشم‌انداز ۲۰۳۰ در خطر

عربستان سعی کرده با استفاده از خط لوله‌ی شرقی- غربی، نفت را به ترمینال «یینج» در دریای سرخ منتقل کند تا بسته شدن تنگه هرمز توسط جمهوری اسلامی را دور بزند. حدود پنج میلیون بشکه نفت در روز از این مسیر صادر می‌شد، اما حملات حوثی‌ها به کشتی‌ها در باب‌المندب این مسیر جایگزین را مختل کرد. نفت که به بندر مقصد نرسد، درآمدی هم تولید نمی‌شود. این موضوع مستقیماً پروژه‌های میلیاردری ولیعهد محمد بن سلمان را تهدید می‌کند.

چشم‌انداز ۲۰۳۰ که هدفش کاهش وابستگی به نفت، جذب سرمایه‌گذاری خارجی، ایجاد صنایع مدرن و اشتغال برای صدها هزار جوان سعودی است، به زیرساخت‌های آسیب‌پذیر مانند مراکز داده‌ها و پروژه‌هایی مانند ←

میان بازدارندگی نظامی یا کاهش تنش، آینده منطقه و اقتصاد نفتی عربستان را رقم خواهد زد.

به گزارش سرویس جهانی بی‌بی‌سی، از زمان جنگ آمریکا و اسرائیل علیه جمهوری اسلامی که نهم اسفندماه سال گذشته از سر گرفته شد، عربستان سعودی تلاش کرده عمدتاً خود را در حاشیه قرار دهد. پادشاهی سعودی حتی پس از آنکه پهبادهای و موشک‌های سپاه پاسداران به خاک آن کشور اصابت کرد، همچنان کانال‌های ارتباطی خود را با رژیم ایران باز نگه داشت.

اما در هفته‌های اخیر پس از حملات از سه جبهه‌ی مختلف، این رویکرد تغییر کرده است. عربستان همراه با نیروهای آمریکایی حملات هوایی مشترکی علیه مواضع نیروهای نیابتی وابسته به جمهوری اسلامی در عراق انجام داد؛ گروه‌هایی که پهباد به خاک این کشور پرتاب کرده‌اند. این نخستین مشارکت علنی ریاض در عملیات نظامی با مشارکت آمریکا، علیه بازوهای شبه‌نظامی وابسته به جمهوری اسلامی محسوب می‌شود.

جنگ منطقه‌ای که با حملات گسترده ایالات متحده و اسرائیل به مراکز و تأسیسات نظامی و استراتژیک جمهوری اسلامی آغاز شد، به سرعت گسترش یافت. جمهوری اسلامی با پرتاب صدها موشک و پهباد به اهداف غیرنظامی در کشورهای عربی در خلیج فارس و زیرساخت‌های آنان واکنش نشان داد.

عربستان، امارات، کویت، بحرین، قطر و حتی اردن درگیر این حملات شدند. در ریاض، سفارت آمریکا هدف دو پهباد جمهوری اسلامی قرار گرفت و تأسیسات نفتی این کشور نیز آسیب دید. در عین حال، حوثی‌های یمن به عنوان متحدان جمهوری اسلامی نیز وارد میدان شدند. پس از بمباران فرودگاه صنعا توسط نیروی هوایی عربستان در ۲۲ تیرماه با هدف جلوگیری از فرود هواپیمای رژیم ایران، حوثی‌ها به

● زنجیره‌ی حملات جمهوری اسلامی و نیابتی‌هایش به کشورهای منطقه، خط قرمز ریاض را شکست. صبر استراتژیک سعودی‌ها به پایان رسید و عربستان که سال‌ها در جنگ یمن با حوثی‌ها درگیر بود و پس از آتش‌بس پنج سال پیش در یک آرامش نسبی بسر می‌برد، دوباره با تهدید مستقیم روبرو شده است.

● اکنون عربستان سعودی با دوراهی روشنی روبروست: آیا باید به حملات تلافی‌جویانه به عنوان ابزار بازدارندگی دست بزند یا تلاش کند برای کاهش تنش امتیاز بدهد و با ایستادن در وسط بازی دیگران، دست‌کم در کوتاه‌مدت حاشیه‌ای امن بجوید؟!

● در این میان، استراتژی جمهوری اسلامی کاملاً مشخص است: حمله به کشتی‌های تجاری و مراکز غیرنظامی کشورهای همسایه، تنها اهرم مؤثری به نظر می‌رسد که با آن به راهزنی و باج‌خواهی پرداخته و در صورت تداوم، یک تهدید همیشگی علیه عربستان سعودی و دیگر کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس خواهد بود.

● در حال حاضر، آینده‌ی نقش عربستان به این بستگی دارد که آیا حمله‌ی مشترک عربستان و ایالات متحده علیه نیابتی‌های جمهوری اسلامی در عراق پیام بازدارندگی لازم را به همراه داشته یا سرآغاز فصل جدیدی از درگیری‌های علنی خواهد بود؟

عربستان سعودی در شرایطی وارد میدان جنگ آمریکا علیه جمهوری اسلامی شد که اکنون می‌بایست بین بازدارندگی نظامی و کاهش تنش دست به انتخاب بزند.

پس از ماه‌ها تلاش برای نشان دادن بی‌طرفی، ریاض با حملات مشترک به همراه ایالات متحده علیه حشدالشعبی و دیگر شبه‌نظامیان نیابتی وابسته به جمهوری اسلامی، در عراق وارد میدان جنگ شد. اکنون به نظر می‌رسد انتخاب

بازنشتر

نامه وارده!

خیراندیشی (احمد احرار)

(کیهان لندن شماره ۱۲۳۱) آبان ماه ۱۳۸۷

جناب خیراندیش



شیخ جعفر نجفی (کاشف الغطاء)

را نه آن فهم و ادراک است که غذای روحانی است و نه آن اشتها که غذای جسمانی است و نه آن قوه شهوانی و نه آن قدرت شبخیزی، پس نه لذت دنیا برده‌ای و نه لذت آخرت!

و اما، آن که مرقوم داشته‌اید طایفه علما حد و حصری برای دراز کردن پای خود قائل نمی‌شوند و مثل آن ماهی کذائی هر اندازه از قدرت و ثروت سهم ببرند باز دو قورت و نیمشان باقی است، داستان دیگری دارد.

می‌دانید که دایره تحصن گزیدن یا پناه بردن و به اصطلاح بست نشستن در اماکن مقدسه، مثل حریم مسجد یا امامزاده، را «علما» توسعه دادند به منازل شخصی خودشان و این زیاده‌خواهی مشکلاتی در کار حکومت به وجود می‌آورد.

در زمان فتحعلی‌شاه که دوران یکه تازی علما بود، حاجی کلباسی از علمای آن‌عصر (و مقیم اصفهان) حتی خانه بعضی شاگردان خود را به این عنوان که خانه خود اوست «بست» قرار داده بود. هر کس به دلیلی تحت تعقیب قرار می‌گرفت به یکی از این خانه‌ها پناه می‌برد و بست می‌نشست و دیگر دست مأمور حکومت به او نمی‌رسید.

حاکم اصفهان برای حاجی پیغام فرستاد که لطفاً محدوده بست خودتان را از نظر مکانی و زمانی مشخص فرمایید تا مأمورین حکومتی تکلیف خود را بدانند.

حاجی کلباسی در جواب گفت بست، بست من نیست و بست امام زمان است. این که می‌پرسید از کجا تا کجاست؟ «من المغرب الی المشرق» و این که تا چه زمان ادامه خواهد داشت «الی یوم القیامه»!

با سلام و دعا - اقل اهل قلم - ح. حق نظر

در دو شماره «کیهان» دو مقاله مرقوم داشته بودید در مقوله اشتهای سیری ناپذیر علمای اعلام به طعام و نیز عطش اطفا ناپذیرشان به مال و مقام.

در یکی از دو مقاله اشاره رفته بود به خاطره سفر آذربایجان و حمله پیروزمندانه شیخ همسفران به سفره و از هم دریدن بوقلمون مقاوم. اجازه بفرمایید بنده هم یک نمونه مستند در مقوله اشتها و نیز شهوت این طایفه (اگر چه نمونه‌های بارز آن اکنون در پیش چشم اهل وطن است) به نقل از کتاب مستطاب «قصص العلما» تألیف میرزا محمد تنکابنی از فضلا و علمای عهد قاجار بر آن بیفزایم. با این اشاره که چون نثر کتاب اندکی متکلف است و برای خواننده امروزی دشوار، کمی توضیح و تصرف در عبارات و کلمات لازم دیده شد.

مؤلف کتاب، در شرح احوال شیخ جعفر نجفی (کاشف الغطاء) که مثال بی‌مثال او زینت بخش تهرهای جمهوری اسلامی است) می‌نویسد: آن جناب کثیرالاکل (پر خور) بود. در هر وعده غذا یکمن طعام و صد درم پیاز و ده تخم فلفل و یک رأس بره غذای او بود و هر شب با زن مقاربت می‌نمود. همیشه کنیزی به همراه داشت و در سفرها، در هر کجا که شهوت بر او غالب می‌شد حکم می‌کرد که چادر می‌زدند و دفع حاجت می‌نمود. در وقتی از اوقات شیخ وارد تهران شد و در وقت غروب بود. پس به در خانه امین‌الدوله (صدراعظم فتحعلی شاه) آمد و او را از خانه بیرون آورد و گفت شیخ از تو زن می‌خواهد. امین‌الدوله در آن وقت چاره‌ای ندید جز آن که کنیزی گرجی داشت به او بخشید، شیخ به منزل خود معاودت کرد ... مسموع شده است که شخصی به خدمت شیخ رسید که مسأله‌ای را سؤال نماید. بناگاه غذای شیخ را آوردند. دید غذای بسیار آورده‌اند و در اینجا بجز شیخ کسی نیست. با خود خیال کرد قانون مجلس اعیان آنست که غذا بسیار می‌آورند لیکن همه را نمی‌خورند، هر چه ضرور است صرف می‌شود، باقی را ملازمان صرف می‌نمایند. پس شیخ شروع به خوردن نمود و تمامی غذا را مصروف داشت. آن مرد تعجب کرد و با خود اندیشید با این غذایی که این مرد خورده اکنون ایخره این اغذیه به دیوانخانه دماغ او می‌نشیند و معلوم و مجهولش یکسان خواهد بود. در چنین وقتی سؤال کردن بیجا است و بی‌فایده. برخاست که برود. شیخ فرمود بنشین و بگو که برای چه کار آمده‌ای. گفت کاری نداشتم. پس از اصرار بسیار، آن مرد حاجت خویش را ابراز و عرض کرد که به جهت کثرت اکل شما از خیال سؤال گزاشتم. شیخ فرمود که مسأله خود را بیان کن.

مرد طرح سؤال کرد و جواب کافی شنید. پس از آن، شیخ فرمود که حضرت خلاق عالم در علم مرا فرید (یگانه) دهر ساخته و همیشه به لذات روحانی متلذذم. در اکل (خوردن) نیز اشتهای وافر به من عطا فرموده که از لذت نعمت‌های او بی‌وقفه متلذذ می‌شوم و چنان شهوتی به من کرامت فرموده که هر شب باید مجامعت نمایم و چنان قوه طاعت و اطاعت به من موهبت فرموده که از نصف شب تا صبح به راز و نیاز مشغول می‌شوم. تو

نثوم وابسته است. تهدید مداوم موشکی و پهبادی از شمال (عراق) و جنوب (یمن) این برنامه را عملاً غیرممکن می‌سازد. حمله‌ی ۲۰۱۹ به تاسیسات آب‌قیق و خریص که نیمی از صادرات نفت عربستان را موقتاً متوقف کرد، هنوز در حافظه‌ی جمعی سعودی‌ها زنده است و تکرار آن در مقیاس گسترده‌تر کابوس اقتصادی برای این کشور به شمار می‌رود.

معمای استراتژیک: بازدارندگی یا باج دادن؟!

اکنون عربستان سعودی با دوراهی روشنی روبروست: آیا باید به حملات تلافی‌جویانه به عنوان ابزار بازدارندگی دست بزند یا تلاش کند برای کاهش تنش امتیاز بدهد و با ایستادن در وسط بازی دیگران، دست‌کم در کوتاه‌مدت حاشیه‌ای امن بجوید؟!

ریاض روابط رسمی با اسرائیل ندارد و کوشیده تا از طریق پیمان دفاعی با پاکستان، وابستگی خود را به آمریکا کم و انمود کند. اما در این میان تماس خود را با جمهوری اسلامی حفظ کرده و برای جلوگیری از حملات آمریکا به آن نیز تلاش می‌کند.

مقامات سابق سعودی هشدار داده‌اند، جنگ تمام‌عیار بین عربستان و جمهوری اسلامی منطقه را به ویرانی می‌کشاند. کارشناسان معتقدند، بعید است عربستان در حملات مستقیم علیه جمهوری اسلامی شرکت کند، زیرا رابطه‌ی این کشور با رژیم تهران هنوز قوی است.

در این میان، استراتژی جمهوری اسلامی کاملاً مشخص است: حمله به کشتی‌های تجاری و مراکز غیرنظامی کشورهای همسایه، تنها اهرم مؤثری به نظر می‌رسد که با آن به راهزنی و باج‌خواهی پرداخته و در صورت تداوم، یک تهدید همیشگی علیه عربستان سعودی و دیگر کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس خواهد بود.

برخلاف اسرائیل، عربستان از سقوط جمهوری اسلامی می‌ترسد، زیرا بر اساس گفته‌ی منابع نزدیک به سیاست‌های سعودی، با بی‌ثباتی بیشتر اقتصادی و نابودی گردشگری در حال رشد خود مواجه خواهد شد. در ماه‌های اولیه‌ی جنگ برخی گزارش‌ها حاکی از تشویق محمد بن سلمان به ادامه‌ی عملیات نظامی تا نابودی رژیم تهران بود، اما اکنون فشارها برای گفتگو و جلوگیری از تشدید تنش بیشتر شده است.

از سوی دیگر، پیامدهای یک جنگ تمام‌عیار فراتر از خلیج فارس می‌رود. اختلال در صادرات نفت جهانی، تهدید مسیرهای دریایی و احتمال گسترش درگیری به گروه‌های نیابتی، اقتصاد جهان را تحت تأثیر قرار خواهد داد. عربستان با نیروی هوایی مدرن و بودجه‌ی نظامی عظیم می‌تواند نقش جدی در جنگ کنونی ایفاء کند، اما احتمالاً به خاطر جلوگیری از آسیب‌دیدن زیرساخت‌ها و سرمایه‌گذاری‌های رو به توسعه، همزیستی با بازیگران منطقه را به درگیری طولانی ترجیح می‌دهد.

در حال حاضر، آینده‌ی نقش عربستان به این بستگی دارد که آیا حمله‌ی مشترک عربستان و ایالات متحده علیه نیابتی‌های جمهوری اسلامی در عراق پیام بازدارندگی لازم را به همراه داشته یا سرآغاز فصل جدیدی از درگیری‌های علنی خواهد بود؟

کارشناسان می‌گویند، هنوز همه چیز ممکن است و عربستان احتمالاً از مشارکت در جنگ مستقیم با جمهوری اسلامی اجتناب خواهد کرد. اما در عین حال خط قرمزها را نیز دیگر نمی‌توان نادیده گرفت. منطقه در نقطه‌ای حساس قرار دارد و هر تصمیم ریاض می‌تواند مسیر جنگ پنج ماهه را تغییر دهد.

افسران مهاجر که از آن سوی مرز آمده بودند به ما اعتماد نداشتند و می‌گفتند اینها نان رضاشاه را خورده‌اند!

بازنش

پس از تسلط ارتش و فروپاشی فرقه در زنجان، پیشه‌وری برای تقویت روحیه فرقیها گفت ما زنجان را دادیم و در مقابل منطقه دیگری را گرفتیم

(تاریخ نشر در کیهان لندن: از آبان‌ماه ۱۳۸۲ تا اردیبهشت‌ماه ۱۳۸۳ - از شماره‌های ۹۸۰ تا ۱۰۰۲)

گذار از طوفان

خاطرات مرتضی زربخت در گفتگو با
حمید احمدی (۵)

انجمن مطالعات و تحقیقات تاریخ شفاهی ایران - برلین

زربخت - مجازاتشان به حبس ابد تقلیل یافت. زربخت در بهمن ماه سال ۱۳۳۷ آزادی خود را بازیافت و اکنون، در هشتاد و سه سالگی از خاطرات خود سخن می‌گوید.

گزیده‌ای از خاطرات مرتضی زربخت را در صفحه خاطرات و تاریخ می‌خوانید...

مهم درباره چگونگی الحاق ارتش آذربایجان به ارتش ایران، موضوع بر سر درجاتی بود که به نظامیان فرقه داده بودند و یا اختلاف بر سر تعیین فرماندهی نیروی ارتش در آذربایجان و مسئله فدایی‌ها بود.

بنابراین، ما هنوز ناامید نشده بودیم تا این که زنجان را تخلیه کردند. در جریان تخلیه زنجان، فاجعه‌ای پیش آمد و عده‌ای کشته شدند.

پیشه‌وری پس از تخلیه شدن زنجان، مسئله را به این شکل توجیه می‌کرد که ما زنجان را دادیم و در مقابل، در «شاهین دژ» منطقه‌ای را گرفتیم. البته این توجیه برای آرام کردن و جلوگیری از تضعیف روحیه‌ها بود.

در اواخر آبان ۱۳۳۵ بود که دیدیم ارتش مرکزی دارد نیروهای نظامی خود را به جبهه آذربایجان گسیل می‌دارد. در آن زمان، سرهنگ قاضی اسداللهی در قافلانکوه کشته شد و جنازه‌اش را به تبریز آوردند. در تبریز، تجلیل و تشییع جنازه مفصلی از او به عمل آمد. در همان روز، ما هم پرواز کردیم و روی تظاهراتی که انجام شده بود، گل ریختیم. چتر نجاتی درست کرده بودیم و با چتر نجات دسته گل‌هایی را روی جنازه در حال تشییع می‌ریختیم.

ایجاد ارتش قزلباش

بعد از کشته شدن سرهنگ قاضی اسداللهی، سرهنگ آگهی را به سمت فرمانده ارتش فرقه به میانه فرستادند. آن موقع، آن بخش از ارتش فرقه را می‌گفتند ارتش قزلباش. این ارتش قزلباش از سربازهای وظیفه تشکیل شده بود یعنی جوانان آذربایجانی که مشمول دو سال خدمت وظیفه سربازی در ارتش فرقه شده بودند. پس از تشکیل فرقه، در مدت کوتاهی، تعدادی پرسنل نظامی افسر تربیت کرده بودند. در ظرف مدت سه ماه که دوره نظامی را طی می‌کردند، به آنان درجه ستوان سوم و یا ستوان دومی می‌دادند و سپس آنان را به فرماندهی واحدهای پایین ارتش قزلباش می‌گماردند.

بازگشت. در سال ۱۳۳۳ به عضویت سازمان نظامی حزب توده درآمد. در سال ۱۳۳۵ به اتفاق ستوان یکم علی جودی، با دو هوایمای جنگی راهی تبریز شدند و به فرقه دموکرات آذربایجان پیوستند.

پس از سقوط فرقه دموکرات و فرار رهبران فرقه به آن سوی مرز، زربخش و ۹ افسر فراری دیگر رهسپار کردستان عراق شدند و با ملامصطفی بارزانی پیوند همکاری بستند. در جنگی که بین بارزانیها و ارتش مجهز ایران رخ داد، شرکت کردند و شکست خوردند. پس از آن به خاک عراق پناه بردند و به مدت سه سال در عراق زندانی بودند و در فروردین ۱۳۳۹ به ایران تحویل داده شدند.

در دادگاه بدوی نظامی، هر شش تن به اعدام محکوم شدند. در دادگاه تجدیدنظر حکم اعدام درباره یکی از آنها - ابوالحسن تفرشیان - ابرام شد و چهار نفر - از جمله مرتضی

«گذار از طوفان» تازه‌ترین کار ناخدا دکتر حمید احمدی در ضبط خاطرات چهره‌های سرشناس نظامی و سیاسی جنبش چپ در ایران عصر پهلوی است.

این کتاب، خاطرات مرتضی زربخت سروان خلبان نیروی هوایی را در دهه ۲۰ به شیوه گفت و شنود منعکس می‌کند. مرتضی زربخت از افسرانی است که در جوانی به سازمان نظامی حزب توده پیوست و بدین سان قدم در راه یک زندگی پر تلاطم گذاشت.

متولد سال ۱۳۰۰ در تهران، زربخت در سال ۱۳۱۹ (آخرین سال سلطنت رضاشاه) در رشته هوایی دانشکده افسری ثبت نام کرد. در مهرماه ۱۳۲۱ (زمان اشغال ایران به‌وسیله قوای متفقین) با درجه ستوان دومی به‌عنوان افسر دیده‌بان فارغ‌التحصیل شد و به هنگ هوایی اصفهان انتقال یافت. سال بعد، برای گذراندن دوره خلبانی به تهران

مرتضی زربخت - سالها بعد به این نتیجه رسیدم که نسل جوان باید از تاریخ گذشته مردم سرزمینش درس بگیرد و بداند هر جنبشی چنانچه به نیروهای خارجی متکی باشد و از خود استقلال و ابتکار عمل نداشته باشد، محکوم به شکست است. یعنی آن قدرت خارجی تا زمانی از آن جنبش حمایت خواهد کرد که با منافعهش هماهنگی داشته باشد و به محض این که مصالحش ایجاب نماید، حیات آن جنبش را مورد معامله قرار خواهد داد. نمونه زنده آن، حکومت یکساله پیشه‌وری در آذربایجان بود که بنا به مصلحت شوروی سابق، یک شبه به‌وجود آمد و باز هم بنا به مصالح همان دولت، یک شبه مورد معامله قرار گرفت و آن تراژدی وحشتناک را به همراه آورد.

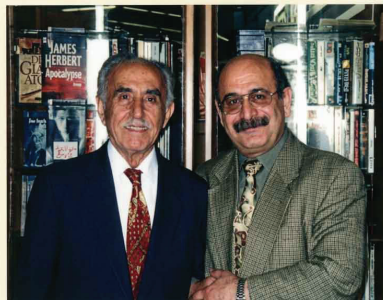
در سالهای بعد، نمونه دیگر آن، حکومت ۱۳ساله اکراد بارزانی در شمال عراق بود که زیر حمایت حکومت شاه قرار گرفت و دیدیم که چگونه در سال ۱۹۷۵ با توافقی که میان شاه و صدام حسین در الجزایر انجام گرفت، این جنبش مورد معامله قرار گرفت و یک‌شبه نابود شد.

● آن روزها که شورویها آذربایجان را تخلیه می‌کردند، آیا سلاحهای سنگین مانند توپخانه و غیره را در اختیار ارتش فرقه قرار دادند یا این که به همراه خود بردند؟

— ما ناظر بودیم، نه‌تنها هوایمها رفت بلکه توپخانه‌ای هم که در اختیار فرقه قرار داده بودند، همه را از سروان تفرشیان افسر مسئول توپخانه تحویل گرفتند و با خود بردند. یک مشت تفنگ برنو ماند و مسلسل و اسلحه‌هایی که در قیام فرقه از ارتش ایران به‌دست آورده بودند مانند خمپاره و توپ ۷۵ کوهستانی. در آن زمان، فقط این نوع سلاحها مانده بود. عملاً پشت ما را خالی کرده بودند.

● در این مقطع زمانی که سیاستهای پشت پرده مانند آمدن پیشه‌وری به تهران و مذاکره با قوام‌السلطنه و غیره جریان داشت، شما و رفقایان درباره جریان فرقه دموکرات

گذار از طوفان



دو نسل از افسران سازمان نظامی

آذربایجان و تخلیه ارتش شوروی، چه ارزیابی و احساسی داشتید؟

— ما هنوز امیدوار بودیم. ناامید نشده بودیم. فکر می‌کردیم. خُب، یک جریان سیاسی است که دارد پیش می‌رود. موضوع را به این شکل ارزیابی می‌کردیم که انتخابات مجلس انجام می‌شود و نمایندگان آذربایجان در مجلس، نماینده واقعی خواهند بود و به مجلس شورا خواهند رفت. علاوه بر مجلس، نخست وزیر هم کسی مانند قوام‌السلطنه است. در آن موقع هم، در مذاکرات تأیید شده بود که در ازای تخلیه ارتش سرخ از آذربایجان، ارتش آذربایجان جزو ارتش ایران خواهد شد. آن موقع، اختلاف



● **ایجاد واحد نظامی قزلباش در فرقه دموکرات آذربایجان، در واقع بعدها مشابه آن را در ایجاد سپاه پاسداران انقلاب در ایران دیدیم.** جوانهایی در سطح سواد شش یا نه کلاس و طی آموزش کوتاه مدت، درجه ستوانی و حتی بالاتر یعنی درجه سرداری هم گرفتند. همانطور که کسانی مانند غلام یحیی دانشیان در فرقه یک شبه ژنرال ارتش فرقه شدند. به هرحال، افسران قزلباش چند کلاس سواد داشتند.

— شش تا نه کلاس درس خوانده بودند. یک حادثه‌ای را در این رابطه بگویم. آن زمان، فرمانده دانشکده افسری فرقه، افسری بود که جزو ابوابجمعی لشکر آذربایجان بود به نام سرهنگ دوم صفوت. او از ارتش دولتی مانده بود در آذربایجان و با فرقه همکاری می‌کرد و شده بود فرمانده دانشکده افسری فرقه. روزی یکی از همین افسران فرقی که از قذاییها بود و درجه افسری گرفته بود، سرهنگ صفوت را پشت میز کارش ترور کرد. نمی‌دانم این کار را بر اساس چه خصومت و یا تحریکی انجام داده بود. من در آن صحنه حضور نداشتم. ولی تصادفاً برای کاری به دانشکده افسری رفته بودم که صدای تیری در آن نزدیکی شنیدم. بعد از آن، رفتم ببینم چه شده، رفتم و از نزدیک دیدم که آن سرهنگ را کشته‌اند و بعد جنازه‌اش را تشییع کردند.

● **غیر از افراد محلی در آذربایجان که در ارتش فرقه بودند، عده‌ای از مهاجرین را هم از آذربایجان شوروی به آذربایجان ایران آورده بودند و از جمله برای کادر نظامی ارتش فرقه، شما با چنین افرادی برخورد کردید؟**

— همین افسر فرقه که قاتل سرهنگ صفوت بود، از مهاجرین بود. آن روز، پرسشی برای من مطرح شده بود که چرا هیچ مجازاتی برای این قاتل در نظر نگرفته بودند و هیچ کارش نکردند! در حالی که در آن موقع، یک نفر چاقوکش را که همجنس‌باز بود و کار بدی انجام داده بود، در تبریز به دار آویختند و اعدام کردند. کاپوان رئیس شهرداری فرقه بود و رفته بود در دادگاه و گفته بود ما دار را برپا کردیم، و مردم جمع شده‌اند. پس چرا رأی نمی‌دهید؟ یعنی خود او از پیش و قبل از تصمیم دادگاه رأی را صادر کرده بود. در حالی که قاتل آن سرهنگ را به مجازات نرسانده بودند. بله، قدری از صحبت‌هایم دور شدم.

● **خیر، این گونه روایتها به نوبه خود تصویری است که جامعه‌شناسی سیاسی و مسایلی از آن دوران را نشان می‌دهد که از نظر مطالعه تاریخ اهمیت دارد.** این افسران مهاجر که از شوروی آورده شده بودند، با شما افسران توده‌ای چه برخوردی داشتند؟

— بعضی از این مهاجرین که در نیمه دوم سلطنت رضاشاه از شوروی به ایران آمده بودند، بعد از شهریور ۱۳۲۰ با شورویها که ایران را اشغال نمودند، همکاری داشتند. به اعتبار این که مدتی در شوروی بودند و زبان روسی را یک مقدار یاد گرفته بودند، خودشان را بالاتر از دیگران و نزدیکتر به شورویها می‌دانستند. بعضی از آنان هم از روی نادانی می‌گفتند، اینها بالاخره افسرهای فارس هستند. حتی یکی‌شان می‌گفت: «رضاخان چُرکی بییدیلر». یعنی این افسران نان رضاخان را خورده‌اند! حتی وقتی در باشگاه افسران جمع می‌شدیم، گاهی این تحریکات صورت می‌گرفت. مثلاً بعضی از اینان بلند می‌شدند و حرفهای ناهنجار می‌گفتند و حتی در حضور پیشه‌وری که: «اینان که از تهران آمده‌اند چه می‌گویند و چه می‌خواهند که به ما فرماندهی می‌کنند؟» البته ارتش فرقه، کادر نظامی

قابلی نداشت تا یک ارتش را اداره بکند، لذا ناچار بودند که فرماندهی نظامی افسران فراری را بپذیرند. بله، از این گونه مسایل در آنجا زیاد بود.

به خاطر دارم، آن روزهایی که از طرف ارتش مرکزی از زنجان به میانه حمله شده بود. شبی به اتفاق جودی و یک ستوان دوم فرقه که با جودی خیلی نزدیک و رفیق بود، در خیابان راه می‌رفتیم. یک سرگرد فرقه از کنارمان گذشت. آن سرگرد فرقه، این ستوان فرقه را صدا زد و با او پیچ کرد و رفت. وقتی آن ستوان به ما ملحق شد، گفت آن سرگرد به من گفت، مواظب این افسران باش، اینها افسران فارس هستند. این برخورد حتی در زمانی است که وضعیت جنگی شروع شده و جان همه‌مان در خطر بود. بعداً هم دیدیم که در جریان حمله ارتش به آذربایجان ۲۷ نفر افسر از رفقایمان که از ارتش فراری و به آذربایجان آمده بودند، محاکمه صحرایی و اعدام شدند.

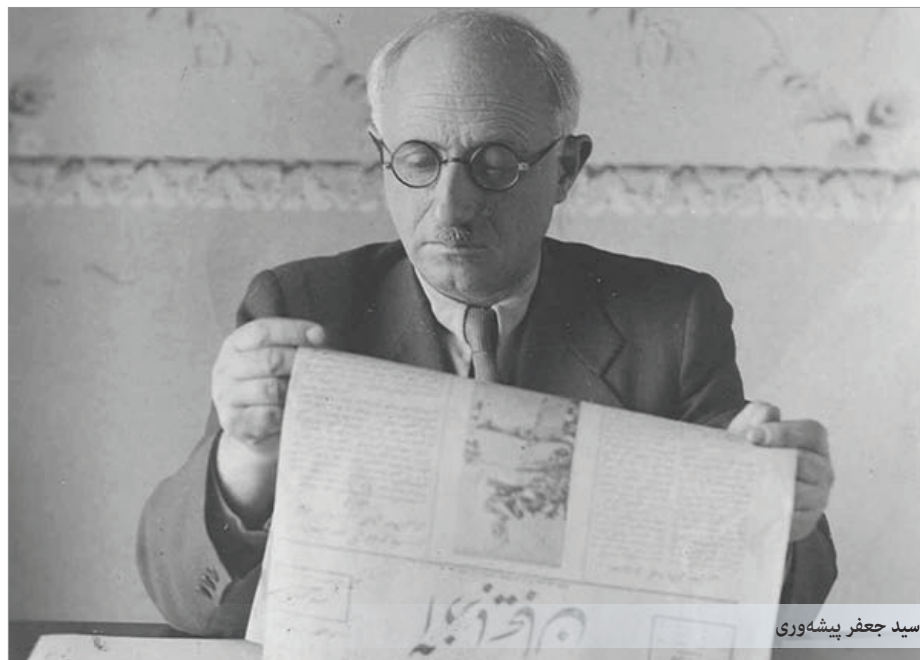
به هرحال، آن روز، ما از شنیدن آن اظهار نظر سرگرد فرقی خیلی ناراحت شدیم. در تبریز، دوستی داشتیم به نام علی شمیده که یکی از کارگردانان فرقه و مسئول کمیته فرقه در شهر میانه بود. او با ما خیلی نزدیک بود و با هم رفت و آمد داشتیم. شمیده از زندانیان دوره رضاشاه و از اهالی انزلی بود.

● **از اعضای سازمان جوانان حزب کمونیست ایران در انزلی بود. علاوه بر کتاب خاطرات، یک جزوه‌ای هم درباره آن دوره زندانش نوشته و در سال ۱۳۵۹ منتشر کرد.**

می‌توانستیم بکنیم چون آنها نه بپ داشتند و نه مسلسل. هواپیماهای جنگی آموزشی بودند. فکر کردم، لاقلاً از این هواپیماها می‌توانیم در کار عملیات اکتشافی در منطقه استفاده کنیم.

● **در این زمان، ارتش مرکزی از زنجان رد شده بود یا این که هنوز در آن منطقه درگیری ادامه داشت؟**

— ارتش، زنجان را تصرف کرده و در قافلانکوه موضعگیری کرده بودند و طرفین مشغول جمع‌آوری نیرو بودند. در آن موقع، به ژنرال پناهیان پیشنهاد کردم که بهتر است از این هواپیماهای موجود در کار ارتباطی و اکتشافی استفاده کنیم. برای او توضیح دادم که ما از طریق این هواپیماها می‌توانیم با فرماندهان واحدها تماس بگیریم. کار ارتباطی و اکتشافی بکنیم. اطلاعات و خبرهایی که به دستمان می‌رسد با لوله خبر بیندازیم روی ستاد فرماندهی در جبهه‌ها و یا این که برویم روی فرودگاههای موقت بنشینیم. یعنی به آن مناطقی که ارتش آذربایجان مستقر است. و اگر کاری دارند، برای آنها انجام بدهیم. اجرای این پروازها و عملیات پشتیبانی بهتر از این است که این هواپیماها در اینجا بی حاصل بمانند. پناهیان بعد از شنیدن این حرفها، قدری فکر کرد و گفت، خیلی خوب، ترتیبش را بدهید و از همین الان شروع کنید. بعد، سؤال کرد، با چه کسانی می‌خواهید بروید؟ جواب دادم الان با دو نفر از خلیانان می‌روم. یکی ستوان حق‌پرست و دیگری ستوان نیکلا ماکاریان. البته، قبلاً با این دو نفر راجع به این پیشنهاد صحبت و هماهنگی کرده بودم



و هر دو نفر موافقت خودشان را اعلام کرده بودند. قرار بر این بود که ما سه نفر برویم به مراغه و با فرمانده پادگان مراغه از نزدیک صحبت کنیم و ترتیب ایجاد یک فرودگاه موقت را در حول و حوش آن پادگان بدهیم. همچنین برویم به سقز و در جبهه سقز، با فرمانده جبهه یعنی ملا مصطفی بارزانی صحبت بکنیم و اگر میسر بشود، در آنجا هم یک فرودگاه موقت ایجاد کنند تا ما با این هواپیماها بتوانیم کار پشتیبانی از آنان را عهده‌دار بشویم. به هرحال، ما سه نفر وارد پادگان تبریز شدیم تا به سوی مراغه حرکت کنیم. در آن موقع سروان اسبقی ار افسران فراری که فرمانده گردان پادگان تبریز بود، با ماشینهای ارتشی و واحد نظامی تحت مسئولیتش عازم مراغه ←

— بله. او را در آن روزها دیدیم و جریان آن سرگرد را برایش نقل کردیم و گفتیم، توی این بلیشو و این شرایط آشفته که ارتش حمله کرده و توی این جنگ داخلی که رفیقمان قاضی اسداللهی را هم از دست داده‌ایم، این گونه حرفها و زمینه‌چینی‌ها علیه افسران فراری، خیلی ناراحت کننده است. شمیده رفت و با پیشه‌وری ملاقات کرد و جریان را به اطلاع او رساند. او پس از آن دیدار، پیش ما آمد و گفت، آن سرگردی که آن حرف را زد، توبیخش کردیم و شما ناراحت نباشید، مسأله‌ای نیست. بله، به ما دل‌داری می‌داد.

به هرحال، در چنین اوضاع و احوالی، بعد از رفتن سرهنگ آگهی به جبهه قافلانکوه، من جانشین فرمانده نیروی هوایی فرقه بودم ولی عملاً عاطل و باطل. با آن چند هواپیما، کاری

تایمز اسرائیل: تنگه هرمز و استراتژی آمریکا؛ از مهار چین تا افزایش فشار بر جمهوری اسلامی

● با حفظ وضعیت فعلی تنگه هرمز، آمریکا عملاً دست خود را بر شاهراه انرژی جهان گذاشته و از این اهرم برای بازدارندگی در برابر چین، اعمال فشار بر جمهوری اسلامی و محدود کردن فضای مانور روسیه بهره می‌برد.

● تهدیدی که جمهوری اسلامی سال‌ها از آن به‌عنوان بخشی از دکترین بازدارندگی خود یاد می‌کرد، اکنون به فرصتی استثنایی برای آمریکا تبدیل شده و فشار اقتصادی ناشی از محدود شدن صادرات نفت، رژیم را در تنگنایی بی‌سابقه قرار داده است.

● باز شدن پایدار و کامل تنگه هرمز، در شرایط کنونی، به تغییر بنیادین در تهران گره خورده است؛ زیرا ادامه وضعیت موجود، هم بازدارندگی در برابر چین را حفظ می‌کند و هم فشار حداکثری بر جمهوری اسلامی را تداوم می‌بخشد.

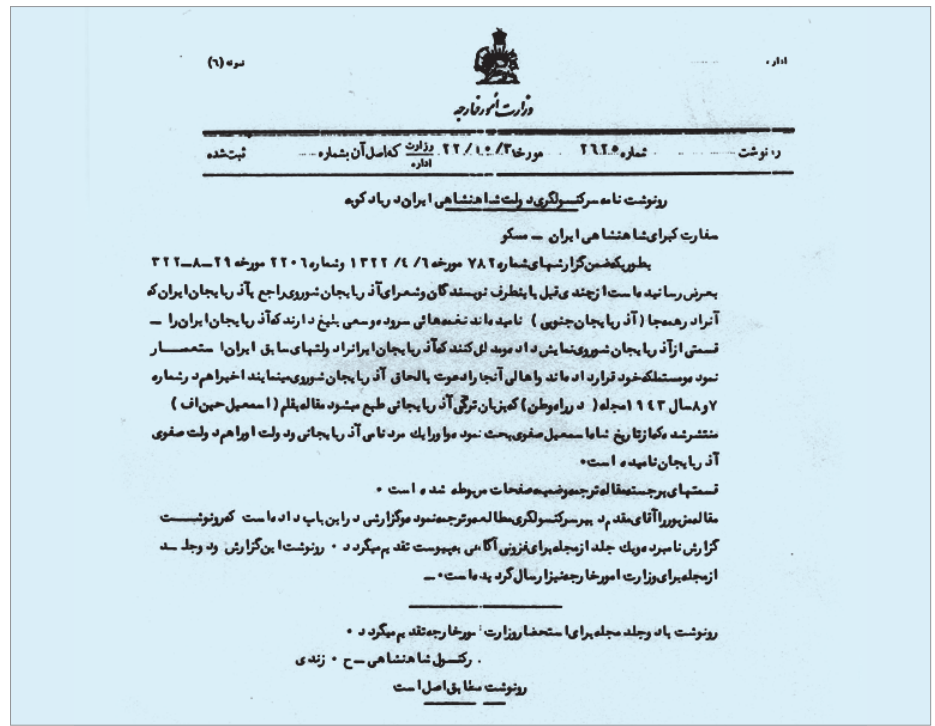
● شاهزاده رضا پهلوی تأکید می‌کند با سقوط جمهوری اسلامی، تنگه هرمز از ابزار تهدید و باج‌گیری به مسیری برای تسهیل تجارت جهانی تبدیل خواهد شد و پایان تهدید هسته‌ای، گروگان‌گیری و تروریسم حکومتی از نخستین پیامدهای ایران آزاد خواهد بود.

فرد صابری - تنگه هرمز در حالی به یکی از مهم‌ترین کانون‌های رقابت ژئوپلیتیک جهان تبدیل شده که تداوم محدودیت در این شاهراه راهبردی انرژی، بیش از آنکه ناشی از ناتوانی آمریکا در تأمین امنیت کشتیرانی باشد، در چارچوب راهبردی گسترده‌تر برای اعمال فشار همزمان بر جمهوری اسلامی، بازدارندگی در برابر چین و محدود کردن نفوذ روسیه تحلیل می‌شود. در این چارچوب، تهدیدی که تهران سال‌ها از آن به‌عنوان اهرم فشار علیه غرب استفاده می‌کرد، به ابزاری در خدمت اهداف راهبردی واشنگتن بدل شده و آینده بازگشت کامل امنیت و آزادی کشتیرانی در هرمز بیش از پیش به تحولات سیاسی ایران گره خورده است؛ موضوعی که شاهزاده رضا پهلوی نیز با تأکید بر آن، معتقد است پایان استفاده جمهوری اسلامی از تنگه هرمز به‌عنوان ابزار تهدید و باج‌گیری، تنها با استقرار ایرانی آزاد و پس از سقوط این حکومت امکان‌پذیر خواهد شد.

مدتی است که تنگه هرمز در صدر اخبار جهان قرار دارد. کشتی‌های نفتکش در انتظار عبور مانده‌اند، قیمت انرژی دچار نوسان شده و تحلیلگران بین‌المللی پیوسته از احتمال تداوم اختلال در این شاهراه حیاتی سخن می‌گویند. پرسشی که بیش از همه مطرح می‌شود این است: چرا آمریکا، با وجود قدرت نظامی بی‌رقیب خود در منطقه و حضور گسترده ناوگان‌هایش، تنگه هرمز را باز نکرده است؟ پاسخ‌های ساده و سطحی معمولاً این است که آمریکا «نی‌تواند» یا «نی‌خواهد وارد درگیری شود». اما نگاهی عمیق‌تر نشان می‌دهد که آمریکا توان بازگشایی تنگه

یک موتورسوار آمد و یک تلگرافی به او داد. وقتی که او تلگراف را خواند، بلافاصله پشت همان موتورسوار نشست و رفت ببیند آیا متن آن تلگراف درست است یا خیر؟ پرسیدم، مضمون آن تلگراف چه بود که پیرزاده با عجله رفت؟ گفت، «نی‌دانم». سراغ ملامصطفی بارزانی را گرفتم. او گفت، ملامصطفی هم سوار ماشین جیپش شده و رفته

→ بود. سروان بدیع تبریزی هم فرمانده موتوری پادگان تبریز بود. چون دیگر کاری برای نیروی هوایی انجام نمی‌داد و ماشین‌ها را برای عزیمت به مراغه آماده کرده بود. ساعت ۲۳ روز ۱۹ آذر ۱۳۲۵ از تبریز به سوی مراغه حرکت کردیم و همراه آن گردان که فرماندهش سروان اسبقی بود، نزدیکیهای صبح به مراغه رسیدیم.



سرکنسول ایران در بادکوبه در گزارشی که متن آن را ملاحظه می‌کنید، اطلاع می‌دهد در آن منطقه، آذربایجان ایران را قسمتی از آذربایجان شوروی جلوه می‌دهند که حکومت‌های سابق ایران آن را مستعمره خود قرار داده بودند!

ولی برمی‌گردد. آن شب را نزد تیوای خوابیدیم. صبح بلند شدیم، دیدیم هنوز نیامده‌اند. رفتیم روی تپه‌ها، با کلت‌هایی که همراهان داشتیم، مقداری تمرین تیراندازی کردیم، به شکلی خودمان را سرگرم می‌کردیم تا آنان بیایند. بعد از ظهر روز ۲۱ آذر ۱۳۲۵ ملامصطفی برگشت.

(دنباله دارد)

● ● ●

(×) در روز ۲۶ آذرماه ۱۳۲۴ در مهاباد پرچم ایران را از فراز سر در اداره دادگستری پایین کشیدند و به جای آن پرچم کردستان را برافراشتند. قاضی محمد در تظاهرات وسیعی در دوم بهمن ۱۳۲۴ تشکیل حکومت کردستان را رسماً اعلام کرد. مجلس کردستان منعقد و قاضی محمد را به سمت صدر حکومت کردستان تعیین کرد. حسین سیف قاضی به سمت وزیر جنگ انتخاب شد. فرقه دموکرات کردستان ایران از طرف کردهای عراق و ترکیه مورد پشتیبانی قرار گرفتند. بارزانی‌ها که در شمال کرکوک (عراق) اقامت داشتند، عده‌ای از سرانشان توسط آن دولت محکوم به اعدام شده بودند. مزید بر آن، ارتش عراق مواضع بارزانی‌ها را به شدت مورد حمله قرار می‌دهد و خانواده‌های بارزانی ناچار می‌شوند به جانب مرز ایران که امنیت بیشتری داشت، کوچ کنند و داخل خاک کردستان ایران در منطقه اشنویه شوند. ملامصطفی بارزانی با آمدن به کردستان ایران، به مقام ژنرالی و در رأس نیروهای مسلح جمهوری مهاباد قرار گرفت. آنها حدود دو هزار خانوار و سه هزار مرد جنگی داشتند. خانواده بارزانی در اطراف مهاباد و در «تکاب» جای داده شدند.

از مراغه ماشین گرفتیم و به میاندوآب رفتیم. سروان مخابرات بهمن قهرمان و سروان مهندس قصریان دو نفر از افسران فراری در آنجا خدمت می‌کردند. در آنجا با آنها ناهار خوردیم. آنها یک ماشین جیپ در اختیارمان گذاشتند و رفتیم به طرف جبهه سقز. در نزدیکی سقز دهکده‌ای بود به نام سرا. این دهکده مرکز ستاد جبهه سقز که فرمانده آن ملامصطفی بارزانی و رئیس ستادش هم سرهنگ ستاد محمدعلی پیرزاده از افسران قیام‌کننده خراسان بود. (×) پیشمرگان بارزانی که سقز را از سه طرف محاصره کرده بودند، قرار بود در روز ۲۱ آذر ۱۳۲۵ حمله کنند و سقز را اشغال کنند. علاوه بر سرهنگ پیرزاده، این افسران فراری هم در جبهه سقز بودند: سروان محمود تیوای رئیس تدارکات واحد (و از افسران نیروی هوایی بود)، سروان اصغر احسانی فرمانده گردان پیاده، دو قبضه توپ کوهستانی هم در ارتفاعات اطراف سقز مستقر بود که سروان ابوالحسن تفرشیان و ستوان یکم علی‌نقی رئیس دانا فرمانده این دو تا توپ بودند در دو موضع عملیاتی جداگانه. سروان ظهیری مسئول واحد پارتیزانی بود که بعداً او را به همراه سه افسر دیگر (ابوالقاسم حق پرست و احتمالاً سرگرد حبیب‌الله خاکزادی) در مهاباد و در یک دادگاه زمان جنگ محاکمه و اعدام کردند. در جبهه سقز، عده‌ای هم فدایی بودند که فرمانده آنها سرگرد رامتین بود.

به هرحال، با رسیدن به منطقه، خواستیم با سرهنگ پیرزاده ملاقات کنیم و طرح خودمان را در خصوص ایجاد فرودگاه موقت با او در میان بگذاریم. از رفیقمان سروان تیوای پرسیدم، سرهنگ پیرزاده کجاست؟ گفت:

نسبتاً قابل‌مدیریت برای متحدان غربی دارد. بنابراین، باز شدن پایدار و کامل تنگه، به تغییر بنیادین در تهران گره خورده است. شاهزاده رضا پهلوی، در مورد اهمیت تنگه‌ی هرمز در نشست «امنیت دریای سیاه» در اودسای اوکراین اظهار داشتند: جمهوری اسلامی از این آبراه بین‌المللی به‌عنوان ابزار تهدید، باج‌گیری و فشار بر اقتصاد جهانی



استفاده می‌کند که با سقوط این رژیم، تنگه‌ی هرمز برای تسهیل تجارت جهانی به‌کار گرفته خواهد شد.

رهبر دموکراتیک اپوزیسیون ایران همچنین در سخنرانی خود در کنفرانس سی‌پک در تگزاس با تأکید بر نقش مخرب جمهوری اسلامی، اظهار داشتند: رسیدن به تصور ایران آزاد، تنها راه خروج از بن‌بستی است که به‌واسطه‌ی وجود جمهوری اسلامی، علاوه بر ایران، دنیا را اسیر خود کرده است.

او در ادامه معتقد است: باز بودن عادی تنگه‌ی هرمز بدون باج‌گیری از اقتصاد جهانی، عدم تهدید هسته‌ای، پایان یافتن گروگانگیری و متلاشی شدن تروریسم سیستماتیک بدون مرز، اولین تأثیرات فردای روز بعد از سقوط جمهوری اسلامی است.

در نهایت، آنچه در تنگه هرمز می‌گذرد، فراتر از یک بحران محلی کشتیرانی است. این یک صفحه از کتاب استراتژی بزرگ آمریکا است که در آن کنترل انرژی، بازدارندگی منطقه‌ای و فشار بر رقبای جهانی در هم تنیده شده‌اند. رژیم ایران با تهدیدهای مکرر خود، ناخواسته این صفحه را برای آمریکا باز کرد. حالا هزینه آن را می‌پردازد و جهان منتظر است تا ببیند این استراتژی تا کجا پیش می‌رود.

منبع: تایمز اسرائیل
ترجمه و تنظیم: کیهان لندن

می‌خواست تحت بهانه‌های دیگر -مثلاً به بهانه رقابت اقتصادی یا فشار مستقیم بر چین- جریان نفت از هرمز را محدود کند، با انتقادهای شدید داخلی و بین‌المللی روبرو می‌شد و مشروعیت اقدامش زیر سؤال می‌رفت. اما اقدامات و تهدیدهای خود رژیم ایران، این بهانه را در اختیار آمریکا گذاشت. اکنون واشنگتن می‌تواند بگوید که در حال پاسخ به تهدید امنیت کشتیرانی

است، در حالی که در عمل، از این موقعیت برای پیشبرد اهداف استراتژیک گسترده‌تر بهره می‌برد.

این پیوند خود سندی است که نشان می‌دهد رژیم جمهوری اسلامی در مسیر سقوط قرار دارد. وقتی یک قدرت جهانی، ادامه محدودیت در شاهراه انرژی را به بقای یک رژیم خاص گره می‌زند، به این معناست که محاسباتش بر اساس تضعیف یا تغییر آن رژیم است. فشار اقتصادی ناشی از کاهش صادرات نفت، همراه با انزوای دیپلماتیک و نارضایتی داخلی، ترکیبی است که در تاریخ معاصر بارها به تغییر رژیم‌ها منجر شده است. استراتژی آمریکا در تنگه هرمز، نه یک واکنش تاکتیکی کوتاه‌مدت، بلکه بخشی از یک بازی بلندمدت است که تهدید قدیمی رژیم اسلامی در ایران را به اهرم فشار علیه سه رقیب اصلی پکن، تهران و مسکو تبدیل کرده است.

سوال بعدی که مطرح می‌شود این است: تنگه هرمز کی باز یا امنیت آن برقرار خواهد شد؟ پاسخ تحلیلی روشن است. تنها با سقوط رژیم جمهوری اسلامی این اتفاق می‌افتد. تا زمانی که این رژیم در قدرت باشد و تهدیدهای قبلی‌اش به‌عنوان بهانه باقی بماند، انگیزه آمریکا برای باز کردن کامل و بی‌قید و شرط تنگه کاهش می‌یابد. وضعیت فعلی، هم بازدارندگی در برابر چین را حفظ می‌کند، هم فشار حداکثری بر تهران را ادامه می‌دهد و هم هزینه‌ای

را دارد، اما آگاهانه از انجام آن خودداری می‌کند. این انتخاب، بخشی از یک استراتژی بزرگتر و چندلایه است که تهدید قدیمی را به فرصتی استثنایی تبدیل کرده است. تنگه هرمز، باریکه‌ای است که حدود یک‌پنجم نفت جهان از آن عبور می‌کند. هرگونه اختلال در آن، نه تنها بازارهای انرژی را متلاطم می‌کند، بلکه اقتصادهای وابسته به واردات نفت را نیز تحت فشار شدید قرار می‌دهد. در ظاهر، باز نگه داشتن این تنگه به سود ثبات اقتصاد جهانی و منافع کوتاه‌مدت مصرف‌کنندگان بزرگ انرژی است. اما استراتژی کنونی آمریکا فراتر از این نگاه کوتاه‌مدت است. با حفظ وضعیت فعلی - یعنی محدود شدن تردد آزاد و امن نفتکش‌ها - آمریکا عملاً دست خود را بر شاهراه انرژی جهان گذاشته است. این کنترل، ابزاری قدرتمند برای بازدارندگی در نقاط دورتر جهان، به‌ویژه در برابر چین، فراهم می‌کند.

چین بیش از هر قدرت دیگری به واردات انرژی از خاورمیانه وابسته است. بخش قابل‌توجهی از نفت مورد نیاز این کشور از مسیر خلیج فارس و تنگه هرمز تأمین می‌شود. اگر پکن تصمیم به حمله نظامی به تایوان بگیرد، باید حساب کند که آمریکا می‌تواند جریان نفت را به شدت محدود یا حتی قطع کند. چنین اقدامی، چین را درگیر یک جنگ فرسایشی اقتصادی و انرژی می‌کند؛ جنگی که بدون شلیک مستقیم گلوله، ظرفیت صنعتی و نظامی آن را به مرور فرسوده می‌سازد. بازدارندگی از این نوع، ارزان‌تر و کم‌ریسک‌تر از رویارویی مستقیم نظامی در اقیانوس آرام است. به همین دلیل، آمریکا ترجیح می‌دهد وضعیت تنگه را در حالت «نیمه‌بسته» یا تحت کنترل شدید نگه دارد تا پیام روشنی به پکن بفرستد: هرگونه ماجراجویی در تایوان، هزینه انرژی سنگینی خواهد داشت.

این استراتژی تنها متوجه چین نیست. امکان صادرات نفت جمهوری اسلامی نیز به شدت محدود شده است. سال‌هاست که رژیم ایران تهدید به بستن تنگه هرمز می‌کرد و آن را کارت فشاری علیه غرب می‌دانست. اکنون همان کارت، علیه خود رژیم برگشته است. با اختلال در صادرات نفت، درآمدهای ارزی رژیم کاهش یافته و فشار اقتصادی داخلی تشدید شده است. این فشار، رژیم را در تنگنای جدی قرار داده و امکان سقوط یا حداقل تضعیف شدید آن را افزایش داده است. در شرایطی که اعتراضات مردمی، فساد ساختاری و ناکارآمدی اقتصادی از پیش وجود داشته، قطع یا محدود شدن درآمد نفتی می‌تواند نقطه شکست باشد.

در عین حال، دست مسکو نیز بسته شده است. روسیه، که خود صادرکننده بزرگ انرژی و در جنگ اوکراین به درآمدهای نفتی و گازی وابسته است، از بی‌ثباتی طولانی‌مدت در تنگه هرمز و افزایش قیمت‌ها سود می‌برد. اما وقتی کنترل این شاهراه در دست آمریکا باشد و جریان نفت به نفع رقبا محدود شود، مسکو نیز نمی‌تواند از این بی‌ثباتی به‌عنوان اهرم پایدار استفاده کند. آمریکا با مدیریت وضعیت، هم چین را بازمی‌دارد، هم رژیم ایران را تحت فشار می‌گذارد و هم فضای مانور روسیه را تنگ‌تر می‌کند.

نکته کلیدی اینجاست که این وضعیت، نتیجه یک محاسبه دقیق است. رژیم جمهوری اسلامی سال‌ها تهدید به بستن تنگه می‌کرد و این تهدید را بخشی از دکترین بازدارندگی خود می‌دانست. اکنون همان تهدید، به فرصتی استثنایی برای آمریکا تبدیل شده است. اگر ترامپ یا هر رئیس‌جمهور دیگری

پایان دادن به همکاری «علی جوهری» با بخش فارسی صدای آمریکا؛ احمد باطبی خواستار اصلاحات ساختاری در این رسانه شد



از استودیوهای صدای آمریکا

● آژانس رسانه‌های جهانی ایالات متحده چندی پیش به همکاری «علی جوهری» در مقام مشاور ارشد بخش فارسی صدای آمریکا پایان داد و رضا نجات روزنامه‌نگار باسابقه صدای آمریکا را جایگزین وی ساخت. این تصمیم تازه‌ترین تغییر مدیریتی در این رسانه به شمار می‌رود.

● احمد باطبی فعال و زندانی سیاسی پیشین در ایران که بیش از ۱۵ سال با بخش فارسی صدای آمریکا همکاری داشته، از این تغییر مدیریتی استقبال کرده، اما گفته است فقط جایگزین کردن «علی جوهری» صرفاً نمی‌تواند آنچه را که وی ضعف‌های اساسی در ساختار و نظام پاسخگویی این رسانه می‌داند، برطرف کند.

● برخی کارکنان صدای آمریکا مدعی شده‌اند که از پخش تصاویر معترضانه که نام شاهزاده رضا پهلوی را فریاد می‌زدند جلوگیری شده و از برخی مهمانان نیز خواسته شده بود از بردن نام او در برنامه‌های زنده خودداری کنند.

● کیهان لندن از «علی جوهری» دعوت کرد تا به اتهام‌های مشخص و مستندی که درباره نقش او در بخش فارسی صدای آمریکا مطرح شده است، پاسخ دهد. او از پاسخ به پرسش‌ها خودداری کرد و افزود: «برداشت من این است که شما از استقلال تحریریه برخوردار نیستید و مواضع‌تان با دیدگاه‌های هواداران پادشاهی همسو است.»

● در حال حاضر، مسئله فوری بخش فارسی صدای آمریکا این است که آیا آژانس رسانه‌های جهانی ایالات متحده از این تغییر برای بازسازی اعتماد به مدیریت این بخش و ساز و کارهای حفاظت از استقلال تحریریه آن استفاده خواهد کرد یا نه.

گزارش ویژه کیهان لندن - آژانس رسانه‌های جهانی ایالات متحده چندی پیش به همکاری «علی جوهری» در مقام مشاور ارشد بخش فارسی صدای آمریکا پایان داد. به گزارش مجله «نیویورکر»، «علی جوهری» در ماه ژوئیه با رضا نجات، روزنامه‌نگار باسابقه صدای آمریکا، جایگزین شد. در ایمیلی که این تغییر را اعلام کرده آمده است که آژانس در حال افزایش ساعات پخش است و همزمان «استانداردهای سختگیرانه صدای آمریکا در زمینه اعتبار و برتری حرفه‌ای در روزنامه‌نگاری» را حفظ خواهد کرد.

این تصمیم تازه‌ترین تغییر مدیریتی در این رسانه به‌شمار می‌رود. رسانه‌ای که طی ماه‌های گذشته با جنجال‌های زیاد در مورد کشمکش‌های حقوقی و ابهام درباره جهت‌گیری تحریریه خود درون این سازمان روبرو بوده است.

احمد باطبی، فعال سرشناس و زندانی سیاسی پیشین در ایران که بیش از ۱۵ سال با بخش فارسی صدای آمریکا همکاری داشته است، از این تغییر مدیریتی استقبال کرده، اما گفته است فقط جایگزین کردن «علی جوهری» صرفاً نمی‌تواند آنچه را که وی ضعف‌های اساسی در ساختار و نظام پاسخگویی این رسانه می‌داند، برطرف کند.

باطبی گفته پس از آنکه از اجرای دستوری از جانب «جوهری» سر باز زده، از کار برکنار شده است. «دستوری که به گفته او از نظر حرفه‌ای و اخلاقی پذیرفتنی نبوده است.

باطبی در واکنش به این تغییر مدیریتی گفت: «برکناری جوهری اقدامی مهم است. اما به تنهایی نمی‌تواند مشکلاتی را که ریشه در ساختار این رسانه دارند برطرف سازد.»

تصمیم ۱۸ ژوئیه به دوران پر تنش و مناقشه برانگیز در بخش فارسی صدای آمریکا پایان داد. دوره‌ای که با اختلاف نظر بر سر خط‌مشی و جهت‌گیری تحریریه، اتهام‌های مربوط به سانسور، اخراج شماری از کارکنان و همچنین طرح شکایتی در دادگاه فدرال همراه بود. در این شکایت منصوبان دولت به نقض «دیوار حفاظتی» قانونی متهم شده‌اند. سازوکاری که برای پاسداری از استقلال حرفه‌ای و روزنامه‌نگارانه صدای آمریکا در برابر مداخله‌های دولتی پیش بینی شده است.

آژانس رسانه‌های جهانی ایالات متحده، نهاد فدرالی که بر صدای آمریکا نظارت دارد، این تصمیم را در بیانیه‌ای به تاریخ ۱۸ ژوئیه اعلام کرد. این آژانس گفته: «گزارش‌هایی که در دسترس عموم قرار گرفته، پرسش‌هایی را درباره اظهارات و فعالیت های پیشین علی جوهری مطرح کرده است و این موارد باید با معیارها و ضوابطی سنجیده شود که از افرادی که در خدمت صدای آمریکا و مخاطبان آن هستند، انتظار می‌رود.» این آژانس هنوز توضیح نداده کدام یک از اظهارات یا فعالیت‌های او به تصمیم برای برکناری او انجامیده است. همچنین مشخص نکرده که آیا تصمیم‌های تحریریه‌ای و پرسنلی اتخاذ شده در دوران فعالیت «جوهری» مورد بازبینی قرار خواهد گرفت یا نه.

آژانس رسانه‌های جهانی ایالات متحده هنوز اعلام نکرده است که آیا برکناری باطبی مورد بازبینی قرار خواهد گرفت یا اینکه به او و دیگر روزنامه‌نگارانی که در دوران فعالیت «جوهری» برکنار یا به حاشیه رانده شدند، پیشنهاد بازگشت به کار یا راه دیگری برای جبران داده خواهد شد.

از باطبی پرسیده شد که اگر پیشنهاد بازگشت به سمت پیشین خود را دریافت کند، آیا به صدای آمریکا باز خواهد گشت. وی گفت با آنکه همچنان این سازمان را خانه حرفه‌ای خود می‌داند، حاضر به بازگشت نیست.

وی گفت: «نه، برمی‌گردم؛ حتی اگر ریاست این بخش را به من پیشنهاد کنند. مشکلات این سازمان را نمی‌توان

باطبی با یادآوری رویارویی‌ای که پیش از برکناری او رخ داده، گفت: «در ابتدا او مستقیماً به سراغ من نیامد. وقتی نزد من آمد و گفت باید این کار را انجام بدهی، به او گفتم که این کار را نخواهم کرد. پرسید می‌خواهی اخراجت کنم؟ گفتم اخراجم کن، چون من این کار را انجام نخواهم داد و او همین کار را کرد.»

او گفت: «به باور او این ماجرا نشان‌دهنده فقدان نظارت مؤثر در درون سازمان در بخش فارسی صدای آمریکاست.» باطبی افزود: «صدای آمریکا عملاً بدون نظارت، کنترل و ساز و کار شایسته، به دست فردی سپرده شده که هیچ صلاحیتی از لحاظ اخلاقی و حرفه‌ای برای این کار نداشته و این امکان را پیدا کرده تا دیدگاه‌ها و نظرات شخصی خود را اعمال نماید.»

او ادامه داد: «شماری از مطالب که در دوران فعالیت جوهری تهیه و منتشر شده، بعدها مورد استناد رسانه‌های وابسته به جمهوری اسلامی قرار گرفته است» و «وی صدای آمریکا را به صدای جمهوری اسلامی تبدیل کرد. نود درصد ویدیوهایی که او می‌سازد، خوراک جمهوری اسلامی است و مورد استفاده‌شان در کانال‌های تلگرامی. یعنی در حقیقت صدای آمریکا شده منبع سپاه پاسداران.»

مسئله‌ای که به گفته باطبی، به اعتبار صدای آمریکا نزد مخاطبان فارسی‌زبان لطمه زده است.

ادعای باطبی مبنی بر اینکه بخش قابل توجهی از این مطالب مورد استفاده رسانه‌های وابسته به جمهوری اسلامی قرار گرفته، ارزیابی شخصی اوست و صحت آن بطور مستقل تأیید نشده است.

کیهان لندن از «علی جوهری» دعوت کرد تا به اتهام‌های مشخص و مستندی که درباره نقش او در بخش فارسی صدای آمریکا مطرح شده است، پاسخ دهد. او از پاسخ به پرسش‌ها خودداری کرد و افزود: «برداشت من این است که شما از استقلال تحریریه برخوردار نیستید و مواضع‌تان با دیدگاه‌های هواداران پادشاهی همسو است.»

→ صرفا با تغییر یک مدیر برطرف کرد. این سازمان هنوز ساختار جنگ جهانی دوم را دارد و بزرگترین مشکل این است که سیستم نظارت ندارد و دارای سیستم نظارتی حزبی و مافیایی است.»

با اینهمه، باطبی از دل بستگی عمیق خود به صدای آمریکا و رسالت عمومی این رسانه سخن گفت. وی گفت: «ولی خب، آن سازمان خانه من است. بیش از ۱۵ یا ۱۶ سال در آنجا کار کرده‌ام. حضور من در آنجا دو دلیل داشت، یک اینکه چهره واقعی آمریکا را به مردم نشان بدهم و دیگری صدای مردم ایران باشم. دلیل دیگری برای بودن من در آنجا وجود نداشت.»

کنار گذاشتن «جواهری» در حالی صورت می‌گیرد که به نظر می‌رسد «کری لیک» بیش از پیش در آستانه ترک ریاست آژانس رسانه‌های جهانی ایالات متحده قرار دارد. کمیته روابط خارجی سنای آمریکا روز ۲۲ ژوئیه نامزدی او را برای تصدی مقام سفیر ایالات متحده در جامائیکا مطرح کرده و برای بررسی و رأی‌گیری به سنا فرستاده است. احتمال کنار رفتن «لیک» همزمان با برکناری «جواهری» بر ابهامات درباره اینکه چه کسی مدیریت بخش فارسی صدای آمریکا را بر عهده خواهد گرفت و این بخش از چه الگوی تحریری پیروی خواهد کرد، افزوده است.

آژانس رسانه‌های جهانی ایالات متحده هنوز ساختار مدیریتی تازه‌ای برای بخش فارسی اعلام نکرده است. این بخش همچنان به بخش برنامه و انتشار خبر ادامه می‌دهد. آژانس همچنین اعلام نکرده که آیا روزنامه‌نگارانی که در دوران فعالیت «جواهری» برکنار یا به حاشیه رانده شدند، به کار بازگردانده خواهند شد یا نه؟

هنگامی که درگیری‌ها میان اسرائیل و جمهوری اسلامی در ژوئن ۲۰۲۵ شدت گرفت، آژانس رسانه‌های جهانی ایالات متحده ناگهان حدود ۷۵ تن از کارکنان فارسی‌زبان را برای پوشش اضطراری رویدادها به کار فراخواند. تنها چند روز بعد، بسیاری از همین روزنامه‌نگاران در چارچوب اخراج نیرو که به حذف حدود ۸۵ درصد از مجموع کارکنان آژانس رسانه‌های جهانی ایالات متحده و صدای آمریکا انجامید، هشدار اخراج دریافت کردند.

بخش فارسی صدای آمریکا پس از آن فعالیت خود را بر اساس شیوه‌ای ادامه داد که «لیک» آن را «برنامه‌سازی فشرده در شرایط ویژه» می‌نامید. به این معنا که در زمان جنگ، اعتراضات یا دیگر رویدادهای مهم، شمار محدودی از روزنامه‌نگاران بار دیگر به کار فراخوانده می‌شدند. منتقدان می‌گفتند، چنین رویکردی یک رسانه بین‌المللی را به عملیاتی موقت برای شرایط بحرانی تقلیل می‌دهد. حال آنکه یک رسانه خبری به گزارشگری پیوسته و اعتماد مخاطبان و حفظ تجربه و دانش سازمانی نیاز دارد.

در ماه مارس ۲۰۲۶، رویس لمبرت، قاضی دادگاه ناحیه‌ای ایالات متحده، حکم داد که «کری لیک» بطور غیرقانونی در مقام سرپرست اجرایی آژانس رسانه‌های جهانی ایالات متحده فعالیت کرده است. زیرا انتصاب او به تأیید سنا نرسیده بود و بر اساس قوانین فدرال مربوط به تصدی موقت سمت‌های خالی نیز صلاحیت احراز این مقام را نداشته است. قاضی اقداماتی را که در دوره تصدی غیرقانونی او صورت گرفته بود، از جمله اخراج‌های گسترده و لغو قراردادهای فاقد اعتبار قانونی اعلام کرد.

احمد باطبی در جریان اعتراضات دانشجویی ژوئیه ۱۹۹۹ در ایران، پس از آنکه عکسی از او در حالی که پیراهن خونین یکی دیگر از معترضین را در دست داشت، منتشر شد، به شهرت رسید. این تصویر بر روی جلد نشریه «اکنومیست» قرار گرفت و به یکی از شناخته شده‌ترین

نمادهای آن اعتراضات تبدیل شد.

باطبی پس از آن بازداشت و در یک دادرسی غیرعلنی در دادگاه انقلاب، ابتدا به اعدام محکوم شد. حکم او بعدا به ۱۵ سال زندان و سپس به ۱۰ سال کاهش پیدا کرد. سازمان‌های مدافع حقوق بشر نسبت به گزارش‌های مربوط به شکنجه او، وخامت وضعیت جسمانی‌اش و محرومیت وی از مراقبت‌های پزشکی لازم و کافی ابراز نگرانی کردند. باطبی بعدا از ایران گریخت و در سال ۲۰۰۸ وارد ایالات متحده شد و در آنجا پناهندگی گرفت. او پس از آن در زمینه دفاع از حقوق بشر و روزنامه‌نگاری فعالیت داشت و سپس به بخش فارسی صدای آمریکا پیوست.

برکناری او به بخشی از مناقشه‌ای گسترده‌تر بر سر مدیریت تحریریه بخش فارسی صدای آمریکا تبدیل شد. شماری از کارکنان کنونی و پیشین، «جواهری» را متهم کرده‌اند که برای دعوت از مهمانان، تأیید قبلی را الزامی کرده و پوشش خبری مربوط به شاهزاده رضا پهلوی، برجسته‌ترین چهره سیاسی مخالف جمهوری اسلامی را محدود ساخته است.

برخی کارکنان مدعی شدند از پخش تصاویر معترضانی که نام شاهزاده رضا پهلوی را فریاد می‌زدند جلوگیری شده و از شماری از مهمانان نیز خواسته شده بود از بردن نام او در برنامه‌های زنده خودداری کنند.

«جواهری» و «کری لیک» اعمال ممنوعیت کامل در این زمینه را رد کردند. آنها گفتند هدف این سیاست جلوگیری از ایجاد این تصور بوده است که صدای آمریکا از یک رهبر یا جناح خاص مخالف جمهوری اسلامی حمایت می‌کند.

منتقدان در مقابل استدلال می‌کنند که گزارش فعالیت‌های علنی شاهزاده رضا پهلوی یا پخش شعارهای واقعی معترضان به معنای حمایت سیاسی از او نیست. به گفته آنان، جلوگیری از انتشار اخبار قابل راست‌آزمایی درباره وی، مخاطبان را از اطلاعات مهم محروم می‌کند و با الزامات منشور صدای آمریکا مبنی بر ارائه گزارش‌های دقیق، بی‌طرفانه و جامع، مغایرت دارد.

این مناقشه پس از حضور سحر تحویلی، پژوهشگر دانشگاهی مقیم سوئد، در برنامه بخش فارسی صدای آمریکا در ۹ ژانویه علنی شد. موضوع این گفتگو استفاده از فناوری ماهواره‌ای استارلینک در جریان قطع اینترنت از سوی جمهوری اسلامی بود.

تحویلی در آغاز مصاحبه به ایرانیانی اشاره کرد که به فراخوان شاهزاده رضا پهلوی برای اقدام پاسخ داده بودند. به گفته او، پس از پایان مصاحبه یکی از تهیه‌کنندگان با وی تماس تلفنی گرفته و با عصبانیت پرسیده که چرا نام رضا پهلوی را مطرح کرده است. تحویلی افزود که به او گفته شده بود هیچکس اجازه ندارد نام پهلوی را ببرد. بنا بر روایت او، این مصاحبه پس از آن در شبکه‌های اجتماعی بازنشر نشد و به وی اطلاع داده شد که دیگر به برنامه‌های این شبکه دعوت نخواهد شد. اکنون این مناقشه بخشی از یک شکایت فدرال است که از سوی شماری از روزنامه‌نگاران کنونی و پیشین صدای آمریکا مطرح شده و انجمن قلم آمریکا و گزارشگران بدون مرز نیز از آن حمایت می‌کنند.

در این شکایت، «لیک»، «جواهری» و شماری دیگر از مسئولان به نقض «دیوار حفاظتی» قانونی متهم شده‌اند. ساز و کاری که برای حفاظت از استقلال تحریریه صدای آمریکا در برابر مداخلات سیاسی در نظر گرفته شده است. به استدلال شایکان، مسئولیت آژانس رسانه‌های جهانی ایالات متحده برای توضیح سیاست‌های آمریکا، به منصوبان دولتی اجازه نمی‌دهد درباره تک تک گزارش‌ها، انتخاب مهمانان برنامه یا نتیجه‌گیری‌های تحریریه تصمیم‌گیری و

اعمال نظر کنند.

انجمن قلم آمریکا در بیانیه‌ای که همزمان با این اقدام حقوقی منتشر شده، اعلام کرد که هدف این پرونده جلوگیری از تبدیل شدن صدای آمریکا به «بازوی تبلیغاتی دولت ترامپ» است.

آژانس رسانه‌های جهانی ایالات متحده در مقابل از اختیار نظارتی خود دفاع کرده و گفته است: «صدای آمریکا با بودجه عمومی اداره می‌شود و موظف است ضمن رعایت معیارهای مندرج در منشور صدای آمریکا، سیاست‌های ایالات متحده را نیز برای مخاطبان توضیح دهد.»

رسیدی به این شکایت همچنان در دادگاه ناحیه‌ای ایالات متحده در منطقه کلمبیا ادامه دارد و هنوز حکم نهایی درباره اتهامات مربوط به سانسور یا مداخله سیاسی صادر نشده است.

مناقشه در بخش فارسی صدای آمریکا در حالی جریان داشته که این رسانه بطور کلی با بحرانی گسترده‌تر در ساختار و مدیریت خود روبرو بوده است.

پس از آنکه دونالد ترامپ رئیس جمهوری ایالات متحده دستور داد فعالیت‌های آژانس رسانه‌های جهانی آمریکا به حداقل میزان مقرر در قانون کاهش یابد، «کری لیک» بخش بزرگی از کارکنان صدای آمریکا را به مرخصی اجباری فرستاد، قراردادهای لغو کرد و برنامه‌های بین‌المللی این رسانه را به شدت کاهش داد.

«لیک» آژانس را «از ریشه فاسد» توصیف کرد و گفت: «این نهاد به سازمانی پرهزینه و دارای گرایش سیاسی تبدیل شده که به اندازه کافی با منافع آمریکا همسو نیست.»

منتقدان او گفتند: «این کاهش‌ها یکی از منابع مهم اطلاعات مستقل را برای مخاطبانی که زیر سلطه‌ی حکومت‌های اقتدارگرا زندگی می‌کنند، تضعیف کرده است.» در ماه مارس ۲۰۲۵، رویس لمبرت قاضی دادگاه ناحیه‌ای ایالات متحده حکم داد که «لیک» بطور غیرقانونی اختیارات سرپرست اجرایی آژانس رسانه‌های جهانی ایالات متحده را اعمال کرده زیرا بر اساس قوانین فدرال مربوط به سمت‌های خالی، صلاحیت تصدی این مقام را نداشته است.

این قاضی ضمن باطل اعلام کردن اقدامات «لیک»، تصمیمات وی را از نظر قانونی فاقد اعتبار اعلام کرد. در حکم بعدی، به دولت دستور داده شد تا فعالیت‌های صدای آمریکا را از سر بگیرد و بیش از یک هزار تن از کارمندان را به سر کار بازگرداند. «لیک» اما از این رأی انتقاد کرد و گفت دولت به آن اعتراض خواهد کرد.

اکنون با تغییرات مدیریتی اخیر چنین پرسشی بی‌پاسخ مانده است.

آژانس رسانه‌های جهانی ایالات متحده هنوز اعلام نکرده است که آیا بخش فارسی صدای آمریکا تحت بررسی و بازبینی گسترده‌تری در سیاست‌ها و عملکرد تحریریه روبرو خواهد شد و یا تصمیمات اتخاذ شده در مورد کارمندان در دوران تصدی او مورد بازنگری قرار خواهد گرفت.

این آژانس همچنین مشخص نکرده است که آیا پرونده باطبی یا دیگر روزنامه‌نگاران برکنار شده بطور رسمی مورد بازبینی قرار خواهد گرفت یا نه.

مسئله فوری بخش فارسی صدای آمریکا، تنها کنار گذاشتن «جواهری» نیست، بلکه این است که آیا آژانس رسانه‌های جهانی ایالات متحده از این تغییر برای بازسازی اعتماد به مدیریت این بخش و ساز و کارهای حفاظت از استقلال تحریریه آن استفاده خواهد کرد یا نه.

در همین ارتباط، احمد باطبی گفت: «صرفا جایگزینی یک مقام کافی نخواهد بود و مشکلات موجود بدون نظارت مستقل و اصلاحات ساختاری، برطرف نخواهد شد.»

جبهه‌ی جنگ جمهوری اسلامی در عراق



دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا و علی الزیدی نخست وزیر عراق / واشنگتن / ۱۴ ژوئیه ۲۰۲۶

پافشاری بر استقلال تصمیم‌گیری عراق، از حمایت گسترده مردمی و نهادهای رسمی برخوردار خواهد شد. عراق طی دو دهه گذشته از بحران‌ها و شکاف‌های عمیقی عبور کرده و بار دیگر نیز می‌تواند این توانایی را به اثبات برساند.

بحران کنونی آزمونی تازه برای اراده دولت و ملت عراق و فرصتی برای بازتعریف روابط با تهران بر پایه اصولی است که حاکمیت و استقلال تصمیم‌گیری عراق را حفظ کند.

ما پیچیدگی موقعیت ژئوپلیتیک عراق را در میان قدرت‌های رقیب منطقه‌ای درک می‌کنیم. تهران از بغداد می‌خواهد اجازه ندهد از خاک عراق علیه جمهوری اسلامی استفاده شود؛ اما در همان حال، چندین گروه شبه‌نظامی عراقی را سازماندهی و مسلح می‌کند که این امر مشکلی آشکار برای اقتدار دولت عراق و حق انحصاری آن در ارتباط با اختیار داشتن سلاح است. همچنین رژیم ایران این گروه‌ها را برای حمله به کشورهای همسایه هدایت می‌کند؛ روندی که عراق را به تدریج به سوی الگوی لبنان سوق می‌دهد؛ مسیری که نهادهای دولتی، وحدت ملی و ثبات کشور را تهدید کرده و آن را به سمت هرج و مرج می‌برد.

نخست‌وزیر تنها در مدت دو ماه توانست در میان عراقی‌ها، فارغ از گرایش‌های سیاسی و مذهبی آنان، امید فراوانی نسبت به امکان احیای دولت، توسعه و شکوفایی اقتصادی ایجاد کند و از حمایت مردمی قابل توجهی نیز برخوردار شود. اما او در صورتی خواهد توانست این مسیر را ادامه دهد که به پدیده سلاح خارج از کنترل دولت پایان دهد و انحصار مشروع استفاده از قهر را در اختیار دولت تثبیت کند؛ زیرا این، مهم‌ترین دروازه برای ساختن عراقی باثبات و آباد است.

*منبع: روزنامه الشرق الاوسط

*نویسنده: عبدالرحمن الراشد

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

اقتصاد و سرمایه‌گذاری، ناکام گذاشتن دولت‌های پیاپی و آسیب رساندن به روابط عربی و بین‌المللی این کشور نقش داشته است.

امروز نیز مرحله‌ای تازه از این نفوذ را شاهد هستیم؛ مرحله‌ای که هدف آن تبدیل عراق به نیروی نیابتی برای جنگ رژیم ایران علیه ایالات متحده و شماری از کشورهای منطقه است.

جمهوری اسلامی تنها در یک روز، بسیاری از اصلاحاتی را که نخست‌وزیر جدید برای گشودن صفحه‌ای متفاوت در تاریخ عراق آغاز کرده بود، بر باد داد. تهران می‌کوشد پس از کاهش نفوذش در لبنان و غزه، عراق را به جبهه نظامی جایگزین خود تبدیل کند. همچنین ادامه باز بودن مرزها در برابر فعالیت‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، عراق را به سوی ضعف و ویرانی بیشتر سوق خواهد داد.

روابط میان کشورها تنها بر پایه احترام متقابل می‌تواند پایدار باشد؛ اصلی که مقتدی صدر نیز در بیانیه خود بر آن تأکید کرد و گفت: «همانگونه که این سرزمین مقدس هرگز پایگاهی برای حمله به جمهوری اسلامی نبوده است، برادران ما در سپاه پاسداران نیز نباید سرزمین مستقل و مقدس ما را هدف قرار دهند؛ همانگونه که شبه‌نظامیان خارج از کنترل نیز نباید به برادران ما در کشورهای عربی خلیج فارس پنهان دهند تا سرزمین مقدس ما را هدف قرار دهند.»

پرسش اساسی این است که آیا نخست‌وزیر عراق خواهد توانست در برابر نفوذ ریشه‌دار رژیم ایران مقاومت کند؟ رهبران عراق امروز این فرصت را دارند که بر مخالفت با نظامی‌سازی دولت و شبه‌نظامی‌سازی جامعه پافشاری کنند و مانع کشیده شدن عراق به جنگی منطقه‌ای شوند؛ جنگی که نه مردم عراق خواهان آن هستند و نه کشورهای منطقه.

در حالی که تهران جاه‌طلبی‌های خود را پنهان نمی‌کند و می‌کوشد همگان را قانع کند که عراق به عرصه نفوذ و میدان فعالیت آن تبدیل شده و پذیرش این واقعیت اجتناب‌ناپذیر است، اعلام مخالفت با این «واقعیت» و

● حملات جمهوری اسلامی به عربستان و همسایگانش، در واقع چیزی جز تجاوز رژیم ایران به حاکمیت و تمامیت ارضی عراق و تلاش برای تبدیل این کشور به نسخه‌ای دیگر از لبنان و یمن نیست.

● تهران از عراق به عنوان گذرگاهی برای دور زدن تحریم‌ها، محلی برای پولشویی، کانالی برای قاچاق نفت و بانکی برای تأمین مالی فعالیت‌های منطقه‌ای خود با میلیارد‌ها دلار استفاده کرده است. همچنین در بی‌ثبات کردن امنیت عراق، تضعیف اقتصاد و سرمایه‌گذاری، ناکام گذاشتن دولت‌های پیاپی و آسیب رساندن به روابط عربی و بین‌المللی این کشور نقش داشته است.

● تهران از بغداد می‌خواهد اجازه ندهد از خاک عراق علیه جمهوری اسلامی استفاده شود؛ اما در همان حال، چندین گروه شبه‌نظامی عراقی را سازماندهی و مسلح می‌کند که این امر مشکلی آشکار برای اقتدار دولت عراق و حق انحصاری آن در ارتباط با اختیار داشتن سلاح است. همچنین رژیم ایران این گروه‌ها را برای حمله به کشورهای همسایه هدایت می‌کند؛ روندی که عراق را به تدریج به سوی الگوی لبنان سوق می‌دهد؛ مسیری که نهادهای دولتی، وحدت ملی و ثبات کشور را تهدید کرده و آن را به سمت هرج و مرج می‌برد.

عبدالرحمن الراشد (الشرق الاوسط) - هفتاد روز نخست زمامداری علی فالح الزیدی، از زمان تصدی مقام نخست‌وزیری، امید فراوانی را در میان عراقی‌ها زنده کرد؛ امیدی که با سیاست‌های رژیم تهران از میان رفت. این دوره با پیگیری پرونده‌های فساد، اصلاح نهادهای دولتی از کارافتاده، تلاش برای انحصار سلاح در اختیار دولت از طریق درخواست تحویل سلاح از سوی شبه‌نظامیان، و همچنین آغاز یک برنامه سرمایه‌گذاری و طرح اجرایی که مورد استقبال کاخ سفید قرار گرفت، همراه بود.

اما جمهوری اسلامی برنامه نخست‌وزیر را هدف قرار داد و عراق را به جبهه‌ای برای جنگ خود تبدیل کرد و عین لبنان و یمن، از خاک و شهروندان عراق به عنوان سکویی برای حمله به شش کشور منطقه استفاده شد که آخرین موارد آن، حمله به پادشاهی عربی سعودی، اردن و نیروهای آمریکایی بود. حملات به عربستان و همسایگانش، در واقع چیزی جز تجاوز رژیم ایران به حاکمیت و تمامیت ارضی عراق و تلاش برای تبدیل این کشور به نسخه‌ای دیگر از لبنان و یمن نیست.

بخش شبه‌نظامیان وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، اکثریت عراقی‌ها از کشیده شدن کشورشان به جنگی که هیچ سودی برای منافع ملی عراق ندارد، احساس ناامیدی و نگرانی می‌کنند. این احساس را مقتدی صدر رهبر جریان ملی شیعی نیز در بیانیه اخیر خود بازتاب داد؛ آنجا که گفت: «عراق و مردمش به صلح نیاز دارند و جنگ‌هایی که همه توان و امکانات ما را فرسوده کرده، کافست.»

این بحران بار دیگر واقعیتی را آشکار کرد که سال‌هاست بسیاری از آن آگاه‌اند؛ اینکه عراق بهای سنگینی برای نفوذ حکومت اسلامی ایران می‌پردازد. تهران از عراق به عنوان گذرگاهی برای دور زدن تحریم‌ها، محلی برای پولشویی، کانالی برای قاچاق نفت و بانکی برای تأمین مالی فعالیت‌های منطقه‌ای خود با میلیارد‌ها دلار استفاده کرده است. همچنین در بی‌ثبات کردن امنیت عراق، تضعیف

میدان جنگ واشنگتن و تهران برای «تفاهم»!



طرح از کیهان لندن ©KayhanLondon

سرخ، تهران از «جنگ گذرگاه‌های دریایی» سخن می‌گوید و به امکان مختل کردن اقتصاد جهانی از طریق حوثی‌ها، استفاده از خاک عراق برای اعمال فشار بر کشورهای همسایه و پیوند دوباره پرونده لبنان با استراتژی منطقه‌ای خود از مسیر تقابل اشاره می‌کند. رژیم ایران همه اهرم‌های فشار خود را به کار گرفته، زیرا این نبرد را تعیین‌کننده سرنوشت نظام جمهوری اسلامی می‌داند.

در مقابل، ایالات متحده ظاهراً به این جمع‌بندی رسیده که تعیین تکلیف این رویارویی دیگر گزینه‌ای قابل تعویق نیست، بلکه ضرورتی است که هم موازنه قدرت موجود و هم منافع جدید منطقه‌ای آن را ایجاب می‌کند؛ منافی که امروز بیش از گذشته بر معادلات جنگ و صلح در خاورمیانه تأثیرگذار شده‌اند.

شکست «یادداشت تفاهم» بار دیگر نشان داد که جنگ‌های بزرگ معمولاً پیش از رسیدن به نقطه تعیین‌کننده پایان نمی‌یابند. همچنین روشن ساخت که الگوی «بُرد-بُرد» در این منازعه کارایی ندارد و منطقه، به احتمال زیاد، به سوی معادله‌ای سخت‌تر در حرکت است؛ معادله‌ای که در آن یک برنده آشکار و یک بازنده آشکارتر وجود خواهد داشت. در سایه خطای محاسباتی آمریکا از یکسو و اعتماد به نفس بیش از اندازه رژیم ایران از سوی دیگر، خطر لغزش به سوی رویارویی گسترده‌تر، بیش از هر زمان دیگری واقعی به نظر می‌رسد.

*منبع: روزنامه الشرق الاوسط

*نویسنده: مصطفی فصیح نویسنده و تحلیلگر لبنانی

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

*«نخ معاویه» برگرفته از این جمله است که به معاویه بن ابی سفیان و عمرو عاص نسبت داده می‌شود که می‌گفتند «اگر به اندازه یک نخ بین من و دوستان یا دشمنان ارتباط باشد آن را آنقدر نمی‌کشم که پاره شود!» این اصطلاح کنایه از باز نگه داشتن روزنه‌ها برای حفظ ارتباطات ناپایدار و تساهل مصلحتی و نوعی عملگرایی بدون اخلاق است که به هر قیمتی به حفظ ارتباط برای منافع خود تلاش می‌کند.

نتیجه [توافق نهایی] و بهره‌برداری از دستاوردهای آن. در مقابل اما جمهوری اسلامی بر فرسایش زمان برای به تأخیر انداختن نتایج، حساب باز کرده تا فرصت یابد شوک اولیه را پشت سر بگذارد و آرایش سیاسی و استراتژیک خود را بازسازی کند؛ فرصتی که «یادداشت تفاهم»، هرچند موقت، برایش فراهم ساخت.

مشکل تهران این است که در ارزیابی دستاورد خود دچار زیاده‌روی شد و کوشید مفاد «یادداشت تفاهم» را به امتیازهای سیاسی برای خود تبدیل کند. مهم‌تر از آن، به تحلیل آمریکا با همان نگاه سنتی گذشته پرداخت؛ درست همانگونه که اسرائیل را نیز با همان روش ارزیابی کرده و در نتیجه دچار خطای محاسباتی شد. اسرائیل از ۸ اکتبر ۲۰۲۳ [پس از حمله تروریستی و فجیع گروه حماس به اسرائیل در هفتم اکتبر همان سال] درگیر جنگی پیوسته است، در حالی که دولت کنونی کاخ سفید در مدیریت این رویارویی، خود را آزادتر از گذشته و کمتر تحت فشارهای داخلی و خارجی می‌بیند.

هنگامی که دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا اعلام کرد توافق موقت یا همان «یادداشت تفاهم» عملاً پایان یافته و تهران نیز پاسخ داد که اساساً خواستار از سر گرفتن مذاکرات نبوده، آشکار شد که بازگشت به مسیر دیپلماسی بیش از پیش دشوار شده است. اکنون احیای «یادداشت تفاهم» تنها در صورت بازنگری اساسی در مفاد و ارائه تفسیری روشن و الزام‌آور از آن ممکن است؛ امری که در شرایط کنونی دور از دسترس به نظر می‌رسد. از این رو، منطقه در آستانه مرحله‌ای قرار گرفته که می‌تواند با مخاطرات استراتژیک بزرگ، موازنه‌های آن را بار دیگر درگون کند.

در حالی که میانجی‌ها، به ویژه پاکستان، همچنان بر ادامه مأموریت خود پافشاری کرده و کشورهای همسایه نیز از تلاش‌های آنان حمایت می‌کنند، دو طرف اختلاف در دورترین نقطه ممکن از یکدیگر بر سر میز مذاکره ایستاده‌اند و میدان واقعی مدیریت این بحران، بیش از هر چیز، عرصه‌ی جنگ به نظر می‌رسد تا تفاهم و توافق. از تنگه هرمز در خلیج فارس تا باب‌المندب در دریای

● اهمیت «یادداشت تفاهم اسلام‌آباد» نه در دشواری تفسیر یا ناممکن بودن اجرای آن، بلکه در ناتوانی از اعلام رسمی پایان آن است زیرا جایگزین آن کاملاً روشن است: بازگشت به رویارویی آشکار. این گزینه است که همه را نگران کرده؛ حتی خود ایالات متحده را که توانایی تحمیل آن را دارد، اما ظاهراً هنوز برای پذیرش هزینه‌های استراتژیک و پیامدهای منطقه‌ای آن آماده نیست.

● جمهوری اسلامی اما بر فرسایش زمان برای به تأخیر انداختن نتایج، حساب باز کرده تا فرصت یابد شوک اولیه را پشت سر بگذارد و آرایش سیاسی و استراتژیک خود را بازسازی کند؛ فرصتی که «یادداشت تفاهم»، هرچند موقت، برایش فراهم ساخت. با اینهمه مشکل تهران این است که در ارزیابی دستاورد خود دچار زیاده‌روی شد و کوشید مفاد «یادداشت تفاهم» را به امتیازهای سیاسی برای خود تبدیل کند.

● در حالی که میانجی‌ها، به ویژه پاکستان، همچنان بر ادامه مأموریت خود پافشاری کرده و کشورهای همسایه نیز از تلاش‌های آنان حمایت می‌کنند، دو طرف اختلاف در دورترین نقطه ممکن از یکدیگر بر سر میز مذاکره ایستاده‌اند و میدان واقعی مدیریت این بحران، بیش از هر چیز، عرصه‌ی جنگ به نظر می‌رسد تا تفاهم و توافق.

● شکست «یادداشت تفاهم» بار دیگر نشان داد که جنگ‌های بزرگ معمولاً پیش از رسیدن به نقطه تعیین‌کننده پایان نمی‌یابند. همچنین روشن ساخت که الگوی «بُرد-بُرد» در این منازعه کارایی ندارد و منطقه، به احتمال زیاد، به سوی معادله‌ای سخت‌تر در حرکت است؛ معادله‌ای که در آن یک برنده آشکار و یک بازنده آشکارتر وجود خواهد داشت.

مصطفی فصیح (الشرق الاوسط) - از یادداشت تفاهم

بین رژیم ایران و ایالات متحده آمریکا، که مهلت ۶۰ روزه‌ی آن در ۱۸ اوت ۲۰۲۶ به پایان می‌رسد، به قول معروف تنها «نخ معاویه»* باقی مانده است؛ تعبیری که از دیپلماسی دوران خلافت اموی باقی مانده است. این «نخ» امروز در قالب مذاکرات غیرمستقیم میان واشنگتن و تهران نمود یافته؛ مذاکراتی که میانجی‌ها با وجود کاهش چشمگیر امید به احیا یا موفقیت آن، همچنان بر ادامه‌اش اصرار دارند.

پیش از پایان مهلت شصت روزه‌ای که برای دستیابی به توافقی جامع در نظر گرفته شده بود، هر دو طرف، بطور مستقیم یا غیرمستقیم، شکست «یادداشت تفاهم اسلام‌آباد» را اعلام کرده بودند، اما از صدور بیانه‌ای مشترک درباره کنار گذاشتن آن خودداری کردند. اهمیت این یادداشت جنجالی نه در دشواری تفسیر یا ناممکن بودن اجرای آن، بلکه در ناتوانی از اعلام رسمی پایان آن است زیرا جایگزین آن کاملاً روشن است: بازگشت به رویارویی آشکار. این گزینه است که همه را نگران کرده؛ حتی خود ایالات متحده را که توانایی تحمیل آن را دارد، اما ظاهراً هنوز برای پذیرش هزینه‌های استراتژیک و پیامدهای منطقه‌ای آن آماده نیست.

واشنگتن همراه با تنها متحد خود در منطقه، یعنی اسرائیل، با این امید وارد جنگ با تهران شد که بیش از خود جنگ، بر نتایج پس از آن تکیه کند. اما به سرعت از برخی مواضعی که همزمان با آغاز عملیات نظامی اعلام کرده بود، عقب نشست و اسیر عامل زمان شد: میان شتاب برای دستیابی به

نتانياهو: تصميم نهايي جنگ با ترامپ است؛ تنگه هرگز ديگر اهرم قدرتمندی عليه بازار جهانی نفت نخواهد بود



بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل در گفتگو شبکه‌ی بی‌بی‌سی نیوز / واشنگتن / ژوئیه ۲۰۲۶

● نخست‌وزیر اسرائیل هرگونه تلاش از سوی خود برای متقاعدکردن یا فشار بر دونالد ترامپ به ادامه‌ی جنگ را رد کرد اما همزمان نسبت به «دیپلماسی» و راه حل دیپلماتیک با جمهوری اسلامی نیز ابراز تردید جدی نمود.

● بنیامین نتانیاهو همچنین ادعاهای مربوط به گمراه‌کردن دونالد ترامپ در آغاز درگیری‌ها با جمهوری اسلامی را تکذیب کرد و گفت: «هیچکس به رئیس جمهور ترامپ نمی‌گوید باید چکار کند».

● نخست‌وزیر اسرائیل در مورد سقوط جمهوری اسلامی گفت: «اگرچه نمی‌شود پیش‌بینی کرد، اما این اتفاق بالاخره رخ خواهد داد.» او با رد ادعای آسان بودن تغییر رژیم در ایران اضافه کرد: «در نهایت سرنوشت جمهوری اسلامی به دست مردم ایران رقم خواهد خورد».

● نتانیاهو در خصوص تنگه هرمز نیز اظهار داشت: «پس از پایان درگیری، تنگه هرمز اهرم قدرتمندی برای بازار جهانی نفت نخواهد بود، زیرا خطوط لوله‌ی انرژی به سمت دریای سرخ و سپس از طریق اسرائیل به مدیترانه وصل خواهد شد».

بنیامین نتانیاهو در گفتگو با شبکه‌ی بی‌بی‌سی گفت: تصمیم درباره‌ی چگونگی ادامه‌ی جنگ با جمهوری اسلامی کاملاً در اختیار دونالد ترامپ است.

بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل که برای شرکت در مراسم تشییع جنازه‌ی سناتور فقید لیندزی گراهام و دیدار با رئیس جمهور ایالات متحده‌ی آمریکا به این کشور سفر کرده بود، در یک گفتگو با شبکه‌ی بی‌بی‌سی بیان داشت: تصمیم درباره‌ی چگونگی ادامه‌ی جنگ با جمهوری اسلامی کاملاً در اختیار دونالد ترامپ است.

نخست‌وزیر اسرائیل هرگونه تلاش از سوی خود برای متقاعدکردن یا فشار بر دونالد ترامپ به ادامه‌ی جنگ را رد کرد اما همزمان نسبت به «دیپلماسی» و راه حل دیپلماتیک با جمهوری اسلامی نیز ابراز تردید جدی نمود. نتانیاهو با تأکید بر رابطه‌ی عمیق و خلل‌ناپذیر با آمریکا، اسرائیل را متحد و «شریک کوچک‌تر» ایالات متحده عنوان کرد.

نتانیاهو در این گفتگو تصریح کرد: «حقیقت این است که ما شریک و متحد هستیم. او [ترامپ] شریک ارشد است. آمریکا را فراموش نکنیم و من شریک کوچک‌تر هستم، اما من به عنوان نخست‌وزیر اسرائیل باید از منافع و امنیت کشورم دفاع نمایم و این کار را می‌کنم.» او افزود: «این دفاع همیشه با قدردانی عمیق از نقش آمریکا تحت رهبری دونالد ترامپ در مقابله با دشمن مشترک [جمهوری اسلامی] انجام می‌شود».

تصمیم‌گیری درباره‌ی جمهوری اسلامی و گزینه‌های روی میز

یکی از محورهای اصلی صحبت‌های نخست‌وزیر اسرائیل در این گفتگو، تأکید او بر تصمیم نهایی برای چگونگی ادامه‌ی جنگ با جمهوری اسلامی بود. نتانیاهو گفت که در نشست خصوصی روز سه‌شنبه در کاخ سفید، سه گزینه‌ی مذاکره برای توافق گسترده‌تر با طرف‌های جمهوری

اسلامی، ادامه‌ی محاصره‌ی دریایی در تنگه‌ی هرمز و ادامه‌ی اقدامات نظامی به شکل قوی‌تر را با دونالد ترامپ بررسی کرده‌اند. وی تصریح کرد: «ما واقعا هر سه امکان را تحلیل کردیم و فکر می‌کنم این کار را بسیار شفاف و بدون رودربایستی درست مانند دو دوست صمیمی و متحد، انجام دادیم، اما این تصمیم در اختیار اوست [ترامپ] و در نهایت او باید تصمیم بگیرد».

بنیامین نتانیاهو در ادامه هرگونه تلاش از سوی خود برای متقاعد کردن ترامپ را رد کرد و افزود: «چنین تصویری درست نیست بلکه یک تصویر کاریکاتوری است.» او همچنین ادعاهای مربوط به گمراه‌کردن دونالد ترامپ در آغاز درگیری‌ها با جمهوری اسلامی را تکذیب کرد و گفت: «هیچکس به رئیس جمهور ترامپ نمی‌گوید باید چکار کند».

تردید نسبت به ادامه‌ی دیپلماسی در مقابل جمهوری اسلامی

نخست‌وزیر اسرائیل درباره‌ی امکان به نتیجه‌رسیدن راه حل دیپلماتیک در مقابل جمهوری اسلامی با ابراز تردید گفت: «من نمی‌دانم که آیا واقعا بعید است یا نه، اما به رفتار جمهوری اسلامی اعتمادی ندارم. آنها همیشه دروغ می‌گویند، همیشه تقلب می‌کنند و همیشه با خرید وقت بازی می‌کنند. آیا با فشار کافی دیپلماتیک ممکن است تغییر کنند؟ می‌توانید امتحان کنید!»

نتانیاهو در ادامه اشاره کرد: «هدف اصلی من این است که مطمئن شوم ایران یا این رژیم [جمهوری اسلامی] به سلاح هسته‌ای دست نیابد. این موضوعی است که من و رئیس جمهور ترامپ، هر دو روی آن توافق داریم، چون اگر جمهوری اسلامی سلاح هسته‌ای داشته باشد، دنیا کاملاً جای متفاوتی خواهد شد».

وضعیت کنونی جمهوری اسلامی و تنگه‌ی هرمز
بنیامین نتانیاهو در ادامه‌ی گفتگو با شبکه‌ی بی‌بی‌سی، با تأیید این واقعیت که جمهوری اسلامی «ضعیف‌تر از پیش» شده است اشاره کرد: «این رژیم هنوز فروپاشیده است، اما بسیار ناتوان‌تر از همیشه شده است.» او با اشاره به قدرت اسرائیل افزود: «با وجود ضعیف‌تر شدن جمهوری اسلامی، این رژیم تغییر نکرده و هنوز کاملاً سقوط نکرده و از بین نرفته است».

نخست‌وزیر اسرائیل در مورد سقوط جمهوری اسلامی گفت: «اگرچه نمی‌شود پیش‌بینی کرد، اما این اتفاق بالاخره رخ خواهد داد.» او با رد ادعای آسان بودن تغییر رژیم در ایران اضافه کرد: «در نهایت سرنوشت جمهوری اسلامی به دست مردم ایران رقم خواهد خورد».

نتانیاهو در خصوص تنگه هرمز نیز اظهار داشت: «پس از پایان درگیری، تنگه هرمز اهرم قدرتمندی علیه بازار جهانی نفت نخواهد بود، زیرا خطوط لوله‌ی انرژی به سمت دریای سرخ و سپس از طریق اسرائیل به مدیترانه وصل خواهد شد.» وی افزود: «ما می‌توانیم این گره‌ی کور را باز کنیم و این کار را انجام خواهیم داد.» نخست‌وزیر اسرائیل همچنین با هشدار به جمهوری اسلامی تأکید کرد که هرگونه حمله به اسرائیل «اشتباهی خطرناک» خواهد بود و اسرائیل «بسیار بسیار قاطعانه» پاسخ می‌دهد.

این گفتگو در شرایطی انجام شد که گزارش‌هایی حاکی از ارائه‌ی اطلاعات از سوی اسرائیل به دونالد ترامپ در راستای متقاعدکردن او برای ادامه‌ی درگیری‌ها منتشر شده، اما نتانیاهو با رد این خبرسازی‌ها تأکید کرد که تصمیمات کلیدی جنگ در واشنگتن گرفته می‌شود و تثبیت جایگاه اسرائیل به عنوان متحد نزدیک آمریکا، جایگاه بالاتری از حاشیه‌سازی علیه این دو قدرت دارد.

آمریکا از ایران آزاد چقدر سود می برد؟



ویدئو

از بزرگترین بازارهای جهان را از جمله به روی شرکت های آمریکایی باز کند. ایران با جمعیت ۹۰ میلیونی، منابع عظیم نفت و گاز، معادن، در کنار زیرساخت هایی که جمهوری اسلامی آنها را فرسوده و مستهلک کرده و چند دهه نیاز انباشتهی جامعه های پویا و پرتحرک، برای آمریکا بازاری به ارزش صدها میلیارد دلار خواهد بود.

فرید خلیفی - سقوط جمهوری اسلامی و تشکیل یک حکومت ملی در ایران آزاد، باثبات و متصل به اقتصاد جهانی که مسیر شکوفایی و توسعه ی پیش از وقوع انقلاب ۵۷ را در کشور ادامه دهد، تنها یک تحول بزرگ سیاسی در خاورمیانه نخواهد بود. این اتفاق علاوه بر خشکاندن ریشه بزرگترین حامی تروریسم در جهان، می تواند دروازه های یکی

منابع اسرائیلی: حماس در حال انتقال بخشی از فعالیت های خود از قطر به ترکیه است



خلیل الحیه رئیس دفتر سیاسی حماس

● گزارش ها حاکی از آن است که گروه تروریستی حماس در حال آماده شدن برای انتقال بسیاری از فعالیت های خود از قطر به ترکیه است. بر اساس گزارش شبکه تلویزیونی «کان» اسرائیل، حماس فعالیت های پشت پرده و غیرعلنی خود را به ترکیه منتقل خواهد کرد، اما بخش زیادی از فعالیت های علنی این گروه همچنان در قطر باقی خواهد ماند.

● شبکه «کان» گزارش داد که پس از این تصمیم، قطر از حماس خواسته است برای تمام فعالیت های رسمی این گروه که در دوحه انجام می شود، تأییدیه دریافت کند.

گزارش ها حاکی از آن است که گروه تروریستی حماس در حال آماده شدن برای انتقال بسیاری از فعالیت های خود از قطر به ترکیه است. بر اساس گزارش شبکه تلویزیونی «کان» اسرائیل، حماس فعالیت های پشت پرده و غیرعلنی خود را به ترکیه منتقل خواهد کرد، اما بخش زیادی از فعالیت های علنی این گروه همچنان در قطر باقی خواهد ماند. این تصمیم پس از آن اتخاذ شده که دوحه از تصمیم حماس برای انتخاب خلیل الحیه به عنوان رهبر جدید این گروه ابراز نارضایتی کرده است.

شبکه «کان» گزارش داد که پس از این تصمیم، قطر از حماس خواسته است برای تمام فعالیت های رسمی این گروه که در دوحه انجام می شود، تأییدیه دریافت کند. همچنین این گزارش ها این اقدامات را به نتایج انتخابات داخلی حماس مرتبط دانسته اند؛ انتخاباتی که به برگزیده شدن خلیل الحیه به عنوان رئیس دفتر سیاسی این جنبش انجامید. به گفته همین منابع، این انتخاب با رویکردی که دوحه ترجیح می داد همخوانی نداشت.

حماس چند هفته پیش اعلام کرده بود که خلیل الحیه به عنوان رئیس دفتر سیاسی این گروه انتخاب شده است. او جانشین سمتی شد که از زمان کشته شدن یحیی سنوار خالی مانده بود. سنوار نیز پس از کشته شدن اسماعیل هنیه رهبری حماس را بر عهده گرفته بود.

داستان «جنگ و صلح ترامپ» کی پایان می یابد؟!



کیهان
KAYHAN LONDON

© کیهان لندن / کارتون های بهنام محمدی

نیویورک پست: انقلاب در ایران ممکن است هر لحظه رخ دهد



انقلاب شیروخورشید (دی ماه ۱۴۰۴)

ما مهاجمان خارجی هستیم! بجای دفاع از آسمان کشور، حکومت تصمیم گرفته با شهروندان خودش وارد جنگ شود.

روزنامه‌نگار معترض همچنین ادعا کرد حکومت به مسلح کردن نوجوانان روی آورده و برخی افراد ۱۳ یا ۱۴ ساله را برای گشت زدن در محله‌ها به کار گرفته است. او گفت: «این یک فاجعه‌ی در حال وقوع است.»

این روزنامه‌نگار توضیح داد که جنگ همچنین باعث ایجاد عدم اعتماد در منطقه شده است؛ فعالان نمی‌دانند آمریکا تا چه حد قصد دارد به حملات خود علیه حکومت ایران و دارایی‌های آن ادامه دهد.

در همین ارتباط، دونالد ترامپ شنبه شب اعلام کرد که آخرین حمله برنامه‌ریزی شده را متوقف کرده، زیرا مذاکرات صلح ظاهراً در مسیر مثبتی قرار گرفته است.

به گفته این روزنامه‌نگار، شکاف‌ها در حکومت از هم‌اکنون در حال نمایان شدن است؛ او مدعی شد تا ۲ هزار معترض در اصفهان برای اعتراض به اعدام‌های علنی دو معترض مخالف حکومت، ابوالفضل سپاهی بدجانی و امیرحسین صفری حسین‌آبادی، به خیابان رفتند.

همین روزنامه‌نگار گفت تورم شدید، همچنین کمبود برق و آب در مناطق جنوبی کشور، خشم عمومی علیه روحانیون حاکم را افزایش داده است.

او همچنین گفت: «حتی افراد طبقه متوسط هم روزانه یک یا دو وعده غذا را حذف می‌کنند. در فروشگاه‌ها مواد غذایی وجود دارد، اما هیچکس توان خرید آن را ندارد.»

هیچکدام از این دو ایرانی زمان دقیق وقوع یک خیزش گسترده را مشخص نکردند، اما گفتند اگر اعدام‌ها و سرکوب ادامه یابد و وضعیت اقتصادی بهتر نشود، هر حادثه‌ای می‌تواند جرقه آغاز اعتراضات باشد.

یکی از آنها تأکید کرد: «ما می‌دانیم چه چیزی در خطر است؛ یا حکومت می‌رود، یا ما.»

جمله آجر، سنگ، چوب، صندلی و لاستیک‌هایی که برای مسدود کردن خیابان‌ها استفاده می‌شوند و منتظر روزی هستند که مردم دوباره به خیابان‌ها بیایند.

این لیدر میدانی اعتراضات مدعی شد گروه‌های کوچکی به صورت مخفیانه در تلاش برای تهیه سلاح گرم و توزیع آن میان معترضان هستند؛ از جمله سلاح‌هایی که در برخی خانه‌های شخصی نگهداری یا از خارج قاچاق می‌شوند. او مشخص نکرد که این سلاح‌ها قرار است از سوی چه کسانی تأمین شوند.

او درباره اعتراضات دی‌ماه ۱۴۰۴ گفت: «وقتی دی‌ماه به خیابان آمدم، مثل برهه‌هایی بودیم که به مسلخ می‌روند. نیروهای بسیج از قدرت آتشی استفاده می‌کردند که باورکردنی نبود. خیابان‌ها مثل قبرستان شده بود؛ همه‌جا پر از پیکر کشته‌شدگان بود و خیابان‌ها از خون سرخ شده بود.»

او خطاب به نیروهای حکومتی هشدار داد: «دفعه بعد که بیرون بیایم، مسلخ می‌آییم.»

این دو شهروند ایرانی گفتند که آسیب روانی ناشی از اعتراضات ژانویه، که در آن هزاران معترض غیرمسلح توسط نیروهای حکومتی کشته شدند، دلیل اصلی این است که هنوز یک خیزش گسترده مردمی شکل نگرفته است.

یکی از آنها تأکید کرد: «همه یک کسی را از دست داده‌اند.»

آنها همچنین مدعی شدند که یکی دیگر از عوامل جلوگیری از انقلاب، حضور نیروهای خارجی است که سپاه پاسداران از کشورهایی مانند عراق، افغانستان و پاکستان به خدمت گرفته است.

روزنامه‌نگار مخالف حکومت گفت: «آنها مردم را هنگام رانندگی از ماشین‌هایشان بیرون می‌کشند، آنها و ماشین‌ها را بازرسی می‌کنند.»

لیدر میدانی نیز تأکید کرد: «آنها در کشور ما طوری رفت و آمد می‌کنند که انگار خودشان شهروند اینجا هستند و

● روزنامه «نیویورک پست» ضمن گفتگو با شماری از مخالفان حکومت در گزارشی که دوم اوت (۱۱ مرداد) منتشر شد می‌نویسد، خیابان‌های ایران به دلیل اعدام‌ها در ملاء عام، فروپاشی اقتصادی و جنگی که بیش از پنج ماه ادامه داشته، به نقطه انفجار رسیده است.

● یکی از لیدرهای میدانی اعتراضات با اشاره به سرکوب خونین خیزش دی‌ماه ۱۴۰۴ می‌گوید: «انقلاب ممکن است هر لحظه اتفاق بیفتد؛ مردم به دنبال انتقام هستند.»

● یک روزنامه‌نگار مستقل که در شبکه زیرزمینی مخالفان حکومت فعال است، توضیح داد که آماده‌سازی‌ها برای خیزش بعدی آغاز شده و فعالان از گروه‌های مختلف اجتماعی مصمم‌اند ضربه‌ای نهایی و تعیین‌کننده به حکومت وارد کنند.

● او همچنین ادعا کرد که نیروهای مقاومت در سراسر کشور، سلاح‌ها و ابزارهای ابتدایی را مخفی کرده‌اند؛ از جمله آجر، سنگ، چوب، صندلی و لاستیک‌هایی که برای مسدود کردن خیابان‌ها استفاده می‌شوند و منتظر روزی هستند که مردم دوباره به خیابان‌ها بیایند.

● لیدر میدانی اعتراضات نیز مدعی شد که گروه‌های کوچکی به صورت مخفیانه در تلاش برای تهیه سلاح گرم و توزیع آن میان معترضان هستند؛ از جمله سلاح‌هایی که در برخی خانه‌های شخصی نگهداری یا از خارج قاچاق می‌شوند. او مشخص نکرد که این سلاح‌ها قرار است از سوی چه کسانی تأمین شوند.

● لیدر میدانی درباره نیابتی‌هایی که توسط رژیم برای سرکوب مردم به کشور وارد شده‌اند، تأکید کرد: «آنها در کشور ما طوری رفت و آمد می‌کنند که انگار خودشان شهروند اینجا هستند و ما مهاجمان خارجی هستیم!»

روزنامه «نیویورک پست» ضمن گفتگو با شماری از مخالفان حکومت در گزارشی که دوم اوت (۱۱ مرداد) منتشر شد می‌نویسد، خیابان‌های ایران به دلیل اعدام‌ها در ملاء عام، فروپاشی اقتصادی و جنگی که بیش از پنج ماه ادامه داشته، به نقطه انفجار رسیده است.

یکی از لیدرهای میدانی اعتراضات با اشاره به سرکوب خونین خیزش دی‌ماه ۱۴۰۴ می‌گوید: «انقلاب ممکن است هر لحظه اتفاق بیفتد؛ مردم به دنبال انتقام هستند.»

یک روزنامه‌نگار مستقل که در شبکه زیرزمینی مخالفان حکومت فعال است، توضیح داد که آماده‌سازی‌ها برای خیزش بعدی آغاز شده و فعالان از گروه‌های مختلف اجتماعی مصمم‌اند ضربه‌ای نهایی و تعیین‌کننده به حکومت وارد کنند.

هر دو شهروند ایرانی از طریق تلفن همراه و با کمک مترجم با «نیویورک پست» گفتگو کردند و پس از اتصال به یک VPN با این رسانه تماس گرفتند.

این روزنامه‌نگار گفت: «ما خیزش دی‌ماه را بررسی می‌کنیم؛ اینکه چه تاکتیک‌هایی مؤثر بود و کدام‌ها نبود. ما نقشه‌ها را تحلیل می‌کنیم تا امن‌ترین و خطرناک‌ترین مناطق برای تجمع را مشخص کنیم.»

او همچنین ادعا کرد که نیروهای مقاومت در سراسر کشور، سلاح‌ها و ابزارهای ابتدایی را مخفی کرده‌اند؛ از

کاهش اهمیت استراتژیک تنگه هرمز با گسترش مسیرهای جایگزین



عبور یک ابرنفتکش از تنگه هرمز

شده است. دو کشتی باقیمانده در خلیج فارس نیز برای جابجایی داخلی کالا استفاده می‌شوند. برخی ناظران گویند، اگرچه هزینه بالاتر رفته و زمان بیشتری برای جابجایی‌ها صرف می‌شود، اما روند تجارت ادامه دارد.

چشم‌انداز آینده و کاهش وابستگی

کارشناسان اتفاق نظر دارند که با تغییراتی که در جریان هستند، تنگه هرمز دیگر به اندازه گذشته یک مسیر الزامی نیست. گسترش خطوط لوله‌ی درون‌کشوری (که طبق پیش‌بینی بانک سرمایه‌گذاری «گلدمن ساکس» بطور متوسط دو سال و نیم زمان می‌برد) و سرمایه‌گذاری در بنادر شرقی، مسیر بازگشت‌ناپذیری ایجاد کرده است. اگرچه اقدامات کوتاه‌مدت مانند گسترش ظرفیت موجود، تأثیرات فوری داشته‌اند. این تغییرات پیامدهای ژئوپلیتیک مهمی به همراه خواهد داشت. کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس با کاهش آسیب‌پذیری در برابر اختلالات در تنگه هرمز، قدرت چانه‌زنی بیشتری پیدا می‌کنند. از سوی دیگر، نفوذ جمهوری اسلامی که سال‌ها از کنترل این تنگه به عنوان اهرم فشار استفاده می‌کرد، بسیار کمتر می‌شود.

ناامنی و انسداد تنگه هرمز در سال ۲۰۲۶، برخلاف بحران‌های قبلی، نه به فروپاشی بازار انرژی منجر شد و نه تجارت جهانی را فلج کرد. در عوض به یک کاتالیزور در راستای تسریع سرمایه‌گذاری در مسیرهای جایگزین تبدیل شد. ترکیب خطوط لوله‌ی جدید، بنادر گسترش یافته و تغییرات در الگوی تولید و مصرف جهانی نشان می‌دهد که دنیای انرژی در حال تغییر و متونوع شدن است.

با این حال، اینهمه به معنای پذیرفتن ریسک نیست. تنگه هرمز هنوز به عنوان یک مسیر مهم حیاتی به هرگونه تنش و درگیری می‌تواند بر روند قیمت‌ها تأثیر داشته باشد، اما واقعیت جدید این است: هم‌اکنون نیز وابستگی مطلق به آن نسبت به قبل کاهش یافته و اقتصاد جهانی انعطاف‌پذیری بیشتری برای تطبیق خود با بحران و اختلال نشان داده است.

پیشرفت است. علاوه بر این، برنامه‌هایی برای گسترش بنادر ساحل شرقی امارات در جریان است. به گزارش رویترز، با این اقدامات، ظرفیت انتقال نفت از منطقه بدون عبور از تنگه هرمز بطور قابل توجهی افزایش می‌یابد.

بانک سرمایه‌گذاری «گلدمن ساکس» در گزارشی پیش‌بینی کرده که با تکمیل این پروژه‌ها، منطقه ظرف یک‌سال آینده قادر خواهد بود تقریباً نیمی از ظرفیت انتقال نفت از تنگه هرمز را از طریق خطوط لوله‌ی جدید پوشش دهد. این بدین معناست که اهمیت استراتژیک تنگه هرمز در بلندمدت بطور چشمگیری کاهش خواهد یافت. عوامل دیگری مانند افزایش تولید نفت در کشورهای غیرعضو اوپک و کاهش تقاضای چین (بزرگ‌ترین واردکننده‌ی سابق نفت) نیز به این روند کمک خواهد کرد.

تأثیر بر حمل و نقل کانتینری و تجارت کالا

تأثیر ناامنی یا انسداد تنگه هرمز فقط به نفت محدود نمی‌شود. تنگه هرمز ۵۴ کیلومتر عرض دارد؛ مسیر اصلی برای کشتی‌های کانتینری به سمت خلیج فارس نیز هست. اکنون بخش عمده‌ای از کالاهای در بندر جدّه در عربستان تخلیه شده و سپس از راه خشکی به مقاصد در دیگر کشورهای خلیج فارس منتقل می‌شود.

در این میان، بندرهای جایگزین مانند خورفکان، فجیره در امارات و سوهار در عمان نقش کلیدی پیدا کرده‌اند. خورفکان با فاصله‌ی تنها ۱۳۰ کیلومتری از دبی و اتصال ریلی قوی، بیشترین ظرفیت را دارد. با اینهمه کشتی‌ها گاهی مجبورند برای پهلو گرفتن و تخلیه بار خود چند روز منتظر بمانند. امیل هووخ‌استیدن مدیر بندر سوهار که نیمی از سهام آن متعلق به شرکت بندری روتردام در هلند است، تأکید کرده که ترافیک این بندر از زمان شروع درگیری‌ها بطور قابل توجهی افزایش یافته است.

شرکت کشتیرانی مرسک نیز گزارش داده که از ۴۷ هزار کانتینر در حال حرکت به مقصد کشورهای حاشیه خلیج فارس پیش از درگیری‌ها، ۴۴ هزار مورد تا کنون تحویل داده

● باج‌خواهی و همچنین شلیک علیه تجارت و کشتیرانی بین‌المللی توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در تنگه هرمز، باعث شد تا شرکت‌های نفت و گاز و نیز دولت‌های کشورهای حاشیه خلیج فارس به سرعت به سمت مسیرهای جایگزین حرکت کنند.

● اختلال در رفت و آمد کشتی‌ها در تنگه هرمز نه تنها بر بازار جهانی نفت تأثیر گذاشته، بلکه سبب تلاش برای تغییر ساختاری در ژئوپلیتیک انرژی منطقه شده که با وجود و استمرار جمهوری اسلامی، ایران از آن بیشترین خسارت را خواهد دید.

از اواخر فوریه ۲۰۲۶ پس از حملات ایالات متحده آمریکا و اسرائیل علیه جمهوری اسلامی، تنش‌ها نیز در منطقه خلیج فارس بیش از پیش بالا گرفت و مدت‌هاست که رفت و آمد کشتی‌ها از تنگه هرمز که به عنوان حیاتی‌ترین شریان انرژی جهان شناخته می‌شود، توسط جمهوری اسلامی نامن شده و به محلی برای راهزنی دریایی و باج‌گیری تبدیل شده است.

باج‌خواهی و همچنین شلیک علیه تجارت و کشتیرانی بین‌المللی توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در تنگه هرمز، باعث شد تا شرکت‌های نفت و گاز و نیز دولت‌های کشورهای حاشیه خلیج فارس به سرعت به سمت مسیرهای جایگزین حرکت کنند. مسیرهایی که از سال‌ها پیش به دلیل تهدیدات مکرر جمهوری اسلامی مبنی بر بستن این آبراه حیاتی، درباره‌شان فکر و برنامه‌ریزی شده و به مرحله عملی شدن نیز نزدیک می‌شدند. اختلال در رفت و آمد کشتی‌ها در تنگه هرمز نه تنها بر بازار جهانی نفت تأثیر گذاشته، بلکه سبب تلاش برای تغییر ساختاری در ژئوپلیتیک انرژی منطقه شده که با وجود و استمرار جمهوری اسلامی، ایران از آن بیشترین خسارت را خواهد دید.

بنا بر گزارش خبرگزاری «ان‌اواس» هلند، در تنگه هرمز پیش از آغاز درگیری‌ها، روزانه بیست میلیون بشکه نفت جابجا می‌شد که معادل تقریباً بیست درصد مصرف جهانی نفت بود. این رقم باعث شده بود تا تنگه هرمز به یکی از حساس‌ترین نقاط دنیا تبدیل شود. با آغاز تنش‌ها و حملات متقابل به کشتی‌های نفتکش و اهداف دیگر، قیمت هر بشکه نفت دچار نوسانات شدیدی شده که مستقیماً نتیجه‌ی ایجاد اختلال در رفت و آمد کشتی‌ها در این آبراه بین‌المللی است.

با اینهمه برخلاف ارزیابی‌های اولیه که یک بحران انرژی عظیم را پیش‌بینی می‌کرد، بازارهای جهانی نفت در حال حاضر، از جمله به دلیل استفاده‌ی فراینده از مسیرهای جایگزین، تا حد زیادی تاب آورده است.

مسیرهای جایگزین حمل و نقل نفت و گاز

یکی از مهمترین گزینه‌ها، خط لوله‌ی شرقی- غربی در عربستان سعودی است که دریای سرخ را به خلیج فارس وصل می‌کند. ظرفیت این خط لوله حداکثر انتقال هفت میلیون بشکه در روز است. کارشناسان معتقدند، عربستان احتمالاً به دنبال گسترش این ظرفیت خواهد بود. لوسیا فان خونس کارشناس انرژی در «مرکز مطالعات استراتژیک لاهه» تأکید می‌کند که کشورهای منطقه فعالانه به دنبال توسعه‌ی این زیرساخت هستند.

در امارات متحده عربی نیز فعالیت‌ها شدت گرفته است. خط لوله‌ای از بندر فجیره به سمت دبی وجود دارد و پروژه‌ی ساخت لوله‌ی دوم نیز تا پایان سال ۲۰۲۷ در حال

دونالد ترامپ: مشروط به دستیابی فوری به توافق، حملات علیه جمهوری اسلامی را لغو کردم



دونالد ترامپ / رویترز

● مقام‌های آمریکایی می‌گویند، محمد بن سلمان ولیعهد عربستان سعودی، روز شنبه ۱۰ مرداد ۱۴۰۵، در گفتگویی تلفنی با دونالد ترامپ از برنامه او برای انجام حملات گسترده جدید علیه جمهوری اسلامی ابراز نگرانی کرد.

● ترامپ در «تروث‌سوشال» نوشت: «ایالات متحده آمریکا با سطحی از آمادگی، قدرت و توان نظامی که از زمان جنگ جهانی دوم تا کنون دیده نشده، آماده اقدام علیه جمهوری اسلامی ایران است. با این حال، [رژیم] ایران و همچنین دیگر کشورهای خاورمیانه از ما خواسته‌اند که هرگونه حمله را متوقف کنیم، زیرا چارچوب‌های یک توافق حاصل شده است.»

● رئیس جمهوری آمریکا گفت: «این توافق شامل بازگشایی فوری، کامل و بدون قید و شرط تنگه هرمز و پایان دادن به تهدید هسته‌ای [رژیم] ایران خواهد بود.»

● محمد مرندی مشاور پیشین تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای رژیم جمهوری اسلامی در واکنش به اظهارات اخیر ترامپ مدعی شد: «همه می‌دانند این خبرسازی بود، ترامپ عقب‌نشینی کرد.»

مقام‌های آمریکایی می‌گویند، محمد بن سلمان ولیعهد عربستان سعودی، روز شنبه ۱۰ مرداد ۱۴۰۵، در گفتگویی تلفنی با دونالد ترامپ از برنامه او برای انجام حملات گسترده جدید علیه جمهوری اسلامی ابراز نگرانی کرد.

به گزارش آکسیوس ترامپ بطور جدی در حال بررسی حمله به تأسیسات و اهداف مرتبط با بخش انرژی ایران در روزهای آینده است. این اقدام در پاسخ به حمله موشکی جمهوری اسلامی به یک پایگاه نظامی آمریکا در اردن و همچنین ادامه اخلاف ایران در کشتیرانی از طریق تنگه هرمز مطرح شده است. با این حال، او هنوز دستور نهایی برای انجام این حملات را صادر نکرده است.

چنین حمله‌ای می‌تواند به تشدید تنش بی‌سابقه در جنگ پنج ماهه منجر شود؛ جنگی که چندین بار با تلاش ترامپ برای گشودن مسیر مذاکرات متوقف گشت، اما پس از شکست این تلاش‌های دیپلماتیک، دوباره از سر گرفته شد. در همین ارتباط، جمهوری اسلامی ایران تهدید کرده است که در صورت وقوع چنین حملاتی، با هدف قرار دادن تأسیسات انرژی و زیرساختی در اسرائیل و کشورهای حوزه خلیج فارس تلافی خواهد کرد.

ترامپ شنبه شب در «تروث‌سوشال» نوشت: «ایالات متحده آمریکا با سطحی از آمادگی، قدرت و توان نظامی که از زمان جنگ جهانی دوم تا کنون دیده نشده، آماده اقدام علیه جمهوری اسلامی ایران است. با این حال، [رژیم] ایران و همچنین دیگر کشورهای خاورمیانه از ما خواسته‌اند که هرگونه حمله را متوقف کنیم، زیرا چارچوب‌های یک توافق حاصل شده است.»

ترامپ گفت: «این توافق شامل بازگشایی فوری، کامل و بدون قید و شرط تنگه هرمز و پایان دادن به تهدید هسته‌ای [رژیم] ایران خواهد بود.»

او همچنین افزود: «بر اساس این درخواست، به خاطر منافع آینده جهان و همچنین بقای ایرانی موفق و شکوفا، با

مقطع حساس بر سیاست ترامپ در قبال ایران تأثیرگذار بوده است.

دیگر قدرت‌های منطقه‌ای از جمله قطر، امارات متحده عربی، ترکیه و پاکستان نیز در تلاش هستند زمامداران آمریکا و ایران را به کاهش تنش ترغیب کنند.

عباس عراقچی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی روز شنبه با فیلد مارشال عاصم منیر فرمانده ارتش پاکستان که نقش میانجی میان واشنگتن و تهران ایفا کرده، گفتگو کرد. عراقچی همچنین با وزیران خارجه ترکیه و عربستان درباره احتمال حملات آمریکا صحبت کرد.

بر اساس بیانیه منتشرشده در کانال تلگرام عباس عراقچی، او به همتای سعودی خود گفت: «هرگونه اقدام خصمانه از سوی آمریکا یا اسرائیل - یا مشارکت و همکاری کشورهای منطقه در چنین اقداماتی - با پاسخی قاطع و متناسب از سوی نیروهای مسلح قدرتمند ایران روبرو خواهد شد.»

میانجی‌های قطری روز شنبه بطور جداگانه با عباس عراقچی، استیو ویتکاف فرستاده ویژه کاخ سفید، و مقام‌های عمانی گفتگو کردند تا به توافقی برای بازگشایی تنگه هرمز دست یابند.

به گفته یک منبع آگاه از این مذاکرات، گفتگوها پیشرفت‌هایی داشته، اما هنوز مشخص نیست که این پیشرفت‌ها برای مهار بحران و جلوگیری از تشدید درگیری‌ها کافی باشد. اینهمه در حالیست که وزارت خارجه آمریکا اعلام کرده تنگه هرمز برخلاف ادعای مقامات جمهوری اسلامی باز است. این وزارتخانه ۳۱ ژوئیه ۲۰۲۶ نوشت: «دولت ایران بار دیگر مدعی شده است که تنگه هرمز را بسته است. این ادعا نادرست است. واقعیت: تنگه هرمز همچنان برای عبور و مرور کشتی‌های تجاری باز است. ایران کنترل این آبراه را در اختیار ندارد. طی چهار ماه گذشته، هزاران کشتی از این آبراه بین‌المللی عبور کرده‌اند.»

لغو این حمله موافقت کرده‌ام، مشروط بر اینکه بتوانیم به سرعت به یک توافق برسیم.»

او گفت: «کشور اسرائیل نیز در این تعهد با من همراه است. همه دست به کار شوید و این کار را به سرانجام برسانید.»

محمد مرندی مشاور پیشین تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای رژیم جمهوری اسلامی در واکنش به اظهارات اخیر ترامپ مدعی شد: «همه می‌دانند این خبرسازی بود، ترامپ عقب‌نشینی کرد.»

یکی از مقام‌های آمریکایی به آکسیوس می‌گوید: «سعودی‌ها نگرانی خود را ابراز کردند و خواستار شفاف‌سازی درباره برنامه عملیاتی شدند.»

یک منبع دیگر که از محتوای این تماس آگاه است، گفت محمد بن سلمان از ترامپ خواست تنش‌ها را کاهش دهد و از اجرای این حملات خودداری کند.

کاخ سفید و سفارت عربستان در واشنگتن از اظهار نظر درباره این تماس خودداری کردند.

ترامپ روز چهارشنبه با شاهزاده خالد بن سلمان وزیر دفاع عربستان سعودی دیدار کرد.

به گفته یک منبع آگاه، این دیدار پس از آن به برنامه سفر وزیر دفاع عربستان اضافه شد که او با جی‌دی ونس معاون رئیس جمهور آمریکا ملاقات کرد و به او گفت عربستان خواهان کاهش تنش با جمهوری اسلامی ایران است.

این پیام در حالی منتقل شد که آمریکا و عربستان در همین هفته حملات مشترکی علیه شبه‌نظامیان مورد حمایت ایران در عراق انجام داده بودند.

این منبع افزود که هدف از این دیدارها انتقال دیدگاه‌های محمد بن سلمان درباره جنگ با رژیم ایران و همچنین وضعیت کلی منطقه بوده است.

عربستان سعودی یکی از مهم‌ترین متحدان آمریکا در منطقه به شمار می‌رود. با وجود دوره‌هایی از اختلاف طی پنج ماه گذشته، ریاض از آغاز جنگ تا کنون در چندین

ادامه صدور سریالی احکام اعدام علیه بازداشت‌شدگان دی ۴۰۴؛ هیئت حقیقت‌یاب سازمان ملل متحد واکنش نشان داد



● مهنام نواب‌صفوی، محبوس در زندان دستگرد اصفهان، از سوی شعبه پنجم دادگاه انقلاب اصفهان به ریاست قاضی همتی‌نژاد با اتهام «محاربه» به اعدام محکوم شده است.

● در پرونده مهنام اتهام‌هایی از جمله «محاربه از طریق مشارکت در تخریب اموال عمومی»، «تبلیغ علیه نظام»، «اجتماع و تبانی علیه امنیت کشور» و «تشویق مردم به کشتار یکدیگر» مطرح شده است.

● خبرگزاری «هرانا» نیز گزارش داده حکم اعدام احد شکوهیان، از بازداشت‌شدگان اعتراضات سراسری دی‌ماه ۱۴۰۴، توسط شعبه ۹ دیوان عالی کشور تایید شده است.

● احد شکوهیان پیشتر توسط شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران به ریاست قاضی ایمان افشاری، از بابت اتهاماتی از جمله «اقدام علیه امنیت ملی»، «اجتماع و تبانی برای اقدام علیه امنیت ملی»، «تخریب اموال عمومی» و «مشارکت در قتل دو تن از نیروهای امنیتی» به سه بار اعدام محکوم شده بود.

● هیئت حقیقت‌یاب سازمان ملل متحد روز پنجشنبه اول مرداد ۱۴۰۵ در بیانیه‌ای خواستار توقف فوری اجرای احکام اعدام مرتبط با اعتراضات، آزادی بی‌قیدوشرط بازداشت‌شدگان و پیگرد عاملان نقض حقوق بشر شد.

در ادامه صدور احکام اعدام علیه شهروندان بازداشت شده در اعتراضات دی‌۴۰۴ مهنام نواب‌صفوی به اعدام محکوم شده و حکم سه بار اعدام احد شکوهیان نیز در دیوان عالی کشور تایید شده است. هیئت حقیقت‌یاب سازمان ملل متحد خواستار توقف فوری اجرای احکام اعدام مرتبط با اعتراضات، آزادی بی‌قیدوشرط بازداشت‌شدگان و پیگرد عاملان نقض حقوق بشر شد.

به گزارش منابع حقوق بشری مهنام نواب‌صفوی، محبوس در زندان دستگرد اصفهان، از سوی شعبه پنجم دادگاه انقلاب اصفهان به ریاست قاضی همتی‌نژاد با اتهام «محاربه» به اعدام محکوم شده است.

در پرونده او اتهام‌هایی از جمله «محاربه از طریق مشارکت در تخریب اموال عمومی»، «تبلیغ علیه نظام»، «اجتماع و تبانی علیه امنیت کشور» و «تشویق مردم به کشتار یکدیگر» مطرح شده است.

خبرگزاری «هرانا» نیز گزارش داده حکم اعدام احد شکوهیان، از بازداشت‌شدگان اعتراضات سراسری دی‌ماه ۱۴۰۴، توسط شعبه ۹ دیوان عالی کشور تایید شده است.

بر اساس این گزارش احد شکوهیان پیشتر توسط شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران به ریاست قاضی ایمان افشاری، از بابت اتهاماتی از جمله «اقدام علیه امنیت ملی»، «اجتماع و تبانی برای اقدام علیه امنیت ملی»، «تخریب اموال عمومی» و «مشارکت در قتل دو تن از نیروهای امنیتی» به سه بار اعدام محکوم شده بود.

این شهروند حضور در تجمعات اعتراضی روز ۱۸ دی‌ماه در پاکدشت و آتش‌زدن یک مسجد، از جمله مصادیق اتهامی مطرح‌شده علیه این زندانی عنوان شده است.

یک منبع مطلع نزدیک به خانواده این زندانی به خبرگزاری «هرانا» گفته «احد شکوهیان هنگام وقوع آتش‌سوزی در مسجد در محل حضور نداشته و صرفاً به دلیل شباهت

ظاهری با فرد دیگری که عامل آتش‌سوزی معرفی شده، بازداشت شده است. با این حال، حکم وی بدون بررسی دقیق تصاویر دوربین‌های مداربسته صادر و تأیید شده و بازپرس و قاضی پرونده نیز با بازبینی مجدد این تصاویر موافقت نکرده‌اند.»

به گفته این منبع آگاه، بخش قابل‌توجهی از مستندات پرونده بر پایه اعترافات منتسب به احد شکوهیان تنظیم شده است؛ اعترافاتی که چگونگی و شرایط اخذ آنها مشخص نیست. این منبع آگاه تأکید کرده احد شکوهیان از بیماری شدید آسم رنج می‌برد و ابتلای او به این بیماری توسط پزشکی قانونی نیز تایید شده است. به دلیل وضعیت جسمانی، وی توانایی انجام فعالیت‌های سنگین، از جمله مشارکت در شکست در مسجد، را نداشته است.

احد شکوهیان روز ۲۵ دی‌ماه ۱۴۰۴، در جریان اعتراضات سراسری در پاکدشت بازداشت و به زندان خورین ورامین منتقل شد. وی نهایتاً در اواخر خردادماه سال جاری به زندان قزل‌حصار کرج منتقل شد. این شهروند ۳۸ سال سن دارد؛ کارگر بازار گل تهران، تنها سرپرست خانواده و ساکن شهرستان پاکدشت است.

طی روزهای گذشته گزارش‌هایی از صدور و تأیید گسترده احکام اعدام علیه شهروندان بازداشت شده در اعتراضات دی‌۴۰۴ منتشر شده است. سازمان حقوق بشر ایران گزارش داده تنها در زندان دستگرد اصفهان برای ۷۰ تن از بازداشت‌شدگان اعتراضات دی‌۴۰۴ حکم اعدام صادر شده و شمار دیگری از بازداشت‌شدگان محبوس در این زندان با احکام سنگینی چون «محاربه» روبرو هستند و ممکن است برای آنها حکم زندان صادر شود. همچنین بر اساس موارد اعلام شده طی شش ماه گذشته احکام اعدام حدود ۲۰ تن از بازداشت‌شدگان اعتراضات دی‌۴۰۴ اجرا شده است.

هیئت حقیقت‌یاب سازمان ملل متحد روز پنجشنبه اول مرداد ۱۴۰۵ در بیانیه‌ای خواستار توقف فوری اجرای احکام اعدام مرتبط با اعتراضات، آزادی بی‌قیدوشرط

بازداشت‌شدگان و پیگرد عاملان نقض حقوق بشر شد. در این بیانیه «بر اساس اطلاعات معتبر» گزارش شده که خانواده‌های دست‌کم دو تن دیگر از متهمان پرونده معروف به «میدان علیخانی» در اصفهان برای دیدار آخر با آنها احضار شده‌اند.

کمیته حقیقت‌یاب در بخش دیگری از بیانیه خود از این که مقامات جمهوری اسلامی به اجرای حکم اعدام معتضان دی‌ماه ۱۴۰۴ سرعت بخشیده‌اند به شدت ابراز نگرانی کرده است. این کمیته پیشتر در بیانیه‌ای دیگر اشاره کرده بود که در دوره‌های ناآرامی اجتماعی و سیاسی در ایران بر تعداد و سرعت احکام اعدام افزوده می‌شود.

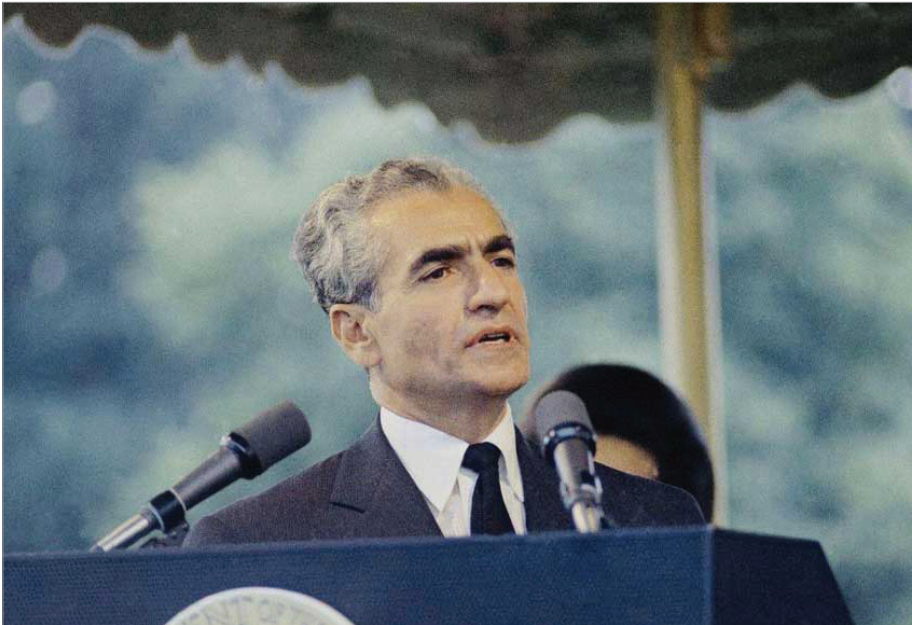
پرونده معروف به پرونده «میدان علیخانی» تنها یکی از پرونده‌های مرتبط با اعتراضات دی‌۴۰۴ است که به اعتراضات شامگاه ۱۸ دی ۱۴۰۴ مرتبط است که در محدوده میدان علیخانی، میان ملک‌شهر و کاوه اصفهان رخ داد. نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی مدعی شدند در جریان اعتراضات این منطقه در هجدهم دی‌ماه چهار نیروی بسیج و یگان ویژه به نام‌های حسین رضانی، محمد همتی، سیدعلی خشوعی و ولی‌الله صفری کشته شده‌اند.

در پرونده «میدان علیخانی» علیرضا سپاهی (متولد ۱۳۸۰) به چهار بار اعدام، ابوالفضل سپاهی (متولد ۱۳۸۲) به سه بار اعدام، علیرضا رئیسی (متولد ۱۳۸۳)، قائم حسینی (متولد ۱۳۸۴) و گل‌محمد محمدی (متولد ۱۳۸۱)، شهروند افغانستان، هر کدام به دو بار اعدام محکوم شده‌اند.

همچنین امیرحسین صفری (متولد ۱۳۷۷)، امیرحسین ملکی (متولد ۱۳۸۵)، علی دشتی (متولد ۱۳۸۵)، امیرحسین ابراهیمی انالوجه (متولد ۱۳۸۵)، شروین باقریان (متولد ۱۳۸۶)، عرفان اسفندیاری (متولد ۱۳۸۶) و ابوالفضل ابراهیمی (متولد ۱۳۸۶) هر یک به یک بار اعدام محکوم شده‌اند. این پرونده ۵۹ متهم دارد و صدور احکام آنها ادامه دارد. برخی متهمان به پنج تا ۱۰ سال زندان محکوم شده‌اند و همچنین شماری از متهمان نیز در خطر صدور حکم اعدام هستند.

آریامهر، نفت و منافع ملی ایران؛ از ملی شدن مالکیت تا ملی کردن منافع (بخش ۲)

نامدار بقایی



بخش نهم) پادشاهان نفت؛ ایران در مرکز موازنه جهانی انرژی

کتاب پادشاهان نفت نوشته اندرو اسکات کوپر، از منابع مهم برای فهم سیاست نفتی دهه ۱۹۷۰ و نقش ایران در تغییر موازنه قدرت میان تولیدکنندگان، شرکت‌های بزرگ و دولت آمریکا است. عنوان کامل کتاب در زبان انگلیسی، *The Oil Kings: How the U.S., Iran, and Saudi Arabia Changed the Balance of Power in the Middle East* است. نویسنده با استفاده از اسناد از طبقه‌بندی خارج شده، یادداشت‌ها، مکاتبات و گزارش‌های دیپلماتیک نشان می‌دهد که نفت چگونه در مرکز سیاست داخلی و خارجی آمریکا قرار گرفت و روابط واشنگتن با تهران و ریاض را دگرگون کرد.

این اثر زمینه‌ای ارزشمند برای بازخوانی یکی از کمتر دیده‌شده‌ترین ابعاد پادشاهی محمدرضا شاه پهلوی فراهم می‌کند: نقش او نه صرفاً در جایگاه پادشاهی که درآمدهای نفتی را در خدمت برنامه‌های توسعه، آبادانی و ایجاد زیرساخت‌های کشور قرار می‌داد، بلکه به‌عنوان بازیگری مؤثر در عرصه بین‌المللی که می‌کوشید قواعد حاکم بر بازار جهانی نفت را تغییر دهد.

تصویری که از خلال این کتاب پدیدار می‌شود، با روایت ناروای یک رهبر سیاسی مطیع غرب، سازگاری ندارد. اختلاف آریامهر فقید با دولت‌های غربی بر سر قیمت نفت، میزان تولید، نحوه رابطه با کنسرسیوم و توزیع قدرت در بازار انرژی، واقعی و عمیق بود. آریامهر معتقد بود قیمت پایین نفت، شکل دیگری از انتقال ثروت کشورهای تولیدکننده به اقتصادهای صنعتی است. کشورهای صنعتی کالاهای تولیدی خود را با قیمت‌های فزاینده صادر می‌کردند، اما از تولیدکنندگان نفت انتظار داشتند انرژی را با بهایی ثابت و ارزان در اختیار آنان بگذارند.

از دید پادشاه فقید، این رابطه نه منصفانه بود و نه پایدار. او نفت را تنها کالایی برای تأمین نیاز غرب نمی‌دانست؛ سرمایه‌ای پایان‌پذیر متعلق به ملت ایران می‌دانست که قیمت آن باید با ارزش اقتصادی، نرخ تورم جهانی و بهای کالاهای وارداتی تناسب داشته باشد.

همین نگرش، ایران را در مذاکرات نفتی به بازیگری مستقل تبدیل کرد. پادشاه فقید می‌کوشید بدون پیوستن به اردوگاه شوروی و بدون قطع رابطه با غرب، از وابستگی یک‌جانبه خارج شود. او از رقابت میان آمریکا، اروپا، ژاپن و شرکت‌های نفتی بهره می‌گرفت و می‌کوشید جایگاه ایران را در نظام بین‌المللی ارتقا دهد.

کتاب پادشاهان نفت همچنین نشان می‌دهد که سیاست نفتی ایران تنها مسئله‌ای اقتصادی نبود. افزایش درآمد نفتی با خرید تجهیزات نظامی، تقویت ارتش، توسعه صنایع سنگین، سرمایه‌گذاری در اروپا و آمریکا، اعطای وام به برخی کشورها و گسترش نفوذ دیپلماتیک ایران همراه شد. نفت، به پشتوانه سیاست خارجی مستقل‌تر و حضور فعال‌تر ایران در خلیج فارس، اقیانوس هند و مناسبات شرق و غرب تبدیل گردید.

ایران دیگر فقط کشوری نبود که قدرت‌های بزرگ درباره منابعش تصمیم بگیرند؛ خود به بخشی از محاسبات آنان تبدیل شده بود.

جغرافیا

جایگاه ایران بر نقشه، همواره با فرصت و تهدید همراه بوده است. قرار گرفتن میان خلیج فارس، آسیای مرکزی، شبه‌قاره، قفقاز و خاورمیانه، ایران را در مسیر رقابت امپراتوری‌ها قرار داده بود. تا پیش از دوران پهلوی، این جغرافیا اغلب به زیان ایران عمل می‌کرد؛ قدرت‌های خارجی از ضعف دولت مرکزی بهره می‌گرفتند و کشور را به حوزه نفوذ تقسیم می‌کردند.

پادشاهان پهلوی کوشیدند این نسبت را وارونه کنند. جغرافیایی که زمانی دلیل مداخله بیگانگان بود، باید به منبع قدرت ایران تبدیل می‌شد. رضاشاه با ایجاد دولت مرکزی، ارتش ملی، راه‌آهن، دستگاه اداری و زیرساخت‌های بنیادین، امکان بازسازی حاکمیت را فراهم کرد. محمدرضا شاه این پروژه را در مقیاسی گسترده‌تر و در پیوند با اقتصاد جهانی ادامه داد.

نفت در مرکز این ژئواکونومی قرار گرفت. ایران با تکیه بر درآمد و نفوذ نفتی می‌توانست امنیت خلیج فارس را در دست گیرد، راه‌های ترانزیتی را توسعه دهد، به بازار کشورهای همسایه متصل شود و در برابر شوروی و قدرت‌های منطقه‌ای توازن ایجاد کند.

نفت همچنین به ایران امکان داد سیاست خارجی خود را از وابستگی صرف به کمک خارجی دور کند. کشوری که منابع مالی مستقل دارد، در مذاکره با قدرت‌های بزرگ از آزادی عمل بیشتری برخوردار است. شاه از همین امکان برای توسعه رابطه با اروپا، ژاپن، هند، کشورهای آفریقایی و حتی دولت‌های بلوک شرق بهره گرفت.

در این چارچوب، خرید تجهیزات نظامی نیز تنها نمایش قدرت نبود. پس از خروج بریتانیا از شرق سوئز، خلأ امنیتی بزرگی در خلیج فارس پدید آمد. ایران برای حفاظت از تنگه هرمز، خطوط انتقال انرژی و مرزهای طولانی خود به ارتشی نیرومند نیاز داشت. نفت هم موضوع حفاظت بود و هم منبع تأمین هزینه آن حفاظت.

بخش دهم) نفت به مثابه سلاح؛ اما سلاحی برای ساختن واژه «سلاح نفت» اغلب با تحریم نفتی کشورهای عربی در سال ۱۹۷۳ پیوند خورده است. اما در سیاست محمدرضا شاه پهلوی، نفت نه لزوماً سلاحی برای توقف صادرات و ایجاد بحران، بلکه ابزاری برای اصلاح مناسبات قدرت بود.

او با تحریم نفتی کور و تبدیل بازار انرژی به میدان انتقام سیاسی موافق نبود. ایران در جریان تحریم نفتی عربی، صادرات خود را به غرب قطع نکرد. با این حال، شاه از فرصت تغییر بازار برای افزایش قیمت و تثبیت حقوق تولیدکنندگان استفاده کرد. این تفاوت مهمی است: استفاده از نفت برای ویران کردن رابطه با جهان، با استفاده از نفت برای افزایش سهم و اختیار ایران یکسان نیست.

سلاح نفت در دست آریامهر فقید، قرار نبود تا پالایشگاه‌های اروپا را خاموش کند؛ قرار بود کارخانه‌های ایران را روشن سازد.

درآمد نفت باید به راه، بندر، دانشگاه، بیمارستان، نیروگاه، صنایع فولاد، پتروشیمی، ماشین‌سازی، آموزش روستایی و ارتش مدرن تبدیل می‌شد. این سیاست، البته بدون خطا نبود. افزایش ناگهانی درآمدها فشار تورمی ایجاد کرد، ظرفیت دستگاه اداری را با چالش روبرو ساخت و اجرای هم‌زمان پروژه‌های بزرگ، کمبود نیروی متخصص و تنگنای زیرساختی به وجود آورد. هر ارزیابی جدی از سیاست نفتی پهلوی باید این مشکلات را نیز در نظر بگیرد. اما وجود خطا در سرعت یا شیوه هزینه‌کرد درآمد نفت، اصل راهبرد را نفی نمی‌کند. راهبرد آن بود که ایران نباید برای همیشه صادرکننده ماده خام و واردکننده محصول نهایی باقی بماند. هدف، ایجاد اقتصادی صنعتی بود که در آینده وابستگی آن به صادرات نفت کاهش یابد.

نفت در این نگاه، سرمایه‌گذار ایران پس از نفت بود.

بخش یازدهم) ژئواکونومی پهلوی؛ نفت در خدمت



پادشاهان پهلوی دریافته‌اند که استقلال، بدون دولت مرکزی، ارتش، بوروکراسی، زیرساخت، آموزش و اقتصاد مدرن، تنها واژه‌ای زیباست. نفت در این پروژه جایگاه ویژه‌ای داشت، زیرا می‌توانست منابع مالی لازم برای تکمیل دولت ملی را فراهم سازد.

اما دولت ملی تنها مصرف‌کننده نفت نبود؛ خود شرط بهره‌برداری ملی از نفت بود. بدون امنیت خوزستان، بنادر، پالایشگاه‌ها و خطوط انتقال قابل بهره‌برداری نبودند. بدون دانشگاه و آموزش فنی، شرکت ملی نفت نمی‌توانست جای مدیران خارجی را بگیرد. بدون سیاست خارجی فعال، نفت ایران مشتری پایدار نمی‌یافت. بدون ارتش، تأسیسات و آبراه‌های حیاتی کشور در برابر تهدیدهای بی‌دفاع می‌ماندند. به این ترتیب، نفت و دولت در دوران پهلوی یکدیگر را تقویت کردند: دولت، امکان اعمال حاکمیت بر نفت را فراهم ساخت و نفت، منابع لازم برای گسترش دولت را تأمین کرد.

این همان حلقه‌ای بود که در سال‌های بحران دولت مصدق شکسته باقی ماند. دولت می‌خواست حاکمیت خود را بر نفت اعمال کند، اما ابزارهای کافی اقتصادی، فنی و بین‌المللی برای اجرای آن نداشت. در دوران بعد، این ابزارها به تدریج ساخته شدند و در سال ۱۳۵۲ به مرحله‌ای رسیدند که ایران توانست ساختار کنسرسیوم را به سود شرکت ملی نفت تغییر دهد.

بخش سیزدهم) از نفت ملی تا ملت قدرمند

اهمیت سیاست نفتی آریامهر را نباید تنها با میزان افزایش درآمدها سنجید. دستاورد اصلی آن دوره، تغییر موقعیت ایران در زنجیره قدرت بود.

در آغاز بحران نفت، دولت بریتانیا می‌توانست با تحریم و شبکه شرکت‌های نفتی، صادرات ایران را تقریباً متوقف کند. دو دهه بعد، دولت‌های غربی و شرکت‌های بزرگ ناچار بودند درباره قیمت، تولید و دسترسی به نفت با ایران مذاکره کنند. در آغاز دهه ۱۳۳۰، کارشناسان خارجی درباره توانایی ایرانیان برای اداره صنعت نفت تردید می‌کردند؛ در دهه ۱۳۵۰، شرکت ملی نفت ایران عملیات اصلی صنعت را مدیریت می‌کرد و در پروژه‌های بین‌المللی حضور داشت. این تغییر را نمی‌توان صرفاً نتیجه افزایش طبیعی تقاضای جهانی دانست. حاصل ایجاد ظرفیت ملی، پیگیری سیاسی و اراده‌ای بود که نفت را به موضوعی حاکمیتی تبدیل کرد. محمدرضا شاه نه از موضع انزوا، بلکه از درون نظام جهانی برای تغییر آن به سود ایران عمل کرد. او می‌دانست ایران برای توسعه به فناوری، سرمایه، بازار و رابطه با کشورهای صنعتی نیاز دارد؛ اما این نیاز را به معنای تسلیم در برابر خواسته‌های آنان نمی‌دانست. سیاست او، همکاری همراه با چانه‌زنی بود؛ نه دشمنی دائمی و نه اطاعت دائمی. این همان رویکردی است که می‌توان آن را ناسیونالیسم واقع‌گرا نامید: شناخت محدودیت‌ها، استفاده از فرصت‌ها و افزایش تدریجی قدرت ملی.

بخش چهاردهم) جمهوری اسلامی؛ از سلاح نفت تا گروگان‌گیری نفت

مقایسه کارنامه پهلوی با جمهوری اسلامی، معنای سیاست نفتی آریامهر را روشن‌تر می‌کند. حکومتی که در سال ۱۳۵۷ با ادعای استقلال و مبارزه با سلطه خارجی قدرت را تصرف کرد، در عمل نفت را از ابزار توسعه ملی به منبع تأمین بقای ایدئولوژیک خود تبدیل ساخت.

درآمد نفت به جای آنکه پشتوانه صنعتی‌شدن، رفاه، امنیت و افزایش منزلت ایرانیان باشد، صرف جنگ‌های

گسترده مردم از آن را یکسره انکار کرده‌اند.

یک داور بی‌طرف تاریخی، نیازی به هیچ‌یک از این افراط‌ها ندارد.

می‌توان پذیرفت که ملی‌شدن نفت، بیان یک خواست مشروع ملی بود؛ خواستی که دولت رزم‌آرا برای تحقق آن با موانعی جدی روبرو بود؛ موانعی که از واقعیت ظرفیت



حضور شاهنشاه آریامهر و جمشید آموزگار در نشست سالانه اوپک سال ۱۳۵۳

ایران را استخراج، تولید، پالایش و رساندن نفت به بازارهای جهانی ناشی می‌شد. در مقابل، نیروهای مخالف دولت این مطالبه را به محور رقابت برای به دست گرفتن قدرت اجرایی بدل کردند و پس از ترور رزم‌آرا، با روی کار آمدن دولت مصدق و اجرای سیاست ملی‌شدن صنعت نفت، کشور درگیر بحرانی شد که مدیریت آن هزینه‌های سنگینی بر اقتصاد و منافع ملی ایران تحمیل کرد.

می‌توان قرارداد کنسرسیوم را محدود و نامطلوب دانست و هم‌زمان دید که همین قرارداد، مرحله‌ای گذرا برای بازسازی صنعت نفت بود. در این میان، می‌توان گفت که برای مصدق، ملی‌شدن نفت به مهم‌ترین پروژه سیاسی دولت او بدل شد؛ اما برای محمدرضا شاه، نفت هرگز هدف نبود، بلکه وسیله‌ای برای تحقق هدفی بزرگ‌تر به نام قدرت ملی ایران بود. از همین رو، او واقعیت‌های اقتصاد و سیاست بین‌الملل را آن‌گونه که بودند پذیرفت، در همان عرصه وارد رقابت شد، قواعد بازی را به سود ایران تغییر داد و درآمدهای نفتی را به پشتوانه توسعه، نوسازی و افزایش نفوذ بین‌المللی کشور تبدیل کرد.

بخش دوازدهم) نفت و مفهوم دولت ملی

تاریخ نه دادگاه تقدیس است و نه مراسم نفرت. تاریخ محل سنجش تصمیم و نتیجه است. بر همین پایه، مسئله اصلی این مقاله، در نهایت، نه موضوع ملی‌شدن صنعت نفت است و نه حتی خود نفت به مثابه سلاحی کارآمد که می‌تواند حتی صاحب خود را خلع سلاح بکند. مسئله، دولت است.

کشوری ممکن است دارای ثروت طبیعی باشد، اما دولت نداشته باشد. ممکن است قانونی ملی‌گرایانه تصویب کند، اما ابزار اجرای آن را در اختیار نداشته باشد. ممکن است علیه نفوذ خارجی بشورد، اما در اثر بی‌ثباتی داخلی، بیش از پیش در معرض دخالت خارجی قرار گیرد.

از این رو، نفت، جغرافیا و امنیت در سیاست پهلوی نه تنها سه موضوع جداگانه نبودند؛ بلکه اجزای یک طرح واحد برای تبدیل ایران به قدرتی مستقل و باثبات بودند.

ملی‌گرایی مصدقی و ملی‌گرایی پهلوی؛ دو تعریف از سیاست

نزاع تاریخی بر سر نفت را می‌توان نزاع میان ناسیونالیسم ابزاری و میهن پرستی با رویکرد صیانت از منافع ملی دانست.

در فقره نخست، ناسیونالیسم در لحظه اعتراض شکل می‌گیرد. دشمن خارجی مشخص می‌شود، احساسات عمومی بسیج می‌گردد، یک رهبر به غاد مقاومت تبدیل می‌شود و مشروعیت سیاسی از رویارویی با بیگانه به دست می‌آید. نقطه قوت این نوع ناسیونالیسم، قدرت بسیج‌کنندگی آن است؛ اما نقطه ضعفش آن است که اغلب برای روز پس از پیروزی برنامه‌ای روشن ندارد.

در فقره دوم، میهن پرستی برپایه صیانت از منافع ملی نه در لحظه اعتراض، بلکه در استمرار دولت معنا می‌یابد. دولت باید قرارداد را تغییر دهد، متخصص تربیت کند، بازار بسازد، درآمد را مدیریت کند، ارتش ایجاد کند و در توازن جهانی قدرت جایگاهی برای کشور به دست آورد. این رویکرد ممکن است کمتر شاعرانه و کمتر هیجان‌انگیز باشد، اما با نتیجه سنجیده می‌شود.

ملی‌گرایی مصدقی، نفت را به غاد تظاهر به استقلال تبدیل کرد (حال آنکه تاریخ گواه وابستگی همه جانبه دولت مصدق، جبهه ملی و حزب توده به اتحاد جماهیری شوروی است).

ملی‌گرایی پهلوی کوشید نفت را به ابزار اقتدار تبدیل کند. اولی پرسید: نفت متعلق به کیست؟ دومی ناگزیر بود پاسخ دهد: نفت چگونه باید اداره شود، با چه قیمتی فروخته شود و به چه قدرتی برای ایران تبدیل گردد؟

این دو مرحله می‌توانستند مکمل یکدیگر باشند؛ اما روایت سیاسی بعدی آنها را به دشمنان آشتی‌ناپذیر تبدیل کرد. هواداران مصدق کوشیدند تمام مفهوم استقلال نفتی را در شخص او خلاصه کنند و هر دستاورد بعدی را یا نادیده بگیرند یا محصول ناگزیر همان رویداد معرفی کنند. در مقابل، برخی منتقدان مصدق نیز اصل ملی‌شدن و حمایت

حسادت؛ آینه‌ای که ناکامی‌های پنهان گروه‌های ایدئولوژیک را نشان می‌دهد

● جایگاه و اعتبار اجتماعی شاهزاده رضا پهلوی صرفاً محصول ادعای شخصی او نیست؛ بلکه بر پایه اعتماد و حمایتی شکل گرفته است که طی سال‌های گذشته اکثریت جامعه در داخل کشور و چه در میان جامعه ایرانی دیاسپورا، به او واگذار کرده‌اند. این سرمایه اجتماعی حاصل یک فرآیند تدریجی بوده است که در آن ثبات، تداوم حضور، توانایی امیدبخشی، ظرفیت ایجاد همگرایی نقش تعیین کننده‌ای ایفا کرده‌اند.

● از آنجایی که شاهزاده رضا پهلوی به مهم‌ترین رهبر دوران گذار تبدیل شده است، به‌طور طبیعی از طرف مخالفان و رقبای سیاسی مورد حسادت قرار می‌گیرد. از همین رو، برخی جریان‌های سیاسی یا ایدئولوژیک سعی بر آن دارند و می‌کوشند نقش تعیین کننده او در دوران گذار را به چالش بکشند یا خدشه‌دار کنند. دشمنی‌ورزی‌هایی که نه سرچشمه عقلانی، بلکه بازتاب عدم توانایی و راهکارمحوری خود نیروهای تخریب‌گر است. حسادتی که ریشه در ناکامی یا ناتوانی خودحق‌پنداران ایدئولوژیک دارد.

● «خودشیفتگی ایدئولوژیک گروهی» و «نخبه‌گرایی ایدئولوژیک»، در کنار عوامل متعدد اجتماعی، ساختار مذهبی و سیاست جهانی، موجب بوجود آمدن طوفان ۱۳۵۷ گردید. انقلابی که وعده آب و برق مجانی داد و در عمل به استقرار یکی از سرکوبگرترین نظام‌های سیاسی معاصر انجامید و مردم را بی‌آب و برق و بی‌خانمان کرد.

● چنانچه این حسادت را از زوایای متفاوت مورد بررسی قرار دهیم، آشکار می‌شود که این خشم پنهان ریشه در ناکامی درونی و ترس از دست دادن کنترل بر شرایط دارد؛ کنترلی که در طی سال‌ها و دهه‌های گذشته کوشیده‌اند از طریق استفاده از شبکه‌های اجتماعی و پروپاگاندا نادرست، با انتشار تصویری کاذب، آن را محافظت کنند.

● افزایش روزافزون محبوبیت شاهزاده رضا پهلوی، همراه با راهکارهای شفاف، امیدبخش و سازنده‌ای که او برای ساختن آینده‌ای روشن و فراهم آوردن کیفیت زندگی بهتر ارائه می‌دهد، موجب افزایش اعتبار و اعتماد اجتماعی نسبت به او شده است.

چرا محبوبیت شاهزاده رضا پهلوی خشمی پنهان ایجاد کرده است؟

دکتر محمد طباطبایی و دکتر عباس جباریان* - اکنون که جامعه ایران در یکی از حساس‌ترین و بحرانی‌ترین مقاطع تاریخی و سیاسی خود قرار دارد، نقش مسئولانه، دلسوزانه و عمل‌گرایانه شاهزاده رضا پهلوی به‌عنوان معتبرترین رهبر دوران گذار بیش از گذشته پراهمیت‌تر و پررنگ‌تر است. در چنین شرایطی وجود شخصیتی که بتواند اعتماد عمومی را تقویت کند، و زمینه همگرایی نیروهای گوناگون را فراهم آورد، بیش از هر زمان دیگری اهمیتی دوچندان یافته

بخش شانزدهم) فرجام سخن؛ نفت به عنوان صورت مادی حاکمیت ملی

نفت در دوران محمدرضا شاه پهلوی، صرفاً چاهی در خوزستان یا عددی در بودجه کشور نبود. صورت مادی حاکمیت ملی ایران بود.

هنگامی که دولت ایران توانست درباره تولید تصمیم بگیرد، قیمت را به چالش بکشد، شرکت‌های خارجی را از اداره‌کننده به خریدار تبدیل کند، در اوپک نقش‌آفرینی کند و درآمد نفت را در خدمت ساختن کشور قرار دهد، ناسیونالیسم از سطح احساس به عرصه قدرت منتقل شد. آریامهر فقید اهمیت نفت را نه در ستایش و تسلیح ایران به این منبع زیرزمینی برای باجگیری یا برانگیختن احساسات عمومی می‌دید، بلکه در ساختن آینده با به کارگیری عقلانی این سلاح مؤثر تصویر می‌کرد. او می‌دانست که ذخایر نفت پایان‌پذیرند و ارزش واقعی آنها در این است که پیش از پایان‌یافتن، به صنعتی پایدار، نیروی انسانی آموزش‌دیده، امنیت ملی و اقتصادی متنوع تبدیل شوند.

کتاب پادشاهان نفت، پیام‌های «روز نفت» و اسناد مذاکرات ایران با کنسرسیوم، تصویری از پادشاهی نشان می‌دهند که در برابر شرکت‌های نفتی و دولت‌های غربی تنها به اعتراض بسنده نکرد؛ قواعد مذاکره را آموخت، ظرفیت دولت را افزایش داد، توازن بازار را تغییر داد و سرانجام اختیار عملی نفت را به ایران بازگرداند.

از این منظر، ناسیونالیسم ایرانی در دوران پهلوی نه فریادی علیه جهان، بلکه کوششی برای یافتن جایگاه شایسته ایران در جهان بود.

تفاوت این دو رویکرد را می‌توان در یک جمله خلاصه کرد:

پوپولیسم نفت را به پرچم تصرف قدرت تبدیل کرد؛ پهلوی نفت را به ابزار ساختن قدرت ملی بدل ساخت.

ملی‌شدن مالکیت، بدون ملی‌شدن مدیریت، بازار، دانش، درآمد و تصمیم‌گیری، نیمه‌تمام می‌ماند. آنچه آریامهر در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ دنبال کرد، تکمیل همین مسیر بود: گذار از اعلام حق ایران بر نفت، به اعمال قدرت ایران از راه نفت.

از این رو، «روز نفت» تنها یادآور آن نیست که منابع زیرزمینی ایران به ملت ایران تعلق دارد. یادآور حقیقتی

نیابتی، دستگاه سرکوب، برنامه‌های پرهزینه نظامی، فساد ساختاری و تأمین مالی شبکه‌های فرامرزی شد. جمهوری اسلامی نه تنها نتوانست از جایگاه نفتی ایران پاسداری کند، بلکه با سیاست خارجی ستیزه‌جویانه، تحریم و انزوای کشور را به وضعیتی دائمی بدل ساخت.

پهلوی نفت را به بازار جهانی می‌برد تا ایران را قدرتمند کند؛ جمهوری اسلامی نفت را پنهانی و با تخفیف می‌فروشد تا ساختار قدرت خود را زنده نگه دارد.

در دوران آریامهر، اختلاف با غرب بر سر سهم بیشتر ملت ایران، قیمت عادلانه‌تر و اختیار گسترده‌تر دولت ملی بود. در جمهوری اسلامی، اختلاف با جهان نتیجه پروژه‌ای ایدئولوژیک است که منافع ملت ایران را در خدمت بقای رژیم قربانی می‌کند.

نفتی که می‌توانست سرمایه نسل‌های آینده باشد، به گروگان حکومتی تبدیل شده است که نه برای اقتصاد جهانی برنامه‌ای دارد و نه برای اقتصاد ملی. ایران، با یکی از بزرگ‌ترین ذخایر نفت و گاز جهان، با کمبود انرژی، فرسودگی زیرساخت، آلودگی، خام‌فروشی و ناتوانی در جذب سرمایه روبرو است.

این وضع نشان می‌دهد که مالکیت اسمی بر نفت، بدون دولت ملی، نه استقلال می‌آورد و نه رفاه. جمهوری اسلامی از همه شرکت‌های خارجی مستقل نیست؛ از منافع ملت ایران مستقل شده است.

بخش پانزدهم) بازگرداندن «روز نفت» به حافظه ملی

«روز نفت» می‌تواند فرصتی برای بازپس‌گیری تاریخ از انحصار روایت‌های سیاسی باشد. این روز نباید حذف ملی‌شدن نفت از حافظه ایرانیان باشد و نه تکرار بی‌پایان افسانه‌ای که تمام تاریخ را در یک نام خلاصه می‌کند.

روز نفت باید روز پرسش از کارنامه باشد: چه کسی سهم ایران را افزایش داد؟

چه کسی شرکت ملی نفت را به نهادهای عملیاتی تبدیل کرد؟

چه کسی قرارداد کنسرسیوم را کنار گذاشت؟

چه کسی ایران را در بنیان‌گذاری و تقویت اوپک به بازیگری اثرگذار تبدیل کرد؟

چه کسی قیمت نفت را به مسئله عدالت میان کشورهای

گاه‌شمار سیر تحول صنعت نفت ایران

اهمیت	رویداد	سال
مالکیت و منافع ایران همچنان محدود؛ نظام امتیازنامه‌ای ادامه یافت.	قرارداد جدید نفت با شرکت نفت ایران و انگلیس	۱۹۳۳
تثبیت اصل مالکیت ملی، اما بدون سازوکار عملی بهره‌برداری.	تصویب قانون ملی‌شدن نفت	۱۳۲۰-۱۳۲۹
حفظ مالکیت ایران بر منابع و تأسیسات، مشارکت در درآمد، اما اداره عملیاتی در اختیار کنسرسیوم.	قرارداد کنسرسیوم	۱۳۳۲
گسترش مدیریت ایرانی و افزایش توان کارشناسی و فنی.	افزایش تدریجی نقش شرکت ملی نفت ایران	دهه ۱۳۴۰
آغاز نقش‌آفرینی فعال ایران در تعیین سیاست‌های نفتی جهان.	تأسیس اوپک	۱۳۳۹/۱۹۶۰
افزایش سهم ایران و محدود شدن نفوذ شرکت‌های خارجی.	مذاکرات محمدرضا شاه با شرکت‌های نفتی	۱۳۵۲-۱۳۵۰
انتقال کامل مدیریت عملیات به شرکت ملی نفت ایران و تثبیت حاکمیت عملی ایران بر صنعت نفت.	لغو عملی نظام کنسرسیوم و قراردادهای جدید	۱۳۵۲/۱۹۷۳

دشوارتر و مهم‌تر است:

ثروت ملی زمانی واقعا ملی می‌شود که در دست دولتی ملی، کارآمد و آینده‌نگر، به امنیت، رفاه، دانش و اقتدار ملت تبدیل شود.

و این، جوهر سیاست نفتی محمدرضا شاه پهلوی و معنای تاریخی پیوند میان آریامهر، نفت و ناسیونالیسم ایرانی است.

نویسنده: دکتر بهزاد پرنیان

تولیدکننده و صنعتی بدل ساخت؟

چه کسی نفت را به سرمایه‌گذاری صنعتی، زیرساخت، ارتش، آموزش و جایگاه بین‌المللی ایران پیوند زد؟

و چه حکومتی، پس از سال ۱۳۵۷، این میراث را به ابزار بقا، فساد، جنگ و انزوا تبدیل کرد؟

پاسخ به این پرسش‌ها، ما را از ناسیونالیسم اسطوره‌ای به ناسیونالیسم تاریخی می‌رساند؛ از شیفتگی به یک شعار، به سنجش یک کارنامه.

راه به جایی نمی‌برد.

چنانچه این حسادت را از زوایای متفاوت مورد بررسی قرار دهیم، آشکار می‌شود که این خشم پنهان ریشه در ناکامی درونی و ترس از دست دادن کنترل بر شرایط دارد؛ کنترلی که در طی سال‌ها و دهه‌های گذشته کوشیده‌اند از طریق استفاده از شبکه‌های اجتماعی و پروپاگاندا نادرست، با



شاهزاده رضا پهلوی در دانشگاه لیبرتی

انتشار تصویری کاذب، آن را محافظت کنند. یکی دیگر از مشخصه‌های این حسادت را می‌توان در بیان کلمات و ادعاهای ضد و نقیض مشاهده کرد. برای نمونه، در بعضی از ادعاها بیان می‌شود که شاهزاده رضا پهلوی به عنوان یک رهبر دوران گذار مورد پذیرش جامعه ایران نیست و هیچ یک از تلاش‌های او به ثمر نرسیده است. چنانچه این ادعا درست باشد، این پرسش مطرح می‌شود که چرا باید درباره شخصی که به زعم آنان هیچ خطری برای جریان‌های ایدئولوژیک رهایی‌بخش و تجزیه طلب ندارد و حتی برای حامیان حکومت مافیای اسلامی چهره‌ای «بی‌اهمیت» هست، این همه سرمایه‌گذاری و تلاش شبانه‌روزی برای تخریب او صورت می‌گیرد؟ این همان تناقض آشکاری است که در علم روانشناسی از آن به عنوان ناسازگاری یا به خطای شناختی یاد می‌شود: از یک سو ادعا می‌شود او هیچ محبوبیت و یا پایگاه اجتماعی قابل توجهی ندارد، و از سوی دیگر، هم زمان پیوسته تلاش‌های گسترده‌ای می‌شود قدرت تأثیرگذاری و محبوبیت او خدشه‌دار شود و نفوذ و تأثیرگذاری او کاهش یابد.

با توجه به این تخریب غرض ورزانه، نقش و عملکرد این مکانیزم روانی روشن می‌شود: در پس آن، تلاشی برای پنهان کردن خشم و اندوهی نهفته نسبت به شرایط کنونی خودشان نهفته است. این افراد احساس شکست و ناکامی خویش را از طریق ایجاد تفرقه و فراق‌کنی بروز می‌دهند و به جای بازنگری در شکست‌های خود، می‌کوشند فضایی متشنج بیافرینند. در نهایت، این حسادت چیزی نیست جز ناتوانی در به رسمیت شناختن محبوبیت و موفقیت یک نگرش سیاسی مردم‌محور، واقع‌گرا و امیدبخش و تلاش برای تخریب آن.

*دکتر محمد طباطبایی، روانشناس بالینی، روان‌درمانگر و عضو انجمن پزشکان میهن‌دوست ایران
*دکتر عباس جباریان، روانشناس بالینی، روان‌درمانگر

«عوام‌زدگی»، «مصرف‌گرایی» یا «بی‌خردی»، جامعه را تحقیر و خود را عقل کل عرضه می‌کردند. این جریان‌ها، به جای گفتگو با جامعه، خود را صاحبان حقیقت و عقلانیت کل معرفی کردند و هر دیدگاه متفاوتی را ناشی از ناآگاهی یا فقدان شعور سیاسی دانستند. چنین نگرشی، که ریشه در نوعی خودحق‌پنداری و نخبه‌گرایی ایدئولوژیک داشت،

فاصله‌ای عمیق میان این گروه‌ها و بدنه جامعه ایجاد کرد. این «خودشیفتگی ایدئولوژیک گروهی» و «نخبه‌گرایی ایدئولوژیک»، در کنار عوامل متعدد اجتماعی، ساختار مذهبی و سیاست جهانی، موجب بوجود آمدن طوفان ۱۳۵۷ گردید. انقلابی که وعده آب و برق مجانی داد و در عمل به استقرار یکی از سرکوبگرترین نظام‌های سیاسی معاصر انجامید و مردم را بی‌آب و برق و بی‌خانمان کرد. امروز، با افزایش آگاهی عمومی و تجربه عملی پیامدهای آن، آرمان‌گرایی ایدئولوژیک و وعده‌های پوشالین، جامعه ایران بیش از هر زمان دیگری خواسته‌های واقعی و انسانی خود را مطالبه می‌کند. نیازهایی که نه پیچیده‌اند و نه افراطی؛ و چیزی جز مطالبات بنیادین نیستند که هر جامعه سالمی برای شهروندان خود بایستی به رسمیت بشناسد: رفاه، آزادی، شادی، امنیت، حقوق برابر و امکان کار و تولید و در یک جمله، حق برخورداری از یک زندگی معمولی شرافتمندانه. همان چیزی که روشنفکران برای خود می‌خواستند، در حالی که جامعه را به چشم‌پوشی از زندگی مادی و خواسته‌های روزمره دعوت می‌کردند و وعده عدالت اجتماعی و رهایی از زندگی مادی را توصیه می‌کردند.

افزایش روزافزون محبوبیت شاهزاده رضا پهلوی، همراه با راهکارهای شفاف، امیدبخش و سازنده‌ای که او برای ساختن آینده‌ای روشن و فراهم آوردن کیفیت زندگی بهتر ارائه می‌دهد، موجب افزایش اعتبار و اعتماد اجتماعی نسبت به او شده است. فاصله‌گیری مردم از گرایش‌های ایدئولوژیک، کمونیستی توهم‌گرا و آنچه به اصطلاح «روشنفکری» خوانده می‌شود، موجب افزایش خشم این گروه‌ها شده است. این جریان‌ها تنها از طریق دشمن‌تراشی می‌کوشند شکاف ایجاد کنند و بدین‌وسیله خشم درونی خود را که ریشه در ناکامی‌شان دارد، سرپوشی‌گذاری کنند؛ خشمی که در واقع بازتاب‌دهنده آگاهی، شناخت و روشن‌بینی جامعه آسیب‌دیده و خسته است، جامعه‌ای که در آن دیگر نسخه‌های بی‌محتوای این «خودشیفته‌های ایدئولوژیک»

است. و این همان نیروی متحدکننده است که تا به‌کنون توانسته است با درایت و هوشیاری میان طیف‌های مختلف جامعه ایران و ایرانیان خارج از کشور همبستگی و همدلی بوجود آورد. رویکردی که بر شفافیت، صداقت، مسئولیت‌پذیری، خردورزی و آینده‌نگری استوار است و می‌کوشد به جای تعمیق اختلاف‌ها، میان دیدگاه‌های متفاوت پلی سازنده ایجاد کند.

چنین رویکردی می‌تواند احساس تعلق، مشارکت و ارزشمندی را در میان تک‌تک افراد جامعه تقویت کند. این جایگاه و اعتبار اجتماعی شاهزاده رضا پهلوی صرفاً محصول ادعای شخصی او نیست؛ بلکه بر پایه اعتماد و حمایتی شکل گرفته است که طی سال‌های گذشته اکثریت جامعه در داخل کشور و چه در میان جامعه ایرانی دیاسپورا، به او واگذار کرده‌اند. این سرمایه اجتماعی حاصل یک فرآیند تدریجی بوده است که در آن ثبات، تداوم حضور، توانایی امیدبخشی، ظرفیت ایجاد همگرایی نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا کرده‌اند.

در این ارتباط پرسش اساسی که مطرح می‌شود این است که ریشه این خشم و حسادت پنهان به او در چیست؟ چرا پذیرش محبوبیت و جایگاه سیاسی یک چهره سیاسی که از حمایت بخش قابل توجهی از جامعه برخوردار است، برای برخی از افراد و جریان‌های سیاسی این‌قدر دشوار است؟ آیا نمی‌توان ریشه این حسادت را در ناتوانی از ارائه یک بدیل قابل اعتماد و یا در احساس ضعف درونی خود این افراد و گروه‌ها جستجو کرد؟ آیا در چنین شرایطی، حسادت و میل به تخریب می‌تواند جایگزین کارآمدی باشد؟

از نگاه روان‌شناسی، حسادت احساسی درونی است که تقریباً همه انسان‌ها در شرایط و یا مقاطع مختلف زندگی خود آن را تجربه می‌کنند. هرچند تفاوتی بین حسادت و رشک ورزیدن وجود دارد. احساسی که اغلب از بیان آن شرم داریم و ترجیح می‌دهیم آن را انکار کنیم. این حسادت معمولاً زمانی شکل می‌گیرد که موفقیت، محبوبیت، توانایی یا جایگاه فردی دیگر، احساس ارزشمندی، هویت یا امنیت روانی ما را به چالش می‌کشد. در چنین لحظه‌ای، مسئله اصلی لزوماً شخص مقابل نیست؛ بلکه نحوه مواجهه‌ی ما با احساس ناکامی و تصویری است که از خودمان داریم. کسانی که هویت درونی منسجم‌تری دارند، موفقیت دیگران را کمتر تهدیدی برای خود تلقی می‌کنند؛ و در غیر این‌صورت موفقیت دیگری را به مثابه تهدیدی برای جایگاه و ارزش خود تجربه می‌کنند.

از آنجایی که شاهزاده رضا پهلوی به مهم‌ترین رهبر دوران گذار تبدیل شده است، به‌طور طبیعی از طرف مخالفان و رقیبان سیاسی مورد حسادت قرار می‌گیرد. از همین رو، برخی جریان‌های سیاسی یا ایدئولوژیک سعی بر آن دارند و می‌کوشند نقش تعیین‌کننده او در دوران گذار را به چالش بکشند یا خدشه‌دار کنند. دشمنی‌ورزی‌هایی که نه سرچشمه عقلانی، بلکه بازتاب عدم توانایی و راهکارمحوری خود نیروهای تخریب‌گر است. حسادتی که ریشه در ناکامی یا ناتوانی خودحق‌پنداران ایدئولوژیک دارد.

بخش مهمی از جریان‌های ایدئولوژیک چپ و روشنفکران وابسته به آن، به جای پرداختن به نیازهای واقعی و ملموس جامعه، بیش از هر چیز به بازتولید شکاف‌های اجتماعی، دوقطبی‌سازی، تقابل‌های ایدئولوژیک و گاه حتی ترویج تفرقه و تجزیه‌طلبی دامن می‌زنند. در این نگاه، خواسته‌های طبیعی و انسانی مردم، مانند رفاه، امنیت، مسکن، امکان رشد و شکوفایی استعدادها و برخورداری از یک زندگی شرافتمندانه، آزادی و شادی‌زیستی، نه تنها در اولویت قرار نگرفته، بلکه بارها با برچسب‌هایی چون «قشر نادان» و

سالگرد اشغال کویت؛ شباهت جمهوری اسلامی با رژیم صدام در رویکرد منطقه‌ای



سربازان آمریکایی در کنار تصویری از صدام حسین در تکریت عراق / ۲۷ دسامبر ۲۰۰۳

از همین رو، ممکن است تهران در پی جبران این خسارت‌ها از مسیرهای دیگر باشد. پس از تضعیف حزب‌الله لبنان توسط اسرائیل، به نظر می‌رسد رژیم ایران در حال بازتنظیم جایگاه منطقه‌ای خود است. از این رو تهران تمرکز بیشتری بر عراق و یمن خواهد داشت؛ کشورهایی که در آنها نفوذ مستقیم بر گروه‌های مسلح مانند حشدالشعبی و حوثی‌ها دارد و می‌تواند از این اهرم‌ها برای جبران عقب‌نشینی‌های خود در دیگر جبهه‌ها استفاده کند.

این وضعیت، کشورهای خلیج فارس را با مشکلی استراتژیک و بسیار جدی روبرو می‌سازد. سناریوی محتمل، شاید نه یک جنگ مستقیم و کلاسیک، بلکه بازگشت به الگوی جنگ‌های نیابتی باشد؛ جایی که رژیم ایران از طریق نیروهای وابسته، جبهه‌هایی را علیه کشورهای خلیج فارس- نه لزوماً اسرائیل- با عناوین و شعارهای گوناگون فعال کند. از سوی دیگر، اگر ایالات متحده همین امروز وارد جنگ با جمهوری اسلامی ایران نشود، منطقی نیست که فرض شود واشنگتن در آینده مانند سال ۱۹۹۱ بار دیگر برای دفاع از متحده خود وارد جنگ خواهد شد، حتی اگر همکاری‌های امنیتی همچنان ادامه داشته باشد.

بر این اساس، مهم‌ترین درس در سالگرد اوت ۱۹۹۱ این است که امنیت خلیج فارس نباید صرفاً بر فرضیات یا تضمین‌های خارجی استوار باشد، بلکه مستلزم تقویت توان نظامی بومی، گسترش همگرایی دفاعی، توسعه صنایع نظامی و دفاعی، و افزایش آمادگی سیاسی و اقتصادی برای مواجهه با دوره‌ای است که ممکن است از هر زمان دیگری در دهه‌های گذشته پیچیده‌تر و خطرناک‌تر باشد. بنابراین پس از این جنگ، کشورهای خلیج فارس ممکن است بیش از گذشته ناچار باشند عمدتاً بر توانایی‌های خود تکیه کنند.

*منبع: الشرق الاوسط

*نویسنده: عبد الرحمن الراشد

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

در سوی دیگر، جمهوری اسلامی ایران نیز از نظر بلندپروازی‌های منطقه‌ای تفاوت چندانی با رژیم عراق نداشته و ندارد؛ هرچند مبانی ایدئولوژیک آن با رژیم بعث متفاوت به نظر می‌رسد. از زمان تأسیس جمهوری اسلامی در سال ۱۹۷۹، این نظام گفتمانی انقلابی مبتنی بر صدور انقلاب اسلامی را دنبال کرده و از طریق ایجاد شبکه‌ای از متحدها و گروه‌های مسلح در چندین کشور عربی، نفوذ منطقه‌ای خود را گسترش داده است؛ به گونه‌ای که پروژه منطقه‌ای رژیم ایران طی چهار دهه گذشته به یکی از مهم‌ترین عوامل بی‌ثباتی در خاورمیانه تبدیل شده است.

از این رو، سالگرد اشغال کویت نباید صرفاً فرصتی برای یادآوری گذشته باشد، بلکه باید زمینه‌ای برای تأمل در درس‌های تاریخ فراهم کند. رویدادهای سال ۱۹۹۰ نشان داد که سقوط کویت بلافاصله امنیت خلیج فارس را تهدید کرد و به بحرانی منطقه‌ای و بین‌المللی تبدیل شد که اقتصاد جهانی و امنیت انرژی را نیز تحت تأثیر قرار داد. این واقعیت امروز نیز همچنان پابرجاست و شاید با توجه به تحولات استراتژیک کنونی، بیش از گذشته آشکار شده باشد. رژیم ایران با وجود رفتار تهاجمی و مخرب خود که حملات و اقداماتش تا اردن و مصر نیز گسترش یافته، امروز اما برای حفظ نظام سیاسی و نفوذ منطقه‌ای خود می‌جنگد و همین مسئله، آن را بیش از گذشته به پذیرش مخاطره سوق می‌دهد.

برای درک منطق رفتار حکومت ایران، باید پیش از هر چیز محاسبات داخلی آن را شناخت؛ زیرا این محاسبات برای زمامداران جمهوری اسلامی اهمیت اساسی دارد. از نظر آنها، پذیرش توافقی که در داخل کشور به عنوان شکست تعبیر شود، می‌تواند مشروعیت نظام را هم در میان حامیان و هم در میان مخالفان بیش از پیش تضعیف کند؛ به ویژه پس از سال‌ها فشار اقتصادی، اعتراضات داخلی و ناکامی‌های رژیم ایران در سوریه، لبنان و بطور کلی پروژه منطقه‌ای آن که با شکست روبرو شده است.

● از نگاه بسیاری از تحلیلگران آن زمان، اشغال کویت تنها آغاز پروژه‌ای گسترده‌تر برای بازطراحی موازنه قدرت در منطقه از طریق زور بود. به همین دلیل، تصادفی نبود که کشورهای خلیج فارس ده سال پیش از اشغال کویت، بدون مشارکت رژیم صدام، «شورای همکاری خلیج» را تأسیس کردند. آنها همزمان خطر رژیم بعثی عراق و جمهوری اسلامی در ایران را احساس کرده بودند و در سال ۱۹۸۱ این شورا را به عنوان چارچوبی برای هماهنگی سیاسی، امنیتی و دفاعی در منطقه‌ای پرتنش ایجاد کردند.

● از این رو، سالگرد اشغال کویت نباید صرفاً فرصتی برای یادآوری گذشته باشد، بلکه باید زمینه‌ای برای تأمل در درس‌های تاریخ فراهم کند. رویدادهای سال ۱۹۹۰ نشان داد که سقوط کویت بلافاصله امنیت خلیج فارس را تهدید کرد و به بحرانی منطقه‌ای و بین‌المللی تبدیل شد که اقتصاد جهانی و امنیت انرژی را نیز تحت تأثیر قرار داد. این واقعیت امروز نیز همچنان پابرجاست و شاید با توجه به تحولات استراتژیک کنونی، بیش از گذشته آشکار شده باشد.

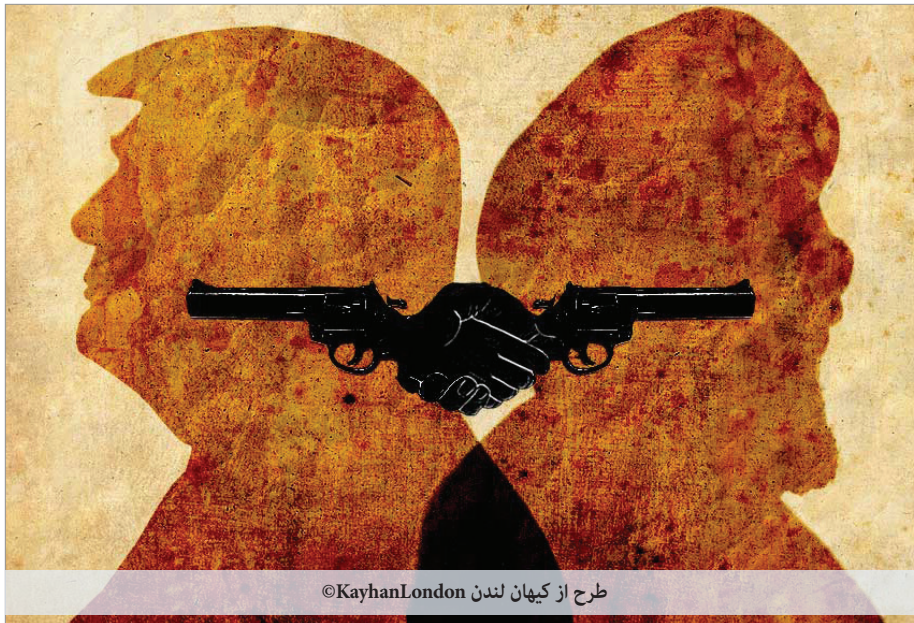
● پس از تضعیف حزب‌الله لبنان توسط اسرائیل، به نظر می‌رسد رژیم ایران در حال بازتنظیم جایگاه منطقه‌ای خود است. از این رو تهران تمرکز بیشتری بر عراق و یمن خواهد داشت؛ کشورهایی که در آنها نفوذ مستقیم بر گروه‌های مسلح مانند حشدالشعبی و حوثی‌ها دارد و می‌تواند از این اهرم‌ها برای جبران عقب‌نشینی‌های خود در دیگر جبهه‌ها استفاده کند.

عبدالرحمن الراشد (الشرق الاوسط) - این روزها خاطرات اوت ۱۹۹۰ بار دیگر زنده می‌شود؛ زمانی که رژیم صدام حسین به کویت حمله کرد و منطقه خلیج فارس را با بزرگترین تهدیدی که تا آن زمان تجربه کرده بود، روبرو ساخت.

آیا آن حمله غافلگیرکننده بود؟ شاید از نظر زمان‌بندی چنین به نظر می‌رسد، اما از دیدگاه ریشه‌های فکری و سیاسی هرگز غافلگیرکننده محسوب نمی‌شد. دشمنی حزب بعث با نظام‌های پادشاهی کشورهای خلیج فارس سال‌ها در زبان و گفتمان سیاسی این حزب وجود داشت و گرایش توسعه‌طلبانه رژیم عراق نیز پیشتر در جنگ با ایران و تلاش برای تبدیل شدن به قدرت مسلط منطقه‌ای آشکار شده بود. از نگاه بسیاری از تحلیلگران آن زمان، اشغال کویت تنها آغاز پروژه‌ای گسترده‌تر برای بازطراحی موازنه قدرت در منطقه از طریق زور بود. به همین دلیل، تصادفی نبود که کشورهای خلیج فارس ده سال پیش از اشغال کویت، بدون مشارکت رژیم صدام، «شورای همکاری خلیج» را تأسیس کردند. آنها همزمان خطر رژیم بعثی عراق و جمهوری اسلامی در ایران را احساس کرده بودند و در سال ۱۹۸۱ این شورا را به عنوان چارچوبی برای هماهنگی سیاسی، امنیتی و دفاعی در منطقه‌ای پرتنش ایجاد کردند.

صدام حسین نیز نارضایتی خود را از تشکیل این ائتلاف پنهان نکرد و بعدها تلاش کرد با ایجاد «شورای همکاری عربی» متشکل از مصر، یمن، اردن و عراق بلوکی رقیب تشکیل دهد، اما این تشکل عمر کوتاهی داشت و پس از اشغال کویت عملاً از میان رفت.

«تاکتیک بدون استراتژی» ترامپ و «تاکتیک وقت‌گشی» جمهوری اسلامی



طرح از کیهان لندن ©KayhanLondon

● رژیم ایران با بهره‌گیری از تهدید حوثی‌ها در باب‌المندب، ایجاد نگرانی درباره کانال سوئز و فعال کردن نیروهای نیابتی خود، به ویژه در عراق، در پی تثبیت نوعی بازدارندگی استراتژیک است که پیام آن چنین است: «امنیت کشتیرانی بین‌المللی، انرژی منطقه و اقتصاد جهانی وابسته به تضمین بقای نظام در تهران است».

احمد محمود عجاج (الشرق الاوسط) - از فیلسوف و فرمانده نظامی چینی، سون تزو نویسنده کتاب «هنر جنگ»، نقل می‌شود: «استراتژی بدون تاکتیک، کندترین راه برای پیروزی است و تاکتیک بدون استراتژی، تنها سر و صداست، نه پیروزی!»

دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا بر این باور بود که وارد کردن ضربات سنگین به رژیم ایران، آن را وادار به مذاکره و پذیرش خواسته‌های او خواهد کرد. اما به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی تاکتیک او را فهمید و شروطش را نپذیرفت؛ در نتیجه ترامپ خود را در وضعیتی دشوار یافت: اگر جنگ را تشدید کند و رژیم ایران آن را صرفاً یک تاکتیک بداند، تسلیم نخواهد شد و به مقاومت ادامه می‌دهد. به این ترتیب اگر ترامپ همچنان فقط بر همین تاکتیک اصرار کند، پیش‌بینی سون تزو تحقق خواهد یافت: «سر و صدا، نه پیروزی!»

اکنون ترامپ در برابر دو گزینه قرار دارد: آغاز یک جنگ فراگیر یا عقب‌نشینی از این رویارویی تاریخی. هر دو گزینه برای او بسیار پرهزینه‌اند. هم شرایط داخلی و هم ملاحظات خارجی به او اجازه آغاز چنان جنگی را نمی‌دهد، زیرا از دشواری نظامی آن و حجم تلفات و هزینه‌هایی آگاه است که افکار عمومی آمریکا آن را تحمل نخواهد کرد. از سوی دیگر، عقب‌نشینی نیز برای او به معنای واگذاری مهم‌ترین منطقه استراتژیک به جمهوری اسلامی و خدشه‌دار شدن اعتبار ایالات متحده خواهد بود.

از آنجا که گویا رژیم ایران این معضل ترامپ را متوجه شده، تلاش می‌کند با مانور سیاسی و گسترش دامنه تنش به سراسر منطقه، او را وادار کند پیش از آغاز هرگونه جنگ فراگیر، بارها در تصمیم خود تجدید نظر کند؛ جنگی که زمامداران ایران نیز از پیامدهای آن برای نظام سیاسی خودشان، «وحدت ملی» و زیرساخت‌ها به خوبی خبر دارند. رژیم ایران با بهره‌گیری از تهدید حوثی‌ها در باب‌المندب، ایجاد نگرانی درباره کانال سوئز و فعال کردن نیروهای نیابتی خود، به ویژه در عراق، در پی تثبیت نوعی بازدارندگی استراتژیک است که پیام آن چنین است: «امنیت کشتیرانی بین‌المللی، انرژی منطقه و اقتصاد جهانی وابسته به تضمین بقای نظام در تهران است».

دو عامل نیز به رژیم ایران در این مسیر کمک کرده است: نخست، ماهیت باز و دموکراتیک نظام سیاسی آمریکا که امکان رصد تحولات و تأثیر آنها بر تصمیم‌گیری ترامپ را فراهم می‌سازد. دوم، نبود همگرایی در دولت آمریکا درباره آغاز یک جنگ فراگیر.

ج‌دی وونس معاون رئیس‌جمهور آمریکا، خواهان رسیدن به توافق با رژیم ایران است، حتی اگر این امر مستلزم اعطای امتیازاتی در تنگه هرمز باشد. او بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل را متهم کرده که برای منافع خود، به آتش جنگ دامن می‌زند و جان آمریکایی‌ها را به خطر می‌اندازد.

مرتبط با اسرائیل، بیم دارد. ترامپ اکنون در وضعیتی دشوار گرفتار شده است؛ زیرا درگیر جنگی است که هم اعتبار آمریکا و هم جایگاه تاریخی او را رقم خواهد زد. او این نبرد را تقریباً بدون هیچ متحدی جز اسرائیل پیش می‌برد؛ حتی اسرائیل نیز در داخل آمریکا و در روابط واشنگتن با متحدان منطقه‌ای، به عاملی پرهزینه تبدیل شده است.

ترامپ در چنین شرایطی به سختی می‌تواند از کشورهای اروپایی درخواست همراهی کند، زیرا همواره بر بی‌نیازی آمریکا از کمک آنها تأکید کرده است. حتی اگر به اروپا روی آورد، احتمالاً با تمایل اندکی برای مشارکت در جنگ و گرایش بیشتر به راه حل‌های دیپلماتیک روبرو خواهد شد؛ راه حل‌هایی که شاید به توافقی مشابه توافق هسته‌ای دوران باراک اوباما منجر شوند؛ توافقی که ترامپ آن را «بدترین توافق تاریخ» خوانده است.

همچنین ترامپ با وجود تکذیب‌های رسمی، می‌داند که روسیه و چین به صورت محدود و غیرعلنی به رژیم ایران کمک می‌کنند؛ کمک‌هایی که از نظر نظامی و روانی برای تهران اهمیت دارد. از منظر ژئوپلیتیک نیز مسکو و پکن معتقدند ناکامی آمریکا در خاورمیانه می‌تواند آغازگر کاهش نفوذ نظامی یا گرایش بیشتر واشنگتن به انزوا باشد؛ روندی که در بلندمدت به سود هر دو کشور خواهد بود.

بر همین اساس، ترامپ برای نخستین بار در زندگی سیاسی خود با تصمیمی سرنوشت‌ساز روبروست: یا جنگی فراگیر را با همه هزینه‌های انسانی، اقتصادی و نظامی آن آغاز کند، یا به گزینه مذاکره و دیپلماسی با اهرم‌های فشار محدودتر روی آورد، یا همچنان به تاکتیک‌های خود دل ببندد، به این امید که سرانجام به پیروزی برسد، نه صرفاً ایجاد هیاهو و سر و صدا.

*منبع: الشرق الاوسط

*نویسنده: احمد محمود عجاج

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

در مقابل، مارکو روبریو وزیر خارجه آمریکا طرفدار فشار بیشتر بر حکومت ایران و وادار کردن آن به عقب‌نشینی است و در صورت اجتناب‌ناپذیر بودن، از جنگ فراگیر نیز حمایت می‌کند؛ دیدگاهی که به نظر می‌رسد با رویکرد ترامپ همسو باشد. این‌همه در حالیست که برای نخستین بار فرماندهان نظامی آمریکا نقش تعیین‌کننده‌ای در تصمیم‌گیری ندارند، زیرا ترامپ فرماندهان پیشین را تغییر داده و افراد مطیع‌تری را جایگزین آنها کرده است.

برخلاف ساختار سیاسی آمریکا، نظام جمهوری اسلامی ساختاری کاملاً بسته دارد. به همین دلیل هرچند آمریکا و اسرائیل توانسته‌اند محل استقرار فرماندهان آن، دانشمندان هسته‌ای و بخشی از توان نظامی آن را شناسایی و حذف کنند، اما نتوانسته‌اند پیامدهای احتمالی کشته شدن علی خامنه‌ای، ساز و کار تصمیم‌گیری در رژیم یا علت انسجام بقای آن را با وجود ضربات شدید، به درستی پیش‌بینی کنند. در نتیجه این تفاوت، رژیم ایران توانسته فرآیند تصمیم‌گیری آمریکا را مطالعه کرده، تاکتیک و استراتژی خود را بر همان اساس تنظیم کند؛ در حالی که آمریکا عمدتاً به دو ابزار تکیه کرده است: وارد کردن ضربات پیاپی و دردناک یا تهدید به جنگ فراگیر. جمهوری اسلامی هر دو را از پیش در محاسبات خود لحاظ کرده و معتقد است هم توان تحمل ضربات را دارد و هم با اتکا به اصل بازدارندگی استراتژیک و وسعت جغرافیایی کشور ایران، قادر به مقابله با جنگ گسترده خواهد بود.

رژیم ایران همچنین امید زیادی به میانجیگری ترکیه و پاکستان دارد؛ زیرا این دو کشور از نزدیک‌ترین بازیگران منطقه‌ای به ترامپ محسوب می‌شوند و صرفاً بر اساس منافع ملی خودشان، خواهان جلوگیری از جنگ هستند. ترکیه نگران موج گسترده پناهنجویان، گسترش تروریسم و افزایش نفوذ اسرائیل در منطقه است. پاکستان نیز از بی‌ثباتی ناشی از سقوط احتمالی رژیم ایران، تأثیر آن بر امنیت داخلی و منافع اقتصادی خود، و همچنین پیامدهای

تردید درباره کمک روسیه و چین به جمهوری اسلامی در شرایط جنگی



سفر مسعود پزشکیان به مسکو پیش از آغاز جنگ دوم

● در شرایطی که ان‌بی‌سی گزارش داد که روسیه اطلاعاتی مانند داده‌های ماهواره‌ای و اطلاعات شوند سیگنال‌ها را در اختیار جمهوری اسلامی می‌گذارد تا از آن برای جنگ در مقابل آمریکا بهره‌برداری کند، امیرعلی ابوالفتح کارشناس سیاسی مقیم تهران در گفتگو با روزنامه «اطلاعات» هشدار داده است: «آمریکا می‌داند چین و روسیه پای ایران نمی‌ایستند.»

● این کارشناس سیاسی تأکید کرده است که رژیم «ایران» دچار یک راهبرد استراتژیک تنهاست؛ یعنی هیچ حمایت گسترده‌ای ندارد. با توجه به فشاری که روی ایران می‌آید باید یک حامی پیدا می‌کرد، ولی متأسفانه حامی‌ای که پای ایران بایستد، وجود ندارد.»

● محسن رفیق‌دوست وزیر سپاه پاسداران در دوران جنگ ایران و عراق به «خبرآنلاین» گفت: «ما هیچوقت از روسیه و چین درخواست ورود به جنگ با آمریکا نکردیم، اما هرچه بخواهیم به ما می‌فروشند.»

● منابع داخلی گزارش دادند، محموله کمک‌های بشردوستانه کشور روسیه شامل ۱۱ تن تجهیزات پزشکی و دارویی، با هماهنگی‌های بین‌المللی از طریق مرز زمینی آستارا وارد خاک ایران و تحویل «هلال احمر» استان گیلان شده است.

● آنچه برای جمهوری اسلامی در جنگ علیه آمریکا و اسرائیل ضروریست، تحویل هواپیماهای سوخو ۳۵ بود که روسیه از آن خودداری کرد. هرچند شماری از خلبانان نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی مراحل آموزش این جنگنده را در روسیه طی کردند.

در شرایطی که ان‌بی‌سی گزارش داد روسیه اطلاعاتی مانند داده‌های ماهواره‌ای و اطلاعات شوند سیگنال‌ها را در اختیار جمهوری اسلامی می‌گذارد تا از آن برای

ادعای «آکسیوس»: جمهوری اسلامی، آمریکا و عمان در آستانه توافق بر سر تنگه هرمز

ساز و کار دائمی که قرار است میان عمان و جمهوری اسلامی ایران بر سر آن مذاکره شود، برای تردد کشتی‌های ورودی و خروجی مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

کاخ سفید، عمان و میانجیگران منطقه‌ای سه هفته پیش تصور می‌کردند که با حکومت ایران به توافق رسیده‌اند، اما جمهوری اسلامی بار دیگر حمله به کشتی‌ها را از سر گرفت.



رفت و آمد کشتی‌ها از تنگه هرمز

این اتفاق به دو هفته درگیری و نزدیک شدن طرفین به یک جنگ تمام‌عیار انجامید.

به گفته منابع منطقه‌ای، علاوه بر مذاکرات عمان و رژیم ایران، مقامات قطری، پاکستانی و سعودی نیز در تلاش‌های میانجیگرانه مشارکت داشتند.

به گفته منابع منطقه‌ای، کاخ سفید فعالانه در مذاکرات دخیل بوده و طی روزهای اخیر، چندین تماس میان استیو ویتکاف فرستاده ویژه دونالد ترامپ و عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی و بدر البوسعیدی وزیر خارجه عمان برقرار شده است.

به گفته دو منبع منطقه‌ای، عراقچی در پایان هفته گذشته با کلیات توافق موافقت کرده بود، اما همچنان به تأیید مجتبی خامنه‌ای رهبر [نامرئی] جمهوری اسلامی و «شورای عالی امنیت ملی» نیاز داشت. به گفته یک مقام آمریکایی و یک منبع منطقه‌ای، رهبران جمهوری اسلامی روز سه‌شنبه ۴ اوت ۲۰۲۶ روند تأیید توافق را تکمیل کردند.

در چنین شرایطی، تهدیدات مقامات حکومت و طرفداران آن علیه مقامات آمریکایی ادامه دارد. کارزار درخواست برای «انتقام» و «قتل ترامپ» از سوی جریان‌های مختلف نظام همچنان تبلیغ می‌شود.

ابراهیم عزیزی رئیس کمیسیون «امنیت ملی» در مطلبی در حساب خود در «ایکس» نوشت: «دور نیست روزی که نه تنها از منطقه، بلکه از تمام کشورهایی که امروز میزبان پایگاه‌های تروریستی شما هستید، اخراج شوید. آن روزی است که مجبورید همه سرمایه‌ی پایگاه‌هایتان را برای تأمین امنیت در خاک خودتان هزینه کنید.»

اینکه آیا این توافق موقت بر سر تنگه هرمز اجرا نیز خواهد شد یا نه، مشخص نیست اما طی همین مذاکرات نیز سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بارها به کشتی‌های تجاری در خلیج فارس حمله کردند.

● پایگاه خبری «آکسیوس» چهارشنبه ۱۴ مرداد ۱۴۰۵ به نقل از منابع آمریکایی و منطقه‌ای خبر داد که ایالات متحده، جمهوری اسلامی ایران و عمان در آستانه دستیابی به «توافق موقت» برای بازگشایی تنگه هرمز قرار دارند و آمریکا قصد دارد این توافق را روز چهارشنبه ۵ اوت اعلام کند.

● بر اساس این توافق، همه کشتی‌هایی که از طریق تنگه هرمز وارد خلیج فارس می‌شوند، از یک مسیر شمالی در آب‌های ایران عبور خواهند کرد. تمامی کشتی‌هایی که از خلیج فارس خارج می‌شوند و از طریق تنگه هرمز به سوی دریای عرب حرکت می‌کنند، با هماهنگی جمهوری اسلامی از مسیر جنوبی در آب‌های عمان عبور خواهند کرد. در طول این دوره ۶۰ روزه، هیچگونه عوارض یا هزینه‌ای دریافت نخواهد شد و همچنین طرفین برای مین‌روبی مسیر میانی تنگه ظرف مدت ۳۰ روز همکاری خواهند کرد.

● گفته می‌شود پس از پاکسازی مسیر میانی، این راه بر اساس مفاد یک ساز و کار دائمی که قرار است میان عمان و جمهوری اسلامی بر سر آن مذاکره شود، برای تردد کشتی‌های ورودی و خروجی مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

پایگاه خبری «آکسیوس» چهارشنبه ۱۴ مرداد ۱۴۰۵ به نقل از منابع آمریکایی و منطقه‌ای خبر داد که ایالات متحده، جمهوری اسلامی ایران و عمان در آستانه دستیابی به «توافق موقت» برای بازگشایی تنگه هرمز قرار دارند و آمریکا قصد دارد این توافق را روز چهارشنبه اعلام کند.

بنا بر این گزارش، هفته‌هاست که مذاکرات برای دستیابی به این توافق در جریان است و هدف از آن از سر گرفتن آتش‌بس میان آمریکا و ایران و آغاز دوباره مذاکرات بر سر توافق هسته‌ای است.

دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا تصمیم گرفت با هدف فرصت دادن به دیپلماسی، تهدید خود را مبنی بر آغاز کارزار گسترده بمباران علیه جمهوری اسلامی عملی نکند. با این حال به گزارش «آکسیوس»، اگر توافق به زودی حاصل نشود، ممکن است ترامپ با انجام حملات گسترده موافقت کند.

بر اساس این گزارش، توافق در حال شکل‌گیری برخی از خواست‌های رژیم ایران را برای برخورداری از کنترل بیشتر بر تردد کشتی‌ها در تنگه هرمز تأمین خواهد کرد.

به گفته دو منبع منطقه‌ای، توافق مورد بحث ساز و کار موقت و ۶۰ روزه میان عمان و رژیم ایران در تنگه هرمز ایجاد می‌کند که امکان تهدید آن وجود دارد.

بر اساس این توافق: -همه کشتی‌هایی که از طریق تنگه هرمز وارد خلیج فارس می‌شوند، از یک مسیر شمالی در آب‌های ایران عبور خواهند کرد.

-تمامی کشتی‌هایی که از خلیج فارس خارج می‌شوند و از طریق تنگه هرمز به سوی دریای عرب حرکت می‌کنند، با هماهنگی جمهوری اسلامی از یک مسیر جنوبی در آب‌های عمان عبور خواهند کرد.

-در طول این دوره ۶۰ روزه، هیچگونه عوارض یا هزینه‌ای دریافت نخواهد شد.

-طرفین برای مین‌روبی مسیر میانی تنگه هرمز ظرف مدت ۳۰ روز همکاری خواهند کرد.

پس از پاکسازی مسیر میانی، این راه بر اساس مفاد یک

سی‌بی‌اس: آمریکا و اسرائیل در حال آماده‌سازی طرحی برای بمباران زیرساخت‌های انرژی ایران هستند

او در پاسخ به پرسشی درباره احیای دیپلماسی نیز به خبرنگاران گفت: «فکر می‌کنم مافقط می‌خواهیم پیروز شویم.» دو منبع اعلام کردند که احتمالاً زیرساخت‌های انرژی، از جمله نیروگاه‌ها و پالایشگاه‌ها، از اهداف اصلی این حملات خواهند بود.

کارولین لیویت سخنگوی کاخ سفید در بیانیه‌ای عنوان کرد:



انفجار در مخزن شهران تهران بر اثر حمله نظامی اسرائیل، شامگاه شنبه ۲۴ خردادماه ۱۴۰۴

«همانطور که رئیس‌جمهور ترامپ امروز در نشست کابینه گفت، ایالات متحده پیروز خواهد شد و ایران در دوران ریاست جمهوری او به سلاح هسته‌ای دست نخواهد یافت.» شان پارنل سخنگوی ارشد پنتاگون گفت که وزارت دفاع پیش از تصمیم نهایی رئیس‌جمهور درباره اهداف احتمالی اظهار نظری نخواهد کرد.

او در بیانیه‌ای افزود: «وزارت جنگ کاملاً آماده و مجهز است و در هر لحظه آمادگی اجرای دستورات رئیس‌جمهور را دارد.»

یکی از مقامات پیشین ارتش آمریکا نیز به سی‌بی‌اس گفت که هدف از حمله به زیرساخت‌های انرژی، کاهش توانایی حکومت ایران در ارائه خدمات و اداره مؤثر کشور و همچنین محدود کردن توان نظامی آن خواهد بود.

به گفته یک مقام ارشد اسرائیلی، زمانی که ترامپ و بنیامین نتانیاهو اوایل این هفته با یکدیگر دیدار کردند، نتانیاهو سه گزینه برای ادامه جنگ به او ارائه داد که یکی از آنها انجام حملات نظامی با تمرکز بر مسیرهای تدارکاتی زمینی بود. نتانیاهو با پیت هگست وزیر دفاع آمریکا نیز دیدار کرد.

یک مقام آمریکایی دیگر گفت که ایالات متحده پیش از این هم در جریان درگیری‌ها پل‌هایی را که هم کاربرد نظامی و هم غیرنظامی داشتند، هدف قرار داده است.

همچنین روز جمعه ۳۱ ژوئیه در سطوح عالی دولت آمریکا درباره قطع برق در سراسر تهران گفتگوهایی انجام شد، اما تا بعد از ظهر همان روز هیچ تصمیمی در این زمینه اتخاذ نشد.

هفته گذشته ترامپ در شبکه اجتماعی «تروث سوشیال» نوشته بود که در ازای هر حمله به یک کشتی در تنگه هرمز، یک پل یا نیروگاه برق در ایران را بمباران و نابود خواهد کرد.

● شبکه سی‌بی‌اس در گزارشی که نهم امرداد ۱۴۰۵ منتشر شد به نقل از منابع آمریکایی نوشت، ایالات متحده و اسرائیل در حال برنامه‌ریزی برای اجرای یکی از شدیدترین کارزارهای بمباران تا به امروز علیه اهداف مرتبط با زیرساخت‌های انرژی در ایران هستند و این حملات ممکن است در طول تعطیلات آخر هفته انجام شود.

● به گفته چندین منبع آمریکایی، اسرائیل از این برنامه مطلع شده و در حال هماهنگی با ایالات متحده است. این منابع افزودند که رئیس‌جمهور آمریکا هنوز دستور نهایی آغاز حملات را صادر نکرده است.

● یک مقام اسرائیلی گفته است که این کشور از هیچ تصمیمی برای از سر گرفتن کامل عملیات نظامی آگاه نیست و همچنین از اسرائیل خواسته نشده که به هیچ اقدام نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران بپیوندد.

● ترامپ در حالی که خبرنگاران در جلسه حضور داشتند، گفت: «ما آنها را بسیار سخت هدف قرار خواهیم داد. در نهایت به جایی می‌رسند که بگویند دیگر نمی‌توانیم تحمل کنیم.»

شبکه سی‌بی‌اس در گزارشی که نهم امرداد ۱۴۰۵ منتشر شد به نقل از منابع آمریکایی نوشت، ایالات متحده و اسرائیل در حال برنامه‌ریزی برای اجرای یکی از شدیدترین کارزارهای بمباران تا به امروز علیه اهداف مرتبط با زیرساخت‌های انرژی در ایران هستند و این حملات ممکن است در طول تعطیلات آخر هفته انجام شود.

به گفته این منابع، بحث‌هایی نیز درباره پایان دادن به این عملیات تا پیش از باز شدن بازارهای مالی در روز دوشنبه مطرح بوده، زیرا نگرانی‌هایی درباره تأثیر این بمباران‌ها بر اقتصاد آمریکا و اقتصاد جهانی وجود داشته است. با این حال، زمان مشخصی برای پایان عملیات نهایی نشده است.

به گفته چندین منبع آمریکایی، اسرائیل از این برنامه مطلع شده و در حال هماهنگی با ایالات متحده است. این منابع افزودند که رئیس‌جمهور آمریکا هنوز دستور نهایی آغاز حملات را صادر نکرده است.

بر اساس گزارش سی‌بی‌اس، اجرای یک عملیات مشترک به معنای بازگشت اسرائیل به عملیات رزمی خواهد بود؛ عملیاتی که پس از آتش‌شس از سوی آمریکا متوقف شده بود. از زمانی که «یادداشت تفاهم اسلام‌آباد» میان طرفین از هم پاشید و آمریکا عملیات نظامی خود را از سر گرفت، رژیم ایران حمله‌ای به اسرائیل انجام نداده است.

یک مقام اسرائیلی گفته است که این کشور از هیچ تصمیمی برای از سر گرفتن کامل عملیات نظامی آگاه نیست و همچنین از اسرائیل خواسته نشده که به هیچ اقدام نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران بپیوندد.

به گفته منابعی که بعداً در جریان قرار گرفته‌اند، طرح حمله نظامی روز جمعه در نشست کابینه دونالد ترامپ در کمپ دیوید مطرح شد. یکی از این منابع گفت که برخی از دستیاران کاخ سفید که مسئول مسائل سیاسی هستند، به شدت با این طرح مخالفت کرده‌اند.

ترامپ در حالی که خبرنگاران در جلسه حضور داشتند، گفت: «ما آنها را بسیار سخت هدف قرار خواهیم داد. در نهایت به جایی می‌رسند که بگویند دیگر نمی‌توانیم تحمل کنیم.»

جنگ در مقابل آمریکا بهره‌برداری کند، امیرعلی ابوالفتح کارشناس سیاسی مقیم تهران در گفتگو با روزنامه «اطلاعات» هشدار داده است: «آمریکا می‌داند چین و روسیه پای ایران نمی‌ایستند.»

این کارشناس سیاسی تأکید کرده است که رژیم «ایران» چهار یک راهبرد استراتژیک تنهاست؛ یعنی هیچ حمایت گسترده‌ای ندارد. با توجه به فشاری که روی ایران می‌آید باید یک حامی پیدا می‌کرد، ولی متأسفانه حامی ای که پای ایران بایستد، وجود ندارد.

از سوی دیگر محسن رفیق‌دوست وزیر سپاه پاسداران در دوران جنگ ایران و عراق به خبرنگاران گفت: «ما هیچوقت از روسیه و چین درخواست ورود به جنگ با آمریکا نکردیم، اما هرچه بخواهیم به ما می‌فروشند.»

برخی منابع غربی گزارش دادند چین حدود ۴۰۰ موشک‌انداز قابل حمل به ایران ارسال خواهد کرد. پیش از این شبکه ان‌بی‌سی نیوز گزارش داده بود که روسیه اطلاعات الکترونیک از جمله تصاویر و داده‌های ماهواره‌ای و اطلاعات شوند سیگنال‌ها را در اختیار حکومت ایران قرار می‌دهد؛ اطلاعاتی که می‌تواند به تهران در تقویت پدافند هوایی و افزایش دقت عملیاتی نیروهای نظامی‌اش کمک کند.

طبق گزارش این شبکه تلویزیونی آمریکایی، این تبادل اطلاعاتی به رژیم ایران امکان می‌دهد تا توانایی خود را در شناسایی نیروهای آمریکایی هنگام عملیات هوایی افزایش دهد و همچنین احتمالاً به ایجاد اختلال در سامانه‌های بروز سوانح هوایی و دیگر سامانه‌های تسلیحاتی ساخت آمریکا کمک کند.

بر اساس گزارش ان‌بی‌سی نیوز به نقل از مقام‌های آمریکایی و اروپایی آگاه از موضوع، داده‌های ماهواره‌ای و اطلاعات شوند سیگنال‌های روسیه، توانایی رژیم ایران را برای حفاظت از دارایی‌های حیاتی نظامی خود افزایش داده و همزمان دقت حملات پهبادی و موشکی آن را در گرماگرم تنش‌های مداوم با آمریکا بهبود بخشیده است.

نه دولت روسیه و نه حکومت ایران تا کنون واکنش رسمی و علنی به این گزارش‌ها نشان نداده‌اند و خود ادعاها نیز بطور مستقل تأیید نشده‌اند.

دولت‌های روسیه و ایران در اوایل سال ۲۰۲۶ یک «توافق‌نامه جامع مشارکت راهبردی» امضا کردند که حوزه‌های دفاعی، تجاری، انرژی و همکاری‌های امنیتی را در بر می‌گیرد. البته این توافق شامل یک پیمان رسمی دفاع متقابل نمی‌شود. همزمان منابع داخلی گزارش دادند، محموله کمک‌های بشردوستانه کشور روسیه شامل ۱۱ تن تجهیزات پزشکی و دارویی، با هماهنگی‌های بین‌المللی از طریق مرز زمینی آستارا وارد خاک ایران و تحویل «هلال احمر» استان گیلان شده است.

در این میان، آنچه برای جمهوری اسلامی در جنگ علیه آمریکا و اسرائیل ضروریست، تحویل هواپیماهای سوخو ۳۵ بود که روسیه از آن خودداری کرد. هرچند شماری از خلبانان نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی مراحل آموزش این جنگنده را در روسیه طی کردند.

حشمت‌الله فلاحت‌پیشه رئیس پیشین کمیسیون «امنیت ملی» مجلس شورای اسلامی در یک مصاحبه که چهارشنبه پنجم شهریور ۱۴۰۴ پخش شد، با بیان اینکه «روس‌ها و روسوفیل‌ها در رد صلاحیت برخی نمایندگان مجلس نقش داشته‌اند» عنوان کرده بود: «روسوفیل‌ها به ایران خیانت کردند» و «به من هشدار دادند که سر به سر روسیه نگذار!» فلاحت‌پیشه افزود: «روسیه در جاهای مختلف از جمله رژیم حقوقی دریای خزر، جنگ ۱۲ روزه، تحریم، احیای برجام و... به ایران خیانت کرد.»

روح‌الله خمینی، نخستین زمین‌خوار پس از انقلاب اسلامی

دهه از آن گذشته.»

به گفته وی، «در دهه هفتاد، آغاز دوره اصلاحات که جهاد سازندگی و وزارت کشاورزی با هم ادغام شدند تا مثلاً بتوانند کشور را بر پایه تولیدات کشاورزی رشد بدهند. رئیس وقت اداره کشاورزی دماوند در سال ۷۷ برای خود شیرینی اقدام به واگذاری اراضی کرد که آن موقع مشهور به «طرح طوبی» شده بود؛ قرار بود بادام، زیتون و گردو در محدوده بین شهرها کاشته شود هم باغات باشد و هم تولیدات کشاورزی باشد که متأسفانه واگذاری‌ها به هیچ کشاورزی تعلقی نگرفت و به خانم‌ها و آقایان راس نظام تعلقی گرفت، مثل فائزه هاشمی ۷۰ هکتار، محمد توکلی ۸۰ هکتار، کهالی وزیر کار دولت هاشمی حدود ۸۰ هکتار، حسین شریعتمداری مدیر موسسه کیهان ۲۰۰ هکتار، که البته بعدها سندها به اسم موسسه و شرکت نشد و به اسم خود اشخاص صادر شد و به این شکل، زمین‌های دولتی زیادی واگذار شد و هیچ وقت هیچ باغ و درختی در آنجا کاشته نشد، یک سری سوله زدند، راهسازی کردند و امروز دارند به سمت شهرک‌سازی پیش می‌روند، یعنی زمین‌های مرغوب دامنه دماوند که می‌توانست یک قطب کشاورزی را فعال کند و تولید داشته باشد تبدیل به شهرک می‌شوند، تاکنون شهرک‌های زیادی ایجاد شده، چاه‌های زیادی حفر شده و علاوه بر هدر رفت آب، این زمین‌ها هم به شهرک سازی

اجرای آن را دارند. اینها دست به دست هم می‌دهند تا باغدار و کشاورز نه تنها حاصل زحمت خودش را نبیند بلکه اقدام به فروش زمین خود بکند. زمین‌های ۵۰ یا ۱۰۰ هکتاری، زمین‌هایی در مزارع‌های بالا که برای کشاورزان قدیمی بوده، امروز در محدوده اطراف شهرها قرار گرفته و با لابی شهرداری‌ها شوراهای شهر و حتی لابی‌های بالاتر تغییر کاربری پیدا می‌کند به شهرک‌های حاشیه شهرها که از قضا نه زاغه‌نشینی حاشیه شهر بلکه به ویلانشینی لاکچری تبدیل شده‌اند.

در دوره‌ای نه چندان دور در دهه ۷۰ دماوند یکی از قطب‌های کشاورزی کشور به شمار می‌رفت، از باغات در حوزه تولید گردو و خشکبار تا اراضی در حوزه تولید سیب زمینی، پیاز و سایر محصولات؛ متأسفانه دماوند اکنون به یک شهر مصرف‌کننده تبدیل شده، خبری از آن باغات و محصولات کشاورزی نیست، محصولات کشاورزی دماوند، امروز نه تنها صادر نمی‌شود که حتی کفاف مردم ساکن خود منطقه دماوند را نمی‌دهد.»

برداشت بی‌رویه آب از چاه‌های دشت ورامین، این منطقه را با بحران فوق‌العاده شدید کسری مخزن مخازن زیرزمینی و نرخ فرونشست بی‌سابقه مواجه کرده است.

امیر الف در این ارتباط توضیح می‌دهد: «زمین و آب به هم بسیار وابسته هستند و در کنار هم ارزش پیدا می‌کنند

● «منطقه‌ای در افسریه به پادگان‌های صفر یک و صفر دو ارتش مشهور است، این زمین‌ها زمین‌های کشاورزی ارامنه بودند که بعد از انقلاب، امام دستور داد این زمین‌ها را بگیرند و به پادگان‌ها اختصاص بدهند.»

● بعدها هم در دهه شصت سازمان وقت جنگل‌بانی و منابع طبیعی به کارکنان خود از پارک ملی سرخه حصار زمین‌هایی را واگذار کرد آنها این زمین‌ها را در بازار آزاد فروختند و امروز نتیجه آن را در «شهرک زیتون» می‌بینیم، دولت یک زمانی توانست تخریب کند بعد دیگر نتوانست تخریب کند، آنجا مردم در منطقه حفاظت شده چاه زده‌اند، جایی به نام «شهرک زیتون» جزو پرونده‌های حل نشدنی است که چهار دهه از آن گذشته.»

● «رئیس وقت اداره کشاورزی دماوند در سال ۷۷ برای خود شیرینی اقدام به واگذاری اراضی کرد که آن موقع مشهور به «طرح طوبی» شده بود، قرار بود بادام، زیتون و گردو در محدوده بین شهرها کاشته شود هم باغات باشد و هم تولیدات کشاورزی باشد که متأسفانه واگذاری‌ها به هیچ کشاورزی تعلقی نگرفت و به خانم‌ها و آقایان راس نظام تعلقی گرفت، مثل فائزه هاشمی ۷۰ هکتار، محمد توکلی ۸۰ هکتار، کهالی وزیر کار دولت هاشمی حدود ۸۰ هکتار، حسین شریعتمداری مدیر موسسه کیهان ۲۰۰ هکتار، که البته بعدها سندها به اسم موسسه و شرکت نشد و به اسم خود اشخاص صادر شد و به این شکل، زمین‌های دولتی زیادی واگذار شد و هیچ وقت هیچ باغ و درختی در آنجا کاشته نشد.»

فیروزه نوردستروم - وضعیت محیط زیست، منابع آب و کشاورزی در استان تهران از جمله در دماوند، و ورامین با بحران جدی ناترازی آب، افت شدید سفره‌های زیرزمینی و تهدید اکوسیستم‌های بومی روبرو است. از طرفی تبدیل مزارع حاصلخیز و باغ‌ها به ویلا و تفریح‌گاه‌های شخصی، از جنگل‌های شمال فراتر رفته و به شکل یک سرطان زیست‌محیطی و اقتصادی در بیشتر روستاهای کشور ریشه دوانده است. امیر الف، خبرنگار باسابقه محیط زیست ساکن تهران، در گفتگو با «کیهان لندن» به بررسی این مسائل پرداخته است.

این خبرنگار با اشاره به اینکه دماوند، ریه سبز و ذخیره‌گاه طبیعی آب تهران تحت فشارهای شدید انسانی قرار دارد به «کیهان لندن» می‌گوید «چندین سال پیش، ستاد فرمان اجرایی امام زمین دوستم را تصرف کرده بود برای پیگیری به اداره جهاد کشاورزی استان البرز رفتیم، رئیس حراست آنجا به من گفت می‌دانی اولین زمین‌خوار ایران بعد از انقلاب کی بوده؟ با تعجب گفتم کی؟ گفت امام خمینی و ادامه داد «منطقه‌ای در افسریه به پادگان‌های صفر یک و صفر دو ارتش مشهور است، این زمین‌ها، اراضی کشاورزی ارامنه بودند که بعد از انقلاب، امام دستور داد این زمین‌ها را بگیرند و به پادگان‌ها اختصاص بدهند.»

بعدها هم در دهه شصت سازمان وقت جنگل‌بانی و منابع طبیعی به کارکنان خود از پارک ملی سرخه حصار زمین‌هایی را واگذار کرد آنها این زمین‌ها را در بازار آزاد فروختند و امروز نتیجه آن را در «شهرک زیتون» می‌بینیم، دولت یک زمانی توانست تخریب کند بعد دیگر نتوانست تخریب کند، آنجا مردم در منطقه حفاظت شده چاه زده‌اند، جایی به نام «شهرک زیتون» جزو پرونده‌های حل نشدنی است که چهار



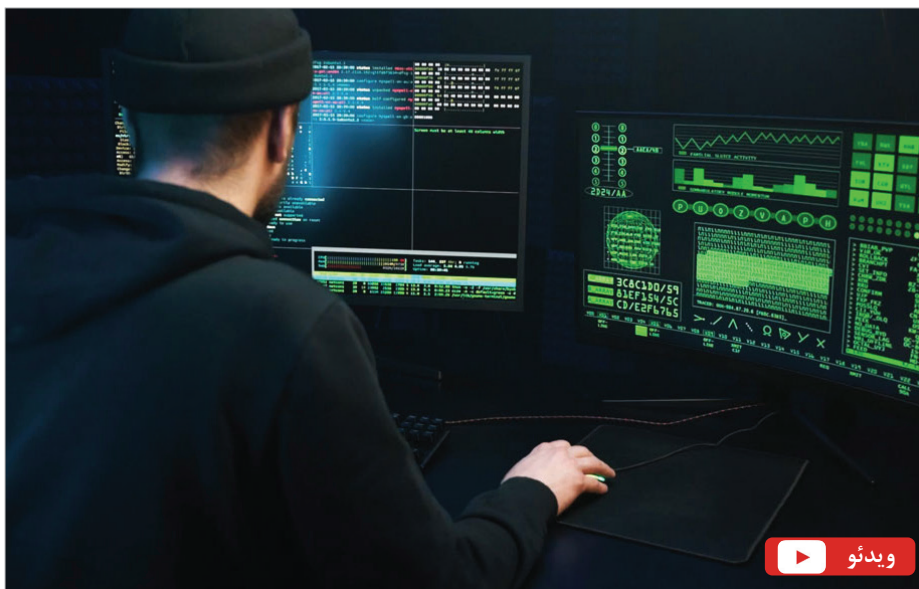
تبدیل شدند که هیچ ارتباطی به تولید ندارند.

متأسفانه عمده این تغییر کاربری‌ها و واگذاری‌ها نه به کشاورزان نمونه بلکه به افراد دارای رانت و نفوذ تعلقی گرفت که آنها قدرت تغییر کاربری را داشته باشند.»

او برای نمونه در محدوده منطقه لواسان به کشاورز نمونه‌ای اشاره می‌کند که با پنج هکتار باغ سیب به خاطر نوع کاشت و برداشت کشاورز نمونه شده بود، ولی ۴ سال بعد آن زمین را تفکیک کرد و برای شهرک‌سازی به فروش گذاشت، به خاطر سیاست‌های دولت که در نوع فروش محصول میوه و صادرات و خرید از باغداران همیشه دخالت می‌کند؛ از سم و کود کشاورزی که با رانت و لابی وارد می‌کند تا صادراتی که فقط یک سری افراد قابلیت

که کشاورزی شکل بگیرد، یک مثال به شما عرض کنم یک همسایه داشتیم که پدرش روحانی بود او و همسرش بعداً به آمریکا مهاجرت کردند، آن روحانی اواخر دهه هشتاد در ورامین شالیکاری داشت با آن میزان تبخیر آب زیاد، از عمق زمین چاه‌های عمیقی حفر کرده بود و با این چاه‌ها شالیکاری راه انداخته بود، درحالی‌که شالی آب شیرین لازم دارد نه آب شور و امروز می‌بینیم ورامین آب کشاورزی مناسبی ندارد، آب ورامین، شور و آهکی شده، نه آب شرب برای مردم دارد نه آبی برای کشاورزی، امثال این جنایت‌ها که با رانت انجام شده بسیار است. الان دیگر کشاورزی در ورامین جوابگو نیست و به محصولات کویری مثل پسته روی آورده‌اند. ورامین که زمانی بهترین کشتزارها

تله‌ی تازه جاسوسی آنلاین از مردم



می‌دهند و برای نظام تبلیغ می‌کنند. در این بین مردم هم از طریق فیلترشکن وارد اینترنت آزاد و شبکه‌های اجتماعی ممنوعه می‌شوند و برای ممنوعیت‌ها و محدودیت‌های تحمیلی از سوی نظام، ارزشی قائل نیستند!

فرید خلیفی - ایران تحت حکومت جمهوری اسلامی
شبیه هیچ کشوری در جهان نیست. زمامدارانش دسترسی مردم به جهان آزاد را قطع کرده‌اند، ولی مقامات و عواملش در رسانه‌های اجتماعی، که ممنوع اعلام شده‌اند، جولان

دارای عزت و نفس و به اصطلاح خودمان «سفره‌دار» بودند امروز به مدد پارانهایی که از دوره احمدی‌نژاد داده شد و وام‌هایی که به شرکت‌های تعاونی دادند و توزیع ناعادلانه ثروت در روستاها باعث شده اغلب روستاها که شما تشریف ببرید با مردمانی فقیرزده و تقریباً می‌توان گفت دور از جان خیلی از آنها گداصفت روبرو می‌شوید که چشمشان به این است که به شما زمینی بفروشند، بتوانند از شما پولی بگیرند و زندگی خود را به سطح زندگی شهرنشینان نزدیک کنند. این مسئله به خاطر نوع محرومیتی است که به لحاظ فرهنگی و روانی به آنها تحمیل شده است.

در شمال کشور با واردات بی رویه و رانتی برنج خودشان، شالیکارهای ما را که کار بسیار سختی هم دارند، مدام متضرر کردند. به طوری که آنها از کاشت و کشاورزی خسته شده‌اند اغلب تمعداً زمین‌های خود را خشک کرده‌اند و برای اجرای باغ و ویلا به تیغ لودر سپرده‌اند. اکنون می‌بینیم در مازندران حجم زیادی از جنگل‌ها و اراضی کشاورزی را از دست داده‌ایم و با همین روند تا ۱۰ سال آینده مازندران از سمنان خشک‌تر خواهد شد. در بسیاری از شهرهای گیلان هم استارت تغییر کاربری زده شده که ادارات کشاورزی شوراهای شهر و روستا نقش دارند، از همه مهم‌تر علاوه بر قانونی که برای حفره‌های تخلف زیاد هست، فرهنگی است که به شکل طمع‌کارانه در مردم شکل گرفته بر روی توسعه پایدار چشم بسته‌اند و فقط رشد اقتصادی مد نظرشان است، جامعه در حال از دست دادن پایداری است و فضای روستایی کشور به چیزی شبیه روستا شهر تبدیل شده است، بین روستای بومی و روستای مدرن و ویلانشینی تعارض‌های فرهنگی بسیاری را ایجاد می‌کند به روح و روان کودکان روستایی آسیب می‌زند که خود را در موقعیتی ضعیف‌تر از ویلادارها می‌بینند، به صورت ذاتی آنها هم دوست دارند رشد کنند و به مرتبه ویلادارها برسند پس بسیاری از آنها کمر به از دست دادن زمین‌های خود می‌بندند.»

خاک را اسیدی می‌کند و اطرافش چیزی رشد نمی‌کند و اگر پمید سبز می‌میرد، اگر آب به این درخت نرسد و بر اثر شرایط اقلیمی دیگر رشد نکرده و مرده اما ظاهرش همچنان سبز هست و نیازی به رسیدگی نمی‌بینند، ضمن اینکه این درختان محل و آغاز رشد آفت‌هایی می‌شوند که به درختان بومی ما آسیب‌های جدی وارد می‌کنند.»

«بخش‌های مختلف جهاد کشاورزی هر از گاهی طرحی با عنوان عام‌المنفعه عنوان می‌کنند که پروژه شخصی آقایان هست» این خبرنگار محیط زیست با توضیح این مطلب می‌افزاید: «مثلاً یادم هست بدون بررسی هکتارها زیتون در استان‌های فارس، خوزستان و گلستان کاشتند بعد از رسیدگی و گذر سال‌ها دیدند هیچ محصولی نمی‌دهد بعد کارشناسان گفتند چون گونه نر و نابارور کاشته بودند، یعنی میلیاردها تومان را هدر می‌دهند به اسم پروژه «طرح طوبی». در جایی که خاک و آب خوب و قابلیت تولید دارد و می‌توان با برنامه پایدار تولید پایدار را رقم زد تا برای مردم منطقه ارزآوری داشته باشد و کمک کند تا مناعت طبع‌شان مبتنی بر تولید باشد، این روستاییان مولد را تبدیل کرده‌اند به افرادی در کمین نشسته برای تغییر کاربری فروش و شهرک‌سازی.

در شرایط کنونی اطراف بیشتر شهرهای کشور پر از باغ‌هایی است که به شهرک‌سازی و ویلا تبدیل شده‌اند. در واقع، آب زمین‌هایی که اطراف باغ‌های تفریحی هستند معمولاً از چاه تأمین می‌شوند، چاه‌هایی غیرمجاز فاضلاب این ویلاها را هم به زمین می‌فرستند کلاً اکوسیستم را دچار تغییر می‌کنند.»

به گفته این فعال محیط زیست، یکی دیگر از سیاست‌هایی که به تولید جوامع محلی کشور آسیب زده پخش انواع پارانه و رانت بود که در حوزه کشاورزی و دامداری به یک سری ذی‌نفعان صاحب نفوذ مرتبط به دولتی‌ها واگذار شد. این کار باعث شد روستاییانی که مولد و تولید کننده بودند

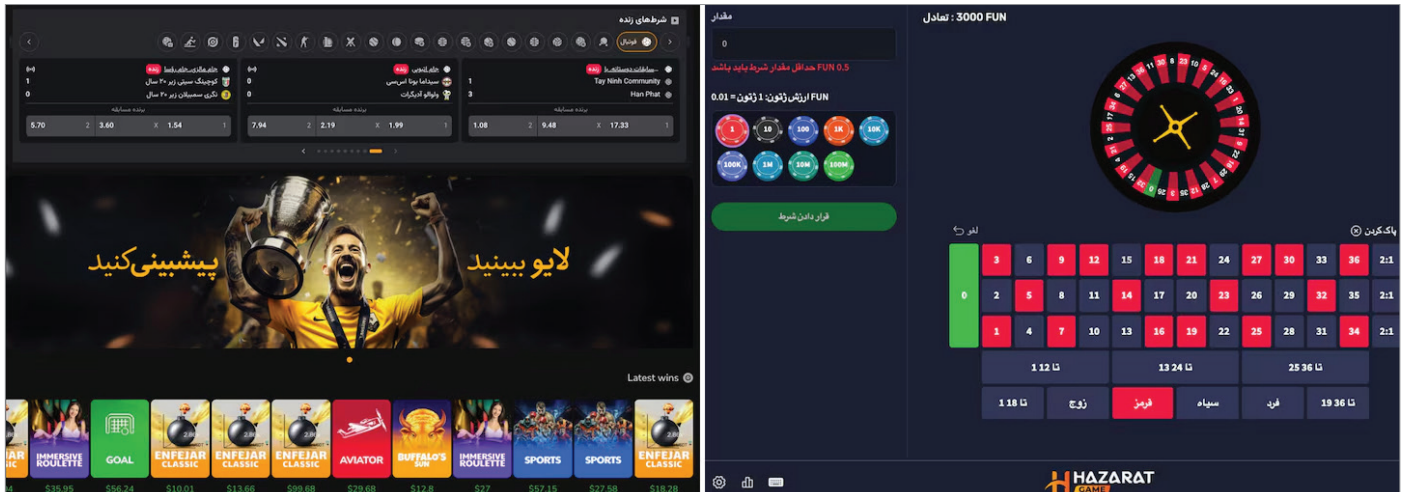
→ و مزارع کشاورزی کشور را داشت امروز دچار مشکلات آبی شده آب کشاورزی سالم ندارد آب منطقه اغلب شور و آهکی است و بسیاری از زمین‌های کشاورزی ورامین به دلیل نبود آب از بین رفته است.

اوایل دهه ۸۰ با شروع به کار شوراهای اسلامی شهر و بزرگ تر شدن شهرها و عنوان شدن شهرستان‌ها دوباره یک سری زمین‌های کشاورزی از دسترس خارج شدند و کاربری‌ها تغییر کردند برای نمونه می‌توان به شهرستان پاکدشت و روستای آبسرد که شد شهرستان آبسرد؛ این دو نمونه را می‌توان عنوان کنیم که به خاطر شرایط آب و خاکشان مهد پرورش گل بوده‌اند و در صادرات گل نقش داشتند، گل و گیاه در آنجا خیلی خوب پرورش پیدا می‌کرد اما شوراهای اسلامی آمدند تغییر کاربری دادند و رفته رفته چیزی از تولید صنعت گلخانه‌داری باقی نماند.»

پدیده جنگل‌خواری و تخریب اراضی ملی در شمال کشور به‌ویژه در استان‌های مازندران، گیلان و گلستان، زیست‌بوم جنگل‌های هیرکانی را با بحران نابودی مواجه کرده است. خبرنگار محیط زیست ساکن تهران معتقد است «تخریب جنگل‌ها و تغییر کاربری‌ها در شمال کشور باعث شده جنگل‌ها از بین بروند و به باغ و مزرعه شخصی تبدیل شوند. بعد ویلاها رشد می‌کنند و به سمت جنگل بالا می‌روند، جنگل‌ها نابود می‌شوند و ویلاها جای جنگل را می‌گیرند و متأسفانه مردم هم هجوم بردند به شمال برای خرید زمین این کاری است که روستاییان انجام می‌دهند، به اصطلاح می‌گویند «جنگل را آباد می‌کنیم» در واقع درختان جنگلی را می‌برند، تغییر کاربری می‌دهند و درختان باغی می‌کارند، حالا این‌ها از کجا نشأت می‌گیرد از طرح‌های خود جهاد کشاورزی. در سال ۸۲ برای اولین‌بار به صورت حضوری شاهد این رویداد بودم، به عنوان خبرنگاری که در حوزه محیط زیست فعالیت داشتم یک فکس خبری آمده بود درباره یک برنامه از طرف وزارت کشاورزی که دعوت کرده بود برای سفر به شمال، وقتی کنار اتوبوس رفته دیدم هیچ کدام از این خبرنگارها را در حوزه محیط زیست نه قبلاً دیده‌ام و نه می‌شناسم، وقتی همسفر شدیم متوجه شدم همه خبرنگار اقتصادی هستند، ماجرا در هفته منابع طبیعی بازدید طرح‌های جنگل‌کاری بود، ما رفتیم دیدیم در عمق جنگل‌های گیلان درختان راش و زبان گنجشک، توسکا و صنوبر که بلوغ‌شان گاه بیش از صد سال طول می‌کشد و در پایداری جنگل و اکوسیستم بسیار نقش دارند، چوب این درخت‌های گرانقیمت را می‌بریدند و به جای آن گونه‌هایی می‌کاشتند که پنج ساله بالغ می‌شدند و چوب آن صرفاً در صنعت کاغذبازی کاربرد دارد. در واقع به جای پایداری جنگل درختان ۱۵۰-۱۰۰ ساله را با درختان ۵-۷ ساله جایگزین کردند به اسم کارخانه‌های کاغذسازی. آنها با رانت‌هایی که داشتند هر روز پیشرفت کردند و توانستند در جنگل‌ها نفوذ کنند. بسیاری از جنگل‌های طبیعی به جنگل‌های دست کاشت تبدیل شدند و تکه‌های بسیاری از این جنگل‌ها که نزدیک به جاده یا مناطق مسکونی بودند به سمت تغییر کاربری و ویلا سازی و شهرک‌سازی رفتند.

از آنجا که عمده کارها در این حکومت غایبی است طرح‌های جنگل کاری در هفته نیمه دوم اسفند اجرا می‌شود و ادارات و سازمان‌های مختلفی ادعا می‌کنند ما فلان تعداد اصله نهال کاشتیم، اگر این تعداد را ظرف ۱۰-۱۵ سال نه ۴۵ سال با هم جمع کنیم اگر کاشت درست انجام شده بود الان یک متر کوبر هم نداشتیم، اما مسئله اینجاست که فقط فاکتورسازی بوده و جنگل‌کاری درست و اصولی شکل نگرفته، ضمن اینکه گونه‌های غیربومی در این جنگل‌ها کاشته‌اند مثل کاج که این درخت سوزنی برگ،

گزارش ویژه رویترز از شبکه مالی پنهان جمهوری اسلامی؛ قمار، پولشویی و عملیات ۴ میلیارد دلاری دور زدن تحریم‌ها



تصاویر منتشر شده در این گزارش، دو نمونه از پایگاه‌های اینترنتی قمار را نشان می‌دهد که بخشی از شبکه گسترده فارسی زبان هستند. شبکه‌ای که از سوی دو چهره شناخته شده ایرانی در فضای مجازی تبلیغ می‌شود. جمهوری اسلامی نیز در سال ۲۰۲۳ قانون منع قمار را اصلاح کرد و دامنه آن را به بازی‌های اینترنتی مبتنی بر بخت و اقبال گسترش داد. خبرگزاری رویترز نتوانسته به طور مستقل مشخص کند که آیا سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مستقیماً کنترلی بر این شبکه قمار و صرافی شلیبت را در اختیار داشته یا خیر، و همچنین روشن نشده است که کدام نهاد یا مقام خاصی در ساختار جمهوری اسلامی مسئول هدایت این شبکه دور زدن تحریم‌ها بوده است. رویترز همچنین نتوانسته است مقصد نهایی بخش قابل توجهی از دارایی‌های دیجیتالی منتقل شده از طریق این شبکه را مشخص کند.

برخوردارند، یکی از ویلایی مجلل در مادرید و دیگری تا همین اواخر از هتلی لوکس در هنگ کنگ فعالیت می‌کرده‌اند.

این دو مرد، همراه با ایرانی اداره کننده این صرافی، در سال ۲۰۲۳ در پرونده‌ای مربوط به قمار غیرقانونی در ایران، به اتهام مشارکت در فعالیت‌های مجرمانه محکوم شدند.

قمار در جمهوری اسلامی ایران، عملی غیرقانونی و ممنوع است و بر اساس قوانین کشور، مجازات آن می‌تواند شامل شلاق و حبس باشد. با این حال، شبکه قمار شناسایی شده توسط خبرگزاری رویترز به سامانه پرداخت الکترونیکی ایران دسترسی دارد. سامانه‌ای که تحت نظارت مستقیم و دقیق بانک مرکزی جمهوری اسلامی اداره می‌شود.

بر پایه این گزارش، صرافی یاد شده به کانون اصلی شبکه انتقال سرمایه جمهوری اسلامی تبدیل شده است. شبکه‌ای که از طریق آن، مجموعه قمار، بانک مرکزی جمهوری اسلامی و دیگر نهادهای مشمول تحریم، به بازارهای جهانی ارزهای دیجیتال دسترسی پیدا می‌کنند.

جان ویچیک، پژوهشگر ارشد پیشین تهدیدهای سایبری در اینفوبلاکس گفته: «این شبکه بزرگترین سازمان قمار غیرقانونی وابسته به ایران است که تاکنون شناسایی شده و در عین حال، یکی از بزرگترین شبکه‌های قمار غیرقانونی در سطح جهان نیز به شمار می‌رود.»

بر اساس تحلیل داده‌های مربوط به جریان انتقال دارایی‌ها از طریق شلیبت، این صرافی از ماه مه ۲۰۲۴ تاکنون دست کم چهار میلیارد دلار دارایی دیجیتال را پردازش کرده است. این بررسی‌ها از سوی دو شرکت تخصصی تحقیقات رمزارز (کریپتو) و ریچ سندرز، پژوهشگر و بازرس مستقل حوزه زنجیره بلوکی (بلاکچین) با تمرکز بر ایران، انجام شده است.

این دو شرکت، به دلیل حساسیت اطلاعات، خواستار فاش نشدن هویت خود شدند. خبرگزاری رویترز نیز داده‌ها و یافته‌های آنان را مورد بررسی و راستی‌آزمایی قرار

فعالیت‌های مالی وابسته به بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران است. این شبکه قمار، زیر پوشش دو چهره مشهور و پر رفت و آمد در فضای مجازی فعالیت می‌کند. شلیبت صدها میلیون دلار ارز دیجیتال را به بایننس، بزرگترین صرافی جهان ارسال کرده است.

تحقیقات نشان می‌دهد این صرافی صدها میلیون دلار دارایی دیجیتال را به بزرگترین سکوی مبادله ارزهای دیجیتال جهان منتقل کرده است. موضوعی که پرسش‌های جدی درباره نقش این بستر در انتقال منابع مالی جمهوری اسلامی و دور زدن تحریم‌های بین‌المللی برانگیخته است.

بر پایه این گزارش، این شبکه مالی و قمار یکی از ابزارهای اصلی اجرای طرحی برای دور زدن حدود چهار میلیارد دلار از تحریم‌های بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی بوده است. طرحی که با بهره‌گیری از ارزهای دیجیتال، استخراج رمزارز و شبکه‌های پیچیده مالی، امکان انتقال گسترده سرمایه را فراهم کرده است.

یکی از بزرگترین شبکه‌های قمار غیرقانونی جهان، میلیون‌ها دلار دارایی دیجیتال را از طریق دفتری در دبی منتقل می‌کند. دفتری که بخشی از یک شبکه گسترده برای دور زدن حدود چهار میلیارد دلار از تحریم‌های اعمال شده علیه جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌رود.

بر اساس گزارش‌های دو مؤسسه تخصصی تحقیقات رمزارز و یک تحلیلگر مستقل و پس از بررسی خبرگزاری رویترز، آدرس این دفتر که در طبقه‌ای بالای یک هتل ارزان قیمت در محله‌ای نه چندان شیک دبی ثبت شده، توسط یک ایرانی مقیم خارج از کشور اداره می‌شود، بی‌آنکه مجوز رسمی فعالیت داشته باشد.

در میان مشتریان اصلی صرافی شلیبت، یک شبکه فارسی زبان با بیش از دو هزار پایگاه اینترنتی قمار وجود دارد. شبکه‌ای که مدیریت ظاهری آن در اختیار دو چهره مشهور و پر زرق و برق ایرانی در فضای مجازی قرار دارد. این دو، که از ارتباطات گسترده با مقام‌های بلندپایه حکومتی

یک صرافی مبادله ارزهای دیجیتال مستقر در دبی، به یکی از مراکز اصلی جابجایی سرمایه‌های غیرقانونی جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده است.

این شبکه قمار، زیر پوشش دو چهره مشهور و پر رفت و آمد در فضای مجازی فعالیت می‌کند. شلیبت صدها میلیون دلار ارز دیجیتال را به بایننس، بزرگترین صرافی جهان ارسال کرده است.

بر پایه این گزارش، صرافی یاد شده به کانون اصلی شبکه انتقال سرمایه جمهوری اسلامی تبدیل شده است. شبکه‌ای که از طریق آن، مجموعه قمار، بانک مرکزی جمهوری اسلامی و دیگر نهادهای مشمول تحریم، به بازارهای جهانی ارزهای دیجیتال دسترسی پیدا می‌کنند.

تحقیقات خبرگزاری رویترز همچنین نشان می‌دهد که سپاه پاسداران سال‌ها پیش کنترل بزرگترین پایگاه‌های اینترنتی قمار، که از داخل ایران قابل دسترسی بودند را در اختیار گرفته و از آن زمان تاکنون از این شبکه برای انتقال سرمایه به خارج از کشور استفاده کرده است.

بررسی داده‌های مورد مطالعه خبرگزاری رویترز نشان می‌دهد که این صرافی، از ماه مه ۲۰۲۴ یعنی زمانی که فعالیت خود را آغاز کرده است، تنها برای یکی از پایگاه‌های اینترنتی قمار وابسته به این شبکه گسترده، دست کم ۱۳۰ میلیون دلار دارایی دیجیتال را پردازش کرده است.

بایننس در سال ۲۰۲۳ از سوی ایالات متحده به دلیل نقض قوانین مبارزه با پولشویی از جمله انجام معاملات ارزهای دیجیتال مرتبط با جمهوری اسلامی به پرداخت چهار میلیارد و سیصد میلیون دلار جریمه محکوم شد.

یک صرافی مبادله ارزهای دیجیتال مستقر در دبی، به یکی از مراکز اصلی جابجایی سرمایه‌های غیرقانونی جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده است.

بر اساس یافته‌های این گزارش، این صرافی، شلیبت، حلقه اتصال شبکه‌ای گسترده از قمار اینترنتی، استخراج رمزارز و

بررسی سوابق ثبت شده در بلاکچین نشان می‌دهد که ده‌ها میلیون دلار از دارایی‌های دیجیتال متعلق به شبکه قمار را می‌توان مستقیماً تا صرافی شلیت ردیابی کرد.

صرافی شلیت همچنین صدها میلیون دلار دارایی دیجیتال را به برخی از بزرگترین بازیگران بازار جهانی ارزهای دیجیتال، از جمله بزرگترین صرافی جهان، منتقل کرده است.

بر اساس این گزارش، صرافی شلیت افزون بر آنکه با بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در ارتباط مستقیم قرار دارد، با کیف پول‌های دیجیتالی نیز تعامل داشته که دولت اسرائیل آنها را به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نسبت داده است. همچنین این صرافی با یکی از صرافی‌های شناخته شده ایرانی به نام نوبیتکس نیز ارتباط داشته است. صرافی‌ای که دولت ایالات متحده در اوایل سال جاری، پس از انتشار گزارشی از خبرگزاری رویترز درباره ارتباط آن با حکومت جمهوری اسلامی، در فهرست تحریم‌های خود قرار داد.

به گفته دو شرکت تحقیقاتی یادشده، بخشی از دارایی‌های دیجیتالی که به این صرافی منتقل شده، از یک عملیات استخراج بیت‌کوین در ایران منشأ گرفته است. عملیاتی که از طریق استخراج، سکه‌های جدید این ارز دیجیتال را تولید می‌کند.

سندرز، پژوهشگر مستقل زنجیره بلوکی (بلاکچین)، درباره این صرافی گفته: «این یک عملیات وابسته به سپاه پاسداران است و این موضوع مثل روز روشن است.»

به گفته او، انتقال دارایی‌های دیجیتال به این صرافی در ماه‌های منتهی به آغاز جنگ میان جمهوری اسلامی از یک سو و ایالات متحده و اسرائیل از سوی دیگر نیز ادامه داشت. این جریان مالی حتی پس از بمباران مکرر جمهوری اسلامی به خاک امارات متحده عربی نیز متوقف نشد. از جمله حمله یک پهپاد که در فاصله کمتر از یک کیلومتری دفتر این صرافی فرود آمد، همچنان به این صرافی سرازیر می‌شد.

افشای این شبکه گسترده انتقال پول، نشان می‌دهد جمهوری اسلامی چگونه با بهره‌گیری از سازوکارهای پیچیده مالی، توانسته سال‌ها تحریم‌های سختگیرانه بانکی و بازرگانی را دور بزند و آثار آنها را کاهش دهد.

در این میان، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نقشی محوری در حفظ گردش مالی اقتصاد جمهوری اسلامی، به ویژه در دوره‌های پر تنش در طول جنگ‌های متناوب با ایالات متحده و اسرائیل، ایفا کرده و در نتیجه، نفوذ و قدرت اقتصادی خود را بیش از پیش گسترش داده است.

تحقیقات خبرگزاری رویترز همچنین نشان می‌دهد که سپاه پاسداران سال‌ها پیش کنترل بزرگترین پایگاه‌های اینترنتی قمار، که از داخل ایران قابل دسترسی بودند را در اختیار گرفته و از آن زمان تاکنون از این شبکه برای انتقال سرمایه به خارج از کشور استفاده کرده است.

میعاد ملکی، معاون مدیر سابق دفتر کنترل دارایی‌های خارجی گفته: «وقتی صحبت از قمار می‌شود، سپاه پاسداران، سودآورترین درس جمهوری اسلامی را خیلی زود آموخته است: چیزی را غیرقانونی اعلام کن. سپس هم ممنوعیت و هم بازار سیاه را کنترل کن.»

به نوشته رویترز، سپاه پاسداران در زمینه قمار، یکی از سودآورترین شیوه‌های جمهوری اسلامی را به کار گرفته است: نخست فعالیت را غیرقانونی اعلام می‌کند و سپس هم ابزار اجرای ممنوعیت و هم بازار سیاه همان فعالیت را در اختیار می‌گیرد.

در ادامه این گزارش، میعاد ملکی، معاون پیشین دفتر

کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری ایالات متحده، نیز به بررسی ابعاد این شبکه پرداخته است.

خبرگزاری رویترز برای افشای این شبکه دور زدن تحریم‌ها با بیش از ۳۰ نفر گفتگو کرده است. از جمله دو فرد که پیش از این با سپاه پاسداران همکاری داشته‌اند، یک مقام پیشین دولتی، دو منبع ارشد ایرانی آگاه از جزئیات این سازوکار، و همچنین افرادی که از روند تحقیقات جاری دولت امارات متحده عربی درباره این شبکه اطلاع مستقیم دارند. شناسایی پایگاه‌های اینترنتی قمار و ترسیم ارتباط میان آنها نیز با همکاری یک شرکت متخصص در حوزه امنیت سایبری اینفوبلاکس انجام شده است.

بزرگترین شبکه قمار غیرقانونی وابسته به ایران و یکی از عظیم‌ترین نمونه‌های جهان

جان وُیچیک، پژوهشگر پیشین شرکت امنیت سایبری «اینفوبلاکس» که هفت سال در دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد درباره شبکه‌های قمار غیرقانونی تحقیق کرده و اکنون تحلیلگر ارشد مؤسسه پژوهشی «تی‌آرام لبز» است، می‌گوید: «این، بی‌تردید بزرگترین شبکه قمار غیرقانونی وابسته به ایران است که تاکنون شناسایی شده و در عین حال، یکی از عظیم‌ترین شبکه‌های قمار غیرقانونی در جهان نیز به شمار می‌رود.»

این شبکه همچنین یکی از بزرگترین سازوکارهای کشف شده برای دور زدن تحریم‌های جمهوری اسلامی از سال ۲۰۱۶ تاکنون است. سالی که ایالات متحده شبکه‌ای وابسته به سپاه پاسداران را که از طریق ترکیه و در قالب مبادله طلا در برابر نفت، حدود ۲۰ میلیارد دلار گردش مالی داشت، متلاشی کرد.

در همین حال، به گفته فردی که از روند این پرونده اطلاع مستقیم دارد، سازمان تنظیم مقررات دارایی‌های مجازی دبی (وارا) در حال بررسی اتهام‌های وارد شده به این صرافی درباره نقش احتمالی آن در پولشویی برای جمهوری اسلامی ایران و کمک به دور زدن تحریم‌ها می‌باشد.

این منبع همچنین گفته است که سیاوش کیوان پور، بنیانگذار این صرافی، و نیز شبکه گسترده‌ای از شهروندان ایرانی که در فعالیت‌های مرتبط با قمار غیرقانونی مبتنی بر ارزهای دیجیتال نقش داشته‌اند، هم اکنون مورد بررسی دقیق این نهاد نظارتی قرار گرفته‌اند.

وارا، سازمان تنظیم مقررات دارایی‌های مجازی دبی تأیید کرده است که این نهاد، همراه با اداره اقتصاد و گردشگری دبی، در سال ۲۰۲۵ علیه صرافی شلیت به دلیل فعالیت بدون مجوز، اقدام قانونی کرده‌اند.

این سازمان در ۲۴ ژوئیه، اندکی پس از آنکه خبرگزاری رویترز خواستار دریافت توضیح شد، با انتشار اطلاعیه‌ای اعلام کرد که این صرافی مقررات مربوط به مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم را نقض کرده است و به همین دلیل دستور داده شد تمام فعالیت‌های بدون مجوز خود در حوزه دارایی‌های مجازی را فوراً متوقف کند.

در اطلاعیه منتشرشده از سوی این نهاد آمده است: «تخلف شناسایی شده تنها به تهدید حقوق مصرف‌کنندگان محدود نمی‌شود، بلکه شامل معاملات فرامرزی بسیار نگران‌کننده‌ای نیز هست که می‌تواند سلامت و یکپارچگی نظام مالی امارات متحده عربی را با مخاطره روبرو سازد.»

یکی از چهره‌های شناخته شده این شبکه قمار، ساشا سبحانی، فرزند یکی از دیپلمات‌های ارشد و وزیران پیشین جمهوری اسلامی ایران است. پدر او پیش از این به‌طور علنی از فرزندش اعلام براءت کرده و رفتارهای وی را «مغایر با موازین اسلامی» توصیف کرده بود.

فرد دیگر، پویان مختاری، خواننده و چهره شناخته شده

فضای مجازی است که پس از اخراج از دبی در اواخر ماه آوریل، در چند هتل مجلل هنگ کنگ اقامت داشت. او در دبی بازداشت شد و مقامات امارات وی را به تأمین مالی سازمان‌های تروریستی وابسته به جمهوری اسلامی ایران متهم کرده بودند.

این دو نفر در شبکه‌های اجتماعی، زندگی پر زرق و برق خود را به غیاش می‌گذراند و به‌طور مداوم تصاویری از خودروهای فوق لوکس، مهمانی‌های روی کشتی‌های تفریحی و سفر با هواپیماهای اختصاصی منتشر می‌کنند.

پویان مختاری در گفتگو با خبرگزاری رویترز، اتهام‌های مطرح شده علیه خود در دبی را رد کرد و گفت عضو سپاه پاسداران انقلاب اسلامی یا هیچ یک از نهادهای نظامی جمهوری اسلامی نیست. با این حال، او درباره اینکه آیا با این نهادها همکاری یا روابط تجاری داشته است یا نه، پاسخی نداد.

مختاری در این مصاحبه گفت: «من عضو آنها نیستم، اما آرزو می‌کنم روزی مانند آنها باشم. نه برای حمله به کسی، بلکه برای دفاع از مردم. هرگز از قدرت، ثروت یا جایگاهم در شبکه‌های اجتماعی برای آزار دیگران یا آسیب رساندن به بشریت استفاده نکرده‌ام.»

او در روزهای منتهی به این سفر، تصاویری از خود با موهای تازه رنگ شده، هنگام ورزش، بستن چمدان و خرید هدیه، منتشر کرد.

مختاری در چهارم ژوئیه در کنار تصویری از خود و با استفاده از نماد چهره گریان نوشت: «حس عجیبی دارم، دارم به وطن برمی‌گردم.»

هر دو نفر، یعنی ساشا سبحانی و پویان مختاری، هرگونه ارتباط میان پایگاه‌های اینترنتی قمار که تبلیغ می‌کنند را رد کردند.

با این حال، شرکت امنیت سایبری اینفوبلاکس اعلام کرده است که هرچند این پایگاه‌ها در زمان‌های متفاوت، با نام‌های گوناگون و با نشان‌های تجاری مختلف ثبت شده‌اند، اما از نظر نرم‌افزار، زیرساخت فنی و ویژگی‌های تخصصی، شباهت‌های فراوانی دارند که نشان دهنده ارتباط آنها با یکدیگر است.

این دو مرد همچنین تأکید کردند که از هرگونه نقش یا دخالت جمهوری اسلامی در فعالیت‌های خود بی‌اطلاع هستند، سیاوش کیوان پور را نمی‌شناسند و هیچ آشنایی یا ارتباطی با صرافی شلیت ندارند.

ساشا سبحانی نیز در ایمیلی که برای خبرگزاری رویترز ارسال کرد، گفت: «قاطعانه هرگونه دخالت در پولشویی، دور زدن تحریم‌ها، تأمین مالی تروریسم یا انتقال منابع مالی به نمایندگی از دولت جمهوری اسلامی ایران، بانک مرکزی جمهوری اسلامی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی یا هر نهاد حکومتی دیگر ایران را رد می‌کنم.»

نه سیاوش کیوان پور و نه دولت جمهوری اسلامی ایران به درخواست‌های خبرگزاری رویترز برای اظهار نظر پاسخی ندادند. همچنین پلیس دبی و دادستانی کل این شهر نیز از پاسخگویی به پرسش‌های رویترز خودداری کردند. در بیانیه سازمان تنظیم مقررات دارایی‌های مجازی نیز هیچ اشاره‌ای به نام ساشا سبحانی یا پویان مختاری نشده است.

سخنگوی دفتر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری ایالات متحده در گفتگو با رویترز اظهار داشت: «ما از این اتهامات آگاه هستیم و آنها را با نهایت جدیت پیگیری می‌کنیم. از زمان بازگشت رئیس جمهوری دونالد ترامپ به کاخ سفید، وزارت خزانه داری اقدامات خود را برای هدف قرار دادن دارایی‌های دیجیتال مرتبط با حکومت جمهوری اسلامی به‌طور چشمگیری تشدید کرده است.»



بررسی داده‌های مورد مطالعه خبرگزاری رویترز نشان می‌دهد که این صرافی، از ماه مه ۲۰۲۴ یعنی زمانی که فعالیت خود را آغاز کرده است، تنها برای یکی از پایگاه‌های اینترنتی قمار وابسته به این شبکه گسترده، دست کم ۱۳۰ میلیون دلار دارایی دیجیتال را پردازش کرده است. میعاد ملکی که تا سال گذشته معاون دفتر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری ایالات متحده بود و در تدوین سیاست‌های مقابله با دور زدن تحریم‌های ایران مشارکت داشت، در این باره گفت: «برای سپاه پاسداران، ایدئولوژی نقش یک نشان تجاری را ایفا می‌کند، اما سودآوری، الگوی واقعی کسب و کار آن است. سپاه در موضوع قمار، خیلی زود سودآورترین درس جمهوری اسلامی را آموخت: نخست فعالیتی را غیرقانونی اعلام کن، سپس هم اجرای ممنوعیت آن و هم بازار سیاه همان فعالیت را در اختیار بگیر.»

سپاه پاسداران، اقتصاد پنهان و شبکه قمار اینترنتی
سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نهادی در ساختار جمهوری اسلامی است که مأموریت آن پاسداری از انقلاب اسلامی است و در عین حال بر مجموعه‌ای از بنگاه‌های اقتصادی با گردش مالی چندین میلیارد دلاری نظارت دارد. با وجود آنکه میلیاردها دلار دارایی دیجیتال از طریق صرافی شلیبت جابجا شده است، در حال حاضر هیچ راه شناخته شده‌ای برای استفاده عموم از خدمات آن وجود ندارد. سه نفری که در نشانی ثبت شده این صرافی در محله دیره دبی حضور داشتند، به خبرنگار رویترز که از آنجا دیدار می‌کرد گفتند که تاکنون نام چنین شرکتی را نشنیده‌اند و هیچ ارتباطی با فعالیت‌های مرتبط با ارزهای دیجیتال ندارند. انجام مبادلات اینترنتی نیز از طریق این صرافی امکان پذیر نیست، زیرا پایگاه اینترنتی آن دیگر در دسترس نیست.

شرکت بینانس در پاسخ به پرسش رویترز درباره ارتباط خود با صرافی شلیبت، اعلام کرد که این صرافی هرگز نزد آن حساب کاربری نداشته و در فهرست تحریم‌های این شرکت نیز قرار نداشته است. شرکت بینانس در عین حال، پردازش صدها میلیون دلار دارایی دیجیتال برای این صرافی را انکار نکرد و اعلام کرد این تراکنش‌ها در زمان انجام، در زمره معاملات پرخطر ارزیابی نشده بودند. این شرکت در بیانیه‌ای افزود: «هرگاه کاربرانی مرتبط با این صرافی با بستر ما تعامل داشته‌اند، سامانه‌های نظارتی ما مطابق مقررات عمل کرده‌اند. حساب‌های مربوط را بررسی و مسدود کرده و موضوع را به مراجع مسئول اجرای قانون گزارش داده‌اند.»

این شرکت از ارائه جزئیات بیشتر خودداری کرد.

تسلط بر شبکه قمار

گرایش سپاه پاسداران به قمار اینترنتی، ادامه روند گسترش نفوذ این نهاد بر بخش‌های مختلف اقتصاد ایران، اعم از رسمی و غیررسمی، به شمار می‌رود. اگرچه پیشتر، از جمله در گزارشی که در سال ۲۰۲۱ از سوی یک مؤسسه پژوهشی در واشنگتن منتشر شد، گمانه‌هایی درباره نقش حکومت در صنعت قمار مطرح شده بود، اما خبرگزاری رویترز نخستین رسانه‌ای است که جزئیات چگونگی تسلط سپاه پاسداران بر این صنعت پرسود را منتشر می‌کند.

رضا غیبی، مقام پیشین جمهوری اسلامی که در سال ۲۰۲۲ ایران را ترک کرد و اکنون در بریتانیا زندگی می‌کند، به رویترز گفت: «هنگامی که حدود یک دهه پیش قمار اینترنتی در ایران رونق گرفت، سپاه پاسداران این حوزه را

فرستی سودآور تشخیص داد و کنترل آن را در دست گرفت.» به گفته او، فعالیت گسترده قمار اینترنتی بدون همکاری بانک مرکزی جمهوری اسلامی نیز امکان پذیر نبود، زیرا زیرساخت پرداخت الکترونیکی کشور، از جمله کارت‌های بانکی و سامانه‌های انتقال وجه، زیر نظر این بانک اداره می‌شود.

حمید نیکو در این باره گفت: «هرگاه یک فعالیت اقتصادی به اندازه‌ای بزرگ شود که خارج از کنترل نهادهای حاکمیتی و امنیتی رشد کند، سپاه پاسداران برای در اختیار گرفتن آن وارد عمل می‌شود. آنها از پایگاه‌های اینترنتی قمار به عنوان ابزاری برای برقراری ارتباط میان نظام مالی داخل و خارج از کشور استفاده کردند.»

به گفته رضا غیبی، حمید نیکو و محمدحسین ترکمان، سپاه پاسداران برای تبلیغ این پایگاه‌های اینترنتی، از خوانندگان، بازیگران و چهره‌های مشهور شبکه‌های اجتماعی بهره می‌گیرند تا آنها این وبگاه‌ها را به میلیون‌ها دنبال‌کننده خود معرفی کنند.

این منابع می‌گویند نمایش زندگی‌های تجملی و ثروت‌های کلان از سوی این افراد، برای بسیاری از ایرانیانی که با بحران اقتصادی و کاهش قدرت خرید روبرو هستند، جذابیت فراوانی ایجاد کرده است.

حمید نیکو در سال ۲۰۱۵ ایران را ترک کرد. او پیش از آن، راهبرد پرداز ارشد یکی از مؤسسه‌های مطالعات راهبردی وابسته به سپاه پاسداران بود. محمد حسین ترکمان نیز در سال ۲۰۱۰ از ایران خارج شد. این سه نفر می‌گویند همچنان با منابعی در داخل ساختار حکومت در ارتباط هستند و به‌طور مرتب با آنها گفتگو می‌کنند.

ترکمان گفت: «پس از آنکه به عنوان تهدید امنیتی بازداشت شد، اندکی پس از آزادی از زندان از ایران گریخت.» نیکو نیز اظهار داشت که برای ادامه تحصیل در مقطع دکتری از ایران خارج شد، اما تحصیل خود را نیمه کاره رها کرد.

رضا غیبی نیز گفت پس از چندین بار بازجویی که در پی گفتگوهایش با رسانه‌های خارجی صورت گرفت، ناچار به ترک ایران شد.

تحقیقات رویترز نشان می‌دهد بیش از ۶۰ چهره شناخته شده ایرانی در شبکه‌های اجتماعی، این پایگاه‌های اینترنتی قمار را تبلیغ می‌کنند. حدود نیمی از آنان بیش از یک میلیون دنبال‌کننده دارند و سه نفر نیز مخاطبانی بیش از ده میلیون نفر را در اختیار دارند.

«کلیک کنید و لذت ببرید»

ساشا سبحانی، که نام اصلی او محمد جواد سبحانی است، با خالکوبی‌های فراوان و علاقه‌اش به پوشاک و کالاهای گران قیمت، یکی از شناخته شده‌ترین چهره‌های دنیای قمار اینترنتی فارسی زبان به شمار می‌رود.

او فرزند یکی از سفیران پیشین جمهوری اسلامی است و حدود سه میلیون و هفتصد هزار دنبال‌کننده در اینستاگرام دارد. در این صفحه، افزون بر تبلیغ آثار موسیقی خود، پایگاه‌های اینترنتی قمار را نیز تبلیغ می‌کند. او به رویترز گفت که دیگر هیچ ارتباطی با پدرش ندارد.

در ویدئویی که در سال ۲۰۲۵ از سوی دوست دختر اسپانیایی او در شبکه اجتماعی تیک تاک منتشر شد، سبحانی در جشن تولد هجده‌سالگی او، یک خودروی رولزرویس صورتی رنگ به وی هدیه می‌دهد.

در بالای صفحه اینستاگرام او نیز پیوندی به یکی از پایگاه‌های اینترنتی قمار قرار گرفته است که میان تصویرهای نمادین دسته‌های اسکناس بالدار، تنها یک جمله به چشم

می‌خورد: «کلیک کنید و لذت ببرید.»

پویان مختاری پیش از آنکه حساب کاربری او در اینستاگرام در اوایل سال جاری بسته شود، دنبال‌کنندگان بیشتری نسبت به ساشا سبحانی داشت. او اکنون در شبکه اجتماعی وطن، که عمدتاً به زبان فارسی فعالیت می‌کند و خود می‌گوید آن را بر پایه فعالیت‌های مرتبط با قمار راه‌اندازی کرده است، حضور دارد. هرچند شمار دنبال‌کنندگان او اکنون به مراتب کمتر از گذشته است.

خبرگزاری رویترز نتوانست علت بسته شدن حساب اینستاگرام مختاری را مشخص کند. شرکت متا، مالک اینستاگرام، نیز در پاسخ به درخواست رویترز، توضیحی در این باره ارائه نداده است.

مطالب منتشرشده از سوی مختاری در شبکه‌های اجتماعی، اغلب آمیزه‌ای از نمایش ثروت و زندگی تجملی، از جمله مجموعه‌ای از خودروهای فوق لوکس و ساعت‌های گران قیمت در کنار ویدئوهای موسیقی و مطالبی در حمایت از جمهوری اسلامی بود.

در یکی از این تصاویر، او در دیدار با اکبر هاشمی رفسنجانی، رئیس‌جمهوری پیشین جمهوری اسلامی، دیده می‌شود. همچنین در یکی از گفتگوهای زنده اینستاگرامی که با حضور مختاری و یکی دیگر از کاربران ایرانی برگزار شد، احمد خمینی، نوه روح‌الله خمینی، بنیانگذار جمهوری اسلامی، نیز برای مدتی کوتاه به این گفتگو پیوست.

در یکی دیگر از تصاویر منتشرشده در حساب اینستاگرام، که اکنون بسته شده است، خودروی کونیکرگ یسکو اتک، متعلق به مختاری، با ارزش تقریبی سه و نیم میلیون دلار، به نمایش درآمده است. خودرویی که رنگ بدنه آن از طلایی براق به صورتی درخشان تغییر یافته بود.

بر اساس اسناد قضایی ایران که خبرگزاری رویترز آنها را بررسی کرده است، پویان مختاری و ساشا سبحانی دست کم از سال ۲۰۲۰ با یکدیگر همکاری داشته‌اند. در همان سال، دستگاه قضایی جمهوری اسلامی آنان را به اتهام راه‌اندازی شبکه‌ای از پایگاه‌های اینترنتی قمار، از جمله ای‌بی‌تی نود و حضرات، تحت پیگرد قرار داد.

این دو در زمان تشکیل پرونده خارج از ایران به سر می‌بردند و سه سال بعد، دادگاه جمهوری اسلامی آنان را غیاباً محاکمه و هر یک را به دو سال حبس محکوم کرد. در همان پرونده، سیاوش کیوان پور، بنیانگذار صرافی شلیبت نیز به اتهام همکاری با آنان، به سه ماه حبس محکوم شد.

بر اساس یک سند قضایی جمهوری اسلامی و به گفته فردی آگاه از این پرونده، جمهوری اسلامی برای پویان مختاری و ساشا سبحانی از سازمان پلیس جنایی بین‌المللی درخواست صدور اعلان قرمز کرده بود.

هر دو نفر، که در آن زمان در اسپانیا اقامت داشتند، بازداشت شدند. پویان مختاری به خبرگزاری رویترز گفت که بیش از یک ماه در بازداشت بوده است.

به گفته این منبع، این اعلان‌ها بعداً و به درخواست خود این دو نفر از سوی اینترپل لغو شد. بر اساس مقررات اینترپل، هرگاه دولت درخواست‌کننده پس از اعتراض فرد، مدارک و اطلاعات تکمیلی ارائه نکند، امکان لغو اعلان قرمز وجود دارد.

پویان مختاری در گفتگو با رویترز هرگونه تخلف را رد کرد و مدعی شد که قمار در ایران غیرقانونی نبوده است.

او گفت: «در ایران قانون مکتوبی درباره این حوزه، یعنی بازار پیش‌بینی اینترنتی یا قمار، یا هر نام دیگری که بر آن بگذارید، وجود نداشت. بنابراین اساساً فعالیت ما غیرقانونی محسوب نمی‌شد.»



یکی از سه کارمند حاضر در دفتر، که تی شرت و صندل به تن داشت، به خبرنگار گفت که تاکنون نام سیاوش کیوانپور را نشنیده است.
کارمند دیگری با لحنی محتاطانه پرسید: «چه کسی شما را فرستاده است؟»
کارکنان همچنین گفتند ساعت‌های موجود در دفتر برای

در تصویری منتشرشده در اکتبر ۲۰۲۲ در شبکه اجتماعی اینستاگرام، ساشا سبحانی و پویان مختاری در کنار یکدیگر، درون یک هواپیمای اختصاصی، در حال صرف غذایی از مک دونالد دیده می‌شوند. مختاری در توضیح این تصویر تنها نوشت: «برادر من.»
بر اساس تحقیقات خبرنگاری رویترز، این دو نفر همچنان

با این حال، ماده ۷۰۵ قانون مجازات اسلامی تصریح می‌کند که قمار می‌تواند تا شش ماه حبس و ۷۴ ضربه شلاق در پی داشته باشد. همچنین در سال ۲۰۲۳ اصلاحیه‌ای به این قانون افزوده شد که شرط بندی و قمار اینترنتی را نیز به صراحت در بر می‌گیرد.
رضا غیبی، مقام پیشین جمهوری اسلامی، در گفتگو با



پستی از حساب اینستاگرام مختاری که اکنون بسته شده است، او را در حال ملاقات با اکبر هاشمی رفسنجانی نشان می‌دهد. پست دیگر از تغییر رنگ خودروی او از رنگ طلایی به صورتی. (منبع: عکس از روی اینستاگرام)

فروش نیستند.
ریچ سندرز و دو شرکت متخصص در تحقیقات ارزهای دیجیتال بر این باورند که تمام گردش مالی حدود چهار میلیارد دلاری انجام شده از طریق صرافی شلیبت، تحت کنترل جمهوری اسلامی بوده است. به گفته آنان، این ارزیابی بر پایه چند عامل صورت گرفته است. از جمله ارتباط مستقیم این صرافی با بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و دیگر نهادهای تحت تحریم، نداشتن هیچ گونه حضور واقعی و قابل استفاده در فضای اینترنت، و همچنین پیوند آن با شبکه‌های استخراج ارزهای دیجیتال در ایران.
به گفته این کارشناسان، این صرافی دست کم ۱۲۵ میلیون دلار دارایی دیجیتال را از بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران دریافت کرده که بخش عمده آن به طور مستقیم منتقل شده است.

داده‌های زنجیره بلوکی (بلاکچین) که خبرگزاری رویترز آنها را بررسی کرده است، همچنین نشان می‌دهد این صرافی دست کم ۲۰ میلیون دلار دیگر را از یک شبکه مشکوک استخراج ارزهای دیجیتال در ایران دریافت کرده است. این انتقالات از طریق کیف پول‌های واسطه انجام شده‌اند. کیف پول هایی که برای پنهان کردن منشا واقعی دارایی‌های دیجیتال به کار می‌روند.

استخراج ارزهای دیجیتال فرآیندی است که در آن رایانه‌های قدرتمند با حل محاسبات پیچیده، واحدهای جدید ارز دیجیتال تولید می‌کنند. فرایندی که در عمل به معنای ایجاد پول دیجیتال جدید است. جمهوری اسلامی ایران در سال ۲۰۱۹ استخراج ارزهای دیجیتال را قانونی اعلام کرد، اما فعالان این حوزه را موظف ساخت برای فعالیت، مجوز دولتی دریافت کنند.

استخراج ارزهای دیجیتال در سال‌های اخیر به یکی از ارکان اصلی راهبرد جمهوری اسلامی برای دور زدن تحریم‌های غرب تبدیل شده است. تحریم‌هایی که دسترسی ایران به ارزهای معتبر خارجی و شبکه بانکی

به تبلیغ همان پایگاه‌های اینترنتی قمار ادامه می‌دهند که پیشتر در پرونده قضایی تشکیل شده علیه آنان در جمهوری اسلامی نیز نامشان مطرح شده بود. ساشا سبحانی در بیانیه‌ای که برای رویترز فرستاد، یادآور شد که اعلان قرمز اینترنت علیه او لغو شده و پرونده‌ای که در اسپانیا درباره وی تشکیل شده بود نیز مختومه شده است.
او نوشت: «هرگونه ادعا مبنی بر اینکه من با همان مقام‌های ایرانی که مرا تحت پیگرد قرار دادند همکاری داشته‌ام، کاملاً بی‌اساس و نادرست است.»
سبحانی همچنین گفت نقش او در پایگاه اینترنتی «ای‌بی‌تی نود» تنها به انتشار آگهی‌های تبلیغاتی در شبکه‌های اجتماعی محدود بوده است.
او افزود: «من هرگز مالک، سهامدار، مدیر، مسئول، کارمند، گرداننده یا تصمیم گیرنده «ای بی تی ۹۰» یا هیچ سکوی وابسته به آن نبوده‌ام. همچنین غی‌دانم این پایگاه‌ها چگونه به سامانه پرداخت بانکی ایران دسترسی پیدا کرده‌اند.»

ساعت‌های لوکس و ارزهای دیجیتال

دفتر صرافی شلیبت، در میان صرافی‌های ارزی و ساختمان‌های اداری منطقه دیره در دبی قرار گرفته است و از طریق سرسرای یک هتل ارزان قیمت می‌توان به آن راه یافت. بازدیدکنندگان پس از ورود، با آسانسوری شلوغ به طبقه چهارم ساختمان می‌رسند. جایی که دری سنگین و قفل شده، مجهز به زنگ و دوربین امنیتی، ورودی دفتر را تشکیل می‌دهد. بر روی تابلوی نصب شده کنار این در، نام یک شرکت بازرگانی ساعت‌های ولوریکس دیده می‌شود. بر اساس اسناد ثبت شرکت‌ها در دبی، این شرکت نیز متعلق به سیاوش کیوانپور، بنیانگذار صرافی شلیبت است.

خبرنگار خبرنگاری رویترز که در اوایل ماه ژوئیه از دفتر ثبت شده این صرافی بازدید کرده بود، در آنجا تنها دفتری سه اتاقه مشاهده کرد که در آن ۱۳ ساعت مچی کارکرده، یک دستگاه شمارش اسکناس و یک میز کار قرار داشت.

رویترز اظهار داشت که برخورد حکومت با شبکه‌های قمار، بیش از آنکه با هدف حمایت از مردم یا اجرای قانون انجام شود، برای حذف رقیبان صورت می‌گیرد.
او افزود: «موضوع این نیست که حکومت نگران رفاه مردم باشد یا قمار را از نظر شرعی حرام بداند؛ مسئله اصلی، حذف رقیبان است.»

وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی در مارس ۲۰۲۴ اعلام کرد شبکه‌ای گسترده از قمار اینترنتی را که آن را «مافیای مستقر در لندن» توصیف کرده بود، متلاشی کرده است. این وزارتخانه در آن زمان مدعی شد شبکه‌ای با نام «نیترو بت»، که ۵۴ پایگاه اینترنتی قمار را اداره می‌کرد، بزرگترین شبکه قمار غیرقانونی ایران بوده است.

با این حال، به گفته پژوهشگران حوزه ارزهای دیجیتال و کارشناسان امنیت فناوری اطلاعات که ماه‌ها فعالیت این شبکه را بررسی کرده‌اند، مجموعه متشکل از بیش از دو هزار پایگاه اینترنتی قمار که از سوی پویان مختاری و ساشا سبحانی تبلیغ می‌شود، از نظر گستره فعالیت به مراتب بزرگتر از شبکه نیترو بت است و همچنان به فعالیت خود ادامه می‌دهد. این شبکه، بازی‌های مبتنی بر بخت و اقبال، از جمله ماشین‌های قمار، بیست و یک و رولت را در اختیار کاربران قرار می‌دهد.

هیچ یک از مقامات کنونی یا پیشین جمهوری اسلامی که با خبرنگاری رویترز گفتگو کرده‌اند، نتوانستند توضیح دهند که چرا شبکه‌ای که از سوی مختاری و سبحانی تبلیغ می‌شود، همچنان اجازه فعالیت دارد. در حالی که پایگاه اینترنتی نیترو بت دیگر در دسترس نیست.

رضا غیبی، مقام پیشین جمهوری اسلامی، در توضیح نحوه عملکرد سپاه پاسداران گفت: «سپاه پاسداران شبکه‌ها و ساختارهایی ایجاد می‌کند که در آنها چهره‌ها به مرور تغییر می‌کنند. هر فردی که به شهرت و نفوذ برسد، دستگاه اطلاعاتی سپاه در پشت سر او قرار می‌گیرد و از او برای پیشبرد این شبکه استفاده می‌کند.»

نوع دیگری از سرکوب و ارباب؛ وکالتنامه‌های ایرانیان خارج کشور مشروط به استعلام از دادستانی و نهادهای امنیتی شد



● بر اساس بخشنامه جدید سازمان ثبت اسناد و املاک و به دستور دادستان کل کشور، وکالت‌نامه‌های تنظیم‌شده ایرانیان خارج کشور در کنسولگری‌های جمهوری اسلامی، پیش از تأیید نهایی، از سوی دادستانی‌های مراکز استان و مراجع امنیتی مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

● در این بخشنامه تأکید شده، اگر مراجع امنیتی وکالت‌دهنده را از «معاندین نظام» تشخیص دهند، علاوه بر جلوگیری از انجام فرآیند، برای وی پرونده قضایی تشکیل شده و موضوع تحت تعقیب قرار خواهد گرفت.

● مرکز آموزش و مشاوره حقوقی «دادبان» تأکید کرده: «هدف از اعمال این دستورالعمل تشدید فشار بر ایرانیان خارج از کشور، انتقام‌گیری از مخالفان و سرکوب فعالیت‌های ایرانیان خارج از ایران است.»

جمهوری اسلامی در حالی فضای سرکوب و ارباب شهروندان را افزایش داده است که در بخشنامه‌ای، تأیید وکالتنامه‌های ایرانیان خارج کشور برای انجام معاملات و انجام امور اداری در ایران را نیز مشروط به استعلام از دادستانی و نهادهای امنیتی کرده است.

به گزارش رسانه‌های داخلی، بر اساس بخشنامه جدید سازمان ثبت اسناد و املاک و به دستور دادستان کل کشور، وکالت‌نامه‌های تنظیم‌شده ایرانیان خارج کشور در کنسولگری‌های جمهوری اسلامی، پیش از تأیید نهایی، از سوی دادستانی‌های مراکز استان و مراجع امنیتی مورد بررسی قرار خواهند گرفت. در صورت نبود مانع، نتیجه استعلام باید حداکثر ظرف ۱۵ روز به دفترخانه اعلام شود. ایجاد محدودیت برای انجام امور اداری و نقل و انتقالات اموال ایرانیان خارج کشور پس از اعتراضات دی ۴۰۴ و حمایت گسترده ایرانیان دیاسپورا از مردم درون ایران در دستور کار قوه قضاییه قرار گرفت.

در حالی که در ابتدا صدور هرگونه وکالتنامه

بر اساس اظهارات دو منبع آگاه؛ پلیس دبی در اواخر ماه مارس، مختاری را به اتهام تأمین مالی گروه‌های تروریستی وابسته به جمهوری اسلامی که اقدامات خصمانه‌ای علیه امارات متحده عربی انجام می‌دادند، بازداشت کرد. آنها گفتند که او ۳۵ روز در بازداشت بود و سپس از امارات اخراج شد. همچنین تمامی دارایی‌های او در این کشور، از جمله موجودی حساب‌های بانکی و خانه‌ای به ارزش تقریبی پنج میلیون دلار، ضبط شد.



پویان مختاری اندکی پیش از سفر به ایران، در هتل محل اقامت خود در هنگ کنگ با خبرنگاری رویترز گفتگو کرد. او در اواخر ماه ژوئن به دنبال‌کنندگان خود در شبکه‌های اجتماعی اعلام کرده بود که قصد دارد در مراسم تشییع رهبر ترور شده شرکت کند.

مختاری در گفتگویی که در اوایل ماه مه با یک پادکست ساز ایرانی انجام داد، درباره بازداشت خود سخن گفت و تأکید کرد که اتهام تأمین مالی حملات علیه امارات متحده عربی، کاملاً بی اساس و دروغ بوده است.

خبرگزاری رویترز پس از اخراج مختاری از دبی، با بررسی مطالب منتشرشده در شبکه‌های اجتماعی، محل اقامت او را در سوئیتی به ارزش شیبی حدود دو هزار دلار در هتلی مشرف به بندرگاه ویکتوریا در هنگ کنگ شناسایی کرد.

مختاری در پیام‌های خود از رفتار مقام‌های دبی به‌شدت انتقاد کرد و مدعی شد که آنان همه دارایی‌هایش را از او گرفته‌اند.

او همچنین در یکی از مطالب منتشرشده در شبکه‌های اجتماعی نوشت که پس از انتقال ۱۵۰ هزار دلار برای دوستانش در ایران بازداشت شده است.

مختاری پس از حدود دو ماه اقامت در هنگ کنگ، به نظر می‌رسد خود را برای بازگشت و بازسازی چهره‌اش در ایران آماده می‌کند. در روزهای پیش از برگشت، چند رسانه دلسوز ایرانی با او گفتگوهایی منتشر کردند و وی را فردی توبه کرده، خداترس، اهل خواندن قرآن و پایبند به نماز روزانه معرفی کردند.

او در هشتم ژوئیه، از فرودگاه بانکوک، تصویری از خود در پای پلکان هواپیمایی که عازم ایران بود منتشر کرد و نوشت: «انشالله کمتر از ۲۴ ساعت دیگر در تهران خواهم بود. دعا کنید بتوانم در پیشگاه خداوند متعال و مردم خوب این جهان، مفید و سربلند باشم.» در آن زمان مراسم تشییع رهبر جمهوری اسلامی در ایران به پایان رسیده بود.

بر اساس این گزارش، پویان مختاری از آن زمان تاکنون مطلب تازه‌ای در شبکه‌های اجتماعی منتشر نکرده است.

منبع: رویترز

ترجمه و تنظیم: کیهان لندن

بین‌المللی را به‌شدت محدود کرده‌اند.

بر اساس نامه‌ای که در سال ۲۰۲۴ از سوی دو سناتور آمریکایی، الیزابت وارن و انگس کینگ، خطاب به مقام‌های ارشد دولت جو بایدن ارسال شد، بانک مرکزی جمهوری اسلامی بیت‌کوین و دیگر ارزهای دیجیتال را که در ایران استخراج می‌شوند، در بازارهای بین‌المللی ارزهای دیجیتال به فروش می‌رساند.

داده‌های زنجیره بلوکی (بلاکچین) که از سوی دو شرکت

تحقیقاتی و خبرگزاری رویترز بررسی شده‌اند، نشان می‌دهد که از ماه مه ۲۰۲۴ تاکنون، دست‌کم ۶۷۶ میلیون دلار دارایی دیجیتال از کیف پول‌های متعلق به این صرافی به بزرگترین صرافی ارزهای دیجیتال جهان منتقل شده است. از این میزان، دست‌کم ۵۴۰ میلیون دلار پس از آن جابجا شده که سازمان تنظیم مقررات دارایی‌های مجازی دبی، سال گذشته این صرافی را به دلیل ارائه خدمات مبادله ارزهای دیجیتال بدون مجوز و تبلیغ این خدمات، جریمه کرده بود. ریچ سندرز، پژوهشگر و بازرس مستقل گفت که در اکتبر ۲۰۲۵ بایننس را از ارتباط صرافی شلیت با جمهوری اسلامی آگاه کرده بود. با این حال، داده‌های بررسی شده نشان می‌دهد که حتی پس از این هشدار نیز انتقال دارایی‌های دیجیتال از این صرافی به بزرگترین صرافی ارزهای دیجیتال جهان ادامه یافته است.

این صرافی در پاسخ به پرسش‌های رویترز درباره اقداماتی که پس از دریافت این هشدار انجام داده یا نداده است، پاسخی ارائه نکرد.

شرکت بایننس در بیانیه خود اعلام کرد: «انتقال دارایی‌های مرتبط با صرافی شلیت به بایننس، بر اساس ارزیابی یک مؤسسه مستقل تحلیل زنجیره بلوکی شخص ثالث، در زمره تراکنش‌های پرخطر قرار نگرفته بود.»

این شرکت نام مؤسسه را فاش نکرد. صرافی بایننس افزود که نمی‌تواند رقم انتقال یافته پس از جریمه مقام ناظر دبی را با داده‌های خود «تطبیق» یا «تأیید» کند.

بایننس در سال ۲۰۲۳ از سوی ایالات متحده به دلیل نقض قوانین مبارزه با پولشویی از جمله انجام معاملات ارزهای دیجیتال مرتبط با جمهوری اسلامی به پرداخت چهار میلیارد و سیصد میلیون دلار جریمه محکوم شد.

با این حال، بایننس در ماه دسامبر، مجوزهای نظارتی کلیدی را در امارات متحده عربی برای سکوی مبادلات خود دریافت کرد.

خبرگزاری سپاه پاسداران: توافق جمهوری اسلامی با آمریکا بر سر «تنگه هرمز» کذب است



تنگه هرمز

اسلامی درباره این آبراه استراتژیک هیچ تغییری نکرده است. یک منبع نزدیک به تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای ایران به خبرگزاری فارس گفت: «جمهوری اسلامی ایران هیچگونه توافقی درباره بازگشایی تنگه هرمز انجام نداده و گزارش‌های منتشرشده در این خصوص کذب است.»

همچنین یک منبع آگاه نظامی نیز در گفتگو با خبرگزاری فارس این ادعا را رد کرد و آن را کاملاً بی‌اساس خواند.

این منبع نظامی تأکید کرد: «تا زمانی که ایالات متحده به اقدامات خصمانه و تجاوزکارانه خود ادامه دهد، تنگه هرمز بسته خواهد ماند. عبور و مرور تنها از مسیر تعیین‌شده، با هماهنگی نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و پس از دریافت مجوز برای عبور از تنگه هرمز امکان‌پذیر خواهد بود. هر مسیر دیگری ناامن تلقی می‌شود و شناورهایی که تلاش کنند از آن استفاده کنند، ناگزیر با حوادثی مواجه خواهند شد.»

در این میان، محمود نبویان عضو «کمیسیون امنیت ملی» مجلس شورای اسلامی در «ایکس» نوشت: «پس از ضربات سنگین جبهه مقاومت، افزایش قیمت انرژی، کاهش ذخایر راهبردی و فشار سیاسی داخلی در آمریکا، عده‌ای در ایران با انگیزه‌های گوناگون از جمله نجات دشمن به فکر مذاکره افتاده‌اند.»

نبویان اضافه کرد: «این عده بدانند چنین مذاکراتی مورد قبول ملت ایران نخواهد بود.»

دقیقاً مشخص نیست آیا از درون نظام جریانی موافق توافق به ترامپ قول رفع انسداد تنگه هرمز را داده است یا این ادعا فقط بخشی از سیاست‌های رئیس‌جمهور آمریکا در مورد جمهوری اسلامی است. آنهم در حالی که وزارت خارجه ایالات متحده ۳۱ ژوئیه اعلام کرد که تنگه هرمز باز است و در هفته‌های اخیر کشتی‌های زیادی بدون اخلال در این آبراه تردد داشته‌اند. این وزارتخانه ادعای مقامات رژیم ایران درباره بسته بودن تنگه هرمز، دروغ خواند.

● یک منبع نزدیک به تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای روز یکشنبه ۱۱ مرداد ۱۴۰۵ به خبرگزاری فارس وابسته به سپاه پاسداران گفت: «ادعاهای مطرح‌شده درباره موافقت ایران با بازگشایی تنگه هرمز» دروغ است و «جمهوری اسلامی ایران هیچ توافقی درباره بازگشایی تنگه هرمز نداشته است.»

● دونالد ترامپ شنبه شب اعلام کرد به درخواست مقام‌های جمهوری اسلامی و برخی کشورهای منطقه حمله نظامی به جمهوری اسلامی را مشروط بر اینکه توافق به سرعت نهایی شود، لغو کرده است. او مدعی شد که «چارچوب‌های اولیه» برای یک توافق نهایی شده است.

یک منبع نزدیک به تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای روز یکشنبه ۱۱ مرداد ۱۴۰۵ به خبرگزاری فارس وابسته به سپاه پاسداران گفت: «ادعاهای مطرح‌شده درباره موافقت ایران با بازگشایی تنگه هرمز» دروغ است و «جمهوری اسلامی ایران هیچ توافقی درباره بازگشایی تنگه هرمز نداشته است.» دونالد ترامپ شنبه شب اعلام کرد به درخواست مقام‌های جمهوری اسلامی و برخی کشورهای منطقه حمله نظامی به ایران را مشروط بر اینکه توافق به سرعت نهایی شود، لغو کرده است. او مدعی شد «چارچوب‌های اولیه» برای یک توافق نهایی شده است.

پایگاه خبری آکسیوس به نقل از دو دیپلمات آگاه گزارش داد که عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی با طرح قطر و آمریکا برای بازگشایی «مسیر عمان» در تنگه هرمز موافقت کرده است.

به نوشته آکسیوس، موافقت عراقچی با این طرح یکی از عواملی بود که دونالد ترامپ را به لغو حمله برنامه‌ریزی‌شده علیه جمهوری اسلامی ترغیب کرد. اما منابع داخلی به خبرگزاری فارس گفته‌اند، گزارش‌های منتشرشده از سوی «رسانه‌های معاند» درست نیست و سیاست جمهوری

جهت نقل و انتقال اسناد و اموال برای ایرانیان خارج کشور ممنوع اعلام گشت، اواخر فروردین‌ماه صدور این وکالتنامه‌ها به تأیید قوه قضاییه نیز موکول شد. اکنون در بخشنامه جدید وکالتنامه‌ها تنها در صورت تأیید نهادهای امنیتی و دادستانی معتبر خواهند بود. در این بخشنامه تأکید شده اگر مراجع امنیتی وکالت‌دهنده را از «معاندین نظام» تشخیص دهند، علاوه بر جلوگیری از انجام فرآیند، برای وی پرونده قضایی تشکیل شده و موضوع تحت تعقیب قرار خواهد گرفت. این بخشنامه به تمامی ادارات ثبت اسناد و دفاتر اسناد رسمی کشور ابلاغ شده و از این پس مبنای رسیدگی به وکالت‌نامه‌های کنسولی خواهد بود.

مرکز آموزش و مشاوره حقوقی «دادبان» تأکید کرده که «هدف از اعمال این دستورالعمل تشدید فشار بر ایرانیان خارج از کشور، انتقام‌گیری از مخالفان و سرکوب فعالیت‌های ایرانیان خارج از ایران است.»

«دادبان» با اشاره به استفاده از عنوان کلی و فاقد تعریف قانونی روشن «معاند نظام» در این بخشنامه نوشته: «در عمل مشخص نیست معیار تشخیص این عنوان چیست و این نگرانی وجود دارد که فعالیت‌هایی مانند انتشار یک مطلب یا تصویر در شبکه‌های اجتماعی، مصاحبه با رسانه‌ها، یا حتی پسندیدن (لایک) برخی مطالب، به عنوان مستند انتساب این عنوان مورد استفاده قرار گیرد؛ موضوعی که زمینه اعمال سلیقه و تفسیرهای موسع را افزایش می‌دهد.» «دادبان» هشدار داده اجرای چنین ساز و کاری می‌تواند حقوق اقتصادی و فردی صدها هزار ایرانی خارج کشور را بطور مستقیم تحت تأثیر قرار دهد. جلوگیری از تنظیم یا اجرای وکالت‌نامه، امکان فروش یا مدیریت اموال، انجام امور بانکی، پیگیری انحصار وراثت و سایر امور حقوقی را با مانع روبرو می‌کند و در عمل می‌تواند به محروم شدن اشخاص از اعمال حقوق مالکانه خود منجر شود؛ حقی که از بنیادی‌ترین حقوق شهروندان به شمار می‌رود.

این مرکز حقوقی تأکید کرده که محدود کردن امکان تصرف و اداره اموال اشخاص صرفاً بر پایه یک ارزیابی امنیتی و بدون حکم قطعی دادگاه، با اصول حاکم بر حق مالکیت، حق دسترسی به عدالت و امنیت حقوقی شهروندان قابل جمع نیست. چنین رویکردی، در صورت سلب عملی امکان بهره‌برداری از اموال، مصداق نقض حقوق اساسی شهروندان و تعرض به حقوق مالکانه آنان تلقی شود و مشکلات حقوق گسترده‌ای را برای ایرانیان خارج از کشور به همراه خواهد داشت. دادستانی کل جمهوری اسلامی روز دوشنبه ۱۸ اسفند در اطلاعیه‌ای اعلام کرده بود شهروندان ایرانی ساکن خارج از کشور که از حملات نظامی آمریکا و اسرائیل به جمهوری اسلامی حمایت کنند یا با آنها همکاری داشته باشند، با مصادره اموال و حتی اعدام روبرو خواهند شد.

غلامحسین محسنی اژه‌ای رئیس قوه قضاییه جمهوری اسلامی روز چهارشنبه ۱۳ اسفندماه با تهدید شهروندان گفته بود: «به موجب ابلاغ صورت گرفته، با عنایت به اینکه در شرایط جنگی به سر می‌بریم، با افرادی که به هر نحوی از انحاء در کلام و عمل، در راستای خواست و منافع نامشروع دشمن متجاوز عمل کنند، وفق قوانین و ضوابط موجود با قاطعیت و شدت برخورد خواهد شد.»

بر اساس گزارش‌های مختلف اموال صدها نفر از شهروندان ساکن خارج کشور در ماه‌های گذشته به علت حضور در تجمعات ضدحکومتی در شهرهای مختلف جهان یا اظهارنظر درباره کشته شدن علی خامنه‌ای و دیگر مقامات حکومت در حملات نظامی اسرائیل و آمریکا و تجمعاتی که در آنها شعارهای تشرک از دونالد ترامپ برای حمله به جمهوری اسلامی سر داده شده، مصادره شده است.

دونالد ترامپ: برای «خلع سلاح کامل حماس» توافق حاصل شده است

● ترامپ جمعه نهم مرداد ۱۴۰۵ در پیامی در شبکه‌های اجتماعی نوشت: «امروز شورای صلح به یک توافق تاریخی برای خلع سلاح کامل حماس و همه گروه‌های مسلح دیگر در غزه دست یافت». او افزود، این روند به صورت مرحله‌ای اجرا خواهد شد. ترامپ ادامه داد: «این گامی عظیم به سوی صلح و امنیت پایدار است».

● ترامپ افزود: «بر اساس این توافق، غزه سرانجام در اختیار یک دولت جدید فلسطینی قرار خواهد گرفت که در خدمت مردم خود باشد».

دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا می‌گوید، مذاکره میان میانجی‌ها و رهبران گروه حماس در قاهره به توافقی برای

ترامپ در بخش دیگری از پیام خود می‌نویسد: «یک سال پیش، جنگی شدید و خونین، بحران انسانی و گروگان‌هایی که در اسارتی بی‌رحمانه نگهداری می‌شدند، وجود داشت. ما به پیشرفت‌های تاریخی دست یافته‌ایم، اما هنوز کارهای زیادی برای انجام باقی مانده است».

او از تلاش مصر، قطر و ترکیه به عنوان کشورهای میانجی و از تیم خودش قدردانی کرد و گفت: «آنها با تلاش خستگی‌ناپذیرشان این دستاورد تاریخی را ممکن ساختند».

ترامپ افزود: «بر اساس این توافق، غزه سرانجام در اختیار یک دولت جدید فلسطینی قرار خواهد گرفت که در خدمت مردم خود باشد».

در پی انتشار این پست از سوی ترامپ، یکی از منابع



حماس به خبرگزاری رویترز گفت که «پیش‌نویس توافق» تصریح می‌کند که سلاح‌های سنگین تنها تحت کنترل یک نهاد اداری فلسطینی نگهداری خواهند شد و این سلاح‌ها به اسرائیل تحویل داده نخواهند شد.

غازی حمد عضو هیات مذاکره‌کننده حماس نیز به شبکه الجزیره گفت: «پیش از خروج اسرائیل از نوار غزه، هیچ اقدامی درباره خلع سلاح انجام نخواهیم داد».

یکی از مقام‌های آمریکایی به خبرنگاران گفت: «اسرائیل به شدت نسبت به اینکه حماس واقعا خلع سلاح شود، تردید دارد».

او در عین حال افزود: «ما بسیار مطمئن هستیم که آنها به توافق پایبند خواهند بود. اگر چنین نکنند، بدیهی است که پرزیدنت ترامپ بسیار بسیار ناامید خواهد شد».

یکی از مقام‌های «شورای صلح» برآورد کرد که اجرای این فرآیند بین ۲۰۰ تا ۳۲۰ روز طول خواهد کشید، اما یک مقام آمریکایی این جدول زمانی را چندان قطعی ندانست.

یکی از مقام‌های اسرائیلی که نخواست نامش فاش شود، به رویترز گفت پیش از اعلام ترامپ، اسرائیل این پیشنهاد را رد کرده بود.

او گفت: «اسرائیل خلع سلاح کامل حماس، خروج همه سلاح‌ها از غزه و غیرنظامی شدن کامل این منطقه را پیش‌شرط هرگونه روند سیاسی می‌داند».

«خلع سلاح کامل حماس» در غزه منجر شده است، مقام‌های حماس می‌گویند که این توافق صرفاً «پیش‌نویس» است.

ترامپ جمعه نهم مرداد ۱۴۰۵ در پیامی در شبکه‌های اجتماعی نوشت: «امروز شورای صلح به یک توافق تاریخی برای خلع سلاح کامل حماس و همه گروه‌های مسلح دیگر در غزه دست یافت». او افزود این روند به صورت مرحله‌ای اجرا خواهد شد. ترامپ ادامه داد: «این گامی عظیم به سوی صلح و امنیت پایدار است».

به گفته او، این توافق گام مهمی برای آن است که غزه تحت اداره یک دولت جدید فلسطینی قرار گیرد تا با «شورای صلح» همکاری نزدیک داشته باشد.

ترامپ همچنین افزود: «در عین حال، اسرائیل نیز به امنیتی که شایسته آن است دست خواهد یافت و غزه دیگر به پایگاهی برای حملات تروریستی تبدیل نخواهد شد».

ناظران می‌گویند، این نقطه عطف مهمی در اجرای برنامه ۲۰ ماده‌ای ترامپ است. این توافق در قالب مراحل دقیق و از پیش طراحی‌شده اجرا خواهد شد. با تکمیل روند خلع سلاح، نیروهای اسرائیلی عقب‌نشینی خواهند کرد و «نیروی بین‌المللی تثبیت» به همراه یک نیروی پلیس جدید فلسطینی مسئولیت حفظ امنیت غزه برای ساکنان آن و همسایگانش را بر عهده خواهند گرفت.

جی. دی. ونس؛ دست‌انداز «استراتژی ترامپ» در مقابل جمهوری اسلامی

● مارک تیسن تحلیلگر سیاسی واشنگتن پست در دیدگاهی که چندی پیش منتشر شد، ضمن موفقیت‌آمیز خواندن عملکرد نظامی دونالد ترامپ در مقابل جمهوری اسلامی، رویکرد جی. دی. ونس معاون وی را مبنی بر مذاکره به هر قیمتی همسو با تکرار فریب همیشگی رژیم ایران ارزیابی می‌کند.

● در حالی که ترامپ در آستانه‌ی اعلام دستور نبرد بزرگ بود، به او گفته شد که مذاکره‌کنندگان جمهوری اسلامی به شدت دنبال توافق هستند. بنابراین او صبر کرد تا به صلح فرصتی بدهد. نتیجه چه شد؟ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی پنج موشک بالستیک به یک پایگاه نظامی ایالات متحده در اردن شلیک کرد. این چرخه ماه‌هاست که تکرار می‌شود. درواقع ونس با بالا بردن پرچم توافق به عنوان تعریف پیروزی، به جمهوری اسلامی حق و تو در مورد توانایی آمریکا برای اعلام پیروزی داده است.

● ونس در مصاحبه‌ای با جو روگان در فاکس‌نیوز هشدار داده که اگر ترامپ نبرد بزرگ را آغاز کند «۹۴ میلیون نفر ناامید به اروپا و ایالات متحده سرازیر خواهند شد». واقعا؟! تعداد زیادی از ایرانیان قرار است از مرز امن ترامپ عبور کنند؟ ۹۴ میلیون نفر، چند میلیون بیشتر از کل جمعیت ایران است!

● تحلیلگر واشنگتن پست رویکرد سیاسی ونس برای مذاکره را در برابر دستاوردهای موفق نظامی دونالد ترامپ قرار می‌دهد و تلویحا پیشنهاد می‌کند، ترامپ باید به مشاورانی تکیه نماید که نتایج میدانی قابل قبولی تحویل داده‌اند، نه کسانی که با «دیپلماسی مذاکره برای مذاکره» بیشتر به استراتژی خرید وقت توسط جمهوری اسلامی کمک می‌کنند.

«استراتژی ترامپ کار می‌کند، اما استراتژی معاونش نه!» عنوان یادداشتی است که به قلم مارک تیسن تحلیلگر سیاسی در واشنگتن پست منتشر شده است.

روزنامه واشنگتن پست ۳۰ ژوئیه در یادداشتی با عنوان «استراتژی ترامپ کار می‌کند، اما استراتژی معاونش نه!» به قلم مارک تیسن به انتقاد از رویکرد جی‌دی ونس معاون اول ریاست جمهوری ایالات متحده آمریکا در مقابل جمهوری اسلامی پرداخته است.

مارک تیسن در این دیدگاه ضمن موفقیت‌آمیز خواندن عملکرد نظامی دونالد ترامپ در مقابل جمهوری اسلامی، رویکرد جی. دی. ونس معاون وی را مبنی بر مذاکره به هر قیمتی همسو با تکرار فریب همیشگی رژیم ایران ارزیابی می‌کند.



ناامید به اروپا و ایالات متحده سرازیر خواهند شد.» واقعاً؟! تعداد زیادی از ایرانیان قرار است از مرز امن ترامپ عبور کنند؟ ۹۴ میلیون نفر، چند میلیون بیشتر از کل جمعیت ایران است!

در کنار این موضع، ونس بارها ایران را «تمدن بزرگ و افتخارآمیز» با «مردم شگفت‌انگیز» توصیف کرده و گفته آمریکا با کسانی که مسالمت‌آمیز برای حقوق خود اعتراض می‌کنند (از جمله ملت ایران) همبستگی دارد. با این حال، او تغییر رژیم را «مشکل خود ایرانی» دانسته و گفته اولویت آمریکا جلوگیری از دستیابی جمهوری اسلامی به سلاح هسته‌ای است.

مواضع جی. دی. ونس باعث انتقاد مخالفان رژیم ایران نیز شد و او را به حمایت ضمنی از بقای جمهوری اسلامی متهم نمودند.

این یادداشت در ادامه اضافه کرده است: «جی. دی. ونس علناً رئیس‌جمهور را تضعیف می‌کند و او را با استدلال‌های پوشالی از آغاز نبرد بزرگ منصرف می‌نماید.» ونس به کسانی هم که با جسارت ابراز می‌دارند یادداشت تفاهم او نتوانسته رفتار جمهوری اسلامی را تغییر دهد، حمله می‌کند. ترامپ دو شرط واضح و غیرقابل مذاکره برای جمهوری اسلامی دارد: رژیم ایران باید برنامه هسته‌ای خود را کاملاً برچیند و تنگه هرمز را باز کند. در طول چند ماه گذشته، جمهوری اسلامی با اقدامات خود روشن کرده است که قصد ندارد این خواسته‌ها را برآورده کند. شاید زمان آن رسیده باشد که رئیس‌جمهور به توصیه کسانی که در مقابل جمهوری اسلامی مشاوره‌های موفقیت‌آمیز داده‌اند گوش فرا دهد و نه کسانی مانند ونس که او را ناامید می‌کنند.



جی دی ونس معاون اول دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا / میلند ۲۰ ژوئن ۲۰۲۶

ونس که سابقه‌ی مخالفت با مداخلات نظامی بلندمدت دارد، در طول جنگ اخیر مواضع مختلفی داشته است. او بارها تأکید کرده که آمریکا «در هر صورت برنده» است؛ اما اگر توافق‌نهایی حاصل شود خوب است، وگرنه، برنامه‌ی هسته‌ای جمهوری اسلامی «نابود» شده و آنها ضعیف‌تر می‌شوند!

تحلیلگر واشنگتن پست رویکرد سیاسی ونس برای مذاکره را در برابر دستاوردهای موفق نظامی دونالد ترامپ قرار می‌دهد و تلویحاً پیشنهاد می‌کند، ترامپ باید به مشاورانی تکیه نماید که نتایج میدانی قابل قبولی تحویل داده‌اند، نه کسانی که با «دیپلماسی مذاکره برای مذاکره» بیشتر به استراتژی خرید وقت توسط جمهوری اسلامی کمک می‌کنند. اکنون موفقیت استراتژی دونالد ترامپ در مقابل جمهوری اسلامی در حالی که تنش‌ها سیال هستند، یکی از مهمترین عواملی است که تأثیر آن بر انتخابات میان‌دوره‌ای ایالات متحده که اوایل نوامبر ۲۰۲۶ برگزار خواهد شد، اهمیت ویژه‌ای پیدا کرده است.

مارک تبسن می‌افزاید: چه چیزی شکست خورد؟ آتش‌بس و یادداشت تفاهمی که توسط معاون رئیس‌جمهور انجام شده، ترامپ را به بن‌بست استراتژیک مذاکرات، تداوم تخلقات جمهوری اسلامی و حملات تلافی‌جویانه ایالات متحده و به دنبال آن مذاکرات بیشتر سوق داده است.

به عنوان مثال: در حالی که ترامپ در آستانه‌ی اعلام دستور نبرد بزرگ بود، به او گفته شد که مذاکره‌کنندگان جمهوری اسلامی به شدت دنبال توافق هستند. بنابراین او صبر کرد تا به صلح فرصتی بدهد. نتیجه چه شد؟ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی پنج موشک بالستیک به یک پایگاه نظامی ایالات متحده در اردن شلیک کرد. این چرخه ماه‌هاست که تکرار می‌شود. درواقع ونس با بالا بردن پرچم توافق به عنوان تعریف پیروزی، به جمهوری اسلامی حق وتو در مورد توانایی آمریکا برای اعلام پیروزی داده است. ونس در مصاحبه‌ای با جو روگان در فاکس‌نیوز هشدار داده که اگر ترامپ نبرد بزرگ را آغاز کند ۹۴ میلیون نفر

عبارت کوتاه «لوسی، توپ فوتبال و ملاحه» که به عنوان زیرتیتر این مطلب انتخاب شده، کنایه به جی. دی. ونس با استفاده از استعاره‌ی یکی از داستان‌های «چارلی براون» شخصیت کارتون معروف است که در مقابل وعده‌های «لوسی»، دیگر شخصیت این انیمیشن، هربار برای شوت کردن توپ فوتبال (آمریکایی) زمین می‌خورد. در این انیمیشن نیز «لوسی» مدام به «چارلی براون» قول می‌دهد توپ فوتبال را نگه دارد تا او بتواند شوت بزند، اما همیشه در آخرین لحظه توپ را کنار می‌کشد و چارلی روی زمین می‌افتد. تحلیلگر واشنگتن پست می‌گوید: ملایان عین «لوسی» رفتار می‌کنند؛ مدام وعده‌ی مذاکره و پایان درگیری می‌دهند، در حالی که جی. دی. ونس مانند چارلی براون مرتب فریب می‌خورد و ملایان هم توپ را کنار می‌کشند تا آمریکا شوت نزند!

این یادداشت با اشاره به حمله‌ی موشکی بالستیک اخیر رژیم ایران به نیروهای آمریکایی در اردن آغاز می‌شود و می‌گوید: حالا زمان آن رسیده که رئیس‌جمهور دونالد ترامپ نگاهی دقیق به مشاوره‌هایی ببیندازد که در مورد ایران دریافت می‌کند؛ چه مواردی موفق بوده، چه چیزهایی شکست خورده و چه کسانی مسئول موفقیت‌ها و شکست‌ها هستند.

تحلیلگر سیاسی واشنگتن پست در یادداشت خود استدلال می‌کند که استراتژی نظامی ترامپ نتایج ملموسی داشته، اما رویکرد دیپلماتیک و مصالحه‌جویانه‌ی معاون‌اش ناکام مانده و باید به کسانی رجوع کرد که «نتیجه تحویل داده‌اند».

این یادداشت در شرایطی منتشر شده که درگیری نظامی ایالات متحده و جمهوری اسلامی دوباره از نهم اسفندماه ۴۰۴ آغاز شد. حمله نظامی آمریکا شامل بمباران‌های گسترده علیه برنامه هسته‌ای و توان و تأسیسات نظامی رژیم ایران بود که پس از چهل روز به اعلام یکجانبه‌ی آتش‌بس از سوی ترامپ و «یادداشت تفاهم اسلام‌آباد» انجامید، ولی دوباره با نقض آتش‌بس از سوی جمهوری اسلامی و انجام حملات موشکی علیه پایگاه‌های آمریکایی و همچنین اهدافی در کشورهای منطقه، از عربستان تا اردن، بمباران‌های اهدافی در ایران توسط آمریکا از سر گرفته شد.

حملات اخیر جمهوری اسلامی به پایگاه‌های آمریکا در اردن که بخشی از آن توسط پدافند اردن رهگیری شد، اما به کشته شدن چند نظامی آمریکایی منجر شد، تنش‌ها را بیش از پیش تشدید کرد.

موضع جی. دی. ونس درباره‌ی پرونده اتمی

ونس بارها ادعا کرده توانایی غنی‌سازی اورانیوم جمهوری اسلامی از بین رفته و جریان نفت از تنگه هرمز نشانه‌ای از پیشرفت واقعی است. او به اسرائیل نیز هشدار داد: «هی‌توانید با کشتن، مشکلات امنیت خود را حل کنید!» وی از منتقدان اسرائیلی خواست «واقعیت را درک کنند». ونس در عین حال پس از حملات رژیم ایران به کشتی‌های تجاری، در شبکه‌های اجتماعی نوشت: «جمهوری اسلامی توافق آتش‌بس امضاء کرد. ما آن را رعایت کردیم. اگر اختلافی درباره‌ی اجرای یادداشت تفاهم دارند، می‌توانند تلفن را بردارند، اما خشونت با خشونت پاسخ داده می‌شود.»

مارک تبسن در ادامه‌ی انتقاد به ونس با اشاره به اینکه معاون رئیس‌جمهور وظایف سیاست خارجی خود را درک نمی‌کند، با طرح پرسشی نوشته است: «دونالد ترامپ هیچگاه از سر گرفتن نبرد بزرگ را از روی میز خود کنار نگذاشته است؛ ولی چرا ونس علناً از عواقب وخیم این گزینه که ترامپ چند روز پیش دستور آن را صادر کرده بود، هشدار داده است؟!»

هشدار درباره راهکارهای تورم‌زای دولت برای جبران کسری بودجه



● بر اساس آمارهای مرکز آمار ایران، در تیرماه امسال سبد خوراکی خانواده‌های کارگری ۱۲۸/۱ درصد گران شده؛ به این معنا که یک خانواده در تیرماه امسال باید ۱۲۸/۱ درصد یعنی بیش از دو برابر نسبت به تیرماه سال گذشته برای خرید مقدار ثابت مواد غذایی هزینه می‌کرد.

● محاسبات نشان می‌دهد اگر دستمزد کارگران در سال جاری تا سقف ۸۳ درصد افزایش می‌یافت، آنها می‌توانستند سطح زندگی سال گذشته خود را حفظ کنند بدون آنکه شرایط آنها کمی بهبود پیدا کند. به این ترتیب امسال با عقب‌ماندگی دستمزد سطح زندگی آنها نیز سقوط کرده است.

● یدالله فرجی فعال صنفی بازنشستگان کارگری: این واقعیت که بازنشستگان دیگر مدت‌هاست گوشت نمی‌خرند، نه سیاه‌نمایی است و نه اغراق؛ ما حتی قبل از جنگ اخیر نیز چندان قادر به خرید گوشت قرمز نبودیم؛ کل حقوق‌مان را بگذاریم، سه وعده غذای ساده برای خانواده تامین نمی‌شود.

در شرایطی که آمارهای تورم در ایران رکورد هشت دهه گذشته را شکسته است، اقتصاددانان درباره شیوه‌های تورم‌زای جبران کسری بودجه توسط دولت مانند استقراض از بانک مرکزی هشدار می‌دهند. آلبرت بغزیان، کارشناس اقتصاد، معتقد است پایان تنش‌های خارجی، افزایش درآمدهای نفتی، رفع تحریم‌ها و آزادسازی منابع ارزی از پیش‌شرط‌های کنترل تورم و بهبود اقتصاد کشور است.

بر اساس آمارهای مرکز آمار ایران، در تیرماه امسال، سبد خوراکی خانواده‌های کارگری ۱۲۸/۱ درصد گران شده؛ به این معنا که یک خانواده در تیرماه امسال باید ۱۲۸/۱ درصد یعنی بیش از دو برابر نسبت به تیرماه سال گذشته برای خرید مقدار ثابت مواد غذایی هزینه می‌کرد. فعالان کارگری می‌گویند این گرانی سرسام‌آور به نوعی، آخرین تیر خلاص به سفره‌های خالی طبقه کارگر است. در آنسو اما اقدامات دولت برای جبران کسری بودجه نیز اقدامی تورم‌زا هستند و سبب سرعت بخشیدن به چرخه افزایش تورم می‌شود.

خبرگزاری «ایپلنا» با استناد به آمارهای ارائه شده از سوی مرکز آمار ایران نوشته، در عرض یکسال، تورم حداقل ۸ قلم خوراکی بیش از ۱۰۰ درصد بوده است؛ در این مدت، روغن ۲۶۱ درصد رشد کرد و گوشت ۱۴۵ درصد گران شد.

در همین مدت، دستمزد طبقه کارگر در بهترین حالت برای حداقل‌بگیران ۶۰ درصد رشد کرده است. به عبارت درست‌تر، در طول یکسال، هزینه‌های زندگی فقط در بخش خوراکی‌ها، بیش از دوبرابر شده، در حالی که درآمد مزدبگیران در بیشترین حالت تنها ۶۰ درصد افزایش یافته است؛ این افزایش برای سایر سطوح مزدی فقط ۴۵ درصد بوده است؛ همین معادله ساده نشان می‌دهد که دستمزد کارگران حداقل‌بگیر در قیاس با تورم رسمی خوراکی‌ها (که به هیچ وجه برابر با تورم واقعی اقلام در کف بازار نیست) حداقل ۶۸ درصد عقب‌ماندگی دارد؛ مزد کارگران سایر سطوح مزدی، که کارگران یقه سفید و متخصص در این گروه جای می‌گیرند، نسبت به تورم خوراکی‌ها ۸۳ درصد عقب افتاده است.

به بیان دیگر، اگر دستمزد کارگران در سال جاری تا سقف ۸۳ درصد افزایش می‌یافت، کارگران می‌توانستند سطح زندگی سال گذشته خود را حفظ کنند بدون آنکه شرایط آنها

کمی بهبود پیدا کند. به این ترتیب امسال با عقب‌ماندگی دستمزد سطح زندگی آنها بیشتر سقوط کرده است. از سوی دیگر کالابرگ یک میلیون تومانی نیز که دولت معتقد است برای بهبود معیشت خانوارها توزیع می‌کند، در مقایسه با رقم عقب‌ماندگی دستمزد و هزینه‌های زندگی، کاملاً بی‌اثر و بی‌خاصیت است.

در همین رابطه یدالله فرجی، فعال صنفی بازنشستگان کارگری، می‌گوید: «این واقعیت که بازنشستگان دیگر مدت‌هاست گوشت نمی‌خرند، نه سیاه‌نمایی است و نه اغراق؛ ما حتی قبل از جنگ اخیر نیز چندان قادر به خرید گوشت قرمز نبودیم؛ کل حقوق‌مان را بگذاریم، سه وعده غذای ساده برای خانواده تامین نمی‌شود.»

علیرضا خرمی، فعال کارگری، نیز تأکید می‌کند در سفره‌ها دیگر چیزی نمانده است: «ادعای دولت در مورد اینکه در حال مهار تورم هستیم یا تورم ماهانه از لحاظ عددی یکی دو درصد کاهش یافته، ناعادلانه است؛ مردم با این گرانی‌ها گرفتار شده‌اند و گویا هیچ استراتژی مشخصی برای مهار تورم به خصوص در حوزه‌های مرجع از جمله خوراکی‌ها و مسکن ندارند.»

عیدعلی کریمی فعال کارگری و دبیر اجرایی خانه کارگر استان قزوین نیز در واکنش به افزایش هزینه خوراک در کنار دستمزدهای ناچیز اقشار کارگری گفته: «چند ماه از سال گذشته است. وقتی خود دولت قیمت نان را ۱۰۰ درصد افزایش می‌دهد، طبیعی است که هزینه‌های سفره مردم، به ویژه کارگران و بازنشسته‌ها، از اینهم بیشتر افزایش پیدا کند. الان گرانی‌ها از مرز ۱۰۰ درصد گذشته است. اگر افزایش قیمت حامل‌های انرژی و بنزین که درباره آن صحبت شده، در همین روزهای آینده اعمال شود، دوباره موج جدیدی از گرانی وارد سبد خانوار خواهد شد.»

در چنین شرایطی بسیاری از اقتصاددانان معتقدند دولت نیز در وضعیت آسیب‌پذیر تورم کشور از راهکارهایی برای جبران کسری بودجه استفاده می‌کند که همگی تورم‌زا هستند. در همین رابطه آلبرت بغزیان کارشناس اقتصادی و استاد دانشگاه گفته: «دولت باید به دنبال بازگشت درآمدهای

نفتی، پایان درگیری‌ها، کاهش تنش‌های خارجی، رفع تحریم‌ها، آزادسازی منابع ارزی بلوکه‌شده و افزایش درآمدهای نفتی باشد زیرا در آن صورت پشتوانه لازم برای تعامل با بانک مرکزی و تأمین مالی فراهم خواهد شد.» به عقیده این اقتصاددان، «تا زمانی که دولت کسری بودجه خود را از طریق افزایش نقدینگی جبران می‌کند، درواقع سیاست پولی انبساطی را در پیش گرفته که همین سیاست به افزایش تورم منجر می‌شود. هنگامی که دولت بدون آنکه درآمد ارزی یا دارایی خارجی متناسبی در اختیار داشته باشد، از بانک مرکزی استقراض می‌کند، پایه پولی افزایش می‌یابد و در نتیجه نقدینگی نیز رشد می‌کند.»

به گفته آلبرت بغزیان، دولت برای کاهش سرعت افزایش تورم «در نخستین اقدام، تا حد امکان از تأمین کسری بودجه از محل رشد نقدینگی خودداری کند و به سراغ روش‌های دیگر تأمین مالی برود. فروش دارایی‌های دولت، واگذاری شرکت‌های دولتی، عرضه سهام در بورس و مهم‌تر از همه انتشار اوراق بدهی یا اوراق مشارکت از جمله ابزارهایی است که می‌تواند برای تأمین مالی مورد استفاده قرار گیرد.» او افزوده: «از منظر کلان، دولت باید به دنبال بازگشت درآمدهای نفتی، پایان درگیری‌ها، کاهش تنش‌های خارجی، رفع تحریم‌ها، آزادسازی منابع ارزی بلوکه‌شده و افزایش درآمدهای نفتی باشد زیرا در آن صورت پشتوانه لازم برای تعامل با بانک مرکزی و تأمین مالی فراهم خواهد شد.»

این تحلیلگر اقتصادی تأکید کرده: «تا زمانی که شرایط جنگی یا تنش‌های خارجی ادامه داشته باشد و دولت نیز راهی برای افزایش درآمدهای ارزی و منابع خارجی نداشته باشد، این چرخه تداوم خواهد یافت.»

او همچنین درباره اقدامات لازم برای کاهش آثار تورمی نیز معتقد است: «اگر دولت همچنان بخواهد بخشی از کسری بودجه خود را از طریق استقراض از بانک مرکزی تأمین کند، باید همزمان نظارت بر بازار و قیمت‌ها را به شکل جدی تقویت کند تا افرادی که با احتکار، ایجاد کمبود مصنوعی یا سوءاستفاده از شرایط اقدام به افزایش قیمت‌ها می‌کنند، امکان فعالیت نداشته باشند.»

فقر و گرانی؛ افزایش تقاضا برای پرداخت اقساطی هزینه دارو و درمان



● سلمان اسحاقی، سخنگوی کمیسیون بهداشت مجلس شورای اسلامی با تأکید بر ضرورت تدوین نقشه راهی اجرایی برای تأمین پایدار دارو، هشدار داد که ادامه این وضعیت و دشواری دسترسی بیماران به دارو می‌تواند پیامدهای جبران‌ناپذیری، از جمله افزایش مرگ‌ومیرها را به همراه داشته باشد.

بحران کمبود و گرانی دارو با هشدار جدی فعالان صنفی صنعت داروسازی و نمایندگان مجلس شورای اسلامی روبرو شده است. دولت در حالی نسبت به افزایش چند برابری قیمت اقلام دارویی بی‌اعتنا بوده که گزارش‌ها از قسطنین شدن خرید دارو و پرداخت هزینه درمان حکایت دارند.

سلمان اسحاقی، سخنگوی کمیسیون بهداشت مجلس شورای اسلامی گفت: «امروز با کمبود جدی و بحرانی دارو در کشور مواجهیم و از سوی دیگر، به دلیل مشکلات تأمین مواد اولیه وارداتی، شاهد افزایش قیمت دارو نیز هستیم. باید برای رفع این مشکل، یک برنامه عملیاتی داشته باشیم.» وی با تأکید بر ضرورت تدوین نقشه راهی اجرایی برای تأمین پایدار دارو، هشدار داد که ادامه این وضعیت و دشواری دسترسی بیماران به دارو می‌تواند پیامدهای جبران‌ناپذیری، از جمله افزایش مرگ‌ومیرها را به همراه داشته باشد.

دکتر بهمن صبور رئیس انجمن داروسازان تهران نیز با اشاره به دلایل افزایش قیمت دارو و برخی کمبودهای اخیر در بازار دارویی، گفته است «ریشه بسیاری از مشکلات کنونی صنعت دارو، سرکوب طولانی‌مدت قیمت‌ها، افزایش هزینه‌های تولید و کمبود نقدینگی در زنجیره تأمین است.» او هشدار داد که تداوم این شرایط می‌تواند روند تأمین دارو را با چالش مواجه کند.

همایون سامه‌بیج نجف‌آبادی، عضو کمیسیون بهداشت مجلس شورای اسلامی نیز به تازگی اعلام کرده «محاصره دریایی و اختلال در حمل‌ونقل» از عوامل افزایش هزینه‌ها و دشوار شدن انتقال اقلام دارویی هستند. او همچنان تأکید کرده که تأخیر در تخصیص ارز، همراه با کمبود نقدینگی، واردات دارو را با مشکلات بیشتری روبرو کرده است.

کمبود دارو سلامت بیماران به ویژه مبتلایان به بیماری‌های خاص را تهدید می‌کند. رسول نظری‌فرد، موسس داروخانه بیماران خاص، گزارش داده بسیاری از بیماران برای یافتن برخی داروها ناچارند به چندین داروخانه مراجعه کنند، در حالی که همان داروها به آسانی در بازار غیررسمی، شبکه‌های واسطه‌ای و فضای مجازی عرضه می‌شوند.

این داروساز با تأکید به اینکه بخشی از مشکلات بازار دارو نه به تولید، بلکه به نحوه توزیع و ضعف نظارت بر عرضه دارو بازمی‌گردد گفته «دسترسی افراد متعدد به برخی سامانه‌ها و نبود نظارت کافی می‌تواند زمینه صدور نسخه‌های صوری یا غیرواقعی را فراهم کند؛ نسخه‌هایی که در نهایت به دریافت دارو از شبکه رسمی و عرضه آن در بازار آزاد منجر می‌شوند.»

رسول نظری‌فرد توضیح داده «دارویی که بیمار می‌تواند با نسخه و بیمه با چندصد هزار تومان تهیه کند، گاهی در بازار غیررسمی با قیمت گزاف به فروش می‌رسد. این مسئله در خصوص داروهای کمیاب بیشتر صدق می‌کند؛ که در داروخانه پیدا نمی‌شوند، اما در بازار سیاه و پلتفرم‌های دیجیتال چرا، آن هم با قیمت‌هایی که چندین برابر نرخ رسمی است.»

گزارش فعالان صنفی نشان‌دهنده کمبود دارو در اقلام

خدمات دندانپزشکی محدود مانده و برخی داروخانه‌های آنلاین و سرویس‌های اعتباری نیز امکان خرید اقساطی دارو، مکمل‌ها و محصولات سلامت‌محور را فراهم کرده‌اند. این گزارش هشدار داده «وقتی دارو هم قسطی می‌شود، یعنی فشار هزینه‌ها از کالاهای مصرفی عبور کرده و به ضروری‌ترین بخش زندگی رسیده است.»

بر اساس این گزارش، اپلیکیشن‌ها و وب‌سایت‌های حوزه سلامت نیز برای ویزیت آنلاین پزشکان، روان‌شناسان و روان‌پزشکان، از کدهای تخفیف و طرح‌های تشویقی استفاده می‌کنند. همچنین «برخی پزشکان می‌گویند بیمارانی را می‌بینند که ویزیت می‌شوند، اما آزمایش، عکس، دارو یا جلسه بعد از عقب می‌اندازند. در درمان‌های ادامه‌دار، این عقب‌انداختن خطرناک‌تر است؛ بیمار فیزیوتراپی را نیمه‌کاره رها می‌کند، تراپی را بعد از دو جلسه قطع می‌کند یا دارو را نصفه مصرف می‌کند تا دیرتر تمام شود.»

بر اساس این گزارش، فشارهای اقتصادی در حوزه روان‌درمانی نمود بیشتری دارد و برخی مراجعان خواستار تعویق پرداخت هزینه جلسات یا کاهش تعداد آن‌ها هستند: «روان‌درمانی قرار است جایی برای حرف زدن از اضطراب، فرسودگی و فشار زندگی باشد، اما خود هزینه جلسه گاهی به یکی از همان اضطراب‌ها تبدیل می‌شود.»

پیشتر نیز فعالان صنفی بر ناتوانی اقشار حقوق‌بگیر و کم‌درآمد برای پرداخت هزینه درمان تأکید کرده بودند. از جمله سعید فتاحی، مشاور کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگران ایران، پیش‌تر اعلام کرد در سال‌های گذشته و به‌ویژه پس از جنگ اخیر، هزینه‌های دارو و درمان به‌طور چشمگیری افزایش یافته است، به گونه‌ای که حتی با وجود پوشش بیمه تکمیلی، بازنشستگان ناچارند بخش قابل توجهی از هزینه‌های درمانی را شخصاً پرداخت کنند. در آنسو کمبود برخی داروهای سرطان، شماری از داروهای بیماران مبتلا به ام‌اس، برخی انسولین‌های خارجی، داروهای دیابت، داروهای اعصاب و روان و برخی فرآورده‌های خونی همچنان ادامه دارد. این موضوع در کنار افزایش قیمت دارو سبب کاهش دسترسی بیماران به دارو و ایجاد عوارضی جدی برای آنها شده است.

مهم و حیاتی داروهاست؛ از جمله بعضی داروهای سرطان مانند متوترکسات، برخی اینترفرون‌های مورد استفاده بیماران ام‌اس، تعدادی از انسولین‌های خارجی، برخی داروهای دیابت، داروهای اعصاب و روان مانند آسترا و نیز برخی فرآورده‌های خونی مورد نیاز بیماران هموفیلی. اینهمه در حالیست که قیمت دارو نیز با افزایش ۲۰۰ تا ۷۰۰ درصدی در اقلام مختلف روبرو شده است. این افزایش در بازه کوتاه مدت چند ماهه سبب ناتوانی بیماران در پرداخت هزینه دارو شده است. در آنسو تعرفه خدمات درمانی نیز افزایش یافته بطوریکه تورم بخش دارو و درمان از تورم عمومی اقتصاد کشور بیشتر شده است. همین روند سبب افزایش تقاضا برای پرداخت اقساطی هزینه دارو و خدمات درمانی شده است.

در همین رابطه وبسایت «اقتصادنیوز» گزارش داده که برخی بیماران به‌دلیل مشکلات اقتصادی برای دریافت تخفیف در هزینه ویزیت با پزشکان چانه‌زنی می‌کنند و در مواردی نیز درمان را به‌صورت اقساطی انجام می‌دهند. این گزارش با اشاره به تورم سالانه ۶۲ درصدی کشور در خرداد ۱۴۰۵ و تورم ماهانه ۲۳/۱ درصدی گروه بهداشت و درمان در اردیبهشت، نوشته بسیاری از بیماران به دلیل فشار مالی، درمان خود را نیمه‌کاره رها می‌کنند یا مصرف دارو را کاهش می‌دهند. بر اساس این گزارش، خدمات دندانپزشکی در حال حاضر «پررنگ‌ترین و پرتیر» درمان اقساطی است و بسیاری از کلینیک‌ها و پلتفرم‌ها خدماتی مانند ایمپلنت، ارتودنسی، عصب‌کشی و لمینیت را با امکان پرداخت اقساطی، وام یا بازپرداخت چندماهه عرضه می‌کنند.

در این گزارش آمده که «درد دندان منتظر حقوق ماه بعد نمی‌ماند. کسی که دندان‌ش عفونت کرده یا باید عصب‌کشی کند، نمی‌تواند همیشه درمان را عقب بیندازد. بنابراین قسطنین شدن برای او هم فرصت است، هم علامت هشدار؛ فرصت از این جهت که درمان را ممکن می‌کند، هشدار از این جهت که هزینه ضروری زندگی به بدهی ماه‌های بعد منتقل شده است.»

در گزارش «اقتصادنیوز» آمده که روند پرداخت اقساطی به

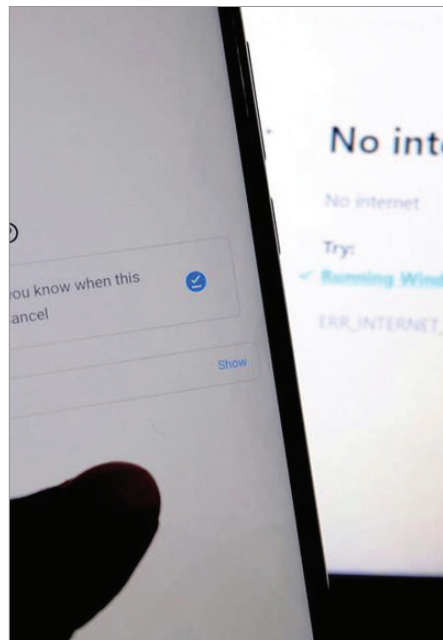
معیشت و درآمد بیش از نیمی از کاربران در ایران به اینترنت وابسته است

متفاوتی از کالبدشکافی اینترنت ایران ارائه می‌دهند. بررسی داده‌های دو مرجع معتبر یعنی رادار کلادفلر (Cloudflare Radar) و پروژه IODA نشان می‌دهد که ما با یک قطعی ساده روبه‌رو نیستیم، بلکه با یک «اختلال مهندسی‌شده» مواجه هستیم.

این گزارش همچنین نوشته بود اقتصاد دیجیتال ایران قربانی قطع شدن کابل‌ها نشده، بلکه قربانی فیلترینگ چندلایه، پردازش و دخالت در بسته‌های ترافیکی شده است که رمق شبکه را گرفته و کیفیت را فدای کنترل کرده است. از سوی دیگر در حالی اینستاگرام مهمترین شبکه اجتماعی مورد استفاده در ایران است و بخش عمده کسب‌وکارها مراحل تبلیغات، ثبت سفارش و فروش را از طریق این پلتفرم انجام می‌دهند اما روزنامه «همشهری» آخر خردادماه به نقل از نتایج یک پژوهش اعلام کرد ۶۸ درصد از کاربران ایرانی اینستاگرام پس از وصل شدن اینترنت بین‌المللی باز هم به این برنامه برنگشته‌اند.

کیوان نقره‌کار، کارشناس شبکه‌های اجتماعی در اینبار به «همشهری» گفته بود یکی از دلایل عدم بازگشت کاربران به برنامه‌هایی مانند اینستاگرام نیاز به استفاده از وی‌پی‌ان‌ها برای اتصال به اینترنت بین‌الملل است: «هنوز هم برای دسترسی به اینستاگرام نیاز به فیلترشکن هست که هم هزینه دارد و هم از نظر امنیتی ممکن است به گوش‌ها آسیب بزند. همه این عوامل باعث می‌شود که کاربر به استفاده از پیام‌رسان‌های داخلی ادامه دهد و انعکاس آن در آمار بازگشت کاربران اینستاگرام قابل مشاهده است.» اینهمه در حالیست که تداوم اختلالات سبب کاهش شدید درآمد افرادی شده که اشتغال آنها متکی بر اینترنت است. برای نمونه رانندگان تاکسی‌های اینترنتی که درآمدشان در گرو اتصال پایدار به شبکه و مسیرپای‌های آنلاین است، روزانه با خطاهای متعدد و کندی‌های آزاردهنده دست‌وپنچ نرم می‌کنند که عملاً فرآیند خدمت‌رسانی آنان را مختل کرده است. حمید محمودزاده، مدیرعامل پلتفرم «دیدار» و یکی از فعالان شناخته‌شده حوزه اینترنت نیز مسئولیت بحران فعلی را متوجه مسئولانی دانسته که در حوزه تکنولوژی و اینترنت هیچ‌گونه دانش تخصصی ندارند اما درباره آن تصمیم‌گیری می‌کنند. این کارشناس ریشه بسیاری از تصمیمات آسیب‌زا را در ناآشنایی بدنه حاکمیت با بدیهیات فناوری ارزیابی کرده است. او با انتقاد از نگاه مکانیکی به موضوع دسترسی به اینترنت، مهاجرت کاربران از پلتفرم‌های جهانی به داخلی ... مشکل را در سطح دانش تصمیم‌گیران می‌داند: «نکته اینجاست که ما در ساختار حکومتی خود افرادی را داریم که هیچ دانشی در حوزه فناوری‌های روز ندارند. نمی‌دانند چه اتفاقاتی در حال وقوع است، زیرا هیچ‌گاه کار جدی در این حوزه انجام ندهاده‌اند. نمایندگان مجلسی داریم که وقتی صحبت می‌کنند، متوجه می‌شویم درک درستی از اینترنت و ساختارهای آن ندارند.»

حمید محمودزاده به سیاست‌های دستوری دولت در این حوزه اشاره، و چنین رویکردی را نقد کرده است: «وظیفه دولت در تمام دنیا ایجاد زیرساخت است تا بخش خصوصی روی آن کسب‌وکار خود را بنا کند، اما در کشور ما مسیر برعکس است. ما زیرساخت می‌سازیم، زحمت می‌کشیم، با فیلترینگ دست‌وپنجه نرم می‌کنیم و پس از عبور از موانع، فردی ناآگاه با تصمیمات محدودکننده و شعارهای ملی، تمام ساخته‌های ما را نابود می‌کند.»



(۱۷/۹ درصد) و خدمات نظافت و تعمیرات منزل (۸/۹ درصد) در رده‌های بعدی قرار دارند.

در مجموع، ۲۷/۶ درصد از پاسخ‌گویان صراحتاً اعلام کرده‌اند که پلتفرم‌های بزرگ داخلی نظیر اسنپ، تپسی، دیجی‌کالا و فیلمو به میزان «زیاد یا خیلی زیاد» گره‌گشای نیازهای معیشتی و رفاهی روزمره آن‌ها هستند. یافته‌های این نظرسنجی در حالی وابستگی قابل توجه معیشت بیش از نیمی از کاربران در ایران به اینترنت را نشان می‌دهد که اینترنت در ایران همواره با اختلال و فیلترینگ گسترده روبرو بوده است. همچنین حکومت در مقاطع مختلف، از جمله در شرایط جنگ و اعتراضات، به بهانه امنیت، اینترنت را قطع می‌کند. اینترنت در ایران از ابتدای سال جاری میلادی به مدت سه هفته در جریان اعتراضات دی ۴۰۴ و سه ماه نیز به علت جنگ اسرائیل و آمریکا با جمهوری اسلامی قطع بوده است. اینترنت در حالی پس از سه ماه قطع کامل، دوباره وصل شد که گزارش‌ها بیانگر تداوم اختلالات از جمله فیلترینگ و کاهش سرعت حکایت دارد.

برای مثال روزنامه «شرق» اوایل تیرماه در گزارشی با اشاره به تداوم اختلال اینترنت نوشت بررسی‌های تخصصی، داده‌های ترافیکی و مشاهدات میدانی «شرق» نشان می‌دهد که با وجود اعلام رسمی مبنی بر رفع محدودیت‌ها و بازگشت اینترنت به شرایط پیش از بحران به دستور مسعود پزشکیان، ساختار شبکه همچنان درگیر اختلالات سیستماتیک و رفتارهای متناقض نظارتی است.

این گزارش افزوده بود اختلال گسترده اینترنت در ایران مفهوم اینترنت را از یک شبکه یکپارچه جهانی به مجمع‌الجزایری از ارتباطات ناپایدار، مبهم و فیلترشده تقلیل داده است.

روزنامه «شرق» تأکید کرده بود در حالی که مراجع رسمی داخلی ممکن است وضعیت شبکه را عادی جلوه دهند و قطعی‌ها را به مشکلات موضعی یا فرسودگی تجهیزات ربط دهند، مانیتورهای جهانی رصد اینترنت روایت کاملاً

یافته‌های جدیدترین نظرسنجی ملی مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (ایسپا) نشان می‌دهد ضریب نفوذ اینترنت در میان جامعه بالای ۱۵ سال کشور به ۸۹/۳ درصد رسیده، به‌طوری که معیشت و درآمد بیش از نیمی از کاربران به اینترنت وابسته است.

۲۰/۳ درصد از کاربران، وابستگی معیشت و درآمد خود به اینترنت و شبکه‌های اجتماعی را «زیاد و خیلی زیاد» توصیف کرده‌اند. ۹/۳ درصد میزان این وابستگی را در حد «متوسط» و ۲۵/۸ درصد در حد «کم» ارزیابی کرده‌اند. در مقابل، ۴۳/۵ درصد اعلام کرده‌اند که درآمدشان هیچ‌گونه وابستگی به فضای مجازی ندارد.

اینترنت در ایران از ابتدای سال جاری میلادی به مدت سه هفته در جریان اعتراضات دی ۴۰۴ و سه ماه نیز به علت جنگ اسرائیل و آمریکا با جمهوری اسلامی قطع بوده است. اینترنت در حالی پس از سه ماه قطع کامل، دوباره وصل شد که گزارش‌ها بیانگر تداوم اختلالات از جمله فیلترینگ و کاهش سرعت حکایت دارد.

یافته‌های جدیدترین نظرسنجی ملی مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (ایسپا) نشان می‌دهد ضریب نفوذ اینترنت در میان جامعه بالای ۱۵ سال کشور به ۸۹/۳ درصد رسیده، به‌طوری که معیشت و درآمد بیش از نیمی از کاربران به اینترنت وابسته است.

مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (ایسپا) در اواخر خردادماه امسال طرح سنجش نگرش کاربران درباره شبکه‌های اجتماعی و فناوری‌های ارتباطی را به اجرا گذاشت؛ این نظرسنجی با جامعه نمونه ۴ هزار و ۶۰ نفر از کاربران اینترنت (برگزیده از میان ۴ هزار و ۵۴۵ نفر از افراد بالای ۱۵ سال در مناطق شهری و روستایی کشور) به شیوه مصاحبه حضوری انجام شده است.

تحلیل داده‌های این پیمایش نشان می‌دهد که در حال حاضر ۸۹/۳ درصد از جمعیت بالای ۱۵ سال کشور از اینترنت استفاده می‌کنند و سهم افراد غیرکاربر فقط ۱۰/۷ درصد است. این حجم از نفوذ، نشان‌دهنده تبدیل شدن اینترنت به یک زیرساخت حیاتی و عمومی در سراسر کشور است.

بخش مهمی از این نظرسنجی به سنجش جایگاه اقتصاد دیجیتال در زندگی روزمره ایرانیان اختصاص داشته است. یافته‌های این بخش نشان می‌دهند ۲۰/۳ درصد از کاربران، وابستگی معیشت و درآمد خود به اینترنت و شبکه‌های اجتماعی را «زیاد و خیلی زیاد» توصیف کرده‌اند. ۹/۳ درصد میزان این وابستگی را در حد «متوسط» و ۲۵/۸ درصد در حد «کم» ارزیابی کرده‌اند. در مقابل، ۴۳/۵ درصد اعلام کرده‌اند که درآمدشان هیچ‌گونه وابستگی به فضای مجازی ندارد.

این آمار تأیید می‌کند که معیشت بیش از نیمی از کاربران اینترنت در ایران (۵۵/۴ درصد)، پیوندی مستقیم یا واسطه‌ای با پایداری شبکه و ابزارهای ارتباطی دارد.

بررسی الگوهای رفتاری جامعه در یک سال گذشته نشان می‌دهد که خدمات بومی حوزه اقتصاد دیجیتال به عمق زندگی روزمره مردم نفوذ کرده‌اند: خرید آنلاین و اینترنتی با ۵۷/۱ درصد در صدر رفتارهای دیجیتال کاربران قرار دارد. حمل‌ونقل آنلاین (اسنپ و تپسی) با ۵۵/۵ درصد در رتبه دوم ایستاده است.

آموزش مجازی (۳۷/۹ درصد)، رزرو بلیط، هتل و بوم‌گردی

سرنوشت مبهم محموله‌های دارویی اهدا شده به ایران در جنگ ۴۰ روزه

بیماران برسند، نه اینکه در انبارها یا مراکز درمانی بدون استفاده باقی بمانند.

محمد هاشمی، سخنگوی سازمان غذا و دارو، در گفتگو با «پیام ما» درباره ابهام‌های مطرح‌شده در خصوص اختلاف میان نهادهای مسئول در نحوه توزیع این داروها، می‌گوید: «از منظر سازمان غذا و دارو، بهره‌گیری از هر فرآورده دارویی در شبکه رسمی درمان کشور مستلزم طی شدن الزامات قانونی، فنی و نظارتی است. این الزامات برای حفظ ایمنی بیماران، تضمین اصالت و کیفیت دارو و امکان نظارت بر فرآیند توزیع و مصرف پیش‌بینی شده و در شرایط بحرانی نیز اصل رعایت آن‌ها پابرجاست.»

سخنگوی سازمان غذا و دارو گفته «بدیهی است مدیریت کمک‌های دارویی زمانی به بهترین نتیجه می‌رسد که همه دستگاه‌های مسئول در چارچوب وظایف قانونی خود با هماهنگی کامل عمل کنند. سازمان غذا و دارو همواره بر تقویت این هماهنگی تأکید داشته و هر اقدامی که به تسریع دسترسی بیماران به دارو، در عین حفظ استانداردهای ایمنی، منجر شود، مورد حمایت این سازمان است.»

هاشمی یادآور می‌شود: «درباره هرگونه ادعا پیرامون نحوه توزیع یا استفاده از داروهای اهدایی، اظهار نظر مستلزم بررسی مستندات و گزارش‌های رسمی است و قضاوت بر اساس روایت‌های غیررسمی یا گمانه‌زنی‌ها نمی‌تواند مبنای تصمیم‌گیری یا اطلاع‌رسانی باشد.»

برخلاف این اظهارات آنچه ابهام درباره داروها و تجهیزات پزشکی اهدا شده از سوی ۱۸ کشور و نهاد بین‌المللی را برجسته می‌کند سخنان همایون سامه‌بیج نجف‌آبادی عضو کمیسیون بهداشت مجلس شورای اسلامی درباره قاچاق دارو از ایران است.

این نماینده مجلس شورای اسلامی در سخنانی قابل توجه با اشاره به اینکه «بعضی وقت‌ها داروها به صورت کامیونی از مرز خارج می‌شود. دارو در حجم‌های بالا و کم از مرز خارج می‌شود» توضیح داده که «بی‌رودریابیستی از کارخانه، شرکت‌های پخش و داروخانه‌ها است. البته اگر شرکت پخش بخواهد قاچاق دارو انجام دهد، با همکاری داروخانه اتفاق می‌افتد. یعنی همکاری داروخانه با شرکت پخش می‌تواند به نحوی انجام شود و دارو از این طریق خارج شود.»

همایون سامه‌بیج نجف‌آبادی افزوده «دارو به صورت سامسونتی هم قاچاق انجام می‌شود. متأسفانه تعدادی از کسانی که از عراق وارد ایران می‌شدند، در حد مجاز مسافری دارو با خود می‌بردند. اما تعجب من این است که داروهای خاص در سامانه تی‌تک ثبت هستند و وزارت بهداشت و همچنین دستگاه‌های نظارتی، از جمله وزارت اطلاعات، روی این موضوع متمرکز هستند و به این راحتی نمی‌شود داروهای بیماران خاص که در کشور با مشکلات عظیمی روبروست را از نظر وزارت بهداشت، بازرسی وزارت بهداشت و همچنین وزارت اطلاعات دور نگه داشت.»

ساختار ناکارآمد و نبود نهادهای نظارتی کارآمدی، اکنون احتمال قاچاق داروهایی که از سوی چند کشور و نهاد بین‌المللی در طول جنگ به ایران اهدا شده را افزایش داده است؛ احتمالی که اظهارنظر خنثی و محتاطانه رئیس سازمان غذا و دارو درباره سرنوشت این محموله‌های دارویی هم آن را افزایش می‌دهد.



در این میان خبری نیز درباره سرنوشت مبهم داروهایی که در جریان جنگ ۴۰ روزه از سوی ۱۸ کشور و نهاد بین‌المللی به ایران ارسال شد منتشر شده است. این در حالیست که با توجه به کمبود شدید دارو قرار بود این داروها بخشی از نیاز بیمارستان‌ها و مراکز درمانی را در شرایط بحرانی تأمین کند.

مقامات هلال احمر و وزارت بهداشت اعلام کرده‌اند بخش عمده اقلام اهدایی از سوی دیگر کشورها و نهادهای بین‌المللی شامل داروهای اورژانسی، تجهیزات پزشکی، ملزومات مصرفی بیمارستانی، سرم، پانسمان و اقلام مورد نیاز درمان مجروحان بود.

از سوی دیگر تاکنون گزارش رسمی و جامعی درباره جزئیات توزیع هر یک از محموله‌ها، میزان مصرف، ارزش ریالی کمک‌ها یا موجودی باقی‌مانده آن‌ها منتشر نشده و اطلاعات موجود به اظهارنظرهای کلی مسئولان محدود است.

روزنامه «پیام ما» گزارش داده بخشی از داروهای اهدایی به دلیل نداشتن کد رهگیری «تیتک» (TTAC)، امکان ورود به چرخه مصرف در برخی مراکز درمانی را پیدا نکرده و همچنان بلااستفاده باقی مانده است. سامانه «تیتک» بستر رسمی رهگیری و اصالت‌سنجی دارو در کشور است و تمامی اقلام دارویی برای توزیع و مصرف رسمی باید در این سامانه ثبت شوند. در صورت صحت این موضوع، نبود کد رهگیری می‌تواند مانعی برای تحویل دارو به بیماران و استفاده از آن‌ها در بیمارستان‌ها باشد.

در گزارش روزنامه «پیام ما» آمده اگر داروهایی که در شرایط جنگی و برای پاسخ به نیازهای فوری نظام سلامت وارد کشور شده‌اند، به دلیل اختلاف رویه‌های اداری یا نبود هماهنگی میان نهادهای متولی از دسترس بیماران خارج شده باشند، پرسش‌های جدی درباره مدیریت بحران و سازوکار استفاده از کمک‌های بین‌المللی مطرح خواهد شد. در چنین شرایطی، ارزش واقعی این کمک‌ها تنها زمانی محقق می‌شود که در کوتاه‌ترین زمان ممکن به دست

بیش از ۱۸ کشور و نهاد بین‌المللی در جریان جنگ ۴۰ روزه، ده‌ها تن دارو و تجهیزات پزشکی در قالب کمک‌های بشردوستانه به ایران اهدا کردند اما همچنان سرنوشت بخش زیادی از این محموله‌ها مبهم است.

یک عضو کمیسیون بهداشت مجلس شورای اسلامی فاش کرده که شرکت پخش با همکاری داروخانه می‌تواند دارو قاچاق کند و گاهی دارو با کامیون از مرزهای ایران خارج، و قاچاق می‌شود.

کمبود و گرانی دارو روند درمان میلیون‌ها شهروند در ایران را با اختلال روبرو کرده است. ناکارآمدی مدیریتی دولت در تخصیص ارز مورد نیاز واردات دارو و مواد اولیه مورد نیاز شرکت‌های داروسازی، در کنار تورم عمومی اقتصاد، از جمله دلایل افزایش قیمت و کمبود دارو بوده است.

از سوی دیگر تأخیر در پرداخت مطالبات داروخانه‌ها و بیمارستان‌های دولتی، تخصیص نیافتن به‌موقع یارانه‌های دارو و مشکلات مربوط به تخصیص ارز واردات مواد اولیه سبب تشکیل بدهی سنگین دولت به داروسازان شده است.

بیش از ۱۸ کشور و نهاد بین‌المللی در جریان جنگ ۴۰ روزه، با ارسال دارو و تجهیزات پزشکی در قالب کمک‌های بشردوستانه، برای تأمین نیازهای درمانی ایران در شرایط بحرانی اقدام کردند. با گذشت هفته‌ها از ارسال این محموله‌ها، اما سرنوشت بخشی از آنها همچنان در حاله‌ای از ابهام قرار دارد. در آنسو یک عضو کمیسیون بهداشت مجلس شورای اسلامی فاش کرده که شرکت پخش با همکاری داروخانه می‌تواند دارو قاچاق کند و گاهی دارو با کامیون از مرزهای ایران خارج، و قاچاق می‌شود.

کمبود و گرانی دارو روند درمان میلیون‌ها شهروند در ایران را با اختلال روبرو کرده است. ناکارآمدی مدیریتی دولت در تخصیص ارز مورد نیاز واردات دارو و مواد اولیه مورد نیاز شرکت‌های داروسازی، در کنار تورم عمومی اقتصاد، از جمله دلایل افزایش قیمت و کمبود دارو بوده است.

از سوی دیگر تأخیر در پرداخت مطالبات داروخانه‌ها و بیمارستان‌های دولتی، تخصیص نیافتن به‌موقع یارانه‌های دارو و مشکلات مربوط به تخصیص ارز واردات مواد اولیه سبب تشکیل بدهی سنگین دولت به داروسازان شده است. در حالیکه فعالان صنعت داروسازی امیدوار بودند دولت دست‌کم برای جلوگیری از تشدید بحران در بخش دارویی کشور بخشی از این بدهی را پرداخت کند، وزیر اقتصاد آب پاکی را روی دست داروسازان ریخت.

علی مدنی‌زاده وزیر امور اقتصادی و دارایی درباره پرداخت مطالبات و بدهی‌های حوزه دارو گفته است: «ابتدا باید میزان واقعی بدهی‌ها از طریق حسابرسی مشخص شود و سپس تعهدات دولت در قبال هر بخش تعیین تکلیف شود تا منابع لازم برای پرداخت آن در لایحه بودجه ۱۴۰۶ پیش‌بینی شود.»

علی مدنی‌زاده افزوده «در بودجه ۱۴۰۵ منبعی برای پرداخت این بدهی‌ها در نظر گرفته نشده است و دولت نیز خارج از چارچوب قانون، امکان تخصیص اعتبار ندارد. البته اگر منابع جدیدی ایجاد شود یا گشایش‌های ارزی حاصل شود، تلاش خواهیم کرد با دریافت مجوزهای لازم، امکان پرداخت بخشی از این مطالبات را فراهم کنیم.»

وضعیت بازار مسکن بحرانی تر می شود؛ قیمت مصالح ساختمانی طی چند ماه بیش از دو برابر شد



قیمت‌ها روبروست. تورم در بازار مسکن که در اکثر ماه‌ها بالاتر از تورم عمومی اقتصاد بوده در عمل برنامه‌ریزی خانوارها برای خرید مسکن را مختل کرده است. از سوی دیگر رقم وام‌های خرید مسکن نیز هیچ تناسبی با قیمت مسکن ندارد و اقساط سنگین این وام‌ها نیز با درآمد خانوارهای حقوق‌بگیر همخوانی ندارد. در بازار اجاره‌بها نیز ارقام اجاره مسکن متناسب با افزایش قیمت مسکن افزایش یافته بطوریکه جمعیت بیش از ۴۰ میلیونی مستأجران در ایران حتی برای اجاره یک مسکن مناسب نیز با مشکل روبرو هستند. کارشناسان بازار مسکن معتقدند بحران کنونی در بازار مسکن حاصل سال‌ها بی‌تفاوتی سیاست‌گذاران حکومت است.

بیت‌الله ستاریان کارشناس بازار مسکن در گفتگو با «اقتصاد نیوز» گفته: «این فاجعه‌ای که امروز با میانگین قیمت بیش از ۲۳۰ میلیون تومان برای هر مترمربع مسکن در تهران مشاهده می‌کنیم، اتفاقی بود که شاید ۱۵ تا ۲۰ سال پیش آن را پیش‌بینی کرده بودیم؛ اما کسی به آن توجه نمی‌کرد و حتی طرح چنین موضوعی نیز برای بسیاری غیرقابل تصور بود.»

بیت‌الله ستاریان افزود: «وقتی با نیاز بالایی در بخش مسکن مواجه هستیم و در عین حال میانگین قیمت هر مترمربع مسکن در تهران به حدود ۲۳۰ تا ۲۴۰ میلیون تومان رسیده است، باید توجه داشت که اگر پنج سال پیش کسی چنین رقمی را مطرح می‌کرد، احتمالاً او را متهم به اغراق یا حتی دیوانگی می‌کردند. بنابراین، این یک فاجعه است و متأسفانه فاجعه‌های بعدی نیز در راه است. امروز در برخی مناطق تهران قیمت هر مترمربع به ۸۰۰ میلیون تومان، یک میلیارد تومان یا حتی ۵۰۰ میلیون تومان رسیده و در مناطق میانی شهر نیز ارقامی بین ۴۰۰ تا ۵۰۰ میلیون تومان مشاهده می‌شود. طبیعی است که با چنین قیمت‌هایی، متقاضیان واقعی مسکن دیگر توان ورود به بازار را ندارند.»

این کارشناس بازار مسکن تأکید کرد: «وقتی به

به افزایش شدید هزینه‌های ساخت پس از جنگ ۴۰ روزه، از افزایش دست‌کم ۱۰۰ درصدی قیمت مصالح ساختمانی و جهش دستمزد نیروی کار خبر داد و گفت: «در شرایط فعلی سازندگان امکان آغاز پروژه‌های جدید را ندارند و تنها تلاش می‌کنند پروژه‌های نیمه‌تمام را به پایان برسانند.»

وی افزایش قیمت مصالح ساختمانی در ماه‌های اخیر را بی‌سابقه خوانده و گفته: «در برخی اقلام مرتبط با محصولات پتروشیمی، این افزایش حتی از ۱۰۰ درصد نیز فراتر رفته است. تنها در طول ۴۰ روز جنگ، قیمت میلگرد حدود ۲۳ میلیون تومان افزایش پیدا کرد که گونه‌ای از جهش بی‌سابقه قیمت مصالح ساختمانی در این مدت است.»

این فعال صنفی همچنین افزایش دستمزد نیروی کار را فشار مضاعفی بر سازندگان مسکن عنوان کرده است: «پیش از جنگ، دستمزد روزانه یک کارگر ساده بین یک میلیون و ۲۰۰ هزار تا یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان بود، اما اکنون این رقم به حدود ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان رسیده است. همچنین دستمزد نیروهای فنی نیز به حدود ۴ تا ۴/۵ میلیون تومان در روز افزایش یافته است.»

افزایش هزینه‌ها سبب افزایش هزینه ساخت مسکن و در نهایت افزایش هزینه تمام‌شده قیمت مسکن شده است. به گفته ایرج رهبر، «در حال حاضر، حتی در بهترین شرایط، هزینه ساخت هر مترمربع به حدود ۵۵ میلیون تومان رسیده و در برخی پروژه‌ها بین ۶۰ تا ۷۰ میلیون تومان نیز برآورد می‌شود.»

رئیس انجمن صنفی انبوه‌سازان تهران تأکید کرد: «با توجه به شرایط فعلی، سازندگان تمایلی به آغاز پروژه‌های جدید ندارند و امکان ورود به ساخت و سازهای تازه برای آنها وجود ندارد. در حال حاضر، اولویت فعالان این بخش تکمیل پروژه‌های نیمه‌تمام است تا این پروژه‌ها بیش از این تحت تأثیر تورم و افزایش هزینه‌ها قرار نگیرند.»

در آنسو اما بازار مسکن ایران چه در بخش خرید و فروش و چه در بخش اجاره سال‌هاست با افزایش سرسام‌آور

ایرج رهبر، رئیس انجمن صنفی انبوه‌سازان تهران، گفته، قیمت مصالح ساختمانی از جنگ ۴۰ روزه تا کنون حداقل دو برابر افزایش یافته و «در برخی اقلام مرتبط با محصولات پتروشیمی، این افزایش حتی از ۱۰۰ درصد نیز فراتر رفته است.»

تورم در بازار مسکن که در اکثر ماه‌ها بالاتر از تورم عمومی اقتصاد بوده در عمل برنامه‌ریزی خانوارها برای خرید مسکن را مختل کرده است. از سوی دیگر رقم وام‌های خرید مسکن نیز هیچ تناسبی با قیمت مسکن ندارد و اقساط سنگین این وام‌ها نیز با درآمد خانوارهای حقوق‌بگیر همخوانی ندارد.

در بازار اجاره‌بها نیز ارقام اجاره مسکن متناسب با افزایش قیمت مسکن افزایش یافته بطوریکه جمعیت بیش از ۴۰ میلیونی مستأجران در ایران حتی برای اجاره یک مسکن مناسب نیز با مشکل روبرو هستند.

بیت‌الله ستاریان کارشناس بازار مسکن: این فاجعه‌ای که امروز با میانگین قیمت بیش از ۲۳۰ میلیون تومان برای هر مترمربع مسکن در تهران مشاهده می‌کنیم، اتفاقی بود که شاید ۱۵ تا ۲۰ سال پیش آن را پیش‌بینی کرده بودیم؛ اما کسی به آن توجه نمی‌کرد و حتی طرح چنین موضوعی نیز برای بسیاری غیرقابل تصور بود.

افزایش ۱۰۰ درصدی قیمت مصالح ساختمانی و افزایش هزینه دستمزد دو عامل اساسی در افزایش هزینه ساخت مسکن در ایران است. بازار مسکن در حالی با رکود تورمی عمیق روبروست که به گفته فعالان صنعت ساختمان افزایش قیمت تمام‌شده مسکن به علت افزایش هزینه ساخت سبب افزایش قیمت مسکن می‌شود؛ موضوعی که رکود در بازار خرید و فروش ملک را عمیق‌تر و اجاره‌بهای مسکن را هم افزایش خواهد داد.

ایرج رهبر، رئیس انجمن صنفی انبوه‌سازان تهران، روز سه‌شنبه ۱۳ مرداد ۱۴۰۵ در گفتگو با خبرگزاری ایلنا با اشاره

خسارت هنگفت صنایع و کسب‌وکارها به علت قطع برق؛ وعده سر خرمن وزیر نیرو

این کاسب دلچانی گفته بود طبق جدول اعلامی، قرار بود برق واحد صنعتی‌اش هر روز از ساعت ۱۶ تا ۱۸ قطع شود. او نیز بر همین اساس و با برنامه‌ریزی دقیق، یک موتور برق تهیه کرده و شیفت کاری خود را به گونه‌ای هماهنگ کرده بود که کمترین آسیب را ببیند. اما در آن روز خاص، جریان برق به طور ناگهانی در ساعت ۱۴ قطع شد و هیچ فرصتی برای راه‌اندازی ژنراتور و نجات محصولات باقی نگذاشت.

وبسایت «فرارو» در همین رابطه گزارش داده وقتی برق بدون اطلاع قبلی قطع می‌شود، خسارت آن به چند ساعت توقف فعالیت محدود نمی‌ماند. برای برخی، نتیجه آن نابودی مواد اولیه، تلف شدن دام و طیور، فساد کالاها و از بین رفتن سرمایه‌ای است که شاید سال‌ها برای به دست آوردنش تلاش کرده‌اند.

در این گزارش آمده از اوایل تیر موج جدید خاموشی‌ها در مناطق مختلف کشور آغاز شد. هم‌زمان با این بی‌برقی‌های گسترده، روایت‌های تلخی به گوش رسید که نشان می‌داد معنای این قطعی‌ها صرفاً چند ساعت تاریکی و تحمل گرما نبوده است، بلکه به معنای از دست رفتن همه سرمایه و امید کسب‌وکارهای کوچک و بزرگی بود که در میانه رکود بی‌سابقه اقتصادی، با زحمت و خون‌دل فراوان شکل گرفته بودند.

این گزارش افزوده در برخی مناطق شهری، شهروندان و کسبه می‌گویند خاموشی‌ها غالباً بدون هیچ‌گونه اطلاع‌رسانی قبلی و کاملاً خارج از برنامه‌های اعلام شده رخ می‌دهد. همچنین تأکید شده قطع مکرر برق که عمدتاً در ساعات ۱۲ تا ۱۴ و دقیقاً در اوج گرمای روز اتفاق می‌افتد، زندگی روزمره و روند تولید را به شدت مختل کرده است.

بخشی از این گزارش به خسارت ناشی از قطع برق در مرغداری‌ها و دامداری‌ها پرداخته و نوشته در استان خوزستان و در شرایطی که دماسنج‌ها گرمای بالای ۵۰ درجه سانتی‌گراد را ثبت می‌کنند، قطعی برق برای مرغداران معنایی جز یک فاجعه ندارد. این اتفاق نه تنها چرخه تولید را متوقف کرده، بلکه در عرض چند دقیقه تمام سرمایه زنده یک واحد تولیدی را به کام مرگ کشانده است. هرچند که با توجه به بحران مزمن ناترازی برق در کشور، این موضوع دیگر پدیده جدیدی محسوب نمی‌شود.

در روزهای گذشته نیز تصاویر و روایت‌هایی از مرغداری‌های مناطق جنوبی کشور منتشر شد که نشان می‌داد در اثر قطع ناگهانی برق، سیستم‌های حساس تهویه و سرمایش سالن‌ها از کار افتاده و طیور به دلیل خفگی و گرم‌زدگی تلف شده‌اند.

قطع برق هزینه‌های بخش‌های مختلف اقتصاد را در ابعادی متفاوت افزایش داده است. بر اساس گزارش «فرارو» بسیاری از صاحبان کسب‌وکارهای خرد و متوسط تأکید می‌کنند که توصیه مدام مسئولان به خرید موتور برق و ژنراتور، راه‌حل واقع‌بینانه‌ای برای عبور از این بحران نیست. برآوردهای بازار نشان می‌دهد که قیمت یک دستگاه ژنراتور دیزلی بین ۸۰۰ میلیون تا یک میلیارد تومان و حتی فراتر از آن متغیر است.

در اینباره حمیدرضا کوچک کاشانی، رئیس هیئت مدیره اتحادیه مرغداران مرغ تخم‌گذار، گفته مرغداران در شرایط قطع برق ناچار به استفاده مداوم از ژنراتورها ←

● قطع برق در بخش صنعت بلافاصله پس از تعطیلات نوروز در صنایع سیمان آغاز و به مرور تا آخر بهار به دیگر بخش‌های صنعت گسترش یافت.

● در بخش کشاورزی نیز قطع برق سبب از کار افتادن پمپ آب و تجهیزات در مرغداری‌ها و دامپروری‌ها شده و خسارت زیادی را به بار آورده است.

● پیمان عالمی رئیس اتاق اصناف کشاورزی افزوده پیش‌بینی می‌شود با توجه به مدیریت وزارت نیرو در حوزه برق و آب، و قطع پی‌درپی برق در بخش کشاورزی حدود ۳۰ درصد محصولات کشاورزی تحت‌تأثیر آن از بین برود.

● در این میان کسب‌وکارها و کارگاه‌های کوچک‌مقیاس مستقر در محدوده شهری مانند تولیدی‌های کفش و لباس به علت جیره‌بندی برق بخش خانگی با خاموشی‌های طولانی‌مدت در طول روز روبرو هستند.

● بسیاری از صاحبان کسب‌وکارهای خرد و متوسط تأکید می‌کنند که توصیه مدام مسئولان به خرید موتور برق و ژنراتور، راه‌حل واقع‌بینانه‌ای برای عبور از این بحران نیست. برآوردهای بازار نشان می‌دهد که قیمت یک دستگاه ژنراتور دیزلی بین ۸۰۰ میلیون تا یک میلیارد تومان و حتی فراتر از آن متغیر است.

جیره‌بندی برق در بخش صنعت، کشاورزی و خانگی سبب بروز خسارت گسترده‌ای به اقتصاد کشور شده و به تهدیدی علیه واحدهای بزرگ صنعتی و تولیدی و کشاورزی را در کنار کسب‌وکارها و کارگاه‌های کوچک‌مقیاس درون شهرها شده است. در همین حال وزیر نیرو در نشستی با اعضای کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی وعده داده از چند هفته آینده قطع برق پایان یابد.

خسارت اقتصادی ناشی از جیره‌بندی برق امسال بیش از سال گذشته برآورد شده است. قطع برق در بخش صنعت بلافاصله پس از تعطیلات نوروز در صنایع سیمان آغاز و به مرور تا آخر بهار به دیگر بخش‌های صنعت گسترش یافت. در بخش کشاورزی نیز قطع برق سبب از کار افتادن پمپ آب و تجهیزات در مرغداری‌ها و دامپروری‌ها شده و خسارت زیادی را به بار آورده است. در این میان کسب‌وکارها و کارگاه‌های کوچک‌مقیاس مستقر در محدوده شهری مانند تولیدی‌های کفش و لباس به علت جیره‌بندی برق بخش خانگی با خاموشی‌های طولانی‌مدت در طول روز روبرو هستند.

یکی از مهمترین دلایل تشدید خسارت‌های ناشی از قطع برق بی‌نظمی و پایبند نبودن وزارت نیرو در ساعات اعلام شده برای قطع برق مناطق مختلف است. در هفته‌های گذشته گزارش‌هایی منتشر شده که نشان می‌دهد در برخی محله‌ها برق در ساعاتی متفاوت با ساعات اعلام شده از سوی وزارت نیرو قطع می‌شود و برخی مناطق نیز با دو بار قطع برق در طول شبانه‌روز روبرو هستند که یکبار آن اصلاً از پیش اعلام نمی‌شود.

برای نمونه هفته سوم تیرماه ویدیویی از یک مغازه‌دار در شهر دلچان منتشر شد که با استیصال نشان می‌داد که چگونه قطع برق خارج از برنامه، حدود ۱۸۰ کیلوگرم از بستی‌های تولیدی‌اش را به طور کامل از بین برده و خسارت مالی جبران‌ناپذیری به کسب‌وکار کوچک او وارد کرده است.

→ حقوق و درآمد خانوارها نگاه می‌کنیم و از سوی دیگر رکود گسترده‌ای را در اقتصاد می‌بینیم، چگونه می‌توان انتظار داشت که این بخش به سمت توسعه و رونق حرکت کند؟ علاوه بر این، طی حدود دو الی سه سال گذشته رکود عمیقی در بخش مسکن حاکم بوده است. در نتیجه، با وجود آنکه نیاز سالانه کشور حدود یک میلیون واحد مسکونی است، تولید به حدود ۳۰۰ هزار واحد محدود شده و حتی در دو الی سه سال اخیر نیز سقف تولید از ۳۰۰ هزار واحد فراتر نرفته است. این یعنی کسری مسکن سال‌به‌سال در حال انباشت است.»

به عقیده این کارشناس، اندک معاملات مسکن که در حال حاضر انجام می‌شود نتیجه «کوچ معکوس منفی» به علت تورم در اقتصاد و کاهش قدرت خرید خانوار است: «در چنین شرایطی با نوعی «کوچ معکوس منفی» مواجه هستیم. به این معنا که افرادی که پیشتر در مناطق بالای شهر زندگی می‌کردند، به مناطق میانی نقل مکان می‌کنند؛ ساکنان مناطق میانی به پایین شهر یا حاشیه شهر می‌روند و بخشی نیز ناچار به مهاجرت به شهرهای کوچک‌تر می‌شوند. حتی اگر در گذشته افراد برای «تبدیل به احسن» کردن خانه خود اقدام می‌کردند و به دنبال خرید واحدی بهتر یا امروز شرایط کاملاً برعکس شده است؛ افراد خانه بهتر یا بزرگ‌تر خود را می‌فروشدند و واحدی کوچک‌تر یا در منطقه‌ای پایین‌تر خریداری می‌کنند تا بخشی از سرمایه برایشان باقی بماند و بتوانند معامله را انجام دهند. اکنون بخش قابل توجهی از معاملات بازار نیز با همین منطق صورت می‌گیرد.»

بیت‌الله ستاریان از یک روند فزاینده تورم در بخش مسکن خبر داده و گفته پیامد این روند، از یکسو خروج سرمایه از بخش مسکن خواهد بود و از سوی دیگر، کاهش تولید و در نهایت افزایش شدید قیمت مسکن در سال‌های آینده را به دنبال خواهد داشت.

خبرگزاری تابناک نیز گزارش داده بحران مسکن دیگر تنها یک مسئله معماری یا شهرسازی نیست، بلکه به یک بحران معیشتی تبدیل شده که مستقیماً سفره‌های مردم را هدف قرار داده است. وقتی قیمت زمین با سوداگری بالا می‌رود و وام‌های بانکی با اقساط غیرقابل پرداخت، متقاضیان را در بن‌بست مالی قرار می‌دهند، باید پذیرفت که در این بازی، بازنده‌ی اصلی اقشار کم‌درآمدی هستند که حتی حق رؤیای داشتن یک سرپناه ارزان را از دست داده‌اند.

در این میان اما نمایندگان مجلس شورای اسلامی که قانونگذاران در حوزه مسکن هستند، انگشت اتهام را به سوی دولت می‌گیرند که دست مافیاهای بازار مسکن را باز گذاشته است. دولت نیز هرچند مدت یکبار یک طرح حمایتی از بازار مسکن تدوین و رونمایی و اجرا می‌کند که در نهایت، بدون نزدیک شدن به اهداف تعریف شده، با شکست روبرو می‌شود.

عباس صوفی عضو کمیسیون عمران مجلس شورای اسلامی در گفتگو با تابناک گفته: «قیمت زمین به دلیل سوداگری به شدت بالا رفته و در مقابل، بانک‌ها از پرداخت وام‌های مورد نیاز طفره می‌روند و درحال حاضر که با کسری بیش از ۵ میلیون واحد مسکونی مواجه هستیم؛ وضعیتی که عرضه و تقاضا را به شدت به هم ریخته و بازار را به فضای آشفته‌گی کشانده است.»

او در انتقادی شدید از ساختارهای نظارتی بیان کرد: «دیگر کار از شورای مسکن که سالی یکبار تشکیل می‌شود گذشته است و این ساختار ناکارآمد است و در این میان، هزینه مسکن مستقیماً وارد سفره مردم شده و معیشت آنها را تحت تأثیر قرار داده است.»

آروین خیرخواه، از بازداشت شدگان اعتراضات دی ۴۰۴، در شاهرود اعدام شد

● جمهوری اسلامی حکم اعدام آروین خیرخواه، از بازداشت شدگان اعتراضات دی ۴۰۴، را سحرگاه شنبه ۱۰ مرداد ۱۴۰۵ در شهر شاهرود اجرا کرد.

● آروین خیرخواه ۱۹ ساله با اتهامات «محرابه» و «افساد فی الارض» روبرو شده بود. نهادهای امنیتی در کیفرخواست او را متهم به حمله به مسجد در جریان اعتراضات دی ۴۰۴ کرده بودند.

● بر اساس گزارشها آروین خیرخواه هفتم مرداد به سلول انفرادی منتقل شده بود. خانواده و دوستان او شامگاه جمعه نهم مرداد به علت نگرانی از اجرای حکم اعدام این جوان در مقابل زندان شاهرود تجمع و تحصن کرده بودند.



● جمهوری اسلامی صدور و اجرای احکام زندان علیه بازداشت شدگان اعتراضات دی ۴۰۴ را بطور سازمانیافته سرعت داده است. به گزارش منابع حقوق بشری از دی ۴۰۴ تا کنون دست کم ۲۱ تن از بازداشتیهای اعتراضات به بهانه ارتکاب جرائم علیه امنیت ملی اعدام شدهاند.

جمهوری اسلامی حکم اعدام آروین خیرخواه، از بازداشت شدگان اعتراضات دی ۴۰۴، را سحرگاه شنبه ۱۰ مرداد ۱۴۰۵ در شهر شاهرود اجرا کرد.

در ادامه اجرای احکام اعدام بازداشت شدگان اعتراضات دی ۴۰۴، بامداد امروز شنبه دهم مرداد ۱۴۰۵، آروین خیرخواه در شهر شاهرود اعدام شد. آروین خیرخواه ۱۹ ساله با اتهامات «محرابه» و «افساد فی الارض» روبرو شده بود. نهادهای امنیتی در کیفرخواست او را متهم به حمله به مسجد در جریان اعتراضات دی ۴۰۴ کرده بودند.

بر اساس گزارشها آروین خیرخواه هفتم مرداد به سلول انفرادی منتقل شده بود. خانواده و دوستان او شامگاه جمعه نهم مرداد به علت نگرانی از اجرای حکم اعدام این جوان در مقابل زندان شاهرود تجمع و تحصن کرده بودند. روند رسیدگی به پرونده آروین خیرخواه، از جمله شعبه رسیدگی کننده، نحوه دسترسی متهم به وکیل و جزئیات

بیش از ۱۰۰ میلیون تومان هزینه روی دست شرکتها میگذارد.

یکی از مدیران یک شرکت خصوصی با انتقاد از این وضعیت میگوید: «مگر ما در ماه پقدر حاشیه سود و درآمد داریم که بخواهیم صرفاً برای مقابله با قطعی برق شبکه، هزینههای میلیاردری متحمل شویم؟ شاید پرداخت این ارقام برای برخی کسبوکارهای کلان زیاد نباشد، اما قاطبه شرکتها حتی یکدهم این مبلغ را هم به عنوان نقدینگی آزاد در اختیار ندارند.»

رقم خسارت وارد شده به بخشهای مختلف اقتصاد ایران به علت جیرهبندی برق در بهار و تابستان امسال هنوز محاسبه نشده است اما شواهد نشان میدهد رقم خسارت نسبت به سالهای گذشته با افزایش روبرو خواهد شد. اینهمه در حالیست که وزیر نیرو وعده سر خرمن داده که

→ شدهاند. او توضیح داده این ژنراتورها نه تنها هزینه هنگفتی برای تأمین سوخت به تولیدکننده تحمیل میکنند، بلکه در اثر کارکرد طولانی مدت به سرعت دچار استهلاک قطعات میشوند. علاوه بر این، بروکراسی پیچیده تأمین سهمیه گازوئیل صنعتی باعث شده تا سوخت رسانی به این موتورها به یک چالش فرساینده تبدیل شود.

فعالان بخش کشاورزی نیز هشدار دادهاند قطع ۵ ساعته برق چاههای کشاورزی و افزایش قیمت ۴۰۰ برابری قبوض چاهها، تهدید جدی برای تولید است.

پیمان عالمی رئیس اتاق اصناف کشاورزی گفته «وزارت نیرو برای رفع ناترازی انرژی و برق، امروز حوزه کشاورزی و قطع برق چاههای آب کشاورزی را در اولویت قرار داده است، در حالیکه قطع برق چاههای آب کشاورزی بیشتر به منابع زیرزمینی و سفرههای زیرزمینی آسیب وارد میکند که



از چند هفته دیگر جیرهبندی برق پایان مییابد. رضا سپهوند سخنگوی کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی با اشاره به نشست اعضای این کمیسیون با عباس علیآبادی گفته «از اول مهرماه امسال و به شرط تداوم شرایط فعلی، هیچگونه قطعی برقی برای بخش خانگی نخواهیم داشت. همچنین پیشبینی شده است که تا سال آینده، ناترازی برق در تمامی حوزهها بهطور کامل برطرف شود.»

در اظهاراتی دیگر، عباس علیآبادی شامگاه دوشنبه دوازدهم مرداد از اضافه شدن هزار مگاوات ظرفیت جدید نیروگاهی به شبکه سراسری برق کشور طی هفته گذشته خبر داد و گفت «این ظرفیت جدید در راستای برنامههای وزارت نیرو برای افزایش تولید برق، کاهش ناترازی و ارتقای پایداری شبکه وارد مدار شده است.»

وزیر نیرو دولت پزشکیان البته در اوایل زمستان گذشته نیز ادعا کرده بود که در سال ۱۴۰۵ قطع و جیرهبندی برق رخ نخواهد داد اما تنها چند هفته بعد و درست پس از پایان تعطیلات نوروز جیرهبندی برق در بخش صنعت آغاز شد!

هزینه آن متوجه وزارت نیرو می شود.»

او با بیان اینکه هر بار قطع برق منجر به تلف شدن بخشی منابع می شود، توضیح داده با هر خاموشی برای استحصال دوباره آب یک ساعت زمان نیاز است و از طرفی قطعی مداوم برق به جداره و دیواره چاهها آسیب میزند که برای تعمیر و حفاری مجدد هزینهبر بوده که خود صدور مجوز نیز مشکلات خود را دارد.

رئیس اتاق اصناف کشاورزی افزوده پیشبینی می شود با توجه به مدیریت وزارت نیرو در حوزه برق و آب حدود ۳۰ درصد محصولات کشاورزی تحت تأثیر آن از بین برود.

حتی برای کسبوکارهای اداری و دفتری که صرفاً بخواهند تجهیزات رایانهای خود را با دستگاههای تأمین برق بدون وقفه (UPS) روشن نگه دارند، هزینه اولیه تجهیز شبکه ای متناسب، به ارقامی بین ۱۰۰ تا ۷۰۰ میلیون تومان میرسد. چالش بزرگتر این است که باتریهای این دستگاهها طول عمر محدودی دارند و هر چند سال یکبار نیازمند تعویض هستند؛ باتریهایی که خرید مجدد هر یک از آنها امروزه

جمهوری اسلامی امید بهزاد و پوریا صفوت را به اتهام «جاسوسی با اسرائیل» اعدام کرد

اقدام به تصویربرداری و ارسال تصویر سامانه‌های پدافندی از پشت‌بام‌های بلند برای شبکه اینترنت‌نشان کرده بود. قوه قضاییه جمهوری اسلامی در حالی مدعی شده احکام اعدام صادر شده علیه امید بهزاد و پوریا صفوت بر اساس «محتویات پرونده، مستندات موجود، اقرار صریح متهمان و سایر ادله قانونی» صادر شده که روند دادرسی و شیوه اعتراف‌گیری از آنها در هاله‌ای از ابهام قرار دارد.

«مرکز آموزش و مشاوره حقوقی دادبان» نیز با انتشار خبر اعدام امید بهزاد و پوریا صفوت نوشته «با توجه به فقدان هرگونه اطلاع‌رسانی پیشین درباره بازداشت این دو شهروند، هیچگونه اطلاعاتی از چگونگی دستگیری و نحوه رسیدگی به پرونده آنان وجود ندارد. در عین حال سابقه قوه قضاییه جمهوری اسلامی در انتساب اتهامات این چنینی به شهروندان از سناریونیسی و پرونده‌سازی حکایت دارد.»

«دادبان» افزوده «همچنین با توجه به سابقه قوه قضاییه

● خبرگزاری «میزان» وابسته به قوه قضاییه جمهوری اسلامی از اجرای حکم اعدام امید بهزاد و پوریا صفوت در سحرگاه دوشنبه ۱۲ مرداد ۱۴۰۵ خبر داد.

● در گزارش خبرگزاری «میزان» ادعا شده این دو شهروند ایرانی متهم به «ارسال اطلاعات و مختصات مراکز نظامی و امنیتی برای افسران موساد در جریان جنگ ۱۲ روزه» بوده‌اند.

● از ابتدای جنگ ۴۰ روزه هزاران شهروند با اتهامات امنیتی سنگین از جمله «جاسوسی»، «همکاری با دشمن» و «ارتباط با دشمن» بازداشت شده‌اند که بیم صدور حکم اعدام علیه این شهروندان نیز وجود دارد.

قوه قضاییه جمهوری اسلامی از اعدام دو زندانی سیاسی به نام‌های امید بهزاد و پوریا صفوت خبر داده است. قوه قضاییه مدعی شده اتهام این دو جوان «جاسوسی» و «همکاری اطلاعاتی» با اسرائیل از طریق «ارسال تصاویر



در استفاده گسترده از احکام اعدام، به‌ویژه در مقاطع بحرانی و پس از اعتراضات یا درگیری‌های نظامی، استمرار این روند بیش از آنکه صرفاً جنبه کیفری داشته باشد، در راستای سیاست ایجاد رعب، سرکوب مخالفان و ارعاب جامعه ارزیابی می‌شود؛ سیاستی که با حق حیات و تعهدات بین‌المللی ایران در حوزه حقوق بشر در تعارض قرار دارد.» به جز شهروندانی که در جریان یا بعد از جنگ ۱۲ روزه در اواخر بهار سال گذشته به بهانه «جاسوسی» بازداشت شدند، از ابتدای جنگ ۴۰ روزه هزاران شهروند با اتهامات امنیتی سنگین از جمله «جاسوسی»، «همکاری با دشمن» و «ارتباط با دشمن» بازداشت شده‌اند که بیم صدور حکم اعدام علیه این شهروندان نیز وجود دارد.

جمهوری اسلامی سرکوب سازمانیافته شهروندان را پس از اعتراضات دی‌۴۰۴ و آغاز جنگ با اسرائیل و آمریکا تشدید کرده است. ده‌ها حکم اعدام صادر شده علیه شهروندان معترض بازداشت‌شده در اعتراضات دی‌۴۰۴ یا به بهانه همکاری با دشمن در جنگ، اجرای بیش از ۵۰ حکم اعدام زندانیان سیاسی و بازداشت‌شدگان ماه‌های گذشته و بازداشت هزاران شهروند با اتهامات امنیتی از جمله نمونه‌های تشدید فضای سرکوب توسط جمهوری اسلامی و علیه شهروندان ایران است.

مراکز امنیتی و نظامی» بوده است. خبرگزاری «میزان» وابسته به قوه قضاییه جمهوری اسلامی از اجرای حکم اعدام امید بهزاد و پوریا صفوت در سحرگاه دوشنبه ۱۲ مرداد ۱۴۰۵ خبر داد. در گزارش خبرگزاری «میزان» ادعا شده این دو شهروند ایرانی متهم به «ارسال اطلاعات و مختصات مراکز نظامی و امنیتی برای افسران موساد در جریان جنگ ۱۲ روزه» بوده‌اند.

در ادامه ادعاهای قوه قضاییه جمهوری اسلامی آمده «بررسی‌های فنی انجام‌شده بر روی تلفن همراه امید بهزاد نشان داد وی در جریان جنگ رمضان، بارها مختصات، موقعیت جغرافیایی و اطلاعات مربوط به مراکز نظامی، انتظامی و امنیتی را برای کانال‌های وابسته به موساد ارسال کرده است.»

در بخش دیگری از این گزارش ادعا شده «پوریا صفوت، از جمله سربازان نتانیاهو و خائن به کشور بود که در راستای همکاری اطلاعاتی با رژیم صهیونیستی در شرایط جنگی، اقدام به ارسال مختصات مکان‌های نظامی و امنیتی به شبکه اینترنت‌نشان می‌کرد.»

قوه قضاییه مدعی شده پوریا صفوت «در جریان جنگ ۱۲ روزه هم کار جاسوسی و اطلاعاتی برای دشمن انجام داده و

➔ دادرسی منتشر نشده است. خبرگزاری «هرانا» پیشتر گزارش داده بود پرونده آروین خیرخواه (خیرخواهان)، متولد ۱۳۸۵، در ارتباط با اعتراضات سراسری دی‌ماه ۱۴۰۴ در شاهرود تشکیل شده بود. خبرگزاری «هرانا» ماه گذشته اعلام کرده بود حکم اعدام این جوان توسط مرجع قضایی از بابت اتهامات «محاربه» و «افساد فی‌الارض» صادر و هم‌اکنون پرونده و به دیوان عالی کشور ارسال شده است. منابع خبری گزارش داده‌اند آروین در آخرین گفتگو با خانواده‌اش گفته بود: «نگذارید من را فراموش کنند. ما برای آزادی میهن رفتیم، نگذارید مسیری که رفتیم خاموش شود.» جمهوری اسلامی صدور و اجرای احکام زندان علیه بازداشت‌شدگان اعتراضات دی‌۴۰۴ را بطور سازمانیافته سرعت داده است. به گزارش منابع حقوق بشری از دی‌۴۰۴ تا کنون دست‌کم ۲۱ تن از بازداشتی‌های اعتراضات به بهانه ارتکاب جرائم علیه امنیت ملی اعدام شده‌اند.

هفته گذشته و در سحرگاه سه‌شنبه ششم مرداد ۱۴۰۵ نیز ابوالفضل سپاهی بادیانی و امیرحسین صفری حسین‌آبادی در ملک شهر اصفهان و در ملاءعام اعدام شدند. همزمان قرار بود علیرضا سپاهی، پسرعموی ابوالفضل سپاهی بادیانی، نیز اعدام شود اما این جوان ۲۵ ساله هنگام اعزام از زندان به محل اجرای حکم به علت فشار و استرس دچار سکته قلبی شد و حکم اعدام او به تعویق افتاد. این سه شهروند به همراه ۱۰ تن دیگر در پرونده معروف به «میدان علیخانی» اصفهان به اعدام محکوم شدند. بر اساس ادعای نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی محکومان به اعدام در اعتراضات شامگاه ۱۸ دی در ملک شهر اصفهان در کشته شدن چهار مأمور حکومتی نقش داشته‌اند.

از سوی دیگر شمار زیادی از بازداشت‌شدگان در اعتراضات با خطر صدور و اجرای حکم اعدام روبرو هستند. آمار دقیق و شفافی درباره تعداد بازداشت‌شدگان اعتراضات دی‌۴۰۴، تعداد پرونده‌های قضایی تشکیل شده علیه آنها و شمار احکام صادره در دست نیست اما گزارش‌های جمع‌آوری شده از سوی نهادهای حقوق بشری نشان می‌دهد علیه ده‌ها نفر در سراسر ایران حکم اعدام صادر شده است. تنها در یک نمونه، در زندان دستگرد اصفهان بیش از ۷۰ شهروند بازداشت‌شده در اعتراضات و محبوس در این زندان با خطر اعدام روبرو هستند. دفتر شاهراده رضا پهلوی ساعتی پس از اعلام خبر اجرای حکم اعدام آروین خیرخواه با انتشار این خبر نوشت: «هر طناب داری که این رژیم بر گردن فرزندان ایران می‌اندازد، اعتراضی است به وحشت از ملت ایران. رژیمی که برای بقا به اعدام پناه می‌برد، قدرتمند نیست، درمانده، هراسان و در حال دست‌وپا زدن برای بقای خود است. از خیزش دوباره ملت می‌ترسد و به همین دلیل جوانان ایران را یکی پس از دیگری به قتل می‌رساند.»

در ادامه آمده «آمران و عاملان این جنایت باید بدانند: روز حساب فرا خواهد رسید. نه طناب دار، نه زندان و نه سرکوب، شما را از مجازات نجات نخواهد داد. تک‌تک کسانی که در قتل آروین نقش داشتند، در برابر ملت ایران و دادگاه عدالت پاسخگو خواهند شد.»

دفتر شاهراده رضا پهلوی نوشته «به خانواده داغدار آروین، دوستان و نزدیکانش، مردم شریف شاهرود و ملت بزرگ ایران می‌گویم: خون آروین و همه فرزندان این سرزمین که به دست این رژیم تیمه‌کار به قتل رسیده‌اند، هرگز فراموش نخواهد شد و دادخواهی آنان تا روز اجرای عدالت ادامه خواهد داشت.» همچنین تأکید شده «اکنون جان شماری دیگر از بازداشت‌شدگان پرونده شاهرود، از جمله جواد عجم، مرتضی زمانی، مهدی رنجر، فرشید رحمانی، علیرضا ساغری و پویا ساغری نیز در خطر است.»

ثبت رکورد بی‌سابقه «شاخص فلاکت» در بهار امسال



به تدریج از مصرف عادی، پس انداز، سرمایه‌گذاری، آموزش و حتی امید به بهبود فاصله می‌گیرد. به همین دلیل، شاخص فلاکت بالا فقط یک شاخص اقتصادی نیست و نشانه‌ای از تضعیف سرمایه اجتماعی و روانی جامعه هم هست. گزارش‌های مختلفی که از رواج خرید نسبه اقلام اساسی و روزمره مثل نان و لبنیات، و همچنین گسترش خرید و فروش لباس و کفش و دیگر لوازم دست دوم در بازار ایران منتشر می‌شود نیز بیانگر گسترش فقر و سقوط رفاه خانوار ایرانی است؛ روندی که در رقم افزایش یافته «شاخص فلاکت» هم نمایان است.

وبسایت «اقتصاد نیوز» در گزارشی درباره رواج خرید نسبه از سوپرمارکت‌ها نوشته بازگشت خرید نسبه بیشتر از آنکه روایت یک رسم قدیمی باشد، درباره تغییر رفتار اقتصادی خانوارهاست. در گذشته، خرید دفتری بیشتر زمانی اتفاق می‌افتاد که یک مشکل موقت پیش آمده بود؛ حقوق چند روز دیر شده بود یا یک هزینه پیش‌بینی نشده به زندگی تحمیل شده بود.

در این گزارش آمده خریده‌ها معمولاً چندان هم بزرگ نیستند. بطری شیر و ظرفی ماست و کمی پنیر خرده ریز خودش را به یک میلیون تومان می‌رساند و اتفاقاً مسئله همین‌جاست؛ فشار اقتصادی خودش را در خریدهای کوچک نشان می‌دهد. یک بسته شوینده، چند قلم مواد غذایی، خوراکی بچه، پوشک، یا کالاهایی که حذف آنها از سبد خانوار ساده نیست. اما وقتی یک خانواده هر روز چند خرید کوچک را به روزهای آینده منتقل می‌کند، مجموع این عددها در پایان ماه تبدیل به مبلغی قابل توجه می‌شود.

وضعیت مالی خانوارها در ایران به مرزی از بحران رسیده که حتی خرید نسبه دارو هم امری طبیعی در داروخانه‌ها شده است. «اقتصاد نیوز» نیز درباره خرید نسبه از داروخانه‌ها نوشته «گاهی بیماری یا نیاز فوری باعث می‌شود فرد ابتدا کالا را دریافت کند و بعد به فکر تأمین هزینه آن باشد».

در بهار ۱۴۰۵ است. افزایش رقم «شاخص فلاکت» به معنای سقوط قدرت خرید مردم، تضعیف امنیت شغلی و افزایش نگرانی و نااطمینانی اقتصادی است.

رقم «شاخص فلاکت» طی سالهای گذشته همواره افزایشی بوده است اما سرعت افزایش این شاخص در بهار امسال نشان دهنده وخیم‌تر شدن وضعیت اقتصادی کشور و عمیق‌تر شدن رکود است. تورم فصلی از ۴۸ درصد در بهار ۱۴۰۰ به ۸۲ درصد در بهار ۱۴۰۵ رسید، در حالی که بیکاری از ۸/۸ درصد طی یک روند سینوسی به ۹/۱ درصد افزایش یافته است. افزایش همزمان تورم و نرخ بیکاری نشان می‌دهد مردم صرفاً از سمت تورم و گرانی تحت فشار نیستند بلکه با افزایش بیکاری نیز بخشی از جامعه درآمد خود را از دست داده و زیر فشاری مضاعف قرار گرفته‌اند.

طبق آمار منتشر شده مرکز آمار، شاخص فلاکت بهار ۱۴۰۰ برابر ۵۶/۸ بوده و در ۱۴۰۵ به ۹۱/۱ جهش کرده است. تحلیلگران اقتصادی معتقدند تورم ۸۲ درصدی در سطح فصلی یعنی قیمت سبزی از کالاهای خدمات نسبت به سال قبل به قدری بالا رفته که بسیاری از اقلام ضروری، از خوراک و مسکن گرفته تا حمل‌ونقل و درمان از دسترس بخش بزرگی از خانوارها دورتر شده‌اند.

همچنین بر اساس تحلیل‌های ارائه شده بیکاری ۹/۱ درصدی نیز یعنی بخشی از نیروی کار، هم‌زمان با سقوط قدرت خرید در وضعیت جست‌وجوی شغل یا خروج از بازار کار قرار گرفته است. شاخص فلاکت ۹۱/۱ واحدی، حاصل جمع این دو فشار است، اما از جمع ساده فراتر می‌رود؛ این عدد نشان می‌دهد که خانوار نه‌تنها برای مصرف روزمره تحت فشار است، بلکه برای برنامه‌ریزی آینده هم فضای کمی دارد.

به بیان دیگر خانواده‌ای که هر ماه با افزایش قیمت‌ها روبرو است و در عین حال امنیت شغلی کافی ندارد،

● «شاخص فلاکت» در بهار امسال به رقم بی‌سابقه ۹۱/۱ رسیده است. «شاخص فلاکت» نه تنها رکودی تاریخی را در بهار امسال ثبت کرده بلکه نشان می‌دهد معیشت خانوارهای ایرانی به وضعیتی بحرانی رسیده است.

● «شاخص فلاکت» یک معیار اقتصادی است که با جمع زدن نرخ تورم و نرخ بیکاری به دست می‌آید. این شاخص یک شاخص مهم اقتصادی به شمار می‌رود که فشار معیشتی، فاصله طبقاتی و میزان رفاه در یک جامعه را نشان می‌دهد.

● استان‌های لرستان، ایلام، کردستان، کرمانشاه و خراسان شمالی به ترتیب با شاخص فلاکت ۱۲۱/۵، ۱۱۳/۱، ۱۱۱/۱، ۱۱۰/۳ و ۱۰۴/۶ در صدر جدول «شاخص فلاکت» قرار دارند.

● افزایش همزمان تورم و نرخ بیکاری نشان می‌دهد مردم صرفاً از سمت تورم و گرانی تحت فشار نیستند بلکه با افزایش بیکاری نیز بخشی از جامعه درآمد خود را از دست داده و زیر فشاری مضاعف قرار گرفته‌اند.

«شاخص فلاکت» در بهار امسال به رقم بی‌سابقه ۹۱/۱ رسیده است. «شاخص فلاکت» نه تنها رکودی تاریخی را در بهار امسال ثبت کرده بلکه نشان می‌دهد معیشت خانوارهای ایرانی به وضعیتی بحرانی رسیده است. «شاخص فلاکت» یک معیار اقتصادی است که با جمع زدن نرخ تورم و نرخ بیکاری به دست می‌آید. این شاخص یک شاخص مهم اقتصادی به شمار می‌رود که فشار معیشتی، فاصله طبقاتی و میزان رفاه در یک جامعه را نشان می‌دهد.

آمارهای مورد ادعای حکومت نشان می‌دهد در بهار امسال میانگین تورم نقطه‌به‌نقطه در اقتصاد ایران به ۸۲ درصد رسیده است. همچنین نرخ بیکاری ۹/۱ درصد بوده است. بر این اساس «شاخص فلاکت» که مجموع این دو شاخص بدست می‌آید به ۹۱/۱ واحد جهش کرده است؛ عددی که نه‌تنها از همه سال‌های قبل بالاتر است بلکه از فاجعه کاهش سطح رفاه و گسترش فقر در جامعه ایران حکایت دارد.

آمار تفکیک شده استان‌ها نیز نشان می‌دهد در برخی استان‌های کشور شاخص فلاکت به بیش از ۱۰۰ واحد افزایش یافته است. استان‌های لرستان، ایلام، کردستان، کرمانشاه و خراسان شمالی به ترتیب با شاخص فلاکت ۱۲۱/۵، ۱۱۳/۱، ۱۱۱/۱، ۱۱۰/۳ و ۱۰۴/۶ در صدر جدول «شاخص فلاکت» قرار دارند.

این آمار نشان می‌دهد برخی استان‌ها هم‌زمان هم با ضعف بازار کار و هم با هزینه زندگی بالاتر روبرو هستند و این به معنای فشار مضاعف است. برای مثال، استان‌های لرستان، ایلام، کردستان، کرمانشاه و خراسان شمالی که در رتبه‌های بالای جدول قرار گرفته‌اند، عملاً در دو جبهه می‌جنگند: جبهه پیدا کردن شغل و جبهه حفظ قدرت خرید!

از سوی دیگر شاخص فلاکت از زمستان پارسال (۱۴۰۴) تا بهار امسال یعنی در فاصله یک فصل جهش سهمگینی را تجربه کرده و از ۷۴/۲ واحد به ۹۱/۱ واحد رسیده است. این جهش ناشی از افزایش تورم نقطه‌ای زمستان ۱۴۰۴ از ۶۶/۶ درصد به ۸۲ درصد در بهار ۱۴۰۵ و همچنین افزایش نرخ بیکاری از ۷/۶ درصد در زمستان ۱۴۰۴ به ۹/۱ درصد

فرارسیدن موج جدید تورم در اقتصاد ایران طی دو ماه آینده



● حسین صمصامی، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی، تأکید کرده است که افزایش نرخ ارز و سیاست‌های ارزی دولت عامل اصلی موج جدید تورم در ایران طی دو ماه آینده خواهد بود.

● محمد صادق الحسینی دیگر اقتصاددان و تحلیلگر اقتصادی نیز معتقد است تورم ماندگار است و تا پایان سال سه‌رقمی می‌شود. به عقیده او دو موتور ایجاد تورم «ارز ترجیحی و کسری بودجه دولت» و «عدم انجام اصلاحات انرژی» همچنان روشن هستند و تورم را از کانال ۳۰ - ۴۰ درصد به ۸۰ درصد رسانده‌اند.

حسین صمصامی، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی، تأکید کرده است که افزایش نرخ ارز و سیاست‌های ارزی دولت عامل اصلی موج جدید تورم در ایران طی دو ماه آینده خواهد بود.

حسین صمصامی در گفتگو با خبرگزاری «ایلنا» اعلام کرده که موج جدید تورم طی یک الی دو ماه آینده به علت سیاست‌های نادرست ارزی تیم اقتصادی دولت پزشکین در راه خواهد بود.

عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی با اشاره به بازار ارز چندنرخه در ایران توضیح داده که دولت ارز مورد نیاز واردات را به واردکنندگان اختصاص نمی‌دهد و در نتیجه واردات کالاها از طریق بازارهای ارزی که نرخ آنها به نرخ بازار آزاد نزدیک است صورت می‌گیرد. افزایش هزینه واردات با ارز گرانتر هم به معنای افزایش قیمت کالاها و وارداتی، یا کالاهای تولید داخل است که مواد اولیه آنها از طریق واردات عرضه می‌شود.

در حالیکه مقامات دولت «قاچاق» ارز را عامل تلاطم در بازار ارز و یکی از محرک‌های افزایش تورم در اقتصاد ایران عنوان می‌کنند، حسین صمصامی گفته «اگر فرض کنیم دولت و بانک مرکزی نیازهای ارزی کشور در بخش‌های قانونی از جمله مواد اولیه تولید، کالاهای سرمایه‌ای، کالاهای اساسی و مواد مصرفی مورد نیاز کشور را از مسیر رسمی تأمین کند، صرف افزایش نرخ ارز در بازار آزاد قاچاق تأثیر چندانی بر تورم نخواهد داشت.

این اقتصاددان توضیح داده بانک مرکزی مطابق با افزایش نرخ ارز در بازار آزاد، نرخ تالار مبادله را هم افزایش می‌دهد که طی روزهای اخیر به بیش از ۱۵۰ هزار تومان رسیده است. در حالی که کالاهای اساسی، مواد اولیه و کالاهای سرمایه‌ای از طریق همین تالار مبادله وارد کشور می‌شوند. بنابراین، هم نرخ تالار مبادله و هم نرخ توافقی، مستقیماً قیمت کالاهایی را که از مسیر رسمی وارد کشور می‌شوند و مورد نیاز هستند را گران می‌کنند.

عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی هشدار داده «احتمالاً در صورتی که این روند ادامه داشته باشد طی یک تا دو ماه آینده شاهد موج جدیدی از تورم خواهیم بود که دلیل اتفاق افتادنش هم عمدتاً تحت تأثیر نرخ ارزی است که الان افزایش پیدا کرده است و ربط چندانی به کسری بودجه و نقدینگی ندارد، چرا؟ چون افزایش نرخ ارز مستقیماً قیمت کالاها را بالا می‌برد.»

محمد صادق الحسینی دیگر اقتصاددان و تحلیلگر اقتصادی نیز معتقد است تورم ماندگار است و تا پایان سال سه‌رقمی می‌شود. به عقیده او دو موتور ایجاد تورم «ارز ترجیحی و کسری بودجه دولت» و «عدم انجام اصلاحات

تا ۵۰ درصد را توضیح می‌دهد، اما علت اینکه تورم بیش از این رقم بالا می‌رود، به تنش‌های بین‌المللی و مسئله جنگ مربوط است.»

اینهمه در حالیست که تورم کتونی اقتصاد ایران نیز بیش از دو سوم از جمعیت کشور را زیر خط فقر کشانده است. بر اساس تازه‌ترین داده‌های مرکز آمار ایران، در حالیکه تورم نقطه‌ای اقتصاد ایران در تیرماه امسال ۸۷/۹ بوده، تورم نقطه‌ای خوراکی‌ها در این ماه به ۱۲۸/۱ درصد رسیده و هشت زیرگروه اصلی مواد غذایی، افزایش قیمت سه‌رقمی را در سبد مصرف خانوار ثبت کرده‌اند.

در میان مواد غذایی روغن‌ها و چربی‌ها با تورم نقطه‌ای ۲۶۱/۵ درصد در صدر قرار دارند. این رقم به معنای بیش از ۳/۶ برابرشدن قیمت این گروه در یک سال است. پس از آن، شیر، پنیر و تخم‌مرغ با ۱۴۷/۱ درصد و گوشت قرمز، سفید و فرآورده‌های آنها با ۱۴۵/۲ درصد قرار گرفته‌اند.

نان و غلات نیز تورم ۱۱۶/۷ درصدی، میوه و خشکبار ۱۱۵/۴ درصدی، نوشیدنی‌ها ۱۰۱/۷ درصدی، قند، شکر و شیرینی‌ها ۱۰۱/۲ درصدی و محصولات خوراکی طبقه‌بندی‌نشده تورم ۱۰۰/۶ درصدی داشته‌اند.

از سوی دیگر در بخش تورم ماهانه اغلب مواد خوراکی که تغییرات قیمت طی یک ماه و تنها در طول چهار هفته را نشان می‌دهد نیز با افزایش قابل توجهی روبرو بوده است. بیشترین تورم ماهانه به سبزیجات و حبوبات اختصاص داشت که قیمت آنها تنها در یک ماه ۸/۳ درصد افزایش یافت. محصولات خوراکی طبقه‌بندی‌نشده با ۶/۹ درصد، نان و غلات با ۵/۹ درصد، چای، قهوه، کاکائو و نوشیدنی‌ها با ۵/۵ درصد و میوه و خشکبار با ۴/۸ درصد در رتبه‌های بعدی قرار گرفتند.

این ارقام در مقایسه با درآمد ناچیز کارگران، بازنشستگان و بخش زیادی از کارمندان شاغل در بخش خصوصی و دولتی بیانگر اینست که اکثر جامعه ایران زیر فشار شدید معیشت قرار دارند و تداوم افزایش تورم بحرانی جدی برای تأمین نیازهای ضروری و اولیه این خانوارها ایجاد خواهد کرد.

انرژی» همچنان روشن هستند و تورم را از کانال ۳۰ - ۴۰ درصد به ۸۰ درصد رسانده‌اند. در این میان چشم‌انداز اقتصاد کشور از بین رفته و سبب هجوم به بازارهای دارایی می‌شود.

محمد صادق الحسینی با بیان اینکه «ایران در حال ورود به دوره‌های تورمی است که تا به حال تجربه نکرده» گفت «ما تورم مزمن داشتیم، اما اینکه تورم تا این حد بالا برود و پماند، سابقه نداشته است. به نظر می‌رسد این تورم «مانا» است، زیرا دو موتور ایجاد تورم که یکی «ارز ترجیحی و کسری بودجه دولت» و دیگری «عدم انجام اصلاحات انرژی» است، همچنان روشن هستند. تا زمانی که این دو مسئله حل نشود، تورم ما بالا و مانا باقی می‌ماند. البته اگر اصلاحات صورت گیرد، تورم می‌تواند مجدداً به کانال ۳۰ تا ۵۰ درصد بازگردد.»

این اقتصاددان تأکید کرده «دو عامل باعث شده تورم از کانال ۳۰ تا ۵۰ درصد به ۸۰ درصد برسد؛ نخست، تحریم‌های گسترده و جنگ علیه ایران که به منابع ارزی فشار آورده و دوم، از بین رفتن چشم‌انداز آینده برای اقتصاد کشور. این دو عامل سبب شده که تورم بالا برود و پیش‌بینی من این است که امسال برای اولین بار تورم سه‌رقمی را تجربه خواهیم کرد.»

او گفته در صورتیکه وضعیت تنش‌های سیاست خارجی پا برجا باشد، وضعیت جنگ و حملات نظامی ادامه داشته باشد و هیچ‌گونه اصلاحات اقتصادی صورت نگیرد، تورم ماندگار خواهد بود. به گفته این اقتصاددان «در حال حاضر، چشم‌انداز از آینده ایران و نقطه‌گذاری برای مسیر آینده مشخص نیست. اینکه افق روشنی برای مردم وجود ندارد، سبب هجوم به بازارهای دارایی می‌شود؛ چراکه مردم می‌خواهند ارزش دارایی خود را حفظ کنند.»

به عقیده محمد صادق الحسینی «به‌طور خلاصه، آنچه باعث این تورم بالا شده، تا زمانی که از بین نرود، تورم کاهش نخواهد یافت و آن چیزی نیست جز «جنگ» و شرایط سیاست داخلی». شرایط سیاست داخلی، آن تورم ۳۰

بلبشو در مرزهای زمینی ایران و معطل ماندن هزاران کامیون؛ جمهوری اسلامی حتی با وجود محاصره دریایی هم مدیریت بحران ندارد!



● در حالیکه پیشتر اعلام شده بود حدود ۴۰ درصد تجارت دریایی قابلیت جایگزینی با مسیرهای زمینی را دارد اما اکنون وضعیتی بحرانی در مرزهای زمینی و صف طولانی کامیونها و کانتینرها پشت مرزهای کشور ایجاد شده است.

● برخی رانندگان از معطلی بیش از ۱۰ روزه پشت مرزها خبر می‌دهند که با وجود هوای گرم تابستان هیچ امکانات مناسبی برای اسکان رانندگان ندارد.

● مجتبی بهاروند، نایب رئیس پیشین کمیسیون حمل‌ونقل و لجستیک اتاق بازرگان ایران، گفته نبود هماهنگی میان دستگاه‌های مختلف دولتی سبب بروز بحران در گذرگاه‌های مرزهای زمینی کشور شده است.

● به گفته مجتبی بهاروند در حالیکه دولت می‌تواند با افزایش ساعت کاری، تسریع در تشریفات اداری و ایجاد هماهنگی میان دستگاه‌های مسئول، از شکل‌گیری صف‌های طولانی کامیونها جلوگیری کند اما عدم هماهنگی و مدیریت سبب شده معطلی رانندگان پشت مرزها بین یک هفته تا ۱۰ روز باشد.

در نبود مدیریت و سازماندهی مناسب از سوی دولت سبب ترافیک سنگین کامیونها و کانتینرهای باری در مرزهای زمینی ایران شده است. این در حالیست که محاصره بنادر جنوبی ایران توسط ایالات متحده در جریان جنگ با جمهوری اسلامی ادامه دارد و انتقال کالا از مرزهای زمینی برای تأمین نیازهای اساسی کشور ضروری است.

با تداوم محاصره بنادر جنوبی ایران، تجارت دریایی ایران مختل شد و بخشی از این تجارت به مرزهای زمینی منتقل شد. در حالیکه پیشتر اعلام شده بود حدود ۴۰ درصد تجارت دریایی قابلیت جایگزینی با مسیرهای زمینی را دارد اما اکنون وضعیتی بحرانی در مرزهای زمینی و صف طولانی کامیونها و کانتینرها پشت مرزهای کشور ایجاد شده است. بر اساس گزارش‌ها انتقال کالا در مرزهای کشور کند است و برخوردهای جزیره‌ای و بوروکراسی اداری، روند تجارت کالا را دشوارتر از همیشه کرده است. برخی رانندگان از معطلی بیش از ۱۰ روزه پشت مرزها خبر می‌دهند که با وجود هوای گرم تابستان هیچ امکانات مناسبی برای اسکان رانندگان ندارد.

برای نمونه روز گذشته ویدیویی در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد که نشان می‌داد صدها کامیون به دلیل نابسامانی در مدیریت تردد بازارچه مرزی ریمدان در مرز ایران و پاکستان، ساعت‌ها در گرمای نزدیک به ۵۰ درجه پشت صف‌های طولانی متوقف مانده‌اند.

گفته شده دست‌کم ۶۰۰ تا ۷۰۰ کامیون در محور ورودی بازارچه ریمدان بلاتکلیف هستند؛ این در حالی است که پارکینگ مجاور ظرفیت خالی دارد، اما ورود کامیونها به آن ممنوع شده است.

اما این تنها گذرگاه مرزی ریمدان نیست که با این وضعیت روبروست. از مرز بازرگان و آستارا در شمال غرب که مسیر ارتباطی ایران با ترکیه، قفقاز و اروپا هستند تا نوردوز که حلقه اتصال ایران به ارمنستان و کریدور شمال-جنوب به شمار می‌رود، از مهران، شلمچه چذابه و تهرچین در غرب تا دوغارون و ماهپورد و سرخس در شرق و مرز میرجاوه و

مجتبی بهاروند، نایب رئیس پیشین کمیسیون حمل‌ونقل و لجستیک اتاق بازرگان ایران، در گفتگو با روزنامه «شرق» گفته «با توجه به محدودیت‌های ایجادشده در تردد دریایی و کاهش فعالیت بندرعباس، بخش قابل توجهی از بار به سمت مسیرهای زمینی هدایت شده و همین موضوع باعث افزایش ترافیک در مرزهای شرقی کشور شده است. اکنون کامیونها در برخی مرزها تا یک هفته و حتی ۱۰ روز در انتظار خروج از کشور می‌مانند. از طرف دیگر، این نگرانی وجود دارد که اگر مدیریت مناسبی انجام نشود، مرزهای غربی هم با مشکلات مشابهی روبرو شوند. هرچند مرزهای غربی در سال‌های گذشته نیز با ازدحام جمعیت مواجه بوده اما در شرایط فعلی احتمال تشدید این وضعیت وجود دارد».

این فعال بازرگانی گفته نبود هماهنگی میان دستگاه‌های مختلف دولتی سبب بروز بحران در گذرگاه‌های مرزهای زمینی کشور شده است: «برای مثال در مبادی خروجی کشور حدود ۱۸ تا ۲۰ دستگاه، سازمان و نهاد مختلف از جمله گمرک، راهداری، قرنطینه و ستاد مبارزه با قاچاق کالا و سایر نهادهای نظارتی حضور دارند، اما هرکدام به‌صورت مستقل و جزیره‌ای عمل می‌کنند و فرماندهی واحدی بر فرایندها وجود ندارد. در عمل، کامیون پس از پایان تشریفات یک دستگاه، باید برای انجام مراحل دستگاه بعدی منتظر بماند. به عبارتی پس از اتمام مراحل راهداری، ممکن است در قرنطینه متوقف شود و برای انجام تشریفات کمرگی معطل بماند».

به گفته او در حالیکه دولت می‌تواند با افزایش ساعت کاری، تسریع در تشریفات اداری و ایجاد هماهنگی میان دستگاه‌های مسئول، از شکل‌گیری صف‌های طولانی کامیونها جلوگیری کند اما عدم هماهنگی و مدیریت سبب شده معطلی رانندگان پشت مرزها بین یک هفته تا ۱۰ روز باشد.

ریمدان در مرز پاکستان همگی شریان‌های تجاری هستند که گزارش‌ها از کندی عبور و مرور حمل و نقل تجاری در آن حکایت دارد.

در گذرگاه دوغارون در مرز افغانستان بسیاری از کامیون‌های ایرانی ناچار هستند بار خود را تخلیه کنند و به کامیون‌های افغانستانی تحویل دهند یا به همین ترتیب بار را از کامیون‌های افغانستانی تحویل بگیرند. آخرین گزارش‌ها از معطلی بیش از ۱۵۰۰ کامیون در این گذرگاه مرزی حکایت دارد.

در همین رابطه مسعود دانشمند، کارشناس صنعت حمل‌ونقل و ترانزیت، گفته «در مرز تفتان و مسیرهای مرتبط با بندر گوادر، برخی کامیونها برای تخلیه یا بارگیری کالا بین ۱۰ تا ۱۵ روز در انتظار می‌مانند و این تأخیر هم در صادرات کالا از ایران و هم در واردات از مسیر بندر کراچی و بندر گوادر دیده می‌شود».

مسعود دانشمند گفته «دلیل اصلی این وضعیت، ظرفیت زیرساختی و عملیاتی در سمت پاکستان است و این کشور تجربه و توان پاسخ‌گویی به حجم فعلی ترانزیت را ندارد و همین موضوع باعث ایجاد صف‌های طولانی کامیونها در مرزها و بنادر شده است».

شرایط در مرزهای شمال غرب و غرب کشور بحرانی‌تر است. در مرز بازرگان نیز که مهم‌ترین گذرگاه زمینی ایران و ترکیه است، پذیرش کامیونها از سمت ترکیه به حدود ۲۸۰ دستگاه در روز محدود شده است و این محدودیت باعث شده صف‌های طولانی در خروجی مرز تشکیل شود.

اگر چه مسعود دانشمند علت معطلی کامیونها در مرزهای زمینی با پاکستان، ناتوانی این کشور در ارائه خدمات اداری عنوان کرده اما گزارش‌ها نشان می‌دهد سیستم اداری جمهوری اسلامی نیز ناتوان از ساماندهی بروکراسی در مرزها -آن هم در شرایط اضطراری و بحرانی جنگ- است.

نخستین گام دولت برای افزایش قیمت بنزین؛ سهامیه دوم بنزین کاهش یافت



● بر اساس تصمیم دولت از هفته گذشته، ششم امرداد، سهامیه دوم بنزین با نرخ سه هزار تومان که پیش از این ۷۰ لیتر در ماه بود، به ۵۰ لیتر کاهش یافته است.

● اگر چه دولت ادعا دارد بنزین را گران نکرده است اما در عمل با کاهش سهامیه دوم بنزین در عمل شهروندان ناچار هستند بنزین مورد نیازی که پیشتر با سهامیه دوم و با نرخ ۳۰۰۰ تومانی تهیه می‌کردند را با نرخ سوم و با قیمت ۵۰۰۰ تومان برای هر لیتر تهیه کنند؛ موضوعی که به هر حال اثر خود را بر افزایش هزینه خانوار و پیامدهای تورم‌زای افزایش قیمت بنزین خواهد گذاشت!

● کارشناسان هشدار می‌دهند بنزین در اقتصاد ایران یک کالای واسطه‌ای و پرسیگنال است. افزایش نرخ سوخت یا محدودیت شدید در دسترسی به کارت‌های آزاد، بلافاصله هزینه‌های حمل‌ونقل کالایی را افزایش می‌دهد و موجی از تورم در بخش‌های مختلف اقتصاد ایران ایجاد خواهد کرد.

دولت از ششم امرداد نخستین گام عملی خود را در راستای افزایش قیمت بنزین برداشت و سهامیه دوم بنزین با نرخ سه هزار تومان را از ۷۰ لیتر به ۵۰ لیتر در ماه کاهش داد.

در شرایطی که در هفته‌های گذشته موضوع افزایش قیمت بنزین بار دیگر توسط نمایندگان مجلس شورای اسلامی مطرح شده بود، دولت پزشک‌یان تصمیم گرفته قطع یارانه بنزین را در نخستین گام با کاهش سهامیه دوم بنزین آغاز کند

فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت، مدعی شده «سهامیه ۶۰ لیتری بنزین یارانه‌ای با نرخ ۱۵۰۰ تومان هیچ تغییری نکرده و فعلاً دولت برنامه‌ای برای افزایش قیمت این سهامیه ندارد. همچنین نرخ بنزین جایگاه که هم‌اکنون ۵ هزار تومان به ازای هر لیتر است، نیز بدون تغییر باقی مانده و هرگونه تصمیم جدید درباره آن، پس از جمع‌بندی نهایی و به‌صورت رسمی اعلام خواهد شد.»

این در حالیست که بر اساس تصمیم دولت از هفته گذشته، ششم امرداد، سهامیه دوم بنزین با نرخ سه هزار تومان که پیش از این ۷۰ لیتر در ماه بود، به ۵۰ لیتر کاهش یافته است. سهامیه دوم بنزین در بهار امسال و پس از آسیب به ذخائر سوخت در حملات نظامی اسرائیل و آمریکا در جنگ با جمهوری اسلامی نیز یکبار دیگر کاهش یافته بود. در اوایل جنگ دولت سهامیه را از ۱۰۰ لیتر به ۷۰ لیتر کاهش داده بود و به این ترتیب اکنون سهامیه دوم بنزین در کمتر از شش ماه نصف شده است.

بنزین در ایران با سه نرخ در سه سهامیه مختلف ماهانه ارائه می‌شود. نرخ ۱۵۰۰ تومانی، نرخ ۳۰۰۰ تومانی و نرخ ۵۰۰۰ تومانی. البته نرخ‌های دیگری نیز توسط ماشین‌های توزیع سوخت به ویژه در جاده‌های پرتدد مانند جاده تهران به شمال هم ارائه می‌شود که در مقاطع پرتدد سال به بیش از ۲۰ هزار تومان در هر لیتر هم می‌رسد.

اگر چه دولت ادعا دارد بنزین را گران نکرده است اما در عمل با کاهش سهامیه دوم بنزین در عمل شهروندان ناچار هستند بنزین مورد نیازی که پیشتر با سهامیه دوم و با نرخ ۳۰۰۰ تومانی تهیه می‌کردند را با نرخ سوم و با قیمت ۵۰۰۰

تأمین سوخت وارد کرده و مدیریت آن را با دشواری‌های فراوان همراه ساخته است.»

به گفته حمید حسینی واردات بنزین نیز غیرممکن شده است: «تا پیش از این، امکان واردات بنزین برای تأمین بخشی از نیاز داخلی وجود داشت، اما شرایط جدید منطقه‌ای و بین‌المللی، این مسیر را نیز با محدودیت‌های جدی مواجه کرده است.»

اینهمه نشان می‌دهد اگر چه دولت قاچاق سوخت را بهانه اجرای سیاست کاهش یارانه بنزین و افزایش قیمت کرده که در عمل خزانه خالی و کمبود منابع دولت سبب کاهش یارانه بنزین شده است.

مالک شریعتی نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی هفته آخر تیرماه با انتشار متنی در شبکه «ایکس» اعلام کرد دولت تصمیم دارد نرخ سوم بنزین، یا همان قیمت آزاد بنزین، از پنج هزار تومان به ۱۰ هزار تومان افزایش دهد. رضا سپهوند سخنگوی کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی نیز گفته «هرچند زمه‌هایی در دولت درباره افزایش قیمت وجود دارد، اما در شرایط جنگ و تورم، گرانی بنزین به هیچ وجه به صلاح نیست.»

هفته گذشته نیز شماری از رسانه‌های داخلی در ایران مدعی شدند مقامات دولت توانسته‌اند موافقت سران قوا برای افزایش صد درصدی قیمت بنزین را بگیرند. به این ترتیب رئیس دولت، رئیس قوه قضاییه و رئیس مجلس شورای اسلامی با افزایش دو برابری قیمت بنزین موافقت کرده‌اند.

با اینهمه کارشناسان هشدار می‌دهند بنزین در اقتصاد ایران یک کالای واسطه‌ای و پرسیگنال است. افزایش نرخ سوخت یا محدودیت شدید در دسترسی به کارت‌های آزاد، بلافاصله هزینه‌های حمل‌ونقل کالایی را افزایش می‌دهد و موجی از تورم در بخش‌های مختلف اقتصاد ایران ایجاد خواهد کرد.

تومان برای هر لیتر تهیه کنند؛ موضوعی که به هر حال اثر خود را بر افزایش هزینه خانوار و پیامدهای تورم‌زای افزایش قیمت بنزین خواهد گذاشت!

در همین رابطه روزنامه «دنیای اقتصاد» گزارش داده کارشناسان انرژی معتقدند کاهش سهامیه دوم را می‌توان نخستین گام دولت در اجرای سیاست‌های غیرقیمتی برای کنترل مصرف بنزین دانست؛ سیاستی که هدف آن، کاهش رشد تقاضا بدون دست زدن به نرخ بنزین یارانه‌ای است. با این حال، بسیاری بر این باورند که اگر روند افزایش مصرف و ناترازی بنزین ادامه یابد، دولت ناگزیر خواهد بود درباره نرخ بنزین جایگاه و سایر ابزارهای مدیریت مصرف نیز تصمیم‌گیری کند. بر این اساس، اگرچه دولت فعلاً هرگونه تغییر در قیمت بنزین سهامیه‌ای را رد کرده، اما اظهارات مقامات نشان می‌دهد پرونده اصلاح نظام توزیع و قیمت‌گذاری بنزین همچنان باز است و احتمال اتخاذ تصمیم‌های جدید درباره نرخ بنزین آزاد در هفته‌ها یا ماه‌های آینده دور از انتظار نخواهد بود.

دولت مدعی است قاچاق سوخت انگیزه اصلی برای کاهش یارانه بنزین بوده است. این در حالیست که موضوع کاهش یارانه بنزین سالهاست مطرح است و از سوی دیگر ایران با کسری بنزین روبروست؛ سالها بی‌اعتنایی به توسعه صنعت پتروشیمی سبب شده تولید بنزین به مراتب کمتر از میزان مصرف داخلی باشد.

حمید حسینی، سخنگوی اتحادیه صادرکنندگان فراورده‌های نفت، گاز و پتروشیمی، به تازگی با اشاره به کمبود روزانه ۲۰ میلیون لیتر بنزین در ایران گفت «حداکثر ظرفیت تولید پالایشگاه‌های کشور حدود ۱۱۰ میلیون لیتر در روز است، در حالی که مصرف روزانه بنزین به حدود ۱۳۰ میلیون لیتر می‌رسد.»

او افزود «این اختلاف، به معنای کسری روزانه نزدیک به ۲۰ میلیون لیتر بنزین است؛ شکافی که فشار زیادی بر نظام

تورم بالای صد درصد مواد خوراکی در سراسر ایران: چشم‌انداز نگران‌کننده از شرایط اقتصادی کشور



در شرایطی که بیشتر خبرهایی درباره دو برابر شدن رقم کالابرگ از یک میلیون تومان به دو میلیون تومان مطرح بود اما حسین مصصامی، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی فاش کرده که «نحوه محاسبه کالابرگ یک میلیون تومانی دی‌ماه مشخص نیست و گزارشی درباره آن ارائه نشده است.»

این نماینده مجلس شورای اسلامی گفته «با حذف ارز ۲۸۵۰۰ تومانی، اگرچه یک میلیون تومان به مردم پرداخت شد، اما حدود ۵ میلیون تومان به هزینه‌های آنان افزوده شد.»

حسین مصصامی افزوده «به‌صورت کلی، ۹۹۶ هزار میلیارد تومان برای کالابرگ در نظر گرفته شده بود؛ سیاست کالابرگ به ضرر مردم تمام شد و حذف دو دهک پردرآمد نیز تنها حدود ۲۵۰ هزار تومان به سهم هر نفر اضافه می‌کند.» مرتضی افقه اقتصاددان و عضو هیئت علمی دانشگاه جندی‌شاپور اهواز درباره شکست طرح حمایتی دولت گفته «کلاً در شرایط خاص و بحران‌ها، کشورهایی با بازار آزاد هم در این مواقع وارد می‌شوند و شرایط را کنترل و مدیریت می‌کنند. کالابرگ، کنترل قیمت و ... سیاست‌هایی است که دولت‌های کل دنیا انجام می‌دهند تا از بحران گذر کنند. مشکل این است که کالابرگ و یارانه مبلغ‌شان ثابت می‌ماند ولی تورم ناشی از آزادسازی قیمت ارز با سرعت پیش می‌رود.»

مرتضی افقه افزوده «ممکن است در سال اول این شکاف، با کالابرگ جبران شود، اما با این روندی که قیمت ارز و تورم پیش گرفته است، عملاً بعد از یک سال یا کمتر، قدرت خرید مردم کاهش می‌یابد.»

به گفته این اقتصاددان، بحث یارانه نیز یک رانت است؛ یارانه و رانت به خودی خود بد نیست؛ یارانه هم یک نوع رانت است؛ سیاستی است برای کاهش نابرابری. اینکه رانت در ذهن مردم بد تلقی می‌شود به

بررسی جزئیات استانی نشان می‌دهد تورم نقطه‌ای در هشت استان از مرز ۱۰۰ درصد عبور کرده و چند استان دیگر نیز تنها فاصله اندکی با این محدوده دارند. دامنه نابرابری در تورم سالانه نیز گسترده است؛ ایلام با نرخ ۸۰/۶ درصد در صدر قرار گرفته و تهران با ۵۵/۲ درصد کمترین نرخ را ثبت کرده است.

با این حال، شدیدترین تصویر از وضعیت قیمت‌ها در گروه خوراکی‌ها دیده می‌شود. تورم نقطه‌ای خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات در تمام ۳۱ استان سهرقمی بوده و در آذربایجان غربی به ۱۴۹/۹ درصد رسیده است. به بیان دیگر، حتی استان‌هایی که تورم کل آنها هنوز زیر ۱۰۰ درصد است، در سبد خوراکی با افزایش قیمت بیش از دو برابری نسبت به سال قبل مواجه شده‌اند.

این در حالیست که ارقام دستمزد طی یک سال گذشته با افزایش ۲۵ تا نهایتاً ۴۰ درصدی روبرو شده است. اختلاف رقم افزایش تورم و رقم افزایش دستمزد به معنای اینست که قدرت خرید خانوارها به شدت سقوط کرده است. در این میان برنامه‌های حمایتی دولت نیز نتوانسته قدرت خرید اقشار کم‌درآمد را بهبود ببخشد.

مهمترین برنامه حمایتی دولت پزشک‌ها برای حمایت از سفره خانوار در برابر گرانی پرسرعت موادغذایی طرح توزیع کالابرگ بوده است. این طرح از دی‌ماه سال گذشته و در پی افزایش قیمت ارز با اجرای طرح اصلاح ارزی توسط دولت و اعتراضات سراسری دی ۴۰۴ معرفی و اجرا شد.

این طرح اما با گذشت تنها سه ماه قدرت خرید خود را از دست داد. سبد خریدی که خانوارها با استفاده از کالابرگ در ماه نخست توزیع می‌توانستند تهیه کنند در سومین ماه تقریباً دو سوم کوچک‌تر شد. در این میان دولت اعلام کرده که کالابرگ دهک‌های درآمدی بالاتر را حذف می‌کند تا بتواند به رقم کالابرگ اقشار دهک‌های پایین درآمدی اضافه کند.

● تورم نقطه‌ای خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات در تیرماه امسال در تمام ۳۱ استان سهرقمی بوده و در آذربایجان غربی به ۱۴۹/۹ درصد رسیده است. به بیان دیگر، حتی استان‌هایی که تورم کل آنها هنوز زیر ۱۰۰ درصد است، در سبد خوراکی با افزایش قیمت بیش از دو برابری نسبت به سال قبل مواجه شده‌اند.

● اختلاف رقم افزایش تورم و رقم افزایش دستمزد به معنای اینست که قدرت خرید خانوارها به شدت سقوط کرده است. در این میان برنامه‌های حمایتی دولت نیز نتوانسته قدرت خرید اقشار کم‌درآمد را بهبود ببخشد.

● مرتضی افقه اقتصاددان و استاد دانشگاه می‌گوید مسئله اصلی، پرداخت یا عدم پرداخت یارانه نیست؛ بلکه کیفیت حکمرانی اقتصادی، شیوه شناسایی گروه‌های هدف، منابع تأمین مالی و توان دولت در مهار تورم است. در چنین شرایطی، حتی مؤثرترین سیاست‌های حمایتی نیز اگر در کنار کنترل تورم و اجرای کارآمد قرار نگیرند، به مرور زمان اثر خود را از دست خواهند داد.

تورم گروه خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات طی تیرماه امسال در همه استان‌های ایران بالای ۱۰۰ درصد بوده است. به بیان دیگر هزینه موادغذایی برای شهروندان در سراسر کشور در تیرماه امسال نسبت به سال گذشته با بیش از دو برابر افزایش روبرو شده است.

تازه‌ترین داده‌های مرکز آمار ایران نشان می‌دهد، تورم در تیر ۱۴۰۵ نه تنها میان دهک‌های درآمدی، بلکه در جغرافیای کشور نیز به شدت نابرابر توزیع شده است. در حالی که تورم نقطه‌به‌نقطه کل کشور ۸۷/۹ درصد اعلام شد، این نرخ در ایلام به ۱۱۲/۴ درصد رسید و در تهران روی ۷۳/۹ درصد ایستاد؛ فاصله‌ای معادل ۳۸/۵ واحد درصد که نشان می‌دهد خانوارها در استان‌های مختلف تجربه یکسانی از افزایش قیمت‌ها نداشته‌اند.

معاون پزشکیان کمبود گاز در پاییز و زمستان امسال را تأیید کرد؛ جیره‌بندی گاز در راه است!



● محمدجعفر قائم‌پناه معاون اجرایی مسعود پزشکیان کمبود گاز در پاییز و زمستان پیش رو را تأیید کرده و گفته این کمبود روزانه ۱۰۰ میلیون مترمکعب است.

● آرش نجفی رئیس کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی ایران: در سالهای گذشته به طور متعارف حدود ۳۰۰ میلیون مترمکعب روزانه کسری گاز داشتیم که با حوادثی که در جنگ رمضان [جنگ ۴۰ روزه اسرائیل و آمریکا با جمهوری اسلامی] برای ما رخ داد، در حال حاضر بیش از ۴۵۰ میلیون مترمکعب کسری گاز داریم.

معاون اجرایی مسعود پزشکیان کمبود گاز در پاییز و زمستان پیش‌رو را تأیید کرده و گفته این کمبود روزانه ۱۰۰ میلیون مترمکعب است. طی روزهای گذشته فعالان بازرگانی و صنعتی نسبت به بحران کمبود گاز طی ماه‌های آینده هشدار داده بودند.

محمدجعفر قائم‌پناه، معاون اجرایی مسعود پزشکیان بیان اینکه «کشور با ناترازی انرژی روبرو است و باید این ناترازی مدیریت شو» گفته «بعد از حملات به پالایشگاه‌های گازی کشور، پیش‌بینی می‌شود در زمستان با «حدود ۱۰۰ میلیون مترمکعب کسری گاز در روز مواجه باشیم».

جعفر قائم‌پناه همچنین گفت که برای همه استان‌های کشور الگوی مشخص و قابل اجرا برای مصرف آب، گاز، برق و سایر حامل‌های انرژی تعیین می‌شود تا سهمیه‌ها بر اساس شرایط هر استان به‌صورت ماهانه یا در قالب سازوکارهای تعیین‌شده ابلاغ شود.

معاون اجرایی مسعود پزشکیان تأکید کرده «صرف‌نظر از اینکه زمستان سرد باشد یا نه، کشور با ناترازی انرژی روبرو است و باید این ناترازی به‌درستی مدیریت شود».

طی روزهای گذشته فعالان بازرگانی و صنعتی نسبت به بحران کمبود گاز طی ماه‌های آینده هشدار داده بودند. سعید تاجیک، رئیس کمیسیون انرژی و محیط زیست اتاق بازرگانی تهران، هفته گذشته با انتقاد از شیوه آنچه مدیریت مصرف برق در روزهای جاری اعلام شده گفت: «نگرانی اصلی اکنون به تأمین گاز در فصل سرما مربوط می‌شود، زیرا احتمال دارد بحران گاز حتی از ناترازی برق تابستان نیز جدی‌تر باشد. دولت باید از هم‌اکنون برای مدیریت این وضعیت برنامه‌ریزی کند تا کشور در ماه‌های آینده با مشکلات گسترده‌تری روبرو نشود».

اگر چه محمدرضا قائم‌پناه معاون اجرایی مسعود پزشکیان میزان کمبود گاز را روزانه ۱۰۰ میلیون مترمکعب اعلام کرده اما رئیس کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی ایران این رقم را ۳۰۰ میلیون مترمکعب در سالهای گذشته و برای امسال ۴۵۰ میلیون متر مکعب ارزیابی کرده است.

آرش نجفی رئیس کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی ایران گفته «در سالهای گذشته به طور متعارف حدود ۳۰۰ میلیون مترمکعب روزانه کسری گاز داشتیم که با حوادثی که در جنگ رمضان [جنگ ۴۰ روزه اسرائیل و آمریکا با جمهوری اسلامی] برای ما رخ داد، در حال حاضر بیش از ۴۵۰ میلیون مترمکعب کسری گاز داریم».

آرش نجفی همچنین از جیره‌بندی دوباره گاز در ماه‌های آینده خبر داده و گفته «به نظر می‌رسد ضمن اینکه صنعت مواجهه با محدودیت مصرف گاز خواهد شد، احتمالاً بخش

خاطر سوءاستفاده‌های افراد از رانت‌هاست. مثلاً طرحی وجود دارد که اگر سرمایه‌گذار برود در فلان شهر سرمایه‌گذاری کند، دولت تا ۱۰ سال از او مالیات نمی‌گیرد؛ این هم یک رانت است. خیلی وقت‌ها رانت ابزاری برای کاهش نابرابری است و دولت‌ها برای کاهش نابرابری رانت‌ها را مدیریت می‌کنند و طرح‌های تشویقی به این شکل می‌گذارند.

مرتضی افقه همچنین معتقد است مشکل زمانی ایجاد می‌شود که رانت از هدف اصلی خود منحرف شود. به گفته این کارشناس اقتصادی، وقتی سوءاستفاده از رانت زیاد شود، رانت منحرف بشود، مشکل ایجاد می‌شود. دولت و کل حاکمیت متأسفانه به جای کنترل ۲۰۰ تا ۳۰۰ نفر سوءاستفاده‌کننده از رانت، با افزایش قیمت‌ها، همه مردم را جرمیه می‌کند.

به اعتقاد این اقتصاددان مسئله اصلی، پرداخت یا عدم پرداخت یارانه نیست؛ بلکه کیفیت حکمرانی اقتصادی، شیوه شناسایی گروه‌های هدف، منابع تأمین مالی و توان دولت در مهار تورم است. در چنین شرایطی، حتی مؤثرترین سیاست‌های حمایتی نیز اگر در کنار کنترل تورم و اجرای کارآمد قرار نگیرند، به مرور زمان اثر خود را از دست خواهند داد.

در نگاه کلی‌تر اقتصاددانان معتقدند وضعیت اقتصاد ایران وارد فاز جدیدی از بحران شده که تورم بالا و سقوط قدرت خرید خانوار تنها یکی از نتایج آن است.

ریسک‌های ساختاری و ژئوپلیتیک سبب ایجاد نااطمینانی عمیق در اقتصاد ایران شده است. صندوق بین‌المللی پول نرخ رشد اقتصادی ایران برای سال جاری را منفی ۵/۴ درصد پیش‌بینی کرده است.

بر اساس برآوردهای صندوق بین‌المللی پول، خروج از این رکود طولانی‌مدت تا سال ۲۰۲۷ میلادی محقق نخواهد شد و تنها در صورت تثبیت نسبی شرایط سیاسی و اقتصادی، می‌توان انتظار رشد مثبت ۲/۹ درصدی را در آن سال داشت. این آمارهای تکان‌دهنده به‌روشنی نشان می‌دهند که ظرفیت‌های تولیدی و درآمدی کشور زیر فشار مضاعف تحریم‌های بین‌المللی، محدودیت‌های صادرات نفت و نااطمینانی‌های محیطی دچار فرسایش شدید شده و بدون ایجاد تغییر در متغیرهای کلان بیرونی، موتور رشد اقتصادی توان حرکتی نخواهد داشت.

به گفته اقتصاددانان آمارهای اقتصادی و چشم‌انداز ترسیم شده از سوی صندوق بین‌المللی پول درباره اقتصاد ایران، همگی یک واقعیت واحد و غیرقابل‌انکار را عریان می‌سازند: اقتصاد ایران به نقطه‌ای رسیده است که ابزارهای معمول پولی، بخشنامه‌های اداری و دستورهای تسکین‌دهنده، قادر به مهار تورم‌های افسارگسیخته و تحریک رشد اقتصادی نیستند.

به عقیده اقتصاددانان تا زمانی که فضای باتکلیفی و وضعیت «نه جنگ، نه صلح» بر اکوسیستم اقتصادی کشور سایه افکنده باشد، سرمایه‌ها فرار خواهند کرد، تولیدکنندگان در لاک دفاعی فرو خواهند رفت و فشار سرفه‌ها بر اقشار ضعیف مضاعف خواهد شد.

همچنین تأکید می‌شود برای خروج سرفه‌های مردم از زیر فشار تورم‌های چندده درصدی و بازگرداندن ثبات پایدار به بازارها، گام اول و حیاتی، پایان دادن به نااطمینانی‌های سیاسی، شفاف‌سازی افق بین‌المللی و بازسازی اعتماد از دست‌رفته فعالان اقتصادی است؛ در غیر این صورت، گزارش‌های تورمی ماه‌های آینده نیز تنها تکرار همین اعداد تلخ، سرفه‌های کوچک‌تر و رکوردهای نگران‌کننده خواهند بود.

هایی از واحدهای مسکونی، تجاری و اداری در کشور نیز به طور منطقه بندی شده با قطع موردی و جایگزینی آن با سوخت مایع».

او افزوده «همچنین احتمال دارد دولت در روستاها مجبور شود که گاز را قطع کند و با سوخت مایع و تجهیزات مربوطه کمک کند تا زمستان را سپری کند. این موضوع بستگی دارد زمستان ما چگونه است و چقدر دچار مشکلات و تنش است».

همچنین روز گذشته محمد اتابک وزیر صنعت، معدن و تجارت از کاهش محدودیت‌های برق و گاز برای صنایع خبر داد و با اشاره به آثار ناترازی انرژی بر بخش تولید گفت: «محدودیت‌های برق و انرژی طی ماه‌های گذشته، به‌ویژه برای صنایع انرژی‌بر مانند فولاد و واحدهای مستقر در شهرک‌های صنعتی، مشکلات جدی ایجاد کرده است».

وزیر صنعت، معدن و تجارت با تأکید بر این‌که که در حال حاضر «روزانه حدود ۸۵۰ میلیون مترمکعب گاز» در کشور تولید می‌شود گفته است طبق برنامه‌ریزی انجام‌شده، «بین ۱۱۵ تا ۱۲۰ میلیون مترمکعب» آن به بخش صنعت اختصاص خواهد یافت و درباره محدودیت‌های موجود هم با هماهنگی وزارت نفت و متناسب با شرایط تصمیم‌گیری خواهد شد. درباره رقم دقیق کمبود گاز و برق در ایران ارقام متفاوتی اعلام می‌شود. بر اساس یکی از آمارهای اعلام شده در سال گذشته ناترازی و کمبود گاز در زمستان ایران به دلیل افزایش شدید مصرف خانگی، افت فشار میادین و محدودیت‌های زنجیره تأمین، به بیش از ۴۵۰ میلیون مترمکعب کسری روزانه رسید.

این در حالیست که از سال گذشته دولت درگیر هزینه‌های ناشی از جنگ بوده و در جنگ ۴۰ روزه نیز بخشی از زیرساخت‌های گاز در عسلویه آسیب دید. اینهمه بیانگر اینست که دولت نخواهد توانست تا پاییز پیش‌رو ظرفیت تولید گاز در کشور را افزایش دهد.

تنش آبی ۵۸ شهر و ۳۴ میلیون نفر در ایران را تهدید می‌کند



رسیده است که این رقم ۱۴ درصد بالاتر از میانگین جهانی است. این وضعیت که در کنار کشورهای همسایه مانند امارات و اردن، نشان‌دهنده یک بحران فراگیر منطقه‌ای است، ایران را با چالش جدی امنیت آبی مواجه کرده است. دکتر بنفشه زهرایی، رئیس مؤسسه آب دانشگاه تهران، با اشاره به بیان آبی اخیر اعلام کرد که میزان آب تجدیدپذیر کشور به ۹۲ میلیارد مترمکعب سقوط کرده است. این در حالی است که در دوره قبل، این رقم ۱۱۰ میلیارد مترمکعب بود. به عبارتی، ایران در فاصله‌ای کوتاه، ۱۷ میلیارد مترمکعب از ذخایر تجدیدپذیر خود را از دست داده و هم‌اکنون تمام ظرفیت آبی جایگزین‌شونده خود را به صورت کامل مصرف می‌کند.

کاهش منابع آب تنها یک شاخص آماری نیست؛ این بحران هم‌اکنون منجر به «مهاجرت‌های اجباری» شده است. بنابر آمارهای رسمی، تنها در بازه سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۲، بیش از ۸۰۰ هزار نفر به دلیل تبعات تغییرات اقلیمی از استان‌های جنوبی و مرکزی به سمت شمال ایران کوچ کرده‌اند. این جابه‌جایی جمعیتی علاوه بر تهدید امنیت غذایی، پتانسیل بروز تنش‌های اجتماعی را نیز افزایش داده است.

به عقیده کارشناسان عبور از بحران آب تنها با اجرای پروژه‌های عمرانی و توسعه زیرساخت‌ها امکان‌پذیر نیست. تداوم این چالش، نیازمند تقویت حکمرانی آب، مدیریت علمی منابع، بازنگری در شیوه تخصیص آب، کاهش هدررفت در شبکه‌های توزیع شهری و کشاورزی و اجرای برنامه‌های مؤثر برای سازگاری با کم‌آبی است. در کنار این اقدامات، توسعه بازچرخانی آب، اصلاح الگوی کشت و سرمایه‌گذاری هدفمند باید در اولویت سیاست‌گذاری قرار گیرد.

کارشناسان همچنین تأکید دارند استفاده از آب‌های غیرمتعارف، بازچرخانی ۹۰ درصدی پساب و آموزش فناوری‌های نوین به کشاورزان (مانند طرح حوضه دریاچه ارومیه که منجر به کاهش ۳۰ درصدی مصرف آب شد)، از جمله راهکارهای عملی برای حفظ توسعه پایدار و صیانت از محیط زیست ایران است.

حسینعلی شهریاری، نماینده زاهدان در مجلس شورای اسلامی نیز گفته استان سیستان و بلوچستان با بحران جدی تأمین آب روبروست و شهر زاهدان هزار لیتر آب در ثانیه کسری دارد و به دلیل توقف دو پروژه آبرسانی، برخی مناطق فقط هفته‌ای یک یا دو روز آب دارند.

این نماینده مجلس شورای اسلامی همچنین از هزینه‌های سنگین تأمین آب برای شهروندان در این استان خبر داده و گفته است خانواده‌ها برای خرید آب از تانکرهای شخصی، برای هر مترمکعب بین ۵۰۰ تا ۵۵۰ هزار تومان پرداخت می‌کنند؛ در حالی که بسیاری از مردم توان پرداخت این هزینه را ندارند.

از سوی دیگر علیرضا شریعت، دبیرکل فدراسیون صنعت آب ایران، با رد تصور بهبود شرایط آبی کشور صرفاً بر اساس میانگین بارندگی‌های کشوری، نسبت به تداوم بحران آب در فلات مرکزی هشدار داده است.

او تأکید کرده که توزیع نامتوازن بارش‌ها، ۵ سال خشکسالی متوالی و تمرکز ۶۰ درصدی جمعیت در این مناطق، نیازمند تغییرات اساسی در حکمرانی آب، اصلاح شبکه توزیع و بازنگری در آمایش سرزمین است.

به گفته علیرضا شریعت فلات مرکزی ایران که میزبان بیش از ۶۰ درصد جمعیت کشور است، بیشترین فشار را بر منابع آب زیرزمینی وارد می‌کند. او تأکید کرده پنج سال خشکسالی پیاپی، سفره‌های آب زیرزمینی را به شدت تخلیه کرده و یک سال بارش مناسب نمی‌تواند این کسری انباشته را جبران کند.

علاوه بر خشکسالی اقلیمی، فرسودگی شبکه‌های توزیع، یکی دیگر از چالش‌های بزرگ است. در بسیاری از کلانشهرها، حجم قابل توجهی از آب تصفیه‌شده، پیش از رسیدن به دست مصرف‌کننده به دلیل فرسودگی لوله‌ها هدر می‌رود. شریعت تأکید می‌کند که نوسازی شبکه آبرسانی تهران به تنهایی می‌تواند ظرفیتی معادل احداث یک تا دو سد بزرگ برای تأمین آب پایتخت ایجاد کند.

بر اساس آخرین داده‌های جهانی، نرخ از دست رفتن منابع آبی در ایران طی سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۲۲ به ۷۵ درصد

آخرین آمار وضعیت مخازن سدهای کشور تا تاریخ ۲۷ تیرماه نشان می‌دهد تنها ۶۲ درصد ظرفیت مخازن پر شده و ۹ سد مهم کشور کمتر از ۲۰ درصد حجم ذخیره دارند. علیرضا شریعت، دبیرکل فدراسیون صنعت آب ایران، با رد تصور بهبود شرایط آبی کشور صرفاً بر اساس میانگین بارندگی‌های کشوری، نسبت به تداوم بحران آب در فلات مرکزی هشدار داده است.

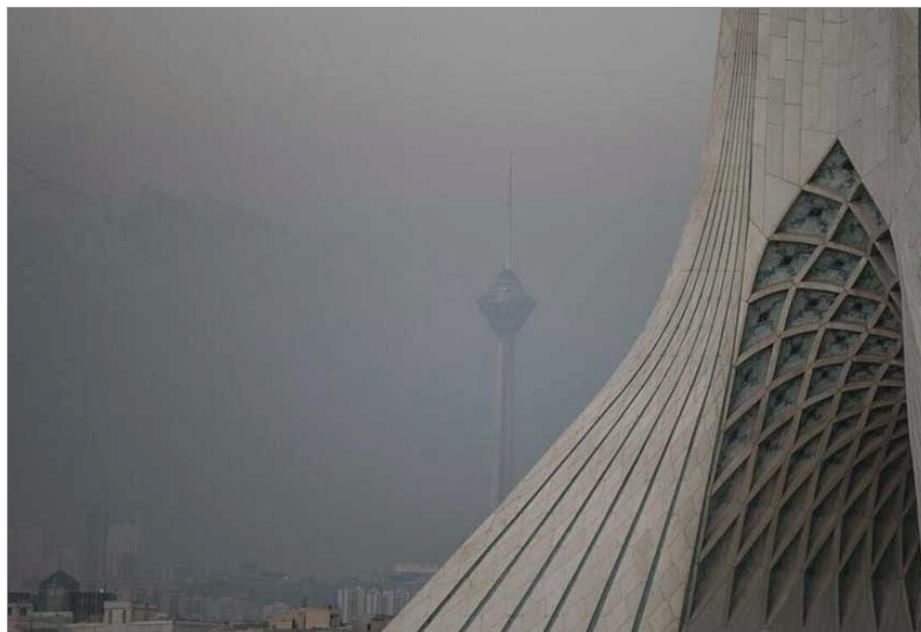
فیروز قاسم‌زاده مدیرکل دفتر اطلاعات و داده‌های آب کشور گفته است در حال حاضر ۱۲ استان کشور در شرایط زیرنرمال قرار دارند و مدیریت تنش شرب برای جمعیتی بالغ بر ۳۴ میلیون نفر در ۵۸ شهر، یکی از مهم‌ترین اولویت‌های بخش آب به شمار می‌رود.

در حالیکه گزارش‌ها از تشدید بحران کم‌آبی در ایران حکایت دارند، داده‌های بین‌المللی نشان می‌دهد حدود ۷۵ درصد از منابع آبی ایران در سه دهه اخیر از بین رفته است. در حال حاضر ۳۴ میلیون نفر در ۵۸ شهر کشور دچار تنش آبی هستند.

در سال آبی رو به پایان کنونی بارش‌ها نسبت به سال گذشته ۶۱ درصد افزایش یافته، اما بررسی شاخص خشکسالی SPI در مقیاس کشوری از تداوم شش سال متوالی خشکسالی حکایت دارد. آخرین آمار وضعیت مخازن سدهای کشور تا تاریخ ۲۷ تیرماه نشان می‌دهد تنها ۶۲ درصد ظرفیت مخازن پر شده و ۹ سد مهم کشور کمتر از ۲۰ درصد حجم ذخیره دارند.

فیروز قاسم‌زاده مدیرکل دفتر اطلاعات و داده‌های آب کشور گفته است در حال حاضر ۱۲ استان کشور در شرایط زیرنرمال قرار دارند و مدیریت تنش شرب برای جمعیتی بالغ بر ۳۴ میلیون نفر در ۵۸ شهر، یکی از مهم‌ترین اولویت‌های بخش آب به شمار می‌رود. تداوم کم‌بارشی در این استان‌ها می‌تواند به کاهش تولید آب در ماه‌های آینده، افت رواناب‌های سطحی، کاهش ورودی سدها و افزایش فشار بر منابع آب زیرزمینی منجر شود و در نهایت تأمین آب در بخش‌های مختلف مصرف را با چالش مواجه کند.

علت آلودگی تابستانی هوای تهران مشخص شد



● یافته‌های یک پژوهش ۱۰ ساله که توسط دو پژوهشگر جوان در دانشگاه تهران انجام شده نشان می‌دهد که داغ شدن آسفالت‌ها، ساختمان‌ها و ایجاد جزایر حرارتی در پایتخت، غلظت گاز سمی و خطرناک «ازن» را در تابستان به بیش از دو برابر افزایش می‌دهد.

● طبق یافته‌های این پژوهش، با افزایش دمای سطح زمین از زیر ۱۵/۹ درجه به بالای ۳۹/۱ درجه سانتی‌گراد، میزان ازن روزانه بیش از دو برابر شده و از ۱۰/۳ به ۲۱/۴ ppb می‌رسد. این وضعیت حتی در طول شب نیز ادامه دارد.

● در مناطق شمالی شهر، با وجود پوشش گیاهی بیشتر، گیاهان در روزهای داغ ترکیباتی آزاد می‌کنند که در ترکیب با دود سنگین ترافیک، به تولید بیشتر ازن منجر می‌شود. از سوی دیگر، دیواره کوه‌های البرز و وجود خیابان‌های محصور میان برج‌های بلند، مانع از جریان طبیعی هوا شده و این گاز سمی را در این مناطق به تله می‌اندازند.

● «استفاده از سقف‌های سبز (پشت‌بام‌های پوشیده از گیاه)، «بکارگیری مصالح نوین با ضریب بازتاب حرارتی بالا (برای کاهش جذب گرمای خورشید)، «حفظ کریدورهای باد و باز نگه داشتن مسیرهای طبیعی جریان هوا در طراحی‌های شهری» از جمله راهکارهای این پژوهشگران برای حل بحران آلودگی هوای تهران است.

در حالیکه سالهاست آلودگی شدید هوا در تابستان‌های تهران مورد بحث کارشناسان بوده است، یافته‌های یک پژوهش ۱۰ ساله که توسط دو پژوهشگر جوان در دانشگاه تهران انجام شده نشان می‌دهد که داغ شدن آسفالت‌ها، ساختمان‌ها و ایجاد جزایر حرارتی در پایتخت، غلظت گاز سمی و خطرناک «ازن» را در تابستان به بیش از دو برابر افزایش می‌دهد.

آرشام نخجیری و امین‌اله کاکرودی از گروه سنجش از دور و GIS دانشگاه تهران، در یک مطالعه ۱۰ ساله (از ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۳)، ارتباط میان دمای سطح زمین و تولید این آلاینده خطرناک در تهران را بررسی کرده‌اند. این پژوهشگران با تلفیق داده‌های ساعتی ۲۰ ایستگاه پایش کیفیت هوا و تصاویر ماهواره‌ای دریافتند که با افزایش دمای زمین، سرعت تولید گاز ازن به شدت افزایش می‌یابد.

طبق یافته‌های این پژوهش، با افزایش دمای سطح زمین از زیر ۱۵/۹ درجه به بالای ۳۹/۱ درجه سانتی‌گراد، میزان ازن روزانه بیش از دو برابر شده و از ۱۰/۳ به ۲۱/۴ ppb می‌رسد. این وضعیت حتی در طول شب نیز ادامه دارد؛ به طوری که در شب‌های گرم با دمای بالای ۲۳/۵ درجه، غلظت ازن همچنان بالای ۱۰ ppb باقی می‌ماند که نشان‌دهنده ماندگاری این هوای سمی در محیط است.

یافته‌های این پژوهش مهم علمی نشان می‌دهد توزیع این گاز سمی در سطح تهران یکنواخت نیست. بر اساس نتایج این پژوهش بالاترین غلظت گاز ازن و بیشترین گرمای شبانه سطح زمین (با میانگین ۱۶ درجه) به طور مداوم در مناطق مرکزی، شمالی و شرقی تهران (از جمله مناطق ۱، ۳، ۸ و ۱۵) ثبت می‌شود.

در مناطق شمالی شهر، با وجود پوشش گیاهی بیشتر، گیاهان در روزهای داغ ترکیباتی آزاد می‌کنند که در

ترکیبات شیمیایی نیز می‌تواند ابزار دقیق‌تری را برای مدیریت بحران آلودگی هوا در اختیار برنامه‌ریزان شهری قرار دهد.

سالمات افزایش غیرعادی دمای تهران و افزایش سطح آلودگی هوا طی فصل تابستان در پایتخت مورد بحث کارشناسان بوده است. یکی از مهمترین دلایل افزایش آلودگی هوا در کلانشهرهای ایران حمل‌ونقل اتومبیل‌ها و موتورسیکلت‌ها است که در فصل پاییز و زمستان و در طول سال تحصیلی حجم حمل‌ونقل در خیابان‌ها بیشتر از تابستان است.

از سوی دیگر کمبود گاز سبب شده که در فصل سرما نیروگاه‌های تولید برق از سوخت‌هایی چون مازوت استفاده کنند که سبب تشدید آلودگی هوا در کلانشهرها می‌شود. در پایتخت اما در تابستان نیز -با وجود عدم استفاده از سوخت‌هایی با آلاینده‌ی بالا در نیروگاه‌ها و کاهش حمل‌ونقل شهری- آلودگی هوا قابل توجه بوده است. رازی که اکنون نتایج پژوهش آرشام نخجیری و امین‌اله کاکرودی آن را فاش کرده است.

در همین رابطه احد وظیفه رئیس مرکز ملی اقلیم و مدیریت بحران خشکسالی سازمان هواشناسی هفته جاری اعلام کرد «میانگین دمای تهران نسبت به سال قبل مقداری بالاتر است ولی میانگین کشوری از سال گذشته حدود ۰/۵ درجه خنک‌تر بوده است.»

هوای تهران از ابتدای بهار با کیفیت قابل قبولی روبرو بود اما از ابتدای تیرماه آلودگی هوا در پایتخت افزایش یافت. بر اساس اطلاعات شرکت کنترل کیفیت هوای تهران، طی تیرماه سال گذشته تهران هشت روز هوای قابل قبول، ۱۷ روز هوای ناسالم برای گروه‌های حساس، سه روز هوای ناسالم برای همه، یک روز هوای بسیار ناسالم و دو روز هوای خطرناک را به خود دید.

آلاینده شاخص هوا طی این ماه ذرات معلق کوچک‌تر از ۲/۵ میکرون بود که ۱۹ روز هوای پایتخت را آلوده کرد البته ازن نیز ۱۴ روز و ذرات معلق کوچک‌تر از ۱۰ میکرون ۱۲ روز فراتر از شرایط قابل قبول رفت.

ترکیب با دود سنگین ترافیک، به تولید بیشتر ازن منجر می‌شود. از سوی دیگر، دیواره کوه‌های البرز و وجود خیابان‌های محصور میان برج‌های بلند، مانع از جریان طبیعی هوا شده و این گاز سمی را در این مناطق به تله می‌اندازند.

در مقابل، مناطق غربی و جنوب‌غربی پایتخت (مانند مناطق ۲۱ و ۲۲) با وجود تجربه دمای بسیار بالا در طول روز (تا ۳۸ درجه سانتی‌گراد) به دلیل اراضی بایر و پهنه‌های آسفالتی، به علت تراکم ساختمانی کمتر و قرارگیری در مسیر بادهای غالب غرب به شرق، ماندگاری آلاینده کمتری دارند. این بادهای آلاینده‌ها و پیش‌سازهای تولید ازن را از غرب جمع‌آوری کرده و به سمت مناطق مرکزی و شرقی تهران هدایت می‌کنند.

یافته‌های بررسی‌های ۱۰ ساله این دو پژوهشگر نشان می‌دهد «دمای سطح زمین» و «میزان غلظت ازن در تهران» روندی افزایشی را طی می‌کند و عامل این مسیر فزاینده «توسعه بی‌رویه و غیراصولی شهری و تغییرات اقلیمی» است.

این پژوهش نشان می‌دهد در سال‌های ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ و با آغاز پاندمی کرونا به دلیل قرنطینه و کاهش تردد‌های درون‌شهری، با افت دمای سطح زمین (به حدود ۳۳/۳ درجه در روز) و کاهش محسوس ازن همراه بود. اما با پایان این دوره و بازگشت ترافیک در سال ۲۰۲۱، غلظت روزانه ازن به اوج تاریخی خود یعنی میانگین ۱۹/۳۲ ppb رسید.

پژوهشگران برای کنترل این کوره سمی شهری، بر لزوم تغییر در الگوهای ساخت‌وساز تأکید دارند. آنها راهکارهایی مانند «استفاده از سقف‌های سبز (پشت‌بام‌های پوشیده از گیاه)، «بکارگیری مصالح نوین با ضریب بازتاب حرارتی بالا (برای کاهش جذب گرمای خورشید)، «حفظ کریدورهای باد و باز نگه داشتن مسیرهای طبیعی جریان هوا در طراحی‌های شهری» را نیز ارائه کرده‌اند.

این پژوهش همچنین تأکید کرده افزایش تعداد ایستگاه‌های زمینی سنجش آلاینده‌ها و پایش مداوم سایر

سرکوب سازمانیافته آموزگاران؛ دست کم ۶۰ آموزگار پس از اعتراضات دی ماه بازداشت یا محکوم شده اند

● کمپین حقوق بشر ایران گزارش داده در پی اعتراض‌های گسترده و خونین دی ۱۴۰۴ و سرکوب مرگبار معترضان در شهرها و مناطق مختلف کشور، جمهوری اسلامی کارزاری سازمان‌یافته را برای سرکوب معلمان، یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین گروه‌های مدنی ایران، به راه انداخته است.

کمپین حقوق بشر ایران در گزارشی اعلام کرد جمهوری اسلامی پس از اعتراضات دی‌ماه ۱۴۰۴، دست‌کم ۶۰ آموزگار را بازداشت، زندانی یا با احکام قضایی روبرو کرده است. این نهاد از سازمان‌های بین‌المللی خواست برای پیگیری وضعیت معلمان بازداشت‌شده و افزایش فشار بر جمهوری اسلامی، اقدام کنند.

کمپین حقوق بشر ایران گزارش داده در پی اعتراض‌های گسترده و خونین دی ۱۴۰۴ و سرکوب مرگبار معترضان در شهرها و مناطق مختلف کشور، جمهوری اسلامی کارزاری سازمان‌یافته را برای سرکوب معلمان، یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین گروه‌های مدنی ایران، به راه انداخته است. این گزارش افزوده مقامات امنیتی و قضایی، در چارچوب کارزار گسترده‌تر جمهوری اسلامی برای سرکوب هرگونه صدای مخالف، معلمان و فعالان تشکلهای صنفی فرهنگی را به‌طور خودسرانه بازداشت، ناپدیدسازی قهری و با اتهام‌های واهی تحت پیگرد قضایی قرار داده‌اند. بسیاری از آنان برای مدت‌های طولانی در سلول انفرادی نگهداری شده و از دسترسی به وکیل، ارتباط با دنیای خارج و خدمات درمانی محروم بوده‌اند؛ اقداماتی که با هدف ارعاب معلمان و خاموش کردن فعالیت‌های مستقل صنفی صورت گرفته است.

بررسی‌های کمپین حقوق بشر ایران نشان می‌دهد که پس از اعتراضات دی ۱۴۰۴ ۱۴ ششم مرداد ۱۴۰۵ دست‌کم ۶۰ آموزگار در ایران بازداشت، زندانی و یا با احکام قضایی روبرو شده‌اند. با این حال، تعداد واقعی بازداشت‌شدگان به‌طور قطع بسیار بیشتر است؛ به‌ویژه در مورد معلمانانی که در جریان اعتراضات دی ۱۴۰۴ بازداشت شدند اما پرونده‌های آنان هرگز علنی نشد، همچنین در شهرهای کوچک بسیاری از بازداشت‌ها هرگز گزارش نشده‌اند. افزون بر این، قطع بی‌سابقه اینترنت در سراسر کشور به مدت ۸۸ روز نیز مستندسازی سرکوب خشونت‌بار حکومت را به‌شدت دشوار کرده است.

این گزارش افزوده معلمان بازداشت‌شده برای مدت‌های طولانی در بازداشت خودسرانه، بدون دسترسی به وکیل و ارتباط با دنیای خارج و در سلول‌های انفرادی نگهداری شده‌اند. همچنین تأکید شده آموزگاران با اتهام‌های مبهم امنیتی تحت پیگرد قرار گرفته‌اند و احکام صادرشده علیه آنها شامل حبس‌های طولانی‌مدت، شلاق و تبعید داخلی بوده است.

کمپین حقوق بشر ایران همچنین از یونسکو، سازمان بین‌المللی کار و دیگر نهادهای بین‌المللی خواست برای توقف سرکوب معلمان در ایران اقدام کنند.

این نهاد حقوق بشری همچنین نوشته گزارشگران موضوعی سازمان ملل، از جمله گزارشگران ویژه در زمینه‌های شکنجه، حق آزادی تجمعات مسالمت‌آمیز



توبه‌ای‌ها و تداوم بازداشت رضا امانی‌فر، دو آموزگار ساکن استان گیلان، را محکوم کرد.

در این بیانیه آمده «در شرایطی که تبعات سیاست‌های ناکارآمد اقتصادی، فشارهای ناشی از جنگ و تحریم و فساد ساختاری، خیل عظیمی از هم‌میهن‌انمان، کارگران و مزدبگیران و حتی بخش بزرگی از قشر متوسط جامعه را به زیر خط فقر کشانده، آیا دور از انتظار است که علی‌رغم تمام محدودیت‌هایی که با توجیهات گوناگون و در واقع به شکلی غیرمنطقی و غیرقانونی اعمال می‌شود، کسانی طاقشان طاقت شود و اعتراضشان را به وضع موجود، آن هم در چارچوب قانون اساسی و قوانین برگرفته از آن نشان دهند؟» در بخشی از این بیانیه آمده «ایرج توبه‌ای‌ها نجف‌آبادی، معلم پیش‌کسوت، پس از سپری کردن دو سال و یک ماه حبس، در تاریخ ۲۸ تیرماه محکوم شده است تا از خانه و همسر و فرزندان و دوستانش دور شود و به تبعید در روستای ده‌سلم از توابع شهرستان نهبندان در دل کویر فرستاده شود.»

این بیانیه افزوده «دکتر عبدالرضا امانی‌فر، دبیرکل کانون صنفی معلمان استان بوشهر و بازرس شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، اکنون بر سه ماه هست که با داشتن بیماری مزمن کلیوی در بازداشت موقت به سر می‌برد. این محدودیت در شرایطی در مورد ایشان اعمال می‌شود که دسترسی به درمان مناسب از ابتدایی‌ترین حقوق یک زندانی است.»

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران نیز روز گذشته گزارش داده بهرام یعقوبی، عضو کانون صنفی فرهنگیان استان آذربایجان شرقی در پی پرونده‌ای که از سال ۱۴۰۳ با اتهام «تبلیغ علیه نظام» به دلیل فعالیت در شبکه‌های مجازی علیه او تشکیل شده بود، از سوی شعبه دوم دادگاه انقلاب به هشت ماه حبس تعزیری محکوم شده است. بر اساس این حکم، مجازات حبس به پرداخت جزای نقدی به مبلغ شصت میلیون ریال تبدیل شده است.

و تشکلیابی، و حق آموزش، همراه با گزارشگر ویژه وضعیت حقوق بشر در ایران و گروه کاری بازداشت‌های خودسرانه، باید با بهره‌گیری از سازوکارهای خود، از جمله مکاتبات رسمی و درخواست اقدام فوری، وضعیت معلمان بازداشت‌شده در ایران را پیگیری، خواستار آزادی فوری آنان شوند و مقام‌های جمهوری اسلامی را نسبت به نقض حقوق معلمان پاسخگو کنند.

همچنین یک فرد آگاه از وضعیت تعدادی از معلمان و فرهنگیان بازداشت‌شده در شهر اراک (استان مرکزی) به کمپین حقوق بشر ایران گفت: «در شهر کوچکی مثل اراک تعدادی از فرهنگیان و معلمان بازداشت شدند اما خب اسامی تعداد محدودی رسانه‌ای شد. یکی از معلمانانی که بازداشت شده بود با اتهام محاربه روبرو بود که در نهایت از این اتهام تبرئه شد و پس از چند ماه با وثیقه آزاد شد. او همان روزهای ۱۸-۱۹ در منزل شخصی بازداشت شد. یکی دیگر از معلمان خوشنام شهر نیز فروردین ماه، یعنی در میانه جنگ، پس از پورش ماموران به محل سکونتش بازداشت شد که به تازگی با قید وثیقه آزاد شد.»

به گفته این منبع مطلع «یکی از بازداشت‌شدگان اعتراضات شهر اراک، معلم و همزمان معاون مهم‌ترین و معروف‌ترین دبیرستان شهر بود. دبیرستانی که بام آن محل استقرار نیروهای مسلح و شلیک به سمت معترضان در روزهای ۱۸ و ۱۹ دی بود. این دبیرستان مشرف به یکی از خیابان‌های اصلی شهر است که جمعیت زیادی برای اعتراض به آنجا آمده بودند از جمله همین آقای معاون به همراه همسر و فرزندانش که همگی بازداشت می‌شوند. موضوع مهم اینجاست که همسر این آقا، خود یکی از مقامات عالی‌رتبه شهر است.»

فعالان و تشکلهای صنفی آموزگاران نیز طی ماه‌های گذشته بارها به سرکوب سازمانیافته آموزگاران در شهرهای مختلف اعتراض کرده‌اند. در یکی از آخرین واکنش‌ها کانون صنفی فرهنگیان گیلان با صدور بیانیه‌ای تبعید ایرج

تداوم بحران کم‌آبی در ایران؛ خشکسالی شدید در ۹۸ درصد از پهنه شهرستان مشهد



● ۱۴ شهر و ۵۲۳ روستای خراسان «رضوی» با تنش آبی روبرو و در وضعیت قرمز آبی هستند. همچنین، ۹۸ درصد از پهنه شهرستان مشهد در شرایط خشکسالی شدید قرار دارد. همچنین از مجموع ۳۷ دشت استان خراسان «رضوی»، نیمی در وضعیت «ممنوعه بحرانی» قرار دارند. - حسین امامی، مدیر عامل شرکت آب و فاضلاب استان خراسان «رضوی»، اعلام کرد که ۵۰ درصد شبکه‌ها و خطوط انتقال آب در این استان بالای ۲۰ سال قدمت دارد و فرسوده است.

● حسین وطن‌دوست فرماندار خلخال گفته ۳۵ روستای این شهرستان با تنش آبی مواجه‌اند و آب شرب این روستاها با استفاده از تانکرهای سیار و در صورت لزوم، با توزیع آب بسته‌بندی تأمین می‌شود.

● عباسقلی جهانی، کارشناس حوزه آب: اگرچه امسال اوضاع سد کرج نسبتاً بهتر است اما دیگر سدها به خاطر چند سال متوالی خشکسالی موجودی خوبی ندارند بنابراین آب تهران همچنان لب تیغ و تحت فشار قرار دارد.

● عیسی بزرگزاده سخنگوی صنعت آب کشور با اشاره به بهبود نسبی میزان بارش باران در ماه‌های گذشته تأکید کرد «کارشناسان وزارت نیرو نسبت به تفسیر نادرست این ارقام هشدار می‌دهند. بارش‌های سیل‌آسا در جنوب یا غرب کشور، هرگز به معنای رفع مشکل کم‌آبی در مناطق دارای تنش آبی مانند تهران یا مشهد نیست».

با وجود افزایش بارندگی‌ها در استان‌های مختلف ایران طی ماه‌های گذشته اما همچنان بحران کم‌آبی و خشکسالی پابرجا مانده است. ۱۴ شهر و ۵۲۳ روستای خراسان «رضوی» با تنش آبی روبرو و در وضعیت قرمز آبی هستند و ۹۸ درصد از پهنه شهرستان مشهد در شرایط خشکسالی شدید قرار دارد. منابع آب در استان تهران همچنان لب مرز بحران قرار دارد و در بسیاری از روستاهای کشور آبرسانی با تانکر جریان دارد.

در سال جاری ۱۴ شهر و ۵۲۳ روستای خراسان «رضوی» با تنش آبی روبرو و در وضعیت قرمز آبی هستند. همچنین، ۹۸ درصد از پهنه شهرستان مشهد در شرایط خشکسالی شدید قرار دارد. همچنین از مجموع ۳۷ دشت استان خراسان «رضوی»، نیمی در وضعیت «ممنوعه بحرانی» قرار دارند.

کمبود آب در استان خراسان «رضوی» در حالی شهر و روستاهای این استان را در شرایط بحرانی قرار داده است که گزارش‌ها نشان می‌دهد نیمی از شبکه‌ها و خطوط انتقال آب استان فرسوده هستند. فرسودگی خطوط توزیع سبب هدررفت آب می‌شود.

در همین رابطه حسین امامی، مدیر عامل شرکت آب و فاضلاب استان خراسان «رضوی»، اعلام کرد که ۵۰ درصد شبکه‌ها و خطوط انتقال آب در این استان بالای ۲۰ سال قدمت دارد و فرسوده است. او با اشاره به اینکه سالانه بین هشت تا ۱۰ درصد از این شبکه اصلاح و بازسازی می‌شود، اظهار داشت که با وجود اقدامات اصلاحی، قدمت لوله‌ها در حال افزایش است و باعث فشار به شبکه‌ها و خطوط انتقال می‌شود.

وضعیت بحرانی منابع آن در دیگر استان‌های دیگر نیز

روند زندگی روزمره شهروندان و کشاورزی را متأثر کرده است.

در شهر خلخال در جنوبی استان اردبیل شماری از روستاها با تنش آبی و قطع آب روبرو هستند. حسین وطن‌دوست فرماندار خلخال گفته ۳۵ روستای این شهرستان با تنش آبی مواجه‌اند و آب شرب این روستاها با استفاده از تانکرهای سیار و در صورت لزوم، با توزیع آب بسته‌بندی تأمین می‌شود. حسین وطن‌دوست افزوده «محدودیت‌های مالی» مهم‌ترین مانع تکمیل پروژه‌های تأمین آب در این منطقه است.

در استان تهران نیز که بعنوان یکی از بحرانی‌ترین استان‌های کشور در رابطه با کمبود آب شناخته می‌شود نیز هشدارها درباره تأمین آب آشامیدنی و کشاورزی ادامه دارد.

عباسقلی جهانی، کارشناس حوزه آب درباره شرایط منابع آب استان تهران گفته که «تهران به لحاظ آبی شرایط لب مرزی را سپری می‌کند؛ با وجودی که سال نسبتاً پربارشی داشتیم ولی واقعیت امر اینکه منابع آب را به خاطر خشکسالی مزمی که طی چند سال اخیر داشتیم، پیش‌خور کرده‌ایم».

این کارشناس حوزه آب تأکید کرده «اگرچه امسال اوضاع سد کرج نسبتاً بهتر است اما دیگر سدها به خاطر چند سال متوالی خشکسالی موجودی خوبی ندارند بنابراین آب تهران همچنان لب تیغ و تحت فشار قرار دارد».

روز گذشته عیسی بزرگزاده سخنگوی صنعت آب کشور در گفتگو با صداوسیما جمهوری اسلامی گفت «سال گذشته، کم‌بارشی مزمی و خشکسالی‌های متوالی (در برخی مناطق تا پنج سال) باعث شد تا کشور در وضعیتی دشوار قرار گیرد؛ به گونه‌ای که نزدیک به دو سوم مساحت ایران و جمعیتی بالغ بر ۶۵ میلیون نفر با تنش آبی مواجه شدند. در آن شرایط، مدیریت منابع آب از حالت متعارف خارج و بهره‌برداری از سدها به لایه‌های مرده و استفاده از پمپاژهای

کمکی برای تأمین نیازها محدود شده بود». او با اشاره به بهبود نسبی میزان بارش باران در ماه‌های گذشته تأکید کرد «کارشناسان وزارت نیرو نسبت به تفسیر نادرست این ارقام هشدار می‌دهند. بارش‌های سیل‌آسا در جنوب یا غرب کشور، هرگز به معنای رفع مشکل کم‌آبی در مناطق دارای تنش آبی مانند تهران یا مشهد نیست».

عیسی بزرگزاده افزود در حالی که میانگین پرشدگی سدهای کشور حدود ۵۸ درصد گزارش شده است، وضعیت در کلان‌شهرها نگران‌کننده است؛ به عنوان مثال میزان پرشدگی سدهای تأمین‌کننده آب تهران (که با همکاری منابع آب زیرزمینی، بار اصلی تأمین آب تهران، البرز، کرج و بخشی از قزوین را بر دوش دارند) تنها ۲۹ درصد است. وضعیت در مشهد بسیار بحرانی‌تر گزارش شده؛ به طوری که سد «دوستی» به عنوان منبع اصلی تأمین آب این کلان‌شهر، تنها ۳ درصد آب دارد.

او در ادامه گفت بررسی وضعیت سدها نشان می‌دهد مناطقی همچون تهران (به‌ویژه سدهای لار ۷ درصد و ماملو با ۱۴ درصد پرشدگی)، مشهد، اراک و ساوه در صدر لیست تنش آبی قرار دارند. در خراسان رضوی وضعیت به مراتب حادتر است؛ به طوری که سد «دوستی» تنها ۳ درصد و سد «طرق» ۷ درصد آب دارند. این وضعیت در حالی است که ۱۲ استان کشور همچنان با کم‌بارشی مواجه بوده و تأمین آب شرب این مناطق با چالش‌های جدی روبروست. سخنگوی صنعت آب کشور با بیان اینکه ۷۵ درصد از مساحت ایران در اقلیم خشک، نیمه‌خشک و فراخشک قرار دارد، گفت: «بدهی سنگین کشور به سفره‌های زیرزمینی و تالاب‌ها با چند بارش (حتی در صورت وقوع بارش‌های مطلوب پاییزی و زمستانی) جبران نخواهد شد».

به گفته عیسی بزرگزاده «اگرچه بارش‌های آتی مدیریت منابع آب را برای مسئولان تسهیل می‌کند، اما راهبرد کلان کشور در این سرزمین کم‌آب، باید همچنان مبتنی بر «رفتار مسئولانه در مصرف» و «سازگاری با اقلیم» تنظیم شود».

تأیید خبر سکتۀ علیرضا سپاهی، بازداشت‌شده اعتراضات دی ۴۰۴، پیش از اجرای حکم اعدام



● خبرگزاری «هرانا» خبر سکتۀ قلبی علیرضا سپاهی، بازداشت‌شده دی ۴۰۴، پیش از اجرای حکم اعدام را تأیید کرده است.

● بر اساس این گزارش علیرضا سپاهی پس از سکتۀ به بیمارستان دولتی «الزهر» اصفهان منتقل اما پس از یک روز به زندان دستگرد بازگردانده شده است.

● علیرضا سپاهی ۲۵ ساله از بازداشت‌شدگان اعتراضات دی ۴۰۴ و از جمله محکومان به اعدام در پروندۀ معروف به «میدان علیخانی» اصفهان است و قرار بود سحرگاه سه‌شنبه ششم مرداد ۱۴۰۵ به همراه ابوالفضل سپاهی بادیانی و امیرحسین صفری حسین‌آبادی در ملک شهر اصفهان و در ملاعما اعدام شود.

● خبرگزاری «هرانا» به نقل از یک منبع نزدیک به خانواده نوشته تصاویر دوربین‌های مداربسته و مستندات دیگری وجود دارد که نشان می‌دهد علیرضا سپاهی هنگام وقوع حادثۀ مورد استناد پروندۀ در میدان علیخانی حضور نداشته و در محل دیگری بوده است. با این حال، مرتضی براتی، قاضی رسیدگی‌کننده به پروندۀ، بدون بررسی مؤثر این شواهد، وی را به چهار بار اعدام محکوم کرده است.

خبرگزاری «هرانا» خبر سکتۀ قلبی علیرضا سپاهی، بازداشت‌شده دی ۴۰۴، پیش از اجرای حکم اعدام را تأیید کرده است. بر اساس این گزارش علیرضا سپاهی پس از سکتۀ به بیمارستان دولتی «الزهر» اصفهان منتقل اما پس از یک روز به زندان دستگرد بازگردانده شده است. علیرضا سپاهی ۲۵ ساله از بازداشت‌شدگان اعتراضات دی ۴۰۴ و از جمله محکومان به اعدام در پروندۀ معروف

به «میدان علیخانی» اصفهان است. او قرار بود سحرگاه سه‌شنبه ششم مرداد ۱۴۰۵ به همراه ابوالفضل سپاهی بادیانی و امیرحسین صفری حسین‌آبادی در ملک شهر اصفهان و در ملاعما اعدام شود اما پیش از اجرای حکم به علت استرس دچار سکتۀ قلبی شد.

بر اساس گزارش خبرگزاری «هرانا» سکتۀ علیرضا سپاهی همزمان با انتقال این شهروند به محل اجرای حکم رخ داده و مأموران او را به بیمارستان «الزهر» اصفهان منتقل کردند. به این ترتیب اجرای حکم اعدام علیرضا سپاهی به تعویق افتاده است.

علیرضا سپاهی پس از انجام امور اولیه پزشکی بار دیگر به زندان دستگرد اصفهان منتقل شده و این موضوع نگرانی خانواده او را از «وضعیت جسمانی و سرنوشتش تشدید کرده است».

تلویزیون «ایران اینترنشنال» هم خبر داده که در پی انتقال علیرضا سپاهی به بیمارستان «الزهر» فضای بخشی از این بیمارستان امنیتی شده و شماری از مأموران امنیتی آنجا مستقر شده بودند.

علیرضا سپاهی متولد سال ۱۳۸۰ روز بیستم دی‌ماه در ارتباط با اعتراضات هجدهم دی ۱۴۰۴ در محله ملک‌شهر اصفهان به همراه پسرعموی خود، ابوالفضل سپاهی بادیانی و چندین شهروند دیگر بازداشت شد.

پروندۀ معروف به پروندۀ «میدان علیخانی» به اعتراضات شامگاه ۱۸ دی ۱۴۰۴ مرتبط است که در محدوده میدان علیخانی، میان ملک‌شهر و کاوه اصفهان رخ داد. نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی مدعی شدند در جریان این اعتراضات چهار نیروی بسیج و یگان ویژه به نام‌های حسین رضانی، محمد همتی، سیدعلی خشوعی و ولی‌الله صفری کشته شدند.

پس از این حادثۀ، ۵۹ نفر بازداشت و برای آن‌ها پروندۀ ای مشترک، معروف به پروندۀ «میدان علیخانی» تشکیل شد. از میان ۵۹ متهم این پروندۀ، ۲۳ نفر با وجود تهرۀ از برخی اتهام‌ها، همچنان به احکام پنج تا ۱۰ سال زندان محکوم شده‌اند. در این میان ۱۲ شهروند به اعدام محکوم شدند که حکم اعدام چهار تن از آن‌ها شامل عرفان اسفندیاری، گل‌محمد محمدی، ابوالفضل سپاهی بادیانی و امیرحسین صفری حسین‌آبادی تا کنون اجرا شده است.

خبرگزاری «هرانا» گزارش داده جلسات رسیدگی به پروندۀ علیرضا سپاهی در داخل زندان و به‌صورت ویدئوکنفرانس برگزار شده است. روند دادرسی این پروندۀ با محدودیت‌هایی از جمله عدم دسترسی مؤثر وکیل به محتویات پروندۀ، خودداری از ارائه نسخه رأی دادگاه، بی‌اطلاعی خانواده از جزئیات اتهامات و بی‌توجهی به شواهد ارائه‌شده، همراه بوده است.

خبرگزاری «هرانا» همچنین به نقل از یک منبع نزدیک به خانواده نوشته تصاویر دوربین‌های مداربسته و مستندات دیگری وجود دارد که نشان می‌دهد علیرضا سپاهی هنگام وقوع حادثۀ مورد استناد پروندۀ در میدان علیخانی حضور نداشته و در محل دیگری بوده است. با این حال، مرتضی براتی، قاضی رسیدگی‌کننده به پروندۀ، بدون بررسی مؤثر این شواهد، وی را به چهار بار اعدام محکوم کرده است.

این گزارش افزوده شماری از دیگر متهمان این پروندۀ اعلام کرده‌اند که در جریان بازجویی، برای تأیید حضور علیرضا سپاهی در محل حادثۀ تحت فشار و شکنجه قرار گرفته‌اند. با وجود طرح این ادعاها، تاکنون تحقیق مستقل و مؤثری درباره احتمال اخذ اظهارات تحت فشار انجام نشده است.

تاب‌آوری در سایه جنگ و بحران؛ سخنرانی دکتر نهضت فرنودی در دانشگاه «سواس» لندن

● دانشگاه «سواس» در لندن در روز نهم مرداد ۱۴۰۵ (۳۱ ژوئیه ۲۰۲۴) میزبان نشست با همکاری و هماهنگی «انجمن روان‌پژوهان ایرانی مقیم بریتانیا»، دکتر نازی اکبری، شهرزاد پورعبدالله و دکتر مینا طاهری، در کنار دکتر شهره بسکی به عنوان مهمان و با حضور افتخاری دکتر نهضت فرنودی به عنوان سخنران اصلی بود.

● در این نشست دکتر فرنودی برای تاب‌آوری در شرایط بحرانی و عبور سالم از دوره‌های طاقت‌فرسا، مواردی را در چند محور مطرح کرد.

● دکتر نهضت فرنودی: هرچه در زندگی سختی بیشتری کشیده باشیم، مقاومت و مهارت ما در عبور از تگنا بیشتر می‌شود. درست مانند ارتباط سیستم ایمنی با واکسن‌ها، که با استفاده از ویروس‌های ضعیف شده، ساختار ایمنی و سیستم دفاعی بدن را تقویت می‌کنیم. یعنی چون بدن قبلاً شرایط بیماری خفیف را تجربه کرده است، نسبت به آنها مقاوم‌تر می‌شود.

● دکتر نهضت فرنودی: امید یک دشمن دارد، آنهم ترس است. ترس توان ما را می‌گیرد. انرژی ما را هدر می‌دهد ما را حقیر می‌کند و به همین دلیل، شجاعت از فضیلت‌های جهان است. یکی از مواردی که تاب‌آوری ما را بالا می‌برد امید است.

سارا پورصبری - در دورانی بسر می‌بریم که جامعه ایران بیش از هر زمان دیگری در تاریخ معاصر با انواع بحران و چالش‌های سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و بیش از همه اینها با بی‌عدالتی و سرکوب‌های ادامه‌دار روبروست. در این بین، جامعه ایرانیان خارج کشور بعد از جنایات جمهوری اسلامی در زمستان ۴۰۴ بیشتر از سال‌های گذشته، تحت تأثیر انواع بحران‌هایی قرار گرفته که ایرانیان داخل کشور با آنها درگیر هستند و همچون یک روح در دو بدن خود را نسبت به شرایط نیمه دیگر مسئول و موظف می‌داند.

یکی از مهمترین وظایفی که دیاسپورا سعی در انجام آن دارد، زنده نگه داشتن امید و ترسیم چشم‌اندازی روشن در آینده سیاسی و اجتماعی و فرهنگی ایران است. در این مسیر، جامعه ایرانیان مهاجر برای بالابردن انگیزه مقاومت، ایستادگی و پایداری در برابر شرایط تحمیلی از طرف سیستم سیاسی حاکم، نقش تعیین‌کننده‌ای دارد.

با این توصیف، جلسات گفتگو و مشاوره با حضور روانشناسان باتجربه ایرانی و بازتاب مباحث بازگوشده در این جلسات، برای شرایط حال حاضر ایران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

در همین رابطه دانشگاه «سواس» در لندن در روز نهم مرداد ۱۴۰۵ (۳۱ ژوئیه ۲۰۲۴) میزبان یکی از این نشست‌ها بود. نشستی با همکاری و هماهنگی «انجمن روان‌پژوهان»

گفته‌ها و فلسفه تفکر مولانا پرداختم. اما درباره بحث امروز که تاب‌آوری است مولانا می‌گوید: شناسایی در لحظه و کنار آمدن با هرآنچه هست یک فضیلت اخلاقی است. یعنی اینکه بپذیریم مهمان جهان و روزگار هستیم. مولانا معتقد است صلح درون ما به یک عامل بستگی دارد، نخواستن چیزی بجز آنچه در بشقاب فعلی ما است. آنچه مس وجود ما را طلا می‌کند و به ما امکان انجام ناممکن‌ها را می‌دهد، عشق است.

در پایان این سخنرانی، دکتر فرنودی فرصتی را به پرسش و پاسخ با مهمانان این جلسه اختصاص داد. در میان صحبت‌ها او به یکی از نکات مهم در الگوی رفتاری سیستم‌های سیاسی

را به دیگران متصل می‌کند. سلولی که به سلول‌های دیگر متصل است طول عمرش از سلول‌های منفرد بیشتر است. طبق تحقیقات عصب‌شناسان، متعادل‌ترین انسان‌ها که معمولاً طول عمر بیشتری نسبت به دیگران دارند، میان سه مرکز عصبی خود ارتباط خوبی برقرار کرده‌اند. یک: مرکز تفکر و تعقل که ما را در راهبرد زندگی هدایت می‌کند. این دو: سلسله اعصابی که از طریق قلب فرمان می‌گیرند، این در ما همذات‌پنداری و ارتباط با دیگران به وجود می‌آورد. سه: اعصابی که در بخش شکمی هستند و قسمتی از احساس غریزی ما به شمار می‌روند. این بخش حس شهودی به ما می‌دهد.



دکتر نهضت فرنودی

خودکامه و تاثیر این الگو بر جامعه اشاره کرد: یکی از دلایلی که حاکمان مستبد سعی می‌کنند طبقه متوسط را در جامعه از بین ببرند این است که طبقات بالاتر و پایین‌تر جامعه یعنی فقیر و غنی، رفتاری مشابه دارند. هر دو خودخواه، دیگرگریز، ترسیده و مشوش هستند، هرکدام به دلایل متفاوت. در این میان، طبقه متوسط، ناقل اخلاق در جامعه و تقویت‌کننده اصول مدنی و بنیادهای دموکراتیک است. طبقه متوسط درواقع مدنیت را در جامعه به وجود می‌آورد.

در ادامه پاسخ به پرسش‌ها، دکتر فرنودی درباره تمرین برای مهار آشفته‌گی‌های ذهنی و ذخیره انرژی روانی صحبت کرد: ما چنان با لایه‌های بیرونی زندگی درگیر هستیم که معمولاً خودمان را فراموش می‌کنیم و چنین انسانی معمولاً سردرگم است. تمرین‌های مراقبه به ما کمک می‌کند تا برای ارزیابی رفتار خود در مسیر زندگی فرصت بیشتری داشته باشیم.

او با مثالی از «منطق الطیر» عطار توضیح داد: عطار در قصه داستان مرغانی می‌گوید که هزاران مرغ با هدایت همدیگر به سمت قله قاف راه می‌افتند و در راه، بسیاری از پرندگان به دلایل مختلف جا می‌مانند یا از ادامه راه منصرف می‌شوند. اما هنگامی که پرده اسرار کنار رفت، آنها تصویر خودشان را که سی مرغ بودند، بجای سیمرغ در آینه می‌بینند. این هیچ شدن عرفانی در ادبیات ما آمده است. بدن‌ها جدا هستند اما جان یکی است.

دکتر فرنودی سخنرانی خود را با این جمله از ویکتور فرانکل به نقل از فریدریش نیچه به پایان رساند: آنهایی که چرایی زندگی را بیابند با هر چگونه‌ای کنار خواهند آمد.

افرادی که این سه قسمت در آنها با هماهنگی خوبی عمل می‌کنند، شخصیتی متعادل‌تر و شاداب‌تر دارند و در برابر بحران‌ها مقاوم‌تر هستند.

تأثیر انواع بحران‌ها بر جامعه ایران؛ بحران روانی، جسمی، مالی، محیطی و بحران پیری

در مورد بحران‌ها میزان دوری و نزدیکی آنها به ما از عوامل تأثیرگذاری مهم است. مثلاً بحران ایران برای ما ایرانی‌ها نسبت به بحران یک کشور دیگر تأثیرگذارتر است. عامل دیگر، طول زمان و ادامه‌دار شدن آنهاست. یکی از دلایلی که ما تصور می‌کردیم جنگ راه حلی است که بعد از آن شرایط سیاسی و اجتماعی ایران تغییر خواهد کرد، اینست که خسته‌ایم. این دوران طاقت‌فرسا ۴۷ سال به درازا کشیده و ما ایرانیان صبر خود را از دست داده‌ایم.

هرچه در زندگی سختی بیشتری کشیده باشیم، مقاومت و مهارت ما در عبور از تگنا بیشتر می‌شود. درست مانند ارتباط سیستم ایمنی با واکسن‌ها، که با استفاده از ویروس‌های ضعیف شده، ساختار ایمنی و سیستم دفاعی بدن را تقویت می‌کنیم. یعنی چون بدن قبلاً شرایط بیماری خفیف را تجربه کرده است، نسبت به آنها مقاوم‌تر می‌شود.

کیمیا داری که تبدیلش کنی

گرچه جوی خون بود، نبی‌ش کنی

دکتر فرنودی در ادامه می‌گوید: به نظر من مولانا یکی از کامل‌ترین مکتب‌های فکری انسانی را نگاشته است. سالها پیش من مجموعه مقالاتی نوشتم به نام «پلی بر روان‌کاوی غرب و روانشناسی شرق». در آن مقالات به صورت جامع به

➡ ایرانی مقیم بریتانیا، دکتر نازی اکبری، دکتر شهرزاد پورعبدالله و دکتر شهره بسکی، که با حضور افتخاری دکتر نهضت فرنودی به عنوان سخنران اصلی برگزار شد. دکتر شهرزاد پورعبدالله در ابتدای جلسه تاریخچه مختصری از فعالیت‌های دکتر نهضت فرنودی را برای حضاران ارائه داد. دکتر فرنودی روانشناس بالینی و از چهره‌های ایرانی پیشگام در این رشته است. او در سال ۱۹۷۵ در آمریکا دکترای روانشناسی بالینی دریافت کرده و بیش از چهار دهه در زمینه روانشناسی و به عنوان روانشناس بین‌فرهنگی فعالیت دارد. بخش مهمی از تلاش‌های علمی و حرفه‌ای او به مسائل روانشناسی ایرانیان مهاجر، نقش فرهنگ در سلامت روان، و روابط و خانواده اختصاص داشته است. وی تا کنون بیش از ۲۰۰ سخنرانی ارائه کرده، مهمان دانشگاه‌های مهم بوده و در تلویزیون‌های فارسی‌زبان به عنوان پزشک و مشاور روانشناسی حضور داشته است.

در این نشست دکتر فرنودی برای تاب‌آوری در شرایط بحرانی و عبور سالم از دوره‌های طاقت‌فرسا، مواردی را در چند محور مطرح کرد.

جمله بی‌قراریت از طلب قرار توست

طالب بی‌قرار شو تا که قرار آیدت

دکتر فرنودی در آغاز سخنان خود، با تکیه بر آموزه‌های مولانا درباره دلایل بی‌تاب شدن انسان‌ها صحبت کرد. سپس از حضار پرسید که معنای زندگی برای شما چیست؟ که هریک با توجه به شرایط زندگی و سلیقه خود پاسخ دادند. او در ادامه مباحث مختلفی را در رابطه با تاب‌آوری با حضاران مطرح کرد.

خنده و طنز، راهی برای گذار از وضعیت سوگ

شوخی‌طبعی و طنز یکی از راه‌های کنار آمدن با شرایط سخت است. این به معنی این نیست که با دلقک‌بازی سختی‌های زندگی را نبینیم. ما لازم نیست برای اینکه دلسوز، کارآمد، مفید، متعلق، درگیر و موثر بمانیم، افسرده و خموده باشیم بلکه بجای تمامی اینها باید امیدوار بود. خوشبختانه همه چیز در دنیا در حال تغییر است. یکی از چیزهایی که تاب‌آوری ما را بالا می‌برد امیدواری است. بزرگ‌ترین معنای زندگی ما این است که جریان امیدواری را در جهان زنده نگه داریم.

مسیر امیدواری

امید یک دشمن دارد، آنهم ترس است. ترس توان ما را می‌گیرد. انرژی ما را هدر می‌دهد ما را حقیر می‌کند و به همین دلیل، شجاعت از فضیلت‌های جهان است. یکی از مواردی که تاب‌آوری ما را بالا می‌برد امید است.

ما انسان‌ها در زمانه تنگنا با در کنار هم ماندن و دل‌داری دادن به هم می‌توانیم سیستم ایمنی روحی و روانی خود را از طریق ارتباطات مفید با افراد شبیه به خودمان تقویت کنیم. ارتباط با گروهایی که دغدغه‌های شبیه به ما دارند در این مسیر بسیار کمک‌کننده است. ما باید به یاد داشته باشیم که زندگی همواره در حال تغییر و گذران است و این یعنی دوره‌های تحمل‌ناپذیر زندگی پایدار نیست و ما با اتکا به روابط انسانی و دوستانه امن، امید به رسیدن روزگار بهتر را در خود زنده نگه می‌داریم.

جادوی سخاوت و بخشش و راز طول عمر با کیفیت و کارآمد

کمتر کسی می‌داند که سخاوت تاچه اندازه در طول عمر تأثیر دارد. تنها شدن یکی از عناصر پیری است. کسانی که سخاوتمند نیستند، مدام در حال تنها کردن خود هستند. بخشندگی، شما

آتش دوباره بر جان هورالعظیم افتاد

● آتش‌سوزی بزرگی از ظهر روز سه‌شنبه ششم مرداد ۱۴۰۵ در شمال تالاب هورالعظیم آغاز شده و به علت عدم امکان دسترسی نیروهای عملیاتی به محل وقوع حریق، آتش‌سوزی همچنان ادامه دارد.

● رئیس اداره احیای تالاب‌های اداره کل حفاظت محیط زیست خوزستان گفته حدود چهار روز پیش نیز بخشی از تالاب هورالعظیم دچار آتش‌سوزی شد که براساس بررسی‌های انجام‌شده، علت آن آتش زدن پوشش گیاهی توسط دامداران برای برداشت علوفه بود. این آتش‌سوزی در مدت کوتاهی مهار و خاموش شد و خسارتی به تالاب وارد نکرد. ● تالاب هورالعظیم از جمله تالاب‌هایی است که به علت سوءمدیریت مقامات جمهوری اسلامی در بخش محیط زیست و حذف حقایق با خشکی روبرو شده است. گردوخاک بلندشده از بستر خشک شده تالاب و دود و غبار ناشی از آتش‌سوزی‌های پی‌درپی در آن از جمله دلایل مهم آلودگی هوای استان خوزستان و شهر اهواز است.

آتش‌سوزی در بخشی از تالاب هورالعظیم که از ظهر روز گذشته آغاز شده، همچنان ادامه دارد و به گفته مدیرکل حفاظت محیط زیست خوزستان عامل انسانی در بروز این آتش‌سوزی نقش داشته است.

آتش‌سوزی بزرگی از ظهر روز سه‌شنبه ششم مرداد ۱۴۰۵ در شمال تالاب هورالعظیم آغاز شده و به علت عدم امکان دسترسی نیروهای عملیاتی به محل وقوع حریق، آتش‌سوزی همچنان ادامه دارد.

موسی مدحی رئیس اداره احیای تالاب‌های اداره کل حفاظت محیط زیست خوزستان در گفتگو با خبرگزاری «مهر» علت اولیه این آتش‌سوزی را اقدام برخی گاومیش‌داران منطقه برای سوزاندن پوشش گیاهی با هدف رویش علوفه تازه عنوان کرد. به گفته موسی مدحی حدود چهار روز پیش نیز بخشی از تالاب هورالعظیم دچار آتش‌سوزی شد که بر اساس بررسی‌های انجام‌شده، علت آن آتش زدن پوشش گیاهی توسط دامداران برای برداشت علوفه بود. این آتش‌سوزی در مدت کوتاهی مهار و خاموش شد و خسارتی به تالاب وارد نکرد.

تالاب هورالعظیم، یکی از بزرگ‌ترین تالاب‌های مرزی ایران و عراق، در جنوب غرب استان خوزستان و در محدوده شهرستان‌های هویزه و دشت‌آزادگان قرار دارد. این تالاب علاوه بر نقش مهم در حفظ تنوع زیستی، در کنترل گردوغبار، تعدیل اقلیم منطقه و تأمین معیشت کشاورزان و دامداران منطقه دارد.

تالاب هورالعظیم از جمله تالاب‌هایی است که به علت سوءمدیریت مقامات جمهوری اسلامی با خشکی روبرو شده است. گردوخاک بلندشده از بستر خشک شده تالاب و دود و غبار ناشی از آتش‌سوزی‌های پی‌درپی در آن از جمله دلایل مهم آلودگی هوای استان خوزستان و شهر اهواز است. لیندا آشتیانی، فعال حوزه محیط زیست و پژوهشگر حوزه هورالعظیم، در گفتگو با خبرگزاری «رکنا» پرداخت نشدن حقایق تالاب هورالعظیم را علت اصلی آتش‌سوزی‌ها ارزیابی کرده است: «تقریباً در ۱۰ تا ۱۵ سال اخیر، حقایق هورالعظیم پرداخت نشده است؛ جز در سال ۹۸ و در جریان سیلاب آن سال که البته آن هم نمی‌توانست به عنوان تأمین حقایق تالاب تعریف شود. حجم آب سیلاب به اندازه‌ای بود که مسئولان مجبور شدند مخزن سد کرخه

را باز کنند و در نتیجه، آب تا بخشی از تالاب وارد شد و امکان آبیگری بخشی از آن فراهم شد؛ آن هم نه به صورت کامل. ضمن اینکه شرکت‌های نفتی در قسمت جنوبی اجازه آبیگری کامل را ندادند.»

این فعال محیط زیست افزوده در تمام این سال‌ها حقایق هورالعظیم تأمین نشده است. زمانی که بخش عراقی تالاب در سال گذشته دچار آتش‌سوزی شد، قرار شد از سد سیمره ۱۰۰ میلیون مترمکعب آب رهاسازی شود تا به بخش ایرانی هورالعظیم برسد، این بخش آبیگری شود و از آتش‌سوزی‌های بعدی جلوگیری شود. همچنین قرار بود



مازاد آب به بخش عراقی منتقل شود، اما این اتفاق نیفتاد. او در ادامه گفته آبی که رهاسازی شده بود، عملاً نتوانست تالاب را آبیگری کند. از همان زمان، با توجه به اینکه مدل‌های هواشناسی افزایش دمای قابل توجه امسال را نسبت به سال‌های گذشته پیش‌بینی کرده بودند، کارشناسان هشدار می‌دادند که وقوع آتش‌سوزی در منطقه قطعی خواهد بود.»

لیندا آشتیانی «در این شرایط، دو راهکار وجود داشت: نخست اینکه حقایق تالاب تأمین شود. علاوه بر آبیگری بستر تالاب، باید به موضوع نیزارهای عظیم هورالعظیم توجه می‌شد؛ چراکه این نیزارها یکی از قابل اشتعال‌ترین منابع منطقه هستند. بخش‌هایی از این نیزارها سال‌هاست خشک شده و در واقع به یک پمپ ساعتی تبدیل شده‌اند که هر لحظه با افزایش دما امکان شعله‌ور شدن دارند. همین اتفاق هم رخ داده است. در چند سال اخیر نیز آتش‌سوزی‌ها معمولاً از نیزارها آغاز شده و سپس به بخش‌های داخلی تالاب گسترش پیدا کرده است.»

او افزوده راهکار دوم این بود که اگر وزارت نیرو حقایق را پرداخت نمی‌کند، حداقل تجهیزات کافی در اختیار منطقه و نیروهای عملیاتی قرار گیرد تا محیط‌بانان بتوانند در صورت وقوع چنین حوادثی، به‌موقع وارد عمل شوند و آتش را مهار کنند. اما این اتفاق هم رخ نداد. تجهیزات و امکانات جدیدی فراتر از آنچه از قبل در منطقه وجود داشت، تأمین نشد. لیندا آشتیانی گفته در نتیجه، نه پیشگیری انجام شد و نه امکان مدیریت به‌موقع بحران فراهم شد. در حال حاضر بخشی از آتش مهار شده، اما بخش دیگری همچنان باقی مانده است که دقیقاً در منطقه‌ای صعب‌العبور قرار دارد.

روش جدید سرکوب در جمهوری اسلامی؛ اعلام جرم علیه شهروندان به بهانه حمایت از معترضان اعدام‌شده!



● در ادامه تشدید فضای سرکوب در جمهوری اسلامی دادستانی تهران علیه تعدادی از شهروندان به دلیل اظهارنظر در فضای عمومی درباره مخالف با محکومیت و اعدام از جمله علیه بازداشت‌شدگان اعتراضات دی ۴۰۴ اعلام جرم کرد.

● در خبر منتشر شده توسط رسانه قوه قضاییه به تعداد و هویت افراد تحت تعقیب، یا محتوای منتشر شده از سوی این افراد اشاره نشده است.

● جمهوری اسلامی از اعتراضات دی ۴۰۴ تا کنون و بویژه پس از آغاز جنگ با اسرائیل و آمریکا از نهم اسفندماه تشدید فضای سرکوب امنیتی و قضایی را در دستور کار قرار داده است.

● به نظر می‌رسد در ادامه برنامه حکومت برای تشدید فضای سرکوب، قوه قضاییه جمهوری اسلامی به راحتی برای هر رفتار و اظهارنظری از سوی شهروندان، از جمله چهره‌های شناخته شده مانند هنرمندان و ورزشکاران، مصادیق مجرمانه تعریف می‌کند تا شهروندان ناچار به سکوت شوند.

در ادامه تشدید فضای سرکوب در جمهوری اسلامی دادستانی تهران علیه تعدادی از شهروندان به دلیل اظهارنظر در فضای عمومی درباره مخالف با محکومیت و اعدام از جمله علیه بازداشت‌شدگان اعتراضات دی ۴۰۴ اعلام جرم کرد.

خبرگزاری «میزان»، رسانه قوه قضاییه جمهوری اسلامی، با انتشار خبر اعلام جرم دادستانی تهران علیه شماری از شهروندان به دلیل اظهارنظر درباره صدور و اجرای

حذف دارو از سبد مصرفی خانوارها به علت گرانی؛ تردید درباره تأمین منابع مورد نیاز صنعت داروسازی در بودجه سال آینده

کاهش واقعی درآمد خانوار است.»

این کارشناس افزود: «در چنین شرایطی نخستین هزینه‌هایی که از سبد خانوار حذف می‌شوند، هزینه‌های فرهنگی، تفریحی و حتی تغذیه سالم است. پس از آن نیز مراجعه به پزشک و انجام آزمایش‌ها به تعویق می‌افتد؛ موضوعی که در بلندمدت سلامت سالمندان را با تهدید جدی روبرو می‌کند.»

فرزاد شیرافکن با بیان اینکه «بازنشستگان سال‌ها حق بیمه پرداخت کرده‌اند تا دوران سالمندی با آرامش زندگی کنند»، می‌افزاید: «اما اکنون بسیاری از آنان نگران تأمین هزینه دارو یا پرداخت اجاره خانه هستند. این وضعیت با شأن و جایگاه بازنشستگی همخوانی ندارد.»

او با هشدار درباره حذف دارو و درمان از سبد مصرفی ماهانه بازنشستگان گفته: «در سال‌های اخیر افزایش قیمت دارو، محدودیت برخی پوشش‌های بیمه‌ای و رشد تعرفه‌های درمان باعث شده بسیاری از بازنشستگان بخشی از درمان خود را به تعویق بیندازند یا از مصرف برخی داروها صرف نظر کنند. حذف درمان از سبد هزینه خانوار، اگرچه در کوتاه‌مدت موجب کاهش هزینه می‌شود، اما در بلندمدت هزینه‌های بسیار سنگین‌تری به افراد و نظام سلامت تحمیل خواهد کرد.»

در این میان وزارت بهداشت برنامه مشخصی برای مدیریت قیمت دارو و جبران کمبود دارو در کشور ندارد. در چنین شرایطی، ماه‌هاست مبتلایان به بیماری‌های خاص برای خرید دارو با مشکل روبرو هستند و حتی جان بسیاری از آنان به خطر افتاده است.

دکتر معصومه هدوندخانی با اشاره به ثبت ۱۵ هزار و ۵۰۰ مبتلا به هموفیلی کشور گفته: «عدم دسترسی به‌موقع بیماران هموفیلی به داروهای مورد نیاز به ویژه فاکتورهای انعقادی می‌تواند منجر به تشدید خونریزی‌های خودبخودی و پیامدهای جدی شود، تأمین به‌موقع و دسترسی پایدار و آسان بیماران به خدمات درمانی و دارویی از ارکان اصلی مدیریت بیماری به شمار می‌رود.»

در تیرماه نیز وبسایت «اقتصاد۲۴» با انتشار گزارشی درباره وضعیت کمبود و گرانی دارو نوشته بود، بررسی‌های میدانی از قیمت داروهای پرمصرف نشان می‌دهد افزایش نرخ‌ها دیگر محدود به داروهای خاص، نایاب یا وارداتی نیست. داروهای عمومی و حیاتی نظیر گاباپنتین، پرگابالین و آتورواستاتین در ماه‌های اخیر نرخ‌های رشد ماهانه نزدیک به ۲۰ درصد را پشت سر گذاشته‌اند. این بدین معناست که بدنه اصلی بازار دارو دچار یک جابجایی بزرگ قیمتی شده و توان خرید دهک‌های متوسط و کم‌درآمد جامعه را به شدت نشانه گرفته است.

در ادامه گزارش آمده، داستان تلخ بیمار سرطانی که هزینه‌های هر دوره شیمی‌درمانی او از ۷ میلیون تومان در دو سال گذشته به نزدیک ۷۰ میلیون تومان در سال ۱۴۰۵ رسیده، نماد آشکاری از این واقعیت است که سرعت رشد قیمت‌ها، از سرعت ترمیم درآمد‌های عمومی جلو زده است.

اینهمه در حالیست که فعالان صنعت دارویی

● در شرایط تورم و دستمزدهای ناکافی، خانوارها ناچار هستند منابع مالی خود را برای تأمین هزینه‌های ضروری‌تر از جمله خوراک و اجاره خانه هزینه کنند و سهم مواردی چون تفریح، پوشاک و حتی درمان در سبد مصرفی ماهانه خانوارها کاهش یافته و یا به صفر می‌رسد.

● فرزاد شیرافکن کارشناس اقتصاد خانواده: در سال‌های اخیر افزایش قیمت دارو، محدودیت برخی پوشش‌های بیمه‌ای و رشد تعرفه‌های درمان باعث شده بسیاری از بازنشستگان بخشی از درمان خود را به تعویق بیندازند یا از مصرف برخی داروها صرف نظر کنند.

● فعالان صنعت دارویی عدم پرداخت بدهی دولت به صنعت داروسازی و اختصاص نیافتن ارز مورد نیاز این صنعت برای واردات دارو و مواد اولیه، و عدم تسویه حساب با داروخانه‌ها را اصلی‌ترین دلایل بحران دارو می‌دانند.

● محمود طاهری دبیر کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی با تأکید بر اینکه مشکلات مالی در زنجیره دارو به مرحله نگران‌کننده‌ای رسیده، گفته است که مجلس شورای اسلامی هم می‌تواند بر اخت مطالبات دارویی را در بودجه ۱۴۰۶ تضمین کند.

بحران کمبود و گرانی دارو همچنان ادامه دارد و وزارت بهداشت برخلاف وعده‌ها نتوانسته اقدام موثری برای کنترل بازار دارو و تجهیزات پزشکی در ایران انجام دهد. گزارش‌ها حاکی از آنست که بخش زیادی از خانوارهای کم‌درآمد از جمله بازنشستگان ناچار به حذف دارو و درمان از سبد مصرفی خود شده‌اند. در آنسو فعالان صنعت داروسازی معتقدند عدم پرداخت بدهی دولت به صنعت داروسازی و اختصاص نیافتن ارز مورد نیاز این صنعت عامل اصلی گرانی و کمبود دارو است.

افزایش تورم عمومی اقتصاد ایران به بیش از ۸۰ درصد، تورم موادغذایی از مرز ۱۲۰ درصد، و افزایش قیمت انواع دیگر کالاها و خدمات، در کنار درآمد‌هایی که سالانه به مقدار ناچیز و بسیار کمتر از نرخ تورم افزایش می‌یابند، همگی سبب بروز بحران مالی در خانوارهای حقوق‌بگیر شده است.

در چنین شرایطی سبد مصرفی خانوارها تنوع خود را از دست داده و هر ماه کوچک‌تر و محدودتر از ماه پیش می‌شود. خانوارها ناچار هستند منابع مالی خود را برای تأمین هزینه‌های ضروری‌تر از جمله خوراک و اجاره خانه هزینه کنند و سهم مواردی چون تفریح، پوشاک و حتی درمان در سبد مصرفی ماهانه خانوارها کاهش یافته و یا به صفر می‌رسد.

در همین رابطه فرزاد شیرافکن، کارشناس اقتصاد خانواده، به وبسایت «تجارت‌نیوز» گفته است: «بازنشستگان برخلاف بسیاری از شاغلان، امکان افزایش درآمد ندارند. در نتیجه هر درصد افزایش قیمت مستقیماً به کاهش قدرت خرید آنان تبدیل می‌شود. اگر تورم سالانه بالای ۶۰ درصد باشد اما حقوق ۳۰ یا حتی ۴۰ درصد افزایش پیدا کند، نتیجه آن

→ احکام اعدام علیه بازداشت‌شدگان ماه‌های گذشته نوشته این پرونده‌ها پس از دریافت گزارش از نهادهای امنیتی و اطلاعاتی و رصد مطالب منتشرشده در فضای مجازی تشکیل شده‌اند.

خبرگزاری «میزان» شهروندان بازداشت‌شده که به احکام سنگینی چون اعدام محکوم شدند را «عناصر کودتاگر دی ۱۴۰۴ و عوامل دشمن در جنگ رمضان» خوانده و نوشته «عده‌ای قلیل از چهره‌ها و افراد با اتخاذ مواضع دور از انتظار به طرفداری مستقیم و غیرمستقیم از چهره‌های اغتشاشگر سنگدل و بی‌رحم آن وقایع پرداختند.»

در غیر منتشر شده توسط رسانه قوه قضاییه به تعداد و هویت افراد تحت تعقیب، یا محتوای منتشر شده از سوی این افراد اشاره نشده است.

خبرگزاری «میزان» نوشته دادستانی تهران «ضمن بررسی و استقبال از هرگونه نقد علمی به روند و رسیدگی‌های قضایی با افرادی که به حمایت مستقیم و غیرمستقیم از کودتاگران و عوامل دشمن در داخل بپردازند و در برابر احکام قانونی رسیدگی شده در مراجع مختلف قضایی اقدام به تکرار مواضع معاندین و شبکه‌های وابسته به سرویس‌های جاسوسی کنند، ضمن بررسی دقیق محتوای منتشر شده اقدام قانونی قاطع و بدون ارفاق خواهد داشت.»

جمهوری اسلامی از اعتراضات دی ۴۰۴ تا کنون و بویژه پس از آغاز جنگ با اسرائیل و آمریکا از نهم اسفندماه تشدید فضای سرکوب امنیتی و قضایی را در دستور کار قرار داده است.

سرعت دادن به روند بررسی پرونده هزاران بازداشت‌شده اعتراضات دی ۴۰۴ و صدور احکام سنگین چون اعدام و زندان طولانی مدت علیه آنها، بازداشت هزاران شهروند به بهانه «حمایت از دشمن»، «جاسوسی» یا «ارسال محتوا به دشمن و رسانه‌های خارجی» و صدور احکام سنگین علیه این شهروندان از جمله اقدامات جمهوری اسلامی بوده است. اگر چه هنوز آمار دقیق و شفافی درباره تعداد بازداشت‌شدگان اعتراضات دی ۴۰۴، تعداد پرونده‌های قضایی تشکیل شده علیه آنها و شمار احکام صادره در دست نیست اما گزارش‌های جمع‌آوری شده از سوی نهادهای حقوق بشری نشان می‌دهد علیه ده‌ها نفر در سراسر ایران حکم اعدام صادر شده است. تنها در یک نمونه، در زندان دستگرد اصفهان بیش از ۷۰ شهروند بازداشت‌شده در اعتراضات و محبوس در این زندان با خطر اعدام روبرو هستند.

همچنین فعالان صنفی نیز با تشدید احضار، بازجویی، تشکیل پرونده قضایی و صدور احکام زندان روبرو بودند. کمپین حقوق بشر ایران هفته گذشته گزارش داد در آماری کم‌سابقه بیش از ۶۰ آموزگار از اعتراضات دی ۴۰۴ تا کنون محکوم شده‌اند و ده‌ها آموزگار نیز با پرونده‌های قضایی روبرو هستند.

به نظر می‌رسد در ادامه برنامه حکومت برای تشدید فضای سرکوب، قوه قضاییه جمهوری اسلامی به راحتی برای هر رفتار و اظهارنظری از سوی شهروندان، از جمله چهره‌های شناخته شده مانند هنرمندان و ورزشکاران، مصادیق مجرمانه تعریف می‌کند تا شهروندان ناچار به سکوت شوند.

جمهوری اسلامی پس از اعتراضات ضدحکومتی دی ۴۰۴ و جنگ اخیر با اسرائیل و آمریکا، و کشته شدن رهبر و سران کشوری و لشکری در این جنگ، به شدت تضعیف شده و بقایای نظام تلاش دارند با ایجاد فضای بسته و سرکوب مردم خطر بروز دوباره اعتراضات در ایران را برای مدتی عقب بیاورند تا شاید به این شکل حکومت را حفظ کنند.

آمارهای تکانه‌دهنده از گسترش فرونشست در ایران

● کارشناسان تأکید دارند مهمترین عامل گسترش فرونشست در ایران برداشت بی‌رویه از آبخوان‌ها و مدیریت ناکارآمد و ناپایدار منابع آب است.

● مدیرعامل آب منطقه‌ای استان سمنان با اعلام آماری تکانه‌دهنده از وضعیت فرونشست در این استان گفته، همه مناطق و مراکز جمعیتی استان در خطر فرونشست قرار دارند بطوری که نرخ فرونشست در شهرستان میامی ۲۴ متر، در دشت شاهرود ۱۸ متر، و در دشت دامغان بیش از ۱۴ متر است.

● بحرانی‌ترین کانون‌های فرونشست ایران در دشت‌های استان‌های تهران، اصفهان، کرمان، خراسان «رضوی»، فارس، البرز، قزوین، سمنان و یزد قرار دارند.

● پدرام رفیعی متخصص زمین‌شناسی هشدار داده، تراکم رسوبات ریزدانه و از دست رفتن ظرفیت ذخیره آبخوان‌ها در بسیاری از مناطق برگشت‌ناپذیر شده و هر سال تأخیر در کنترل برداشت، بخشی از منابع آب زیرزمینی کشور را به صورت دائمی از بین می‌برد.

فرونشست در بسیاری از دشت‌های ایران از آستانه‌ی بحرانی عبور کرده است. جدیدترین آمارها از استان سمنان نشان می‌دهد، فرونشست به محدوده شهرهای این استان رسیده است. بحران فرونشست در ایران نتیجه برداشت بی‌رویه از آبخوان‌ها و مدیریت ناکارآمد و ناپایدار منابع آب است.

حمید احسانی مدیرعامل آب منطقه‌ای استان سمنان روز چهارشنبه ۱۴ مرداد با اعلام آماری تکانه‌دهنده از وضعیت فرونشست در این استان گفته همه مناطق و مراکز جمعیتی استان در خطر فرونشست قرار دارند بطوری که نرخ فرونشست در شهرستان میامی ۲۴ متر، در دشت شاهرود ۱۸ متر و در دشت دامغان بیش از ۱۴ متر است.

وی با بیان اینکه فرونشست‌ها بخشی از زیرساخت‌های شهری در استان از جمله شهرهای سمنان، دامغان، گرمسار و شاهرود را به شدت تهدید می‌کند، گفته که برداشت‌های بی‌رویه از منابع زیرزمینی در این استان ادامه دارد و هم‌اکنون ۷۵ درصد تأمین آب استان سمنان از طریق منابع زیرزمینی انجام می‌شود.

اگرچه عوامل طبیعی در بروز پدیده فرونشست موثر هستند اما کارشناسان تأکید دارند مهمترین عامل گسترش فرونشست در ایران برداشت بی‌رویه از آبخوان‌ها و مدیریت ناپایدار و ناکارآمد منابع آب است. سوء مدیریت بیش از چهار دهه جمهوری اسلامی سبب شده اکنون بحران خشکسالی و فرونشست

تلاش خواهیم کرد با دریافت مجوزهای لازم، امکان پرداخت بخشی از این مطالبات را فراهم کنیم.»

وی از تشکیل کارگروهی مشترک میان وزارت بهداشت، بانک مرکزی و سازمان برنامه و بودجه برای بررسی نیازهای صنعت دارو و پیش‌بینی منابع لازم در بودجه ۱۴۰۶ خبر داده بود.

محمود طاهری دبیر کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی نیز با تأکید بر اینکه مشکلات مالی در زنجیره دارو به مرحله نگران‌کننده‌ای رسیده، گفته است که مجلس شورای اسلامی هم می‌تواند پراخت مطالبات دارویی را در بودجه ۱۴۰۶ تضمین کند.

وی افزود: «الان داروخانه‌ها مطالبات هفت، هشت

➔ عدم پرداخت بدهی دولت به صنعت داروسازی و اختصاص نیافتن ارز مورد نیاز این صنعت برای واردات دارو و مواد اولیه، و عدم تسویه حساب با داروخانه‌ها را اصلی‌ترین دلایل بروز بحران دارو اعلام می‌کنند.

همچنین اقدام دولت پزشک‌ها برای حذف ارز ترجیحی- حذف ارز با نرخ دولتی برای واردات مواد اولیه و کالاهای اساسی- که با عنوان اصلاحات ارزی و تک‌نرخ کردن ارز اجرا شده نیز بحران صنعت داروسازی را دو چندان کرده است.

مریم تاج‌آبادی، نایب رئیس کمیسیون اقتصاد سلامت «اتاق بازرگانی تهران»، به تازگی در یک گفتگو اعلام کرد: «صنعت دارو و کمیسیون اقتصاد سلامت اتاق بازرگانی



ماه‌های از بیمه‌ها دارند و به همین دلیل قدرت خرید ندارند. این مسئله باید تعیین تکلیف شود. البته در بودجه سال آینده مجلس تلاش خواهد کرد پیش‌بینی درستی برای این موضوع انجام دهد، اما چیزی که الان اهمیت دارد وضعیت موجود است که داروخانه‌ها به‌شدت از آن متضرر شده‌اند.»

به گفته این نماینده مجلس شورای اسلامی، ادامه این وضعیت می‌تواند بسیاری از داروخانه‌ها را با مشکلات جدی مواجه کند. او توضیح داد: «داروخانه‌ها واقعاً به سمت ورشکستگی می‌روند. باید همین امسال برای این موضوع فکری شود. وقتی داروخانه نتواند منابعی را که بابت دارو پرداخت کرده به‌موقع دریافت کند، طبیعتاً توان خرید داروی جدید را از دست می‌دهد.»

او تأکید کرده: «شرکت‌های دارویی از دانشگاه‌های علوم پزشکی و وزارت بهداشت مطالباتی دارند و وقتی پولشان را دریافت نمی‌کنند، این فشار به داروخانه‌ها منتقل می‌شود. از طرف دیگر داروخانه‌ها هم می‌توانند به‌موقع تسویه کنند و همین موضوع شرایط را برای ادامه فعالیت آنها سخت کرده است.»

همواره حامی تک‌نرخ شدن ارز بوده‌اند، اما این اقدام نیازمند پیش‌نیازهایی مانند تعیین تکلیف داروهای وارد شده با نرخ قبلی است تا هزینه آنها بر دوش تولیدکننده نماند. مریم تاج‌آبادی افزوده، تک‌نرخ شدن ارز باعث افزایش قیمت دارو می‌شود (هرچند همچنان از قیمت جهانی پایین‌تر است) و این افزایش نباید به مصرف‌کننده تحمیل شود؛ نقش بیمه‌ها در تأمین سرمایه و پوشش هزینه‌های اضافی، حیاتی است تا فشار اقتصادی بر خانواده‌ها وارد نشود.

از سوی دیگر مهمترین مشکل این روزهای فعالان صنعت داروسازی اینست که به نظر می‌رسد دولت منابعی برای پرداخت تعهدات مالی و بدهی به این صنعت را نیز ندارد؛ نه تنها در بودجه سال جاری چنین منبعی در نظر گرفته نشده بلکه حتی منابعی برای گنجاندن شدن در بودجه سال آینده نیز در دست نیست!

هفته گذشته علی مدنی‌زاده وزیر امور اقتصادی و دارایی گفته بود: «در بودجه ۱۴۰۵ منبعی برای پرداخت این بدهی‌ها در نظر گرفته نشده است و دولت نیز خارج از چارچوب قانون، امکان تخصیص اعتبار ندارد. البته اگر منابع جدیدی ایجاد شود یا گشایش‌های ارزی حاصل شود،

فرونشست در ایران عمدتاً منشأ انسان‌زاد دارد. عوامل طبیعی ممکن است در شدت یا الگوی محلی این پدیده نقش داشته باشند، اما گستردگی و نرخ بالای فرونشست در بسیاری از دشت‌های کشور، بیش از هر چیز نتیجه مدیریت ناپایدار منابع آب و بهره‌برداری فراتر از ظرفیت اکولوژیک آبخوان‌ها است.

پدرام رفیعی افزوده: «فرونشست از پرهزینه‌ترین مخاطرات زمین‌شناسی است، زیرا به صورت تدریجی اما مستمر، پایداری زیرساخت‌های حیاتی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. نشست نامتقارن زمین موجب ایجاد ترک، تغییر شکل و گسیختگی در راه‌آهن، جاده‌ها، خطوط مترو، باند فرودگاه‌ها، ساختمان‌ها، خطوط انتقال آب،

در حالیکه در آمار جهانی تنها ۵ درصد از پهنه‌های شناخته‌شده فرونشست زمین در دنیا در رده بالای ۱۰ سانتیمتر قرار دارند و اغلب محدوده‌های فرونشست میزان بسیار پایین‌تری را نشان می‌دهند.

پدرام رفیعی دارای مدرک دکترای تخصصی زمین‌شناسی و استاد دانشگاه، در گفتگو با روزنامه «پیام ما» درباره گسترش فرونشست در ایران گفته، مهمترین عامل فرونشست در ایران برداشت بی‌رویه و کنترل‌نشده از منابع آب زیرزمینی در سال‌های گذشته بوده است. او هشدار داده، تراکم رسوبات ریزدانه و از دست رفتن ظرفیت ذخیره آبخوان‌ها در بسیاری از مناطق برگشت‌ناپذیر شده و هر سال تأخیر در کنترل برداشت،

به پراکندگی استان‌های ایران از جمله گیلان، مازندران و گلستان هم سرایت کند.

بر اساس داده‌های سنجش از دور، اندازه‌گیری‌های ژئودتیکی و مطالعات سازمان زمین‌شناسی، بحرانی‌ترین کانون‌های فرونشست ایران در دشت‌های استان‌های تهران، اصفهان، کرمان، خراسان «رضوی»، فارس، البرز، قزوین، سمنان و یزد قرار دارند. دشت‌هایی مانند تهران- شهریار، ورامین، مهیار اصفهان، رفسنجان، مشهد، نیشابور و دشت‌های جنوب استان فارس، در برخی نقاط نرخ فرونشستی به مراتب بالاتر از آستانه‌ی بحرانی جهانی دارند.

علی بیت‌الهی رئیس بخش زلزله‌شناسی و خطرپذیری



فاضلاب، نفت و گاز و شبکه‌های برق می‌شود. این تغییرشکل‌ها علاوه بر افزایش هزینه‌های نگهداری، می‌توانند ایمنی و عملکرد این زیرساخت‌ها را نیز با مخاطره مواجه کنند.

به گفته این استاد دانشگاه، در حوزه میراث فرهنگی نیز بناهای تاریخی که عمدتاً بر روی دشت‌های آبرفتی احداث شده‌اند، در برابر نشست‌های غیریک‌نواخت بسیار آسیب‌پذیر هستند و ایجاد ترک‌های سازه‌ای یا تغییر شکل در پی و شالوده آنها می‌تواند خسارت‌های جبران‌ناپذیری به همراه داشته باشد.

او همچنین افزوده، نکته مهم این است که در بسیاری از موارد، خسارت‌های سازه‌ای ممکن است قابل ترمیم باشند، اما خود فرونشست و تراکم آبخوان‌ها عموماً برگشت‌ناپذیرند. با فشرده شدن رسوبات ریزدانه، بخشی از ظرفیت ذخیره‌سازی آب زیرزمینی برای همیشه از بین می‌رود. بنابراین، مدیریت فرونشست باید بر پیشگیری و کنترل عوامل ایجادکننده متمرکز باشد، زیرا پس از وقوع، امکان بازگرداندن شرایط زمین به وضعیت اولیه عملاً وجود ندارد.

بخشی از منابع آب زیرزمینی کشور را به صورت دائمی از بین می‌برد.

وی تأکید کرده: «اگرچه فرونشست می‌تواند در اثر فرآیندهای طبیعی مانند تحکیم تدریجی رسوبات، فعالیت‌های تکتونیکی یا انحلال سازندهای تبخیری نیز رخ دهد، اما سهم این عوامل در دشت‌های ایران بسیار محدود است. شواهد هیدروژئولوژیکی، داده‌های ژئودزی ماهواره‌ای و مطالعات آبخوان‌ها نشان می‌دهد که عامل غالب فرونشست در ایران، افت شدید سطح آب‌های زیرزمینی ناشی از برداشت بی‌رویه از آبخوان‌ها است.»

این کارشناس همچنین گفته: «برداشت بیش از ظرفیت تجدیدپذیر منابع آب، به ویژه در بخش کشاورزی که بزرگترین مصرف‌کننده آب زیرزمینی است، موجب کاهش فشار آب منفذی و افزایش تنش مؤثر بر رسوبات ریزدانه شده و در نهایت به تحکیم و تراکم برگشت‌ناپذیر آبخوان‌ها منجر می‌شود. توسعه شهری، گسترش صنایع و افزایش تقاضای آب نیز این روند را تشدید کرده‌اند. بنابراین می‌توان با پشتوانه شواهد علمی گفت که بحران

مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی، در تیرماه با ارائه آماری نگران‌کننده از گسترش فرونشست در ایران اعلام کرد که روند فرونشست در جنوب تهران طی دو سال اخیر سه برابر شده و بیشینه آن به ۳۳ سانتی‌متر در سال رسیده است.

وی افزود: «نزدیک به ۴۰ درصد آب مصرفی تهران از منابع آب زیرزمینی و برای تأمین آب شرب برداشت می‌شود. جمعیت‌پذیری بالای این کلان‌شهر و نیاز حیاتی و غیرقابل اجتناب به آب شرب، موجب افت سطح آب‌های زیرزمینی و در نتیجه تشدید فرونشست زمین شده است.»

او درباره پهنه درگیر فرونشست در استان تهران نیز گفت: «از نظر گستره نیز پهنه‌های فرونشست زمین در جنوب غرب تهران به سمت شهریار طی دو سال اخیر حدود ۲۰ درصد افزایش یافته است. همچنین بیشینه نرخ فرونشست در این محدوده به ۳۳ سانتی‌متر در سال رسیده که رقم بسیار بزرگی محسوب می‌شود.»

آمارها نشان می‌دهند در ۱۸ استان از ۳۱ استان کشور نرخ فرونشست بیش از ۱۰ سانتیمتر در سال است، این

تصویر تکانه‌دهنده‌ی بازار کار ایران

● در بهار امسال اقتصاد ایران با از دست رفتن ۴۵۰ هزار شغل روبرو شده است. در این بازه زمانی ۶۲۹ هزار فرصت شغلی در بخش صنعت حذف شد و صدها هزار نفر به آمار افراد بیکار افزوده شد.

● آمارها بیانگر اینست که واحدهای صنعتی از مدت‌ها پیش از جنگ نیز در حال کاهش تولید سطح تولید و کاهش تعداد نیروی کار بوده‌اند. کود سرمایه‌گذاری، کمبود انرژی، محدودیت منابع ارزی، کاهش قدرت خرید و دشواری تامین مالی بنگاه‌ها مهمترین دلایل رکود در بخش صنعت اعلام شده است.

● در گروه سنی ۱۸ تا ۳۵ سال نیز نرخ بیکاری از ۵/۱۴ به ۵/۱۷ درصد افزایش یافته و تعداد بیکاران این گروه از مرز یک میلیون و ۵۷۳ هزار نفر گذشته است.

● نرخ بیکاری زنان ۱۵ تا ۲۴ سال به ۱/۳۵ درصد رسیده است؛ یعنی بیش از یک‌سوم زنان جوانی که فعالانه وارد بازار شده‌اند، شغلی پیدا نکرده‌اند. در میان زنان ۱۸ تا ۳۵ سال نیز، نرخ بیکاری ۶/۲۸ درصد ثبت شده است.

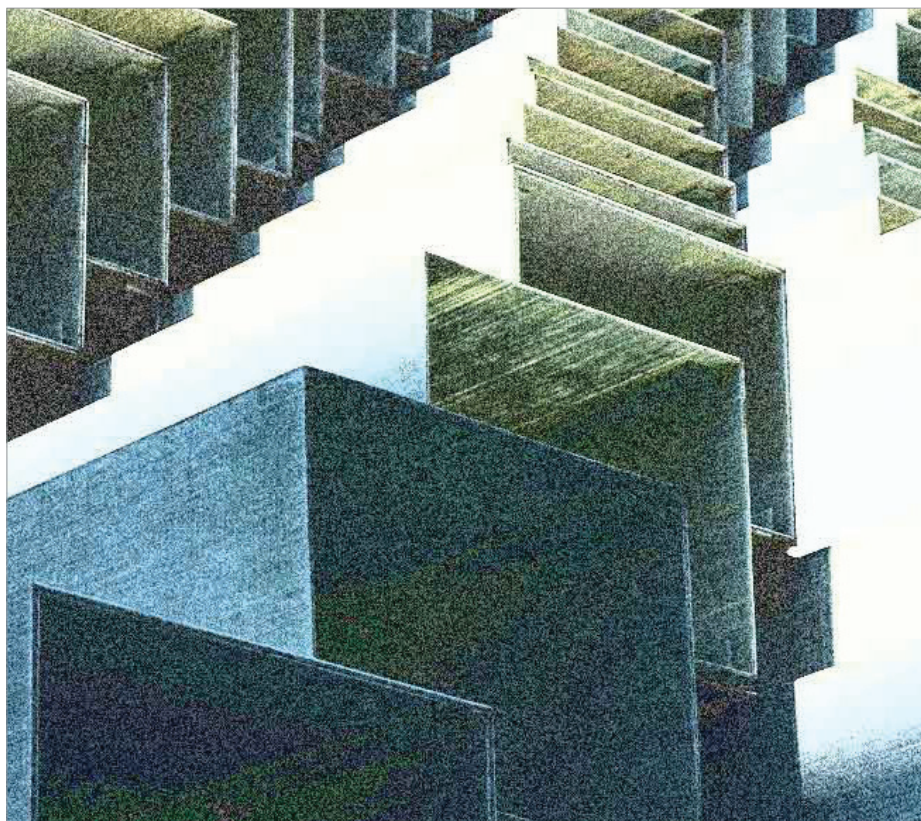
جزئیات تازه‌ترین نتایج طرح آمارگیری نیروی کار مرکز آمار ایران نشان می‌دهد در بهار امسال اقتصاد ایران با از دست رفتن ۴۵۰ هزار شغل روبرو شده است. از سوی دیگر در این بازه زمانی ۶۲۹ هزار فرصت شغلی در بخش صنعت حذف شد و صدها هزار نفر به آمار افراد بیکار افزوده شد. این آمار به معنای بحرانی جدی در بازار کار ایران است. در بهار امسال نرخ مشارکت اقتصادی از ۲/۴۱ به ۷/۴۰ درصد و نسبت اشتغال از ۲/۳۸ به ۳۷ درصد سقوط کرد. اقتصاد ایران نه‌تنها نتوانسته برای جمعیت تازه‌وارد به سن کار شغل کافی ایجاد کند بلکه بخشی از اشتغال موجود را نیز از دست داده است.

جزئیات آمارهای ارائه شده همچنین بیانگر اینست که بخش صنعت به علت بحران ناشی از مشکلات ساختاری -از جمله کمبود انرژی- و همچنین شرایط جنگی بیشترین آسیب در بخش اشتغال را تجربه کرده است. تعداد شاغلان این بخش طی یک سال بیش از ۶۲۹ هزار نفر کاهش یافته است. نکته قابل توجه اینست که بحران اشتغال در بخش صنعت حتی در صورت رخ ندادن جنگ هم بروز پیدا می‌کرد.

شاخص مدیران خرید (شامخ) بخش صنعت در فروردین به ۴/۳۷ سقوط کرد و شاخص اشتغال برای یازدهمین ماه متوالی زیر مرز خنثی ۵۰ باقی ماند؛ این آمار بیانگر اینست که واحدهای صنعتی از مدت‌ها پیش در حال کاهش تولید سطح تولید و کاهش تعداد نیروی کار بوده‌اند. کود سرمایه‌گذاری، کمبود انرژی، محدودیت منابع ارزی، کاهش قدرت خرید و دشواری تامین مالی بنگاه‌ها مهمترین دلایل رکود در بخش صنعت اعلام شده است.

جزئیات این آمار نشان می‌دهد جوانان و زنان بیشترین آسیب را از تلاطم‌های بازار کار ایران متحمل شده‌اند.

از پابلو اسکوبار تا جمهوری اسلامی؛ تاریخ، امپراتوری‌های ترس را یک جور به پایان می‌رساند!



فضای هراس وابسته شود، در واقع اعتراف کرده که از درون احساس امنیت نمی‌کند.

تاریخ نشان داده است که قدرت‌های متکی بر ترس، حتی اگر از بیرون سقوط نکنند از درون فرسوده می‌شوند. همان ترسی که برای دیگران ساخته‌اند، آرام‌آرام به جان خودشان می‌افتد و تصمیم‌هایشان را اسیر می‌کند.

به همین دلیل است که من سرنوشت جمهوری اسلامی را در سرنوشت پابلو اسکوبار می‌بینم؛ نه از آن جهت که یکی قاچاقچی بود و دیگری حکومت، بلکه از این جهت که هر دو بر این باور بودند که با زور، حذف و هراس می‌توان برای همیشه ماند.

اما تاریخ هیچ‌گاه با این منطق کنار نیامده است. پایان قدرت‌هایی که خود را ابدی می‌پندارند، معمولاً نه با شکوه است و نه با اقتدار؛ پایانشان با انزوا، فرسودگی و فرو ریختن همان هیبتی رقم می‌خورد که سال‌ها برای ساختنش هزینه کرده بودند.

تاریخ فقط یک سؤال می‌پرسد: وقتی همه‌چیز تمام شد، از آن همه قدرت چه باقی ماند؟ در مورد اسکوبار، پاسخ روشن است. و درباره جمهوری اسلامی به‌زودی پاسخ آن را خواهیم یافت.

مهدی نوذر - تاریخ یک ویژگی عجیب دارد؛ خودش را عیناً تکرار نمی‌کند، اما الگوهایش را بارها و بارها به رخ انسان می‌کشد.

پابلو اسکوبار روزگاری نماد قدرت بود. پول داشت، سلاح داشت، آدم داشت و آن‌قدر نفوذ کرده بود که خیلی‌ها باور داشتند هیچ‌کس توان زمین زدنش را ندارد. او تصور می‌کرد می‌تواند با خشونت، ارباب و حذف مخالفان، برای خودش یک امپراتوری ابدی بسازد.

اما قدرتی که بر ترس و زور بنا شود، یک بیماری لاعلاج دارد؛ هرچه بزرگتر می‌شود، ترس صاحبش هم بزرگتر می‌شود.

اسکوبار برای نابودی دشمنانش از هیچ جنایتی ابا نداشت. هرکس را مانع بقای خودش می‌دید، حذف می‌کرد. اما سرانجام خودش به جایی رسید که نه از آن ارتش خبری بود، نه از آن ایهت و نه از آن ثروت افسانه‌ای. مردی که روزی همه از او می‌ترسیدند، در آخرین روزهای زندگی‌اش خودش از همه می‌ترسید.

به گمان من، جمهوری اسلامی نیز سال‌هاست در همین مسیر قدم می‌زند؛ ساختاری که بقای خود را بالاتر از هر اصل دیگری قرار داده و هر منتقد یا مخالفی را تهدیدی برای ادامه حیات خود می‌بیند. وقتی یک حکومت بیش از آنکه به رضایت مردم تکیه کند، به ابزارهای امنیتی و

می‌شوند. در نتیجه، با پدیده‌ای روبه‌رو خواهیم شد که از آن با عنوان «شاغلان فقیر» یاد می‌شود.
در آن سوی آمارهای ارائه شده از سوی دولت درباره وضعیت بازار کار ایران در بهار امسال، موضوع آمار افرادی است که اشتغال ناپایدار دارند اما به عنوان افراد شاغل معرفی شده‌اند. روزنامه «جهان صنعت» در اینباره نوشته داشت نام در فهرست شاغلان همیشه به معنای داشتن شغل مطلوب نیست.
مرکز آمار ایران، فردی را که در هفته مرجع حتی یک ساعت کار کرده باشد، با رعایت تعریف رسمی، شاغل محسوب می‌کند. در میان این جمعیت، گروهی هستند که کمتر از ۴۴ ساعت کار کرده‌اند، به کار بیشتر نیاز دارند و آماده انجام آن هستند. این گروه در طبقه اشتغال ناقص قرار می‌گیرد.

است.
در کنار جوانان، آمارهای مربوط به اشتغال زنان نیز قابل توجه و بیانگر شکاف جنسیتی عمیق در بازار کار ایران است. نرخ مشارکت اقتصادی زنان در بهار امسال فقط ۷/۱۳ درصد بوده است؛ در برابر مشارکت ۸/۶۷ درصدی مردان. یعنی از هر ۱۰۰ زن در سن کار، کمتر از ۱۴ نفر شاغل بوده یا در جست‌وجوی کار قرار داشته‌اند.
زنانی نیز که وارد بازار شده‌اند، با نرخ بیکاری ۷/۱۶ درصدی مواجه بوده‌اند؛ بیش از دوبرابر نرخ ۵/۷ درصدی مردان. در طول یک سال، تعداد زنان شاغل حدود ۱۸۷ هزار نفر کاهش و شمار زنان بیکار نزدیک به ۱۳۰ هزار نفر افزایش یافته است.
شدت بحران بیکاری در میان زنان جوان بیشتر است. نرخ بیکاری زنان ۱۵ تا ۲۴ سال به ۱/۳۵ درصد رسیده است؛ یعنی

➔ در بهار ۱۴۰۵ جمعیت ۱۵ ساله و بیشتر کشور به حدود ۶۶ میلیون و ۶۷۱ هزار نفر رسیده است. از این جمعیت، تنها ۲۷ میلیون و ۱۳۶ هزار نفر شاغل بوده یا فعالانه دنبال کار بوده‌اند. در مقابل، بیش از ۳۹ میلیون و ۵۳۴ هزار نفر در جمعیت غیرفعال قرار داشته‌اند. به زبان ساده، از هر ۱۰۰ ایرانی در سن کار، تنها حدود ۴۱ نفر در بازار کار حضور داشته و ۵۹ نفر بیرون از آن بوده‌اند.
در این میان نرخ بیکاری جوانان ۱۵ تا ۲۴ سال در بهار ۱۴۰۵ به ۴/۲۳ درصد رسیده؛ در حالیکه این نرخ در بهار سال گذشته ۷/۱۹ درصد بود. طی یک سال بیش از ۱۲۰ هزار نفر به شمار بیکاران این گروه افزوده شده و جمعیت جوان بیکار به حدود ۶۳۹ هزار نفر رسیده است. در گروه سنی ۱۸ تا ۳۵ سال نیز نرخ بیکاری از ۵/۱۴ به ۵/۱۷ درصد افزایش یافته و تعداد بیکاران این گروه از مرز یک میلیون و ۵۷۳



تعداد افراد دارای اشتغال ناقص در بهار امسال به بیش از ۲ میلیون و ۱۰۳ هزار نفر رسیده است؛ حدود ۴۴۳ هزار نفر بیشتر از سال گذشته. سهم اشتغال ناقص نیز از ۶/۶ به ۵/۸ درصد افزایش یافته و در مناطق روستایی به ۴/۱۱ درصد رسیده است.
این ارقام نشان می‌دهد وضعیت بازار کار ایران وخیم‌تر از آماری است که از سوی مرکز آمار ایران اعلام شده است. وضعیتی که گویای بحران معیشتی خانوارهایی است که افراد شاغل آن بیکار شده یا با اشتغال ناقص، درآمدی ناچیز دارند و در زیر خط فقر قرار گرفته‌اند؛ هر چند مرکز آمار ایران آنها را افراد دارای شغل در نظر بگیرد!
کارشناسان تأکید دارند اقتصاد ایران درگیر یک «چرخه معیوب» شده است. از یک سو، بنگاه‌ها به دلیل هزینه‌های بالا و نااطمینانی، انگیزه‌ای برای جذب نیرو ندارند (ضعف عرضه) و از سوی دیگر، کاهش شدید درآمد خانوارها باعث افت تقاضا برای کالاها و خدمات شده است (ضعف تقاضا).
در چنین شرایطی تا زمانی که سیاست‌های کلان از حالت «مدیریت بحران» به «احیای تولید» تغییر نکنند و محیطی برای امنیت حقوقی و مالی تولیدکننده ایجاد نشود، بخش صنعت نمی‌تواند پایداری خود را بازیابد و بازار کار، به‌ویژه در بخش‌های رسمی، تحت فشار خواهد ماند.

بیش از یک‌سوم زنان جوانی که فعالانه وارد بازار شده‌اند، شغلی پیدا نکرده‌اند. در میان زنان ۱۸ تا ۳۵ سال نیز، نرخ بیکاری ۶/۲۸ درصد ثبت شده است.
همچنین نرخ بیکاری زنان تحصیلکرده دانشگاهی در بهار امسال ۸/۱۸ درصد بوده و ۵/۵۸ درصد کل زنان بیکار را فارغ‌التحصیلان آموزش عالی تشکیل می‌دهند.
در همین رابطه فاطمه عزیزخانی، کارشناس بازار کار، در گفت‌وگو با وبسایت «اقتصادنیوز» گفته «در تمام دوره‌های گذشته، زنان آسیب‌پذیرترین گروه بازار کار بودند و معمولاً هر زمان شوکی به اقتصاد وارد می‌شد، نخستین گروهی که از بازار کار خارج می‌شدند، زنان بودند؛ اما اکنون شرایط تا حدی متفاوت شده است؛ تفاوت از این جهت که بخشی از این آسیب‌پذیری به مردان منتقل شده است.»
این کارشناس بازار کار معتقد است این روند، تاب‌آوری معیشت خانوارها را تضعیف می‌کند و از سوی دیگر، بر تقاضای بنگاه‌ها نیز اثر منفی می‌گذارد.
فاطمه عزیزخوانی تأکید کرده «پیامد تداوم این روند، تشدید فقر است؛ واقعاً با تشدید فقر و شکل‌گیری تله فقر مواجه خواهیم شد. افرادی که امروز در حاشیه خط فقر قرار دارند و هنوز به زیر خط فقر سقوط نکرده‌اند، در صورت ادامه این شرایط به‌تدریج به زیر خط فقر کشیده

هزار نفر گذشته است.
در همین رابطه روزنامه «جهان صنعت» نوشته آسیب بلندمدت بیکاری جوانان از زیان درآمد چندماه فراتر می‌رود. فردی که آغاز زندگی کاری‌اش با بیکاری طولانی همراه می‌شود، معمولاً در سال‌های بعد نیز دستمزد پایین‌تر، امنیت شغلی کمتر و فرصت محدودتری برای پیشرفت دارد. اقتصاد نیز سرمایه‌ای را که برای آموزش او هزینه شده، به تولید تبدیل نمی‌کند.
در این گزارش با اشاره به جوانان تحصیلکرده دانشگاهی که بیکار هستند آمده توسعه دانشگاه‌ها قرار بود پلی میان آموزش و بازار کار بسازد اما برای بسیاری از جوانان، این پل به صف انتظار ختم شده است. نرخ بیکاری فارغ‌التحصیلان آموزش عالی در بهار ۱۴۰۵ به ۶/۱۱ درصد رسیده؛ بالاتر از نرخ بیکاری کل کشور. تعداد بیکاران دانشگاهی نیز با افزایش بیش از ۸۳ هزار نفری، به حدود ۸۷۷ هزار نفر رسیده است. این گزارش افزوده در ظاهر یک عدد ممکن است گمراه‌کننده باشد. سهم فارغ‌التحصیلان از کل بیکاران از ۴۰ به ۶۳/۵ درصد کاهش یافته است. ممکن است تصور شود وضع آنان بهتر شده اما تعداد و نرخ بیکاری تحصیلکردگان هردو افزایش یافته‌اند. کاهش سهم آنان به این دلیل رخ داده که بیکاری در سایر گروه‌ها با سرعت بیشتری بالا رفته



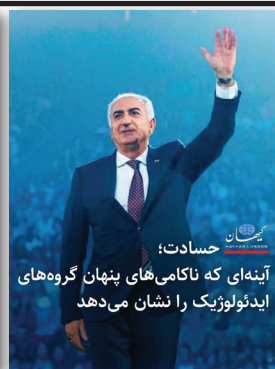
دونالد ترامپ:
مشروط به دستیابی فوری به توافق،
حملات علیه جمهوری اسلامی را
لغو کردم



کاهش اهمیت استراتژیک تنگه
هرمز با گسترش مسیرهای جایگزین



مارکو روبیو:
رژیم ایران باید تغییر کند



حسادت:
آینده‌ای که ناکامی‌های پنهان گروه‌های
ایدئولوژیک را نشان می‌دهد



پیام شاهزاده رضا پهلوی به مناسبت
۱۴ مرداد سالروز امضای فرمان مشروطیت



مسیحی‌اس: آمریکا و اسرائیل در حال
آماده‌سازی طرحی برای بمباران زیرساخت‌های
انرژی ایران هستند



شهریه دانشگاه آزاد در رشته‌های
پزشکی و پیراپزشکی:
هر ترم ۴۵ میلیون تا ۳۰۰ میلیون تومان!



سرنوشت مهم محموله‌های دارویی
اهدا شده به ایران در جنگ ۴۰ روزه



صعود قیمت‌ها در بازار ارز و طلا
همزمان با افزایش تهدیدهای جنگی



زویین خیرخواه، از بازداشت‌شدگان
اعتراضات دی ۴۰۴، در شاهرواد اعدام شد



حملات موشکی و پهپادی
جمهوری اسلامی به کویت و دو
نفتکش در دریای عمان



معاون پزشکیان کمبود گاز در
پاییز و زمستان امسال را تأیید کرد؛
جیره‌بندی گاز در راه است!



خشکسالی و کمبود آب؛
هشدار درباره شیوع وبا در ایران



وقوع دو زلزله در استان خوزستان



تأیید حکم اعدام مهدی ظریف،
از بازداشت‌شدگان اعتراضات دی ۴۰۴،
در دیوان عالی کشور



افزایش ۴۰۰ درصدی قیمت
روغن در یک سال!



تورم بالای صد درصد مواد غذایی در
سراسر ایران؛
چشم‌انداز نگران‌کننده از شرایط اقتصادی کشور



نخستین گام دولت برای افزایش
قیمت بنزین؛
سهمیه دوم بنزین کاهش یافت



خبرگزاری سپاه پاسداران:
توافق جمهوری اسلامی با آمریکا بر
سر «تنگه هرمز» کذب است



نیویورک پست:
انقلاب در ایران ممکن است
هر لحظه رخ دهد



قیمت سیب‌زمینی یک شبه
۴۰ درصد افزایش یافت!



۵۸ درصد از بیکاران جوانی کار
در ایران، کمتر از یک ماه ذخیره مالی
دارند



رویترز: وضعیت مهم مذاکرات
میان آمریکا و جمهوری اسلامی؛
اهداف اصلی ترامپ تحقق نیافته است



فرارسیدن موج جدید تورم در
اقتصاد ایران طی دو ماه آینده



هزینه حمل کالا به ایران
چهار تا هفت برابر افزایش یافت



دونالد ترامپ:
برای «خلع سلاح کامل حماس»
توافق حاصل شده است



«آخرین فرصت ترامپ» به جمهوری اسلامی:
عباس عراقچی: مذاکرات در حال
نهایی شدن است!



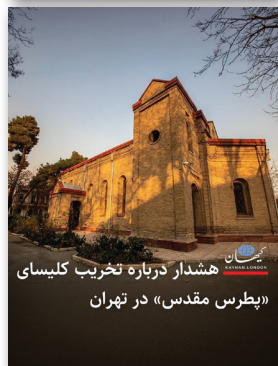
هشدار روزنامه «جمهوری اسلامی»
درباره بزرگنمایی قدرت نظامی حکومت



بررسی طرح محاصره‌ی زمینی ایران
برای تسلیم بغایای جمهوری اسلامی



نتانیاهاو:
تصمیم نهایی جنگ با ترامپ است؛
تنگه هرگز دیگر اهرم قدرتمندی علیه
بازار جهانی نفت نخواهد بود



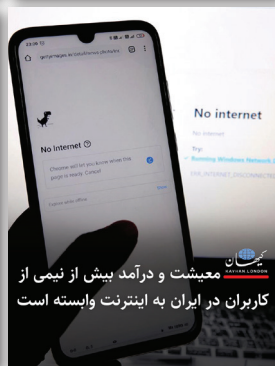
هشدار درباره تخریب کلیسای
«پطرس مقدس» در تهران



ثبت رکورد بی‌سابقه
«شاخص فلاکت» در بهار امسال



«تسلیم» یا «قطع سر»؟
ساعت شنی عمر جمهوری اسلامی
روی میز ترامپ



معیشت و درآمد بیش از نیمی از
کاربران در ایران به اینترنت وابسته است



فرمانده قرارگاه مرکزی «خاتم الانبیاء»:
هر کشوری که خود را سیر آمریکا قرار دهد،
در آتش جنگ خواهد سوخت



آتش‌سوزی در محدوده پناهگاه
حیات وحش میانکاله



روشن جدید سرکوب در جمهوری اسلامی:
اعلام جرم علیه شهروندان به بهانه
حمایت از معترضان اعدام‌شده!



وزیر اقتصاد: دولت پولی برای
پرداخت مطالبات حوزه دارو ندارد!



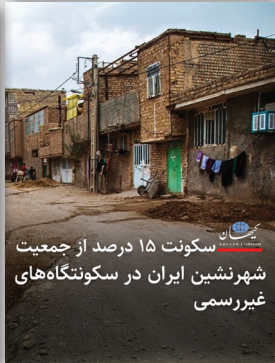
روح‌الله خمینی، نخستین
زمین‌خوار پس از انقلاب اسلامی
فیروزه نور دسترزم



سخنگوی دولت ابراهیم رئیسی:
مجازات ترامپ و نتانیاهاو «اعدام»
و «مصادره اموال» است



نرخ زادوولد در ایران به کمترین
رقم در ۶۰ سال گذشته رسید



سکونت ۱۵ درصد از جمعیت
شهرنشین ایران در سکونتگاه‌های
غیررسمی



تردید درباره کمک روسیه و
چین به جمهوری اسلامی در شرایط
جنگی



افزایش سه تا چهار برابری
رقم قبوض آب و برق



ادعای «اکسیوس»:
جمهوری اسلامی، آمریکا و عمان در
آستانه توافق بر سر تنگه هرمز



تداوم بحران کم‌آبی در ایران؛
خشکسالی شدید در ۹۸ درصد از
پهنه شهرستان مشهد



بحران در بازار موبایل ایران با
کاهش عرضه و افزایش ۵۰ درصدی
قیمت‌ها



نوع دیگری از سرکوب و ازعاب؛
وکتنامه‌های ایرانیان خارج کشور مشروط به
استعلام از دادستانی و نهادهای امنیتی شد



هشدار درباره راهکارهای تورم‌زای
دولت برای جبران کسری بودجه



معمای یک استراتژی دشوار؛
عربستان در مرکز جنگ جمهوری اسلامی
و آمریکا



عکس هفته | سیل مهاجران

در هفته‌ای که گذشت سیل هجوم ده‌ها هزار مهاجر از مراکش به شهر سبتة، در قلمروی اسپانیا، بار دیگر بحران مهاجران غیرقانونی و پناهجویان در اروپا را برجسته کرد. اثرگذاری شبکه‌های اجتماعی در میان مردم از ابعاد قابل توجه این فاجعه بود؛ ماجرا از انتشار پست‌هایی سازمانیافته در اینستاگرام با ادعای باز شدن مرز اسپانیا با مراکش آغاز شد و طی تنها چند ساعت ده‌ها هزار مراکشی راهی شهر «سئوتا» در اسپانیا و در مرز با شمال آفریقا شدند.